

Untitled



■ آدرس:
تهران - خیابان سمیه - نرسیده
به خیابان استاد نجات‌اللهی -
پلاک ۲۴۱ - طبقه چهارم
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۹۴۱
تلفن: ۷۳ - ۸۸۹۳۴۹۶۹

■ با تشکر از:
حجت‌الاسلام حسین فتاحی
سیدعلی صالحی، مهدی
توکلیان، امیررستمی
صدراامانی، سیدعلی شجاعی
■ چاپ: رواق

■ صفحه آرد: تر گس مقبولی
■ عکس: حسین موسوی فراز
■ اداری و مالی: رسول کریمی
■ هماهنگی: امیر نامورابری
■ حروفچینی: عفت الماسی
■ روابط عمومی: محمدجواد رزاقی

■ تحریریه:
زکویه سعیدی، حمیدنورشمسی
فاطمه مرشدی، لعل‌اعتمادسعید
حسین شکیب‌راد
■ طراحی نامواری: حمید عجمی
■ طراحی اینفوگرم: روح‌اله گیتی‌نژاد

■ صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:
محمد رضا زائری
■ جانشین مدیرمسئول و سردبیر:
مهدی خداجویان
■ مدیر تحریریه:
عطاءالله اسماعیلی



شب عروسیم رفتم هیئت

هیئت احباب الحسین
علیه السلام از آن هیئت‌های
جوانانه‌ای است که همه
اتفاقات آن را یک عده جوان
شکل می‌دهند. حالا آمده‌ایم
سراغ یکی از آن جوان‌ها که
عشق به هیئت نگذاشت که در
شب عروسی اش هم در جلسه
هفتگی شرکت نکند.

۱۰۸

گفتگو با خانم دکتر مریم
حاج عبدالباقی و حرف‌های شنیدنی او

۵۶



دیدار با خانم دکتر طوبی کرمانی
بانوی نمونه و موفق

۱۱۶



مجالس حضرت حوض

قرآن

- ۵۴ درس تلاوت و تفسیر
جلسه قرآن استاد سعید طوسی
در مسجد النبی نارمک هر هفته
برپاست
- ۵۶ دین مشکلی ندارد مایه هنریم
دکتر مریم حاج عبدالباقی
معتقد است که معارف دین
درست تبیین نمی‌شود
- ۶۰ همنشین باقرآن
مهمان خانواده‌ای شدیم که
همه‌شان باقرآن انس دارند
- ۶۲ با شرط کردن دستمزد مخالفم
مسعود سیاح گرجی میراث‌دار
پدرش است، هر دوی این‌ها نفر
اول مسابقات مالزی شده‌اند
- ۶۶ یک شب هزار شب
ترجمه و شرح کوتاهی از آیات
سوره قدر
- ۶۸ کلاس اخلاق در قلب بازار
پای سخنان معلم اخلاق مردم
پایتخت، آیت الله حاج شیخ
مجتبی تهرانی

پرونده

- ۳۶ سفره افطاری آقا
در ماه رمضان بعضی‌ها روز هشتان
را با رهبری افطار می‌کنند
- ۳۸ آب و نان و خرما
در روایات بسیاری به سادگی
سفره‌های افطاری توصیه شده
- ۴۰ شهید شیرین افطار
مکان‌های مقدس در لحظه افطار
حال و هوای خاصی دارند
- ۴۲ سفره‌های هزار رنگ
در ماه رمضان خیلی‌ها افطاری
می‌دهند، امانیت‌ها فرق می‌کند
- ۴۶ چند خوردی چرب و شیرین
لحظه‌های افطار را چگونه سپری
کنیم؟
- ۴۸ افطار به وقت تلویزیون
برنامه‌های لحظه افطار روز داران
را به خدائزیدی می‌کند؟
- ۵۰ جای خالی افطاری در مساجد
افطاری دادن در گفت‌وگو با آیت
الله سید محمد امین

هیئت

- ۱۸ وقت مردم را تلف می‌کنند
پای صحبت‌های حاج سید
محمد موسوی پیر غلام اهل بیت
علیهم السلام
- ۲۲ اصل اول اخلاق
یک شب در هیئت حاج ماشالله
عابدی فر که طرفداران خاص
خودش را دارد
- ۲۴ صداقت نباشد بی فایده است
منبرهای حجت الاسلام و
المسلمین سیدمهدی طباطبایی
همیشه پر مخاطب است
- ۲۸ آزاد شده با عبدالله علیه السلام
رسول ترک با همه بدی‌هایش،
یک خویسی بزرگ داشت و آن
هم محبت امام حسین علیه
السلام بود
- ۳۰ خودشان خط می‌دهند
دعای سحر استاد سیدقاسم
موسوی قهار جزئی از خاطرات
ایرانی‌ها شده است

بسم الله

- ۴ شب‌هایمان را روشن کنیم
یادداشت سردبیر
- ۶ قاب خیمه
گالری جهان اسلام
- تقویم
- ۱۲ نگاهی به اتفاقات این روزهای
تاریخ اسلام
- ۱۴ مداحی شغل نیست
گزیده‌ای از توصیه‌های مقام
معتظم رهبری به مداحان و
شاعران اهل بیت علیهم السلام

■ مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
■ خیمه در وپرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
■ برگشت دادن مطالب ارسالی امکان پذیر نیست.

پیامک بفروسید ۳۰۰۰۶۹۶۱



۷۴



۴۸



۴۲

گفت و گو با سید محمد موسوی
پیر غلام اهل بیت علیه السلام

۷۸



نقد های علی در ستکار به برنامه های
مناسبتی تلویزیون

۹۴



گزارشی از جلسه قرآن استاد سعید
طوسی در مسجد النبی

۵۴



سید الشهدا
امید

زینیه

۱۱۶ زنان نقش بیشتری در زمینه سازی

ظهور دارند

دیدار با خانم دکتر طوبی کرمانی
بانوی نمونه و موفق

۱۲۰ تربیت زن مسلمان

گزارشی از مدرسه علمیه حضرت
نرجس سلام الله علیها

۱۲۲ مدیون استاد طاهایی هستیم

مصاحبه با منور شایسته خو
مدیریت مکتب نرجس

۱۲۴ اخبار

نگاهی به رویدادهای مذهبی

۱۲۸ راه باز است

چشم هایم تو را می بینند

جوان

۱۰۶ کوچه گردان عاشق

آشنایی با جمعیت دانشجویی
امام علی علیه السلام

۱۰۸ شب عروسم رفتم هیئت

گفتگو با مهدی حیدری از
جوانان هیئت احباب الحسین
علیه السلام

۱۱۰ وقتی همه خواب نیستند

پیشنهادهایی برای استفاده بهتر
از شب های ماه رمضان

۱۱۲ از نیم رخ تا سه دو نگ سه دو نگ

گفتگو با احسن متولیان، مجری،
ترانه سرا و نویسنده جوان

فرهنگ

۹۰ حکم تیرم صادر شده بود!

غلامرضا سازگار شاعر و مداح
اهل بیت علیهم السلام از
خاطر آتش می گوید

۹۴ بایک میلیارد هم برنامه سحر

اجرا نمی کنم
نقد های علی در ستکار به
برنامه های مناسبتی تلویزیون

۹۸ ۳۲ سال کوتاهی

چالش ها و آسیب های
نمایش های مذهبی در گفتگو با
محمود فرهنگ کارگردان و رئیس
کانون نمایش های دینی کشور

۱۰۳ هنرمندان ماهیت تناظر دینی را

کمتر درک کرده اند
محمود علی خبری؛ عضو شورای
پژوهش هنر فرهنگستان هنر

۱۰۴ تنها شعر بر من غلبه کرد

چند دقیقه همنشینی با احد
ده بزرگی

اهل بیت علیهم السلام

۷۲ میوه دل پدر بزرگ

مروری بر زندگی امام حسن علیه
السلام، از ولادت تا امامت

۷۴ فلسفه نبأ فید

حرف های متفاوت استاد سید
مجتبی حسینی درباره راز زیارت
امام حسین علیه السلام

۷۸ گوشه ای دنج در شلوغی بازار

زیارت امامزاده زید بن امام
زین العابدین علیه السلام

۸۲ هفت کلید بخشش الهی

راهنمای دعا هایی که در ماه
مبارک رمضان وارد شده است

۸۶ سربلبله القدر

مقاله ای درباره ارتباط امام عصر
عجل الله تعالی فرجه الشریف و
شب قدر

۸۸

خیال خام

قیام سید الشهدا علیه السلام در
گفتاری از آیت الله سید عبدالله
فاطمی نیا

شب‌های روشن پرداخته شود. آنچه باعث شد یادی از ماجرای این برنامه شود اتفاقی است که ذهنم را به خود مشغول ساخته است. در پشت بام شب‌های روشن اتفاق اینگونه رقم خورده است که اهالی یک ساختمان می‌توانند دور هم جمع شوند و با کمک هم باعث به وجود آمدن فضایی شوند که در شکل و شمایل زندگی آپارتمانی امروزی کمتر با آن مواجهیم. آن‌هایی که هنوز دل در خانه‌های سنتی دارند و احیاناً با وسعتی بیشتر، بهتر می‌دانند که امکان برگزاری مجالس دینی و محافل مذهبی در اینگونه زندگی‌ها بیشتر از زندگی‌های به اصطلاح مدرن امروزی است. خانه‌های پدری ما همیشه با بوی دل‌انگیز نذری پختن‌ها و یا به اصطلاح خرجی دادن‌ها در حافظه‌هایمان به جای مانده است. خاطره‌هایی شیرین که گویی تنها در همان سبک و سیاق زندگی می‌توان آن را چشید و جایی در ساختمان‌های سرکشیده از دامن شهرها ندارد. تا همین چند وقت پیش و البته هنوز در محله‌هایی که یا قدیمی‌ترند یا قدیمی‌ها هنوز سایه‌شان بر سر آن محله گسترده است، رسم بوده و هست که اهالی برای برگزاری بهتر مراسمی که در خانه یکی از خودشان برگزار می‌شود، آستین همت بالا می‌زنند و دست یاری به هم می‌دهند و به بهترین شکل ممکن با توجه به بضاعت و توانایی‌هایشان به بزرگداشت شعائر الهی می‌پردازند. اگر مراسم از جنس نذری‌پزان باشد، یکی دیگ و دیگری می‌آورد، یکی اسباب‌پخت و پز جور می‌کند، یکی به سبزی پاک می‌کند، یکی سیاهی می‌زند، یکی ریشه می‌کشد و... تا آن بزرگی که ظرف‌ها را می‌شوید و خانه را بعد از اتمام مراسم

ماه مبارک رمضان که فرا می‌رسد علاوه بر حال و هوای معنوی و بوی خوش بندگی و اطاعت که به مشام جان می‌رسد، حس و حال دیگری



نیز در میان جامعه مومن و دیندار کشورمان جاری می‌شود. دل‌های مومنین در این روزها و شب‌ها به هم نزدیک‌تر می‌شوند. مردم چنان به هم نزدیک می‌شوند و دست یاری و همکاری به سوی هم‌دراز می‌کنند که گویی روح تعاون در کالبد جامعه دمیده شده است.

در گوشه و کنار زندگی اجتماعی این ایام می‌توان کسانی را یافت که هم‌دل و هم‌راه، به قصد تقرب به درگاه الهی تلاش می‌کنند تا روزه‌داری را اطعام کنند و یا مجلس دعا و مناجاتی برپا سازند و یا مستمندی را دستگیری کنند. گاه در این مجامع اصلاح بین‌قلوبی کینه‌مند صورت می‌گیرد و گاه دل‌های محبی به یکدیگر می‌رسند.



امسال ماه مبارک رمضان را در حالی می‌گذرانیم که شب‌هایم بر پشت بامی از بام‌های تهران همراه با برنامه «شب‌های روشن» شبکه دو سیما سپری می‌شود. شب‌های روشن ماجرای اهالی ساختمانی است که به مناسبت ماه مبارک رمضان گرد هم می‌آیند و گفت و گویی می‌کنند و می‌شنوند و شیرینی و چایی می‌خورند و البته حدیثی می‌شنوند و گاه خندان و گاه گریان به صحبت‌های کارشناس و مجری برنامه گوش می‌دهند.

در این مقال بنا نیست به نقد یا تعریف برنامه

شب‌هایمان را روشن کنیم

مهدی خداجویان



تمیز می‌کند. همه به گونه‌ای همکاری می‌کنند که گویی خود بانی مجلسند و آبروی دوست و همسایه‌شان آبروی خود می‌دانند. اگر برنامه از نوع مجلس وعظ و روضه باشد باز هم همین داستان است با اندک تفاوتی در نقش‌ها که یکی چای می‌دهد و یکی سیستم صوتی را ردیف می‌کند، یکی فرش می‌آورد و یکی اسباب گرمایشی یا سرمایشی مجلس را از خانه خود می‌آورد. و قس علی هذا تا پایان برنامه...



اما این روزها، در این روزگاری که محله‌ها رشد عرضی ندارند و تنها ارتفاع زیاد می‌کنند، گویی دیوار فاصله‌ها نیز همراه با ساختمان‌ها بالا رفته‌اند و محله‌های کوچک و گاه بزرگ عمودی دیگر شباهت به کوچه‌های پر سلام و علیک و حتی آشتی‌کنان ندارند و هر کس به دنبال درمان درد خود و چاره گرفتاری خویش است.

اما در پشت بام برنامه شب‌های روشن اتفاق دیگری رخ داد. اتفاقی از جنس حرمت سلام و علیک و شیرینی خوردن نان و نمک. در پشت بام این برنامه یک تجربه که شکل گرفت. این که اهالی یک مجتمع -ولو مدرن و امروزی مانند برج‌های سر به آسمان شهرمان- می‌توانند در رقم زدن اتفاقی دوست‌داشتنی سهیم و شریک باشند. اهالی یک مجتمع می‌توانند از همان داشته‌های معمولی زندگیشان برای برگزاری مراسم‌ها و مجالس دینی استفاده کنند. می‌توان همین محله‌های عمودی امروزی را با کمک و یاری ساکنانش تبدیل به محفلی برای ترویج و نشر عقاید و آیین و سنن مذهبی کرد.

سخت نیست اگر دل‌های مومن مجتمعی مسکونی و حتی تجاری و اداری به هم نزدیک شوند و هر یک از اهالی بخشی از کار را به دست گیرند و گوشه‌ای از بار را بردارند و به دوش گیرند. اگر کسی توان مالی بیشتری داشته باشد، بیشتر دست در جیب کند و آن که آشپز خوبی است پخت و پز را به عهده گیرد. جوان‌ترها مجلس آرایشی کنند و پیرترهای آبرومند در نزد خداوند متعال زینت مجلس شوند و کودکان در سایه‌سار خیمه و بارگاه نام و یاد اهل بیت علیهم السلام رشد و نمو داشته باشند. سخت نخواهد بود اگر دیوارهای فاصله را به حرمت مجلس ذکر آل الله علیهم السلام برداریم.



در زندگی‌های مدرن امروزی که آنتن‌های مرکزی و سیستم‌های دزدگیر برای کل مجتمع در خدمت ساکنان است، خوب است اگر دل‌هایمان را به سوی حضرت مقلب القلوب و الابصار تنظیم کنیم و نام خداوند متعال و بندگان شایسته‌اش را در تمام ساختمانمان به اشتراک بگذاریم.



این یادداشت قرار نیست منکر همه تلاش‌های خالصانه و بی‌ریایی باشد که همین الان هم حتی در گوشه و کنار شهر و کشور اسلامی مان جریان دارد. بسیاری از مردم مومن و محب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در همین لحظه نوشتن و خواندن این یادداشت در حال تدارک مقدمات لازم برای برگزاری همین مراسم‌ها و آیین‌های دینی و سنتی هستند و بسیاری دیگر

نیز توانایی‌های مادی و غیر مادی خود را در اختیار دیگرانی می‌گذارند که یا جمعی به صورت خیریه‌ها و مجموعه‌های مشابه دینی فعالیت می‌کنند و یا به صورت فردی برای رونق گرفتن شعائر الهی تلاش می‌کنند. هر دم و قدمی که در مسیر نام و یاد آل الله صلوات الله علیهم اجمعین است گرم و پاینده باد.

نکته‌ای که باعث نگارش این یادداشت شد فراموش شدن همکاری‌های اجتماعی برای برگزاری مراسم‌های دینی است. شاید تک تک اهالی ساختمان مورد بحث در راهاندازی و ادامه برگزاری مراسمی سهیم باشند و یا خود بانی برنامه‌ای در فضایی دیگر باشند. نکته اینجا است که رنگ و بوی اینگونه مجالس نباید از خانه و زندگی‌هایمان جدا شود. نباید به این بهانه که راهاندازی مجلس و برنامه دینی در مجتمع‌ها و آپارتمان‌ها ممکن نیست از برگزاری آن‌ها خودداری کرد.



مجالس مذهبی مخصوصاً هیئت‌های توسل و یاد اهل بیت علیهم السلام سبب روشنائی زندگی‌ها و آرامش و سکون دل‌هاست. نباید فراموش کرد که مادران مادر همین اشک ریختن‌ها و گریه‌های بر مصائب اهل بیت علیهم السلام بزرگمان کرده‌اند و در میان همین سینه‌زن‌ها و گریه‌کن‌ها رشد و نمو کرده‌ایم.

مباد که دیوارهای بتونی آپارتمان‌ها روشنائی خانه‌هایمان را بگیرند و فرزندانمان را از نعمت بزرگ شدن در خیمه و بارگاه حسینی علیه السلام محروم کنند. مباد که روشنی خانه‌هایمان کم‌سود شود.



ماہنامہ خیمہ

ایوان طلائی حرم
امیر المومنین علیہ السلام.
نجف اشرف.
عکس: امیر حسامی نژاد





فانچلایا

فروش شیرینی های
ماه رمضان در بازاری در
داکا (بنگلادش) سپتامبر
۲۰۰۸. رمضان ۱۴۲۹ ق.
عکس: PavelRahman



تاب

مسلمان آمریکایی در حال
سجده در سواحل فلوریدا/
آگوست ۲۰۱۰. رمضان
۱۴۳۱ ق.

عکس:
Mohammad Saif





شجره و سلسله شما سلسله‌ای
طولانی و شجره‌ای طیبه از
زمان ائمه علیهم السلام است.
شما همیشه سخت‌ترین
کارهای تبلیغی را در مقابله با
دشمنان حق و حقیقت بر دوش گرفته‌اید. سلسله
نسب معنوی شما به دعلب و به فرزدق و کمیت و
شعرایی از این قبیل می‌رسد.



■ سنت شعر خوانی برای اهل بیت علیهم السلام
یک حرکت عصیان‌آمیز در مقابل یک انحراف
بزرگ تاریخی است... تا آنجا که ما کم و بیش
می‌دانیم، این سنت از همان ابتدای تاریخ اسلام تا
امروز وجود داشته است.

■ ما امروز وقتی جامعه مداحان و ستایشگران
اهل بیت علیهم السلام را می‌بینیم، احساس
می‌کنیم یک سابقه‌ممتد و یک ریشه عمیق، این
حرکت و این سنت را به اعماق تفکر اسلامی و
قرآنی وصل می‌کند... مدح اهل بیت علیهم السلام
به عنوان یک عمل انقلابی و یک تعرض بر ضد
ارزش‌های حاکم بر شعر و ادب و هنر و خوانندگی
وابسته به دربارهای خلافت، از دوران ائمه همواره

گزیده‌ای از توصیه‌های مقام معظم رهبری به مداحان و شاعران اهل بیت علیهم السلام

مداحی شغل نیست

یکی از اتفاقات پُربرکت این روزگار دیدارهای سالیانه شاعران و مداحان اهل بیت
علیهم السلام با مقام معظم رهبری است، که به بهانه‌ها و مناسبت‌های متنوع برگزار
می‌شود. گذشته از لطف و صفایی که در این دیدارها موج می‌زند، نکات و تذکرات
مهم ایشان جای تأمل چندباره دارد. بی‌شک مقام معظم رهبری فارغ از شخصیت
سیاسی و مذهبی که برای انسان‌های آزاده و انقلابی جهان دارند، هنرشناس و
هنرمندشناسی آگاه و پیگیر هستند. در این جای کم و صفحات محدود تنها توانستیم
به سرعت گذری کنیم بر سخنان ایشان در جمع مداحان و شعرای اهل بیت علیهم
السلام در سالیان گذشته. برای به سامان رسیدن این نوشته از کتاب بسیار مهجور
«ستودگان و ستایشگران» که گزیده‌ای باب‌بندی شده از سخنان رهبر فرزانه درباره
مداحی و مداحان است و ایضاً از «پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار» ایشان
استفاده بسیاری شده است.



چه دنیای خوبی است این دنیای ذکر و مدح و غرق شدن در عشق اهل بیت علیهم السلام و هم چنان غرق کردن دیگران و روشن نگه داشتن شعله محبت خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

وجود داشته و امروز هم... با کیفیت خوبی ادامه دارد.

■ در لابه لای ظلمات، یک برق روشنگر می زند، که آن، برق ذوق و اندیشه و زبان گویای مداحان خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است. کسانی که اولین حجاب ها را شکافتند و خود را به سرچشمه نور و معرفت رساندند و حاضر نشدند ارزش خود را پست و بی مقدار کنند. فقط همین تعداد شعرای مداح اهل بیت علیهم السلام بودند و نیز کسانی که شعر آن ها را خواندند. این اشتباه است که ما خیال کنیم شعرای اهل بیت علیهم السلام شعرای درجه دو بودند. بلکه بلعکس، شعرای اهل بیت علیهم السلام غالباً به لحاظ پایه شعری از شعرای درجه یک بودند و هستند.

جایگاه و اهمیت مداحی

اگر ما اسلام اهل بیت علیهم السلام را اسلام ناب می دانیم، و اگر اهل بیت علیهم السلام را مثال ها و نمونه های کامل آن اسلام در عمل می شناسیم و اگر خود را دنباله رو آن اسلام و آن نمونه ها می شماریم، باید به سمت اهداف آنان حرکت کنیم. همانطور که مرحوم علامه طباطبائی رحمت الله علیه می فرمود: «نبی ولی بر سر قله ای ایستاده و انسان ها را به آن قله دعوت می کند، و ما داریم به سمت آن قله حرکت می کنیم و می روییم. اگر نمی شد از این دامنه بالا رفت و این صخره ها را پیمود، او دعوت نمی کرد. پس او که دعوت می کند، در حقیقت دارد به ما می گوید می توانی بیایی. لذا باید حرکت کنیم و برویم.»

اگر اینطور است که ما داریم به سمت آن قله و آن فراخواننده و دعوت کننده بزرگ حرکت می کنیم و اگر زندگی ما و اعتقاد ما بر این پایه شکل گرفته و جامعه ما و تاریخ ما اینگونه ساخته شده و اگر نظام جمهوری اسلامی بر پایه این تاریخ و این معرفت بنا شده، پس ما مجموعه ای لازم داریم که اهل بیت علیهم السلام را با استفاده از والاترین ابزارهای هنری شرح و تبیین کند، و عشق آن ها را دل ها افزایش دهد، اهدافشان را بیان کند، و با استفاده از آن ابزار هنری که هنوز از آن ها در این راه استفاده نشده آنان را به کسانی که به ایشان عشق می ورزند معرفی کند.

■ کسی تصور نکند که این یک شغل است. همچنان که یک نفر بقال می شود، یا یکی عطار

می شود، یکی هم مداح می شود. این چنین نیست...

■ چه دنیای خوبی است این دنیای ذکر و مدح و غرق شدن در عشق اهل بیت علیهم السلام و هم چنان غرق کردن دیگران و روشن نگه داشتن شعله محبت خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در دل ها و تشویق دل ها به عشق ورزیدن روز افزون به این شجره طیبه... این حرفه شما، حرفه مبارکی است و بخش عظیمی از بهترین محبت ها و عشق ها را به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عباد الله الصالحین و اولیاء الله - که برای بشر بهترین خصلت هاست - در عالم شما می شود مشاهده کرد.

رسالت ها و وظایف مداح

مداحی و شعر خوب در دل ها اثر می گذارد. این را بدانید، شعری را که دارای مضمون و محتوای خوبی باشد، اگر با صدای خوب بخوانید، خدمت بزرگی است... البته مسئله حنجره یک مسئله مستحبی است و فریضه اش همان شعر است... لکن اگر صدا خوش بود، دوبرابر ارزش دارد.

■ تأثیر شعر در ذهن بیشتر است و گاهی که یک شاعر یک بیت شعر می گوید، از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک مصرع شعر در ذهن ها می ماند، مردم آن را می فهمند و تکرار می کنند که ماندگار شود. گاهی می بینیم برای حفظ یک بنای اعتقادی یا عاطفی، یک شعر آنقدر اهمیت دارد که چندین کتاب آنقدر اهمیت ندارد.

■ امتیاز شما بر گوینده نثر این است که شما برای تفهیم و القای مطلب از دو هنر شعر و خوانندگی استفاده می کنید... این چیز مهمی است، البته خوانندگی هم یک هنر است که فقط معنایش صدای خوب نیست، بلکه خوانندگی در مقام مدح، یک هنر خاص است و این هنر را باید یاد گرفت.

■ عاطفه مردم ما و پیوند و عشق شان با ائمه علیهم السلام که حقیقتاً از شادی آن ها شاد و در عزای آن ها محزون و غمگین می شوند، عامل بسیار مهمی است که حفظ و تقویت و پالودن و پیراستن و جهت دادن و هدایت آن بر عهده کسانی از برگزیدگان است؛ از جمله همین سلسله محترم مداحان که صاحب این منصب عالی هستند.

■ امداحان! از حضور در مجالس شهدا غفلت نکنند. من خواهش می کنم برادران با جستجو محافل شهدا را پیدا کنند و خودشان در آنجا حضور پیدا کنند و منتظر دعوت آن ها نباشند. کما اینکه شنیدم بعضی از برادران مداح همینطور هستند و اصلاً خودشان می روند مجالس شهدا را پیدا می کنند و در آنجا مداحی می کنند. اگر این سازماندهی شده باشد، خیلی بهتر است... خدا شاهد است که اگر من مداح و منبری بودم و وقت داشتم، آرزوی می کردم بروم در مجالس شهدا مداحی یا صحبت کنم و یا شعر بخوانم. منتها فرصت نمی کنم. لکن اگر برایم امکان داشت بدانید که نمی گذاشتم هیچ وقتی از اوقاتم از حضور در مجلس شهدا فوت شود. هم تسلی آن ها و هم بزرگداشت شهادت آن ها بسیار عزیز و محترم است.

■ ما وقتی پانزده سال، بیست سال پیش این حرف ها را می زدیم، خیلی ها می شنیدند، اما نمی فهمیدند ما چه می گوئیم. می گفتیم آقا فقط نپردازید به خط و خال خیالی چهره ائمه علیهم السلام. در تعریف زلف امام، یا بروی امام و یا چشم امام شعرهایی می خواندند، حال اینکه این ها تعریف نیست. حالا اگر امیر المومنین علیه السلام، ابرویش کمانی باشد یا کمانی نباشد، در شخصیت او چه اثری می گذارد؟ زلف او افشان باشد یا نباشد، مگر چه اثری می گذارد که بیاویم در قصیده ای راجع به امیر المومنین علیه السلام، از زلف آن حضرت بگوئیم؟... وقتی می گفتیم آقا این ها را چرا می گوئید؟ تعجب می کردند و می گفتند که پس چه بگوئیم؟ آن روز وقتی می گفتیم آقا از مسائل زندگی علی علیه السلام بگوئید، از برجستگی های عملی او بگوئید، برایشان روشن نبود... چیز کمی نیست که یک نفری حاکم باشد و تمام قدرت در کف اقتدار او باشد، بیت المال دست او باشد، قدرت دست او باشد، شمشیر دست او باشد، نفوذ کلمه دست او باشد، اما زندگی شخصی اش آنچنان باشد که خود او به یاران نزدیکش بگوید شماها نمی توانید مثل من زندگی کنید... الا و انکم لاتقدرون علی ذلک.

■ از مداحی باید برای پرآکندن معارف اسلامی در باب اهل بیت علیهم السلام استفاده کنید. این محبت که مردم دارند بایستی در خواندن شما و گفتن شما عمیق و ریشه دار و تند و آتشین و برافروخته بشود. تشیع آیین محبت است. خصوصیت محبت، خصوصیت تشیع است. کمتر مکتبی و مسلکی و دین و آیینی و طریقه ای را مثل تشیع پیدا می کنید که اینقدر با محبت سروکار

حالا اگر
امیر المومنین علیه
السلام ابرویش
کمانی باشد یا
کمانی نباشد، در
شخصیت او چه
اثری می گذارد؟
که بیاویم در
قصیده ای از زلف
آن حضرت بگوئیم



همین محبت شما و محبت این مردم به حسین بن علی علیه السلام
ضامن حیات و بقای اسلام است

راجع به اخلاقشان، گذشتشان، عفوشان و فضایل ایشان است خیلی خوب است. و خصوصیت دوم، شعرهایی است که دستور العمل و الگوی زندگی آنها را به ما نشان می دهد. مثل صراحتشان، شجاعتشان، حق گویشان، ایثارشان، انفاقشان و محو کردن خودشان در خدا.

■ در دعاها و زیارت نامه های ما تعبیرات عاشقانه و خیلی خوبی هست که حقایق را نشان می دهد. اینها را باید محور قرار داد. آنچه را مثلاً فرض کنید شیخ [مفید] و [اسید] ابن طاووس و بزرگان در کتابهایشان گفته اند و [شیخ] مفید در ارشاد آورده، اینها را بایستی محور قرار داد و بعد آنها را به شکل زیبا و شایسته ای ارائه کرد. حالا به چه شکلی، هر کس سلیقه ای دارد، بر آن ایرادی وارد نیست.

■ توجه داشته باشید که نسبت به شعر سخت گیری کنید... یعنی شعری را که خود شما سرودید و خواندید که ممکن است خوب باشد، در یک مجمع ادبی به نقد بگذارید و به هر کسی که این شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر آن وارد کند جایزه بدهید، تا قوی بشود، یا از اشعار خوب دیگران استفاده کنید و سعی کنید سطح اشعار خودتان را بالا ببرید.

■ آهنگ و موسیقی در مداحی

راجع به آهنگ، تا جایی که من خبر دارم، در مراسم مذهبی همه ادیان آهنگ هست، و حتی روایت دارد که قرآن را با آهنگ بخوانید.

شما وقتی در کلیساها می روید، می بینید آثار مذهبی را با صدای خوب می خوانند. در معابد بودایی هم که بروید می بینید آن عالم و روحانی بودایی با آهنگ می خواند. من در بُتخانه های هندی رفتم. آنجا هم یک روحانی متفکر نشسته بود، قدری صحبت کرد، بعد هم با تکیه به صوت و آهنگ بنا کرد به خواندن. این را یکی رازی دارد. این را نباید دست کم گرفت. سخن گفتن با آهنگ غیر سخن گفتن ساده و بی آهنگ است. وقتی که بخوایم یک سخن منوی در دل جای بگیرد و خودش را درست نشان بدهد، تنها زبان رسا و بیان خوب کافی نیست، یک چیز دیگر هم لازم دارد و آن آهنگ است... موسیقی کلمات و جملات در افاده مفهوم آن جملات موثرند... سنت مداحی شما این است که با آهنگ بخوانید. در آثار دینی و در خواندن های دینی همه جا آهنگ وجود دارد...

دوم معارف اسلامی را از توحید و از انقلاب و از مسائل انقلاب و مسائل مربوط به زندگی ائمه، از ابعاد مبارزه و ابعاد انقلابی مطرح کنند. و در رکن سوم هم که ذکر مصیبت است باید البته با بُعد انقلابی مطرح بشود. و حتماً باید مصیبت ذکر بشود. گاهی در بعضی از روضه خوانی ها مصیبت اصلاً ذکر نمی شود. مصیبت، یعنی آن واقعه ای که اتفاق افتاده، باید تشریح بشود.

■ بنای ما بر این نیست که هر چه را در آن شک داریم یا قبول نداریم بگویم نخوانند. اگر ما بخوایم بگوییم آقا این دقیق نیست نخوانید، می ترسم برادران در خواندن خیلی محدود بشوند. توجه داشته باشید آن چیزی را بخوانید که معقول باشد. البته نه اینکه انسان هر چه معقول است از خودش بسازد و بخواند، بلکه چیزهای معقول را متکی به اصول و واقعیت ها کنید. البته گزاره هر حدیثی

وقتی هنری باشد با پیرایه هایی همراه خواهد بود و آن پیرایه ها ایرادی ندارد. منتها مشروط بر اینکه پیرایه ها اصل نشود، اصل را بایستی از واقعیت ها گرفت و به آن بیان هنری و پیرایه هایی که لازم است بخشید.

■ برای اینکه انسان شعر خوب بگوید اخلاص کافی نیست. شعر یک علم است، یک فن است، یک دانش است. خود شعر یک هنر است، اما دانش هم دارد و مثل دیگر دانش ها اندازه دارد، متر دارد و مثل بقیه چیزها اهل فن می توانند درجه آن

را مشخص کنند، جست و جو کنند و بهترین را بیابند و بخوانند. کسی که شعر متوسطی گفته، اگر با اخلاص هم گفته، آن را بین خودش و خدا نگه دارد. شعر متوسط اصلاً نخوانید، شعر پایین و غلط را اصلاً نخوانید.

■ جامعه مداح ایرانی شعرهای خوب را بخواند. چون سبک مداحی به ویژه مداحی سنتی مانند حرف زدن با مردم است. من مداحان قدیمی را دیده بودم که وقتی شعر می خواندند گویا با مردم حرف می زدند و تک تک افرادی که آنجا نشسته بودند، می فهمیدند.

■ دو خصوصیت برای مداح اهل بیت لازم است. یکی اینکه محبت ما را به اهل بیت علیهم السلام زیاد کند؛ و لذا هر شعری باید محبت مستمع را به اهل بیت علیهم السلام زیاد کند، که خود آن محبت ضامن همه چیز است و شعرهایی که

داشته باشد. و علت اینکه فکر تشیع تا امروز - با وجود آن همه مخالفتی که با آن شده است - باقی مانده، این است که ریشه در زلال محبت دارد. تشیع دین تولی و تبری است، آیین دوست داشتن و دشمن داشتن است، و عاطفه در آن، با فکر هماهنگ و همدوش است و این ها خیلی مهم است. محبت، اصل سحر آمیز عجیبی است. اگر محبت در تشیع نبود، این دشمنی های عجیبی که تاکنون با شیعه شده باید آن را از بین می برد. همین محبت شما و محبت این مردم به حسین بن علی علیهما السلام ضامن حیات و بقای اسلام است. و این معنای همان فرمایش امام رحمت الله علیه است که می فرمودند عاشورا اسلام را از نده [نگه داشت]. ایام فاطمیه هم همینطور است، ولادت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هم همینطور است. شما باید با استفاده از این هنر این محبت را در میان مردم عمق ببخشید، ترو تازه نگاه دارید و برافروخته کنید.

■ اشعار و مدایح

■ علاقه من سبک هندی است. به خاطر اینکه شعرای سبک هندی هر چه را که شما بخواهید به بهترین زبان گفته اند.

■ اگر شما آغاز مجلس [تان] را با اخلاق و با سیاست و معارف و آداب معاشرت و اینگونه شعرها پر کنید، فوق العاده خواهد بود. چون این اشعار بسیار بسیار در بالا بردن سطح فرهنگ جامعه مؤثر است، و مدح اهل بیت علیهم السلام هم همینطور است.

■ یکی از چیزهایی که باید در اشعار مداحان باشد، مفاهیم بلند اسلامی در باب توحید مثلاً یا در باب نبوت است. و بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت همین مدایحی است که شعرای بزرگ مادر مقدمه دیوان ها و مثنوی هایشان گفته اند. انسان حقیقتاً با مضامین قوی و روشنگر این اشعار، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام علیه السلام یا فاطمه زهرا سلام الله علیها را می شناسد. البته آن طور که باید، نمی شود شناخت... لکن در آن حدی که ممکن است می توان آن ها را شناخت.

■ از لحاظ مضمون باید سه رکن در مدح و شعر خواننده و مداح وجود داشته باشد. من از آقایان مداحان محترم خواهش دارم در رکن اول همچون روش سابق و معمول مداحان، ابتداء غزل و یا قصیده ای را برگزینند که در آن از اخلاق انسانی ذکری شده باشد، آن هم با روش مناسب و صدای خوب شما، تا مردمی که گوش می دهند کاملاً تحت تأثیر قرار بگیرند. در رکن

برای اینکه انسان
شعر خوب بگوید
اخلاص کافی
نیست. شعر یک
علم است، یک فن
است، یک دانش
است. خود شعر
یک هنر است، اما
دانش هم دارد و
مثل دیگر دانش ها
اندازه دارد.

هیت



وقت مردم را تلف می کنند
گفتگو با پیر غلام اهل بیت
علیهم السلام حاج سید محمد
موسوی

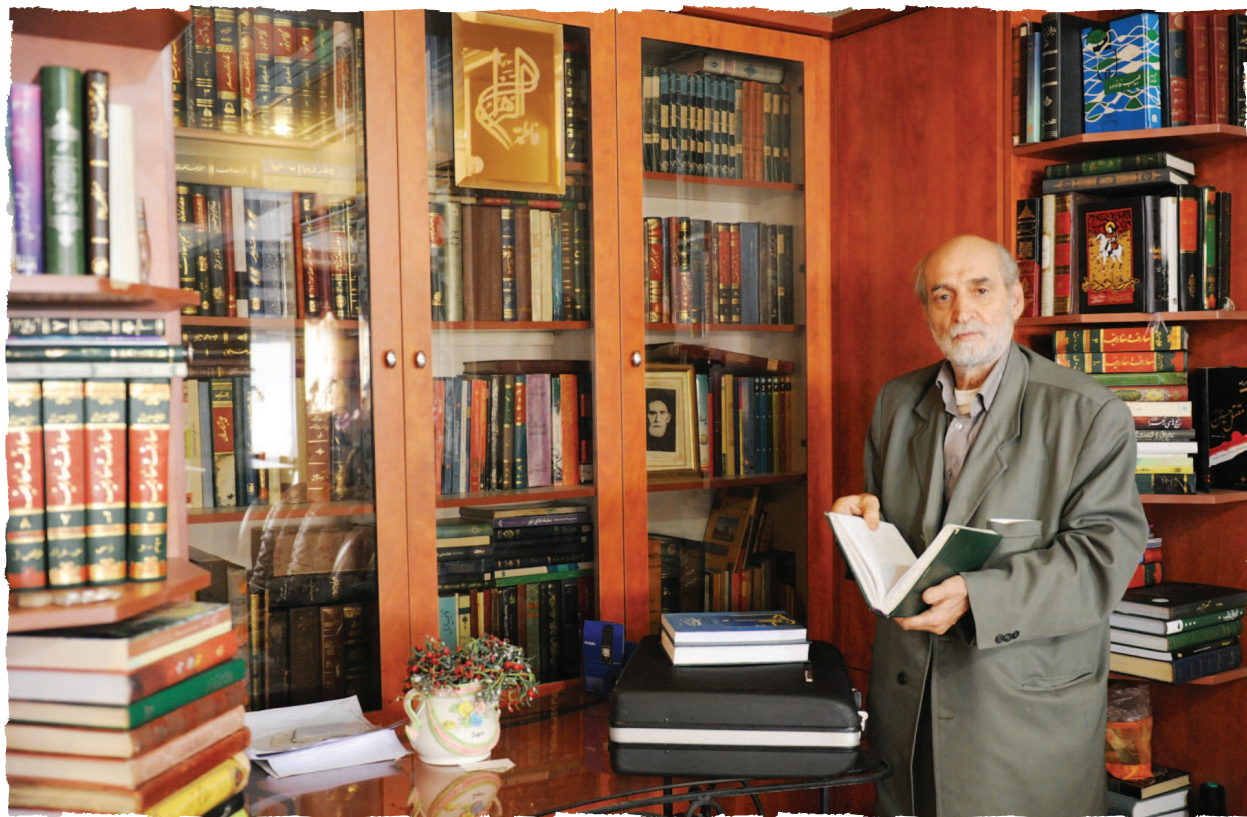
اصل اول اخلاق
یک شب در هیئت محبان
العباس و دیدار با حاج ماشاالله
عابدی فر

صداقت نباشد بی فایده است
منبرهای حجت الاسلام و
المسلمین سید مهدی طباطبایی
همیشه پر مخاطب است

آزاد شده ابا عبدالله علیه السلام
با همه بدی ها پیش، یک خوبی
بزرگ داشت و آن هم محبت
امام حسین علیه السلام بود

خودشان خط می دهند
دعای سحر با صدای استاد سید
قاسم موسوی قهار دیگر جزئی از
خاطرات ایرانی ها شده است





پای صحبت های حاج سید محمد موسوی پیر غلام اهل بیت علیهم السلام

وقت مردم را تلف می کنند

محمد رسولی

نمی دانم چه سری است که همنشین با پیر غلامان امام حسین علیه السلام و هم صحبتی با آن ها این قدر شیرین است و چهره این ریش سفیدان محب ارباب را که می بینی ناخود آگاه محبتشان به دلت می نشیند. حاج سید محمد موسوی راهمه با آن چهره آرام و همان عرقچین و عبا مشکی و شال سیادت که به دور کمرش بسته است می شناسند. عمری را در نوکری و روضه خوانی اهل بیت علیهم السلام گذرانده است و حالا که شصت و هشت سال دارد از خدای خواهد که یادگاری از او در این دستگاه بماند. حاج آقا موسوی از آن دسته ذاکرانی است که عموم هیبتی ها به روضه خواندن او علاقه دارند و سوز صدایش اشک می ریزند. از همان مداحانی که نیاز نیست تلاش کنی تا بار و روضه اش گریه کنی، خودش که شروع به خواندن می کند اشکش جاری می شود و تو را هم ناخود آگاه پایه پای خودش می برد. او معتقد است که یک مداح غیر از روضه خواندن بابت وقتی که از مردم می گیرد باید مطالبی را به آن ها بیاموزد تا فردای قیامت مدیون آن ها نشود. می گوید که مداح باید عزت اهل بیت علیهم السلام را در تمامی حالات در نظر داشته باشد و چیزی نخواند که این عزت را زیر سوال ببرد. حاج سید محمد موسوی در میان روضه ها بیشتر بار و روضه حضرت زهرا سلام الله علیها مانوس است.



الان اگر من از رو بخوانم اشکال ندارد می گویند هفتاد سالش است، ولی یک جوانی که تازه از راه آمده بخواد یک تکه کاغذ دستش بگیرد و از رو بخواند یک مقداری سبک است



حاج آقا مداحی را از چه سنی آغاز کردید؟

بنده از ابتدا خدمت پدر بزرگوارم مرحوم حاجت الاسلام حاج سید حسین سجاسی موسوی بودم. اجداد ما همه روحانی بودند، و من از سن هفت هشت سالگی زمزمه داشتم و به مداحی اهل بیت علاقه مند بودم و در مجالسی که با مرحوم پدرم می رفتم ایشان به من اشاره می کردند که دنباله روضه شان را بخوانم.

الان چند سال دارید؟

من متولد آبان ۱۳۲۲ هستم و در خیابان آب منگل کوچه سید اسحاق، بن بست موسوی که به نام پدرم بود و هست می نشستم.

آن موقع بیشتر به چه مجالسی می رفتید؟

روضه های خانگی بود و حسینیه ها. هیئت پیر عطا می رفتم و هیئت های دیگری که هنوز هستند.

برخی از هیئت هایی را که در آن ها می خواندید و می خوانید را برای ما نام می برید؟

من در جوانی در هیئت های مختلف بودم. هیئت دلربش بوده ام و الان هم گاه گاهی می روم آنجا. هیئت پیر عطا بوده ام. خودم بچه هیئت پیر عطا هستم و دوره کودکی و نوجوانی ام به آنجا می رفتم. هیئت متوسلین، قائمیه و جاهای دیگر هم می رفتم.

هیئت دیوانگان حسینی هم می روید؟

بله دیوانگان از قدیم می رفتم هنوز هم می روم. همین ماه رمضان ها آنجا برنامه داریم.

به صورت رسمی و جدی از کی مداحی را پیگیری کردید و از محضر چه اساتیدی استفاده کردید؟

عرض کردم پدر و پدر بزرگم روحانی بودند و نود درصد برنامه هایی که داشتم نزد پدرم بوده است و ایشان استاد اصلی بنده بودند. ایشان خوش صدا بودند و خودشان هم می خواندند. البته مرحوم حاج سید مصطفی هاشمی و مرحوم علامه و دوستان دیگری هم بودند که بی تاثیر در من نبودند. مرحوم حاج عزیزالله دولابی هم بودند که من خیلی از ایشان خوشم می آمد چرا که اشعار را از حفظ می خواندند، باحال می خواندند.

شبیه خواندنتان در قرائت اشعار چگونه است؟

من خوشم نمی آید شعر را از روی نوشته بخوانم. البته الان اگر من از رو بخوانم اشکال ندارد می گویند هفتاد سالش است، ولی یک جوانی که تازه از راه آمده بخواد یک تکه کاغذ دستش بگیرد و از رو بخواند یک مقداری سبک است. کسی که از روی می خواند به خواندنش کامل مسلط نیست چون نود درصد فکرش به کاغذش است و ده درصدش به مستمعین. من از بیجگی از حفظ می خوانم.

شعرهای چه کسانی را بیشتر می خوانید؟

آن زمان معمول بود اکثر خزائن الاشعار و مخزن الاسرار و این ها را می خواندند. من از کتاب های دیگری هم استفاده می کردم. خصوصاً به شعرهای فواد کرمانی خیلی علاقه داشتم. فواد اشعارش پر محتوا و سنگین و پر معنا بود و من به اشعارش علاقه مند بودم. در غزلیات از صائب استفاده می کردم، اشعاری که هم مورد پسند خودم بود و هم مستمع.

شعری مثل شعر صائب برای جلسه

هیئت قابل فهم هست؟

بله الحمدالله شعر شناس و شعر فهم زیاد داریم. آن زمان در جلسات مردم واقعا به این اشعار علاقه مند بودند. خیلی ها اصلا

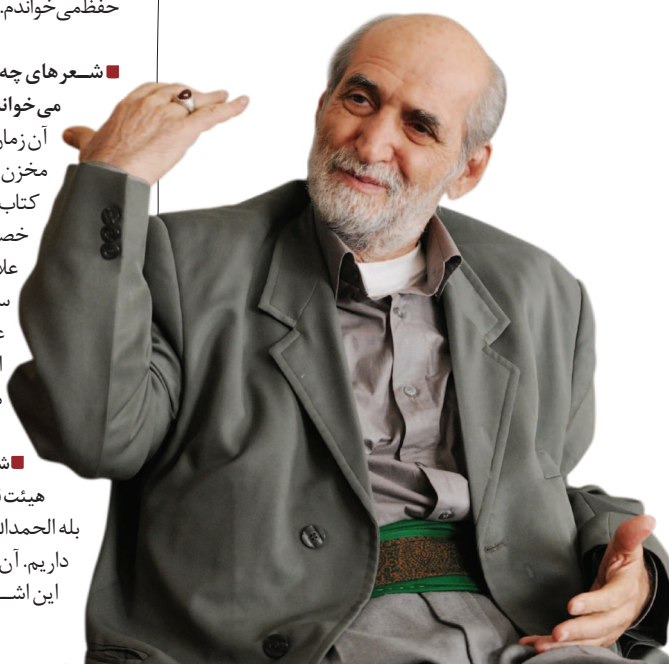
اشعار باید بگونه ای باشد که در جامعه اثر مثبت داشته باشد. اثر مثبت را در چند چیز باید جستجو کرد. بعضی ها در بعضی از مجالس دنبال خم ابرو و چشم و مژگان می گردند. این مسائل، مجالس مخصوص به خودش را می خواهد. وقتی مداح وقت مستمع را می گیرد باید یک مطلبی به او تحویل دهد. از غزلیات گرفته از پندیات گرفته از قصاید گرفته باید محتوای خوبی تحویل مستمع بدهد. یکی از سوالاتی که فردای قیامت از من و امثال من که وقت مردم را گرفته ایم می پرسند همین است که چه چیزی به مردم اضافه کردیم. این است که من از اول خواندن سعی کرده ام چیزی را حفظ کنم که وقت مستمع را تلف نکند.

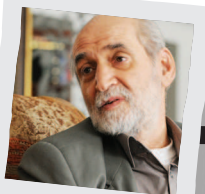
یعنی این برداشت که روضه خواندن را محدود به اشک گرفتن از مردم بکنیم اشتباه است؟

بله. جلسه موقعیت های مختلف دارد. یک وقت هست از ابتدای جلسه شروع به خواندن می کنی، در اینجا اول باید یا توحیدیه یا پندیات و از این مسائل خوانده شود، مداح یک چیزی تحویل مستمع بدهد و بعد بروی سراغ ذکر توسل.

حاج آقا! مداحی در گذشته چه بخش هایی داشته، شعر خواندن و روضه خواندن و نوحه خواندن هر کدام تخصصی جداگانه بوده است؟

کلا خواننده های مذهبی را به چند بخش می توان تقسیم بندی کرد. یک عده ای از این عزیزان نوحه خوان هستند، یعنی کسانی که در جلسات دنباله مصیبت را می گیرند، چند بیت شعر مصیبت می خوانند. این ها نوحه خوانند. یک عده ای هستند که جمع مطلب دارند، هم می توانند نوحه بخوانند، هم می توانند مستقلاً منبر برونند، هم می توانند





مداح واقعی در اصل مروج عزت اهل بیت علیهم السلام است. در توسلاتش هم باید بگونه‌ای باشد که عزت دیده‌شده خفت، اگر غیر این باشد زمین می‌خورد، هر کس که می‌خواهد باشد

سینه زنی بخوانند یا موارد دیگری که در مداحی‌ها هست. مداح باید جامع همه این‌ها باشد، یعنی هم بتواند خودش جلسه را شروع کند، هم بتواند قصیده و پندیهات بخواند، روضه بخواند. بعضی عزیزان هستند که وقتی جلسه می‌افتد به روال روضه خوانی وارد خواندن می‌شوند و چند خط شعر می‌خوانند، این‌ها نوحه بخوانند و اکثراً هم در سینه زنی‌ها تبحر پیدامی‌کنند. ولی کسی که از ابتدای جلسه شروع می‌کند و آن را به پایان می‌برد مداح است.

■ اشاره کردید که با پدرتان به روضه‌های خانگی می‌رفتید و می‌خواندید، این روضه‌ها هنوز هم هست؟ خانه‌ای که در آن روضه برپا می‌شود چه برکاتی پیدا می‌کند؟

روضه‌های خانگی هنوز هم متداول است الحمدلله، منتها باید گفت که این نوع روضه گرفتن‌ها در قشر متوسط ما بیشتر متداول است تا قشر بسیار مرفه. اعتقادات جامعه شیعه نسبت به توسلات خیلی بالاست و خوب است. این جامعه افتخار می‌کند که هر ماه قدم یک نوکر امام حسین علیه السلام، یک مداح یا سخنران به خانه‌اش باز شود و ذکر اهل بیت علیهم السلام در آنجا برپا شود. با این عقیده و ایمان روضه می‌گیرند. وقتی هم

که روز روضه‌شان می‌شود یک فضای معنوی دیگری بر خانه‌ای که روضه در آنجاست حاکم می‌شود و این خودش در خانواده و فرزندان آن خانه اثر مثبت دارد.

■ نوکر خوب امام حسین علیه السلام چه خصوصیتی باید داشته باشد؟ چه مداح، چه

سخنران یا کسی که صرفاً در جلسات شرکت می‌کند.

باید گفت کل این مطلب به عقیده هر فرد بر می‌گردد نه به ظاهر امر. ظاهر هم باید باشد اما بعد از باطن. یعنی ممکن کسانی باشند که متظاهر به نوکری اند اما نوکر نیستند. خلوصی که در رفتار و گفتار و کردار یک نوکر هست باید متذکر جامعه باشد. نیازی به شناساندن هم نیست خود جامعه این‌ها را می‌شناسد. نوکر باید خلوص و ادب خود را داشته باشد. به گونه‌ای در جامعه رفتار نکند که اربابش مورد توهین قرار بگیرد.

■ مساله استاد دیدن و مطالعه

داشتن برای جوانانی که وارد فضای مداحی می‌شوند چقدر اهمیت دارد؟

رویکرد جوان‌ها نسبت به مداحی زیاد است. ولی خواسته افراد در باطن شرط است. عده‌ای متأسفانه فقط جنبه‌های مادی قضیه را در نظر می‌گیرند. کسانی که در این رشته وارد می‌شوند حتماً باید استاد خوب ببینند. باید بگردند ببینند مداحی که هم در سبک خواندن، هم در انتخاب اشعار و زنه‌ای است آن را انتخاب بکنند. بعضی از مداحان مادر موقعیتی هستند که مردم توقع شنیدن اشعار سبک را از آن‌ها ندارند. اشعار باید هدفش تعظیم اهل بیت علیهم السلام باشد، عزت دادن به اهل بیت علیهم السلام باشد. آن‌ها که عزیز هستند ولی از نظر معرفی اهل بیت علیهم السلام به جوان‌ها باید با عزت معرفی شوند نه خدای نکرده با ذلت. بعضی‌ها خصوصاً در مصیبت

یکی از خوبی‌های انقلاب این بود که در خیلی از مجالس هم یک انقلابی ایجاد کرد. در زمان کودکی و جوانی ما به هر کسی اجازه خواندن در جلسات را نمی‌دادند

خواندن رعایت خیلی از مسائل را نمی‌کنند و هر چه به دهانشان می‌آید می‌گویند. این درست نیست. باید در سبک خواندن و روش مداحی ادب را نسبت به مقام اهل بیت علیهم السلام رعایت کنند. ادب در خواندن، ادب در کلماتی که از زبانشان جاری می‌شود. باید حواسشان باشد که نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارند صحبت می‌کنند، حتی کوچکترین شان که طفل شیرخوار است. اگر این کارها را بکنند خود اهل بیت علیهم السلام به آن‌ها عزت می‌دهند و گر نه ذلیل می‌شوند.

■ این ادب از کجا می‌آید؟

از توجه باطنی نسبت به اهل بیت علیهم السلام. مقام اهل بیت علیهم السلام را بشناسند. این‌ها عزیزان درگاه الهی هستند و عزت خداداد دارند. ما در برابر آن‌ها چیزی نیستیم.

■ اینکه مداحی اهل بیت علیهم السلام را به چه دیدی نگاه کنیم و چه هدفی را از آن دنبال کنیم هم در این قضیه موثر است؟

مداح واقعی در اصل مروج عزت اهل بیت علیهم السلام است. در توسلاتش هم باید بگونه‌ای باشد که عزت دیده‌شده خفت، اگر غیر این باشد زمین می‌خورد، هر کس که می‌خواهد باشد.

■ شما چه منابعی را جهت استفاده برای مداحی صحیح پیشنهاد می‌کنید؟

کمترین منبعی که در این باب به عقیده بنده هست و محققانه است و همه باید سراغ آن بروند، منتهی الآمال شیخ عباس قمی است.

■ حاج آقا چه اتفاقی می‌افتد که نام کسی در دستگاه امام حسین علیه السلام می‌ماند؟

السلام می‌خواند و اظهار ادب و نوکری می‌کند اربابش خودش او را کفایت می‌کند. جامعه هم نسبت به این مساله نباید بی‌تفاوت باشند و حق را همیشه در نظر داشته باشند. و از توجه به نوکران اهل بیت دریغ نداشته باشند.

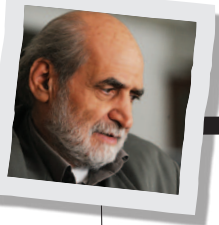
در مصائب اهل بیت علیهم السلام، من

من از آقا خواسته‌ام که طرد دستگاه اهل بیت علیهم السلام نشوم. نسل ما را در این راه قرار دهند و یادگاری از ما در نوکری اهل بیت بماند و توصیه‌ام به برادرانی که در این رشته هستند این است که در مرحله اول مادی‌گرا نباشند. چون که صد آمد نود هم پیش ماست. کسی که برای اهل بیت علیهم

من در محضر امام هم روضه می‌خواندم چه در حسینیه جماران و چه در منزلشان. رهبری هم به ما عنایت دارند. البته من نباید خودم بگویم اما یک بار در یک جمعی آقا به بنده اشاره کردند و به برخی فرمودند که این طور باید خوانده شود و مداح‌ها در همین سبک‌ها بخوانند.

خارج از متن

از آقا خواسته‌ام طرد نشوم



مداح اگر سوز داشته باشد خودش اشکش خود به خود جاری می شود. باید بفهمد چه می خواند و برای چه کسی دارد می خواند

بودند. شاه حسین بهاری که الان آقا زاده شان هم هستند، از نظر سینه زنی به قول آقای شجاعی استاد چهار پایه بودند. قدیم وقتی دسته سینه زنی می آمد به بازار هر پنجاه متر صد متری چهار پایه می گذاشتند و مداح می رفت بالای چهار پایه و دم جدید می داد و بعد هم سینه زنی واحد و بعد هم شور می گرفتند و دوباره دم می دادند و جلو می رفتند.

■ سینه زنی در قدیم بیشتر در دسته های عزاداری بود؟

در ایام عاشورا، هیئت ها سه چهار روز بیرون می رفتند. هیئت های قدیمی مثل پیر عطا، مثل بنی الزهراء، بنی الفاطمه و دیگر هیئت ها. هنوز هم مثل اینکه همین طور است. در بازار روز تاسوعا و عاشورا تا سیزده محل عزاداری بود.

■ مراحل سینه زنی چطور بود؟ یعنی به همین منوال که اول زمینه می خوانند بعد سینه زنی ایستاده و بعد شور.

سینه زنی اصیل خوب از چندمرحله تشکیل می شد. مرحله اول همانطور که مستمعین نشسته اند تا آماده سینه زنی شوند مداح یک دم کوچکی می داد تا جمعیت آماده سینه زنی شوند. بعد یک زمینه نشسته می خواندند و تک دست می زدند بعد دوباره روضه مصیبت می خواندند و بعد از جابلندی می شدند و ایستاده سینه می زدند و واحد می خواندند و بعد شور می خواندند و بعد تمام می شود.

■ الان بغش شور خیلی بیشتر مورد توجه است فکر می کنید چرا این طور شده است؟

برای اینکه بعضی از این جوان ها اصالت سبک سینه زنی را نمی دانند. قبلاً اول سینه زنی تا آخر دست کم نیم ساعت طول می کشید. اما این آقایان با پنج دقیقه می خواهند کار را تمام کنند و به شور برسند.

نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارد متوجه باشد. خودش در عمق مطلب فرو رود. مثلاً اگر دارد روضه حضرت علی اصغر علیه السلام را می خواند باید خودش را در آن موقعیت ببیند، خودش را که دید اخلاصش را تقدیم کند آن موقع هم خودش گریه می کند هم مستمع، مداح اگر سوز داشته باشد خودش اشکش خود به خود جاری می شود. باید بفهمد چه می خواند و برای چه کسی دارد می خواند. خودش را در محضر اهل بیت علیهم السلام ببیند و چیزی را که می خواند هم خودش درک کند و هم به مستمع تلقین کند. ممکن است کسی همین طور یک شعری بخواند و برود و توجه به باطن آن شعر هم نداشته باشد. در این صورت خودش سخت گریه می کند مگر اینکه سوز و گداز محیط رویش تأثیر بگذارد و اشکش جاری شود.

■ حاج آقا شما سینه زنی هم می خوانید؟

در جوانی می خواندم. یکی از خوبی های انقلاب این بود که در خیلی از مجالس اهل بیت علیهم السلام هم یک انقلابی ایجاد کرد. در زمان کودکی و جوانی مایه هر کسی اجازه خواندن در جلسات را نمی دادند. بعضی ها هم در آن زمان خیلی مقدس مآبی در می آوردند. علت اینکه من سینه زنی را کنار گذاشتم این بود که هر نوحه و دم سینه زنی را که ما می خواندیم عده ای بودند که می گفتند این ها خلاف شرع است و مورد پسند اهل بیت علیهم السلام نیست و به همین جهت هم من سینه زنی را اصلاح کنار گذاشتم. و گرنه خدار حمت کند مر حوم شاه حسین مر حوم علامه و دیگران بودند که سلطان این رشته

خلوص. خلوص فر دست که نام او را ماندگار می کند. یکی از خصوصیات خوبی که در برخی از مجالس هست یاد از گذشتگان است. من یادم می آید که در جلساتی شرکت می کردم مثل هیئت بزاز ها که این ها یک آماری از گذشتگان شان را دارند و در ایام ماه مبارک یک نفر مسئول متذکر شدن آن ها و طلب مغفرت برایشان در جلسات است.

■ مثل این رسم قدیمی چه رسم های دیگری بوده است که الان ممکن است کم رنگ تر شده باشد؟

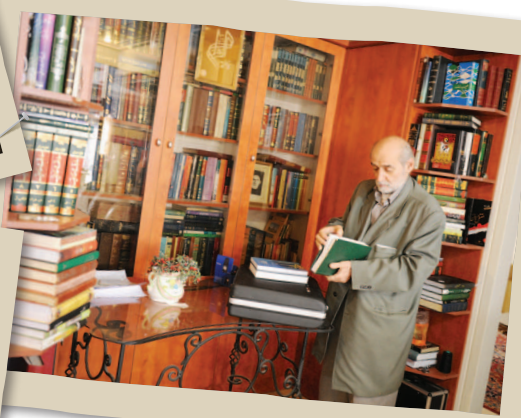
از رسم های گذشته مهم ترینش همین بود که عرض کردم که از گذشتگان شان یاد می کنند. در گذشته بزرگتر های هیئت به جوان ها و نوجوان ها احترام خاصی می گذاشتند. بزرگتر ها خودشان که می آمدند مورد تکریم و احترام بودند بچه ها شان را هم که می آوردند با نظر لطف دیگری به آن ها نگاه می کردند و بچه ها ذوق پیدا می کردند که مثلاً شب جمعه فلان مجلس را با پدر شان ببایند. این روش اگر باشد جوان ترها بیشتر جذب می شوند.

■ یک حرف مشهوری هست که می گویند فلانی سوز صدا دارد

و یک یا حسین علیه السلام که می گوید دل را می لرزاند. این سوز از کجا می آید؟

این مساله مرحله به مرحله است. اگر در خواندن اخلاص باشد یعنی یک خواننده توجه باطنی به مطلب داشته باشد. فکر و روح و جسم و جان یک خواننده باید نسبت به آن مصیبت و ذکر توسلی که

بعضی ها در مصیبت خواندن رعایت خیلی از مسائل را نمی کنند و هر چه به دهانشان می آید می گویند. این درست نیست. باید در سبک خواندن و مداحی ادب را رعایت کنند.



در مصیبت مادر مر حوم حضرت زهرا سلام الله علیها خیلی داغ هستم و روضه های ایشان مرا منقلب می کند. در ماجرای کربلا هم مصیبت اسارت حضرت زینب سلام الله علیها و مصیبت شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام، مصیبت هایی است که اگر به آن توجه کنیم باطن مان را دگرگون می کند.



یک شب در هیئت حاج ماشاالله عابدی فر که طرفداران خاص خودش را دارد

اصول اخلاق

محمد سالک

خیابان ایران سال هاست که پایگاه هیئت‌های متعدد است. کافی است که مناسبتی بشود مانند محرم و به این خیابان‌ها و کوچه پس کوچه‌های آن که هنوز همان بافت سنتی خود را حفظ کرده‌اند سری بزن، خواهی دید که هر چند قدم در خانه یا حسینیه‌ای باز است و سر در آن پرچم هیئتی علم شده است و از داخل آنجا صدای روضه محله را پر کرده است و بعضاً صدای این روضه‌ها در هم می‌شود. در یک کلام این سمت از شهر عجیب بوی روضه می‌دهد. سر در هر حسینیه‌ای معمولاً پرچم آن هیئت نصب شده است؛ پرچمی که بالای آن نام هیئت و پایین تر سال تاسیس هیئت نوشته شده است. این پرچم شناسنامه آن هیئت است. یکی از همین پرچم‌ها که هر شب جمعه در کوچه‌های خیابان ایران علم می‌شود مربوط به یکی از هیئت‌های قدیم و نام آشنای تهران است، هیئتی که شاید هر هفته در کوچه‌ای برگزار می‌شود که نام شهیدی که سر آن کوچه نقش بسته است از شهدای همین هیئت بوده است. «هیئت محبان العباس تهران، تاسیس سال ۱۳۴۵ شمسی». هیئت محبان العباس پانزده سال قبل از انقلاب و درست در سال‌های کلید خوردن انقلاب توسط مرحوم حاج آقا جواد حاجی حسن تاسیس شد.



شبستان مسجد شهید با صدای مناجات خوانی سحرهای حاج ماشاءالله و گریه‌های شب‌زنده‌داران آشناست، شب‌زنده‌دارانی که خیلی‌هاشان شهید شده‌اند



حاج آقا جواد معلم بود. اما در کنار معلمی انسان وارسته و با مطالعه‌ای بود که در برخی مجالس، سخنرانی و روضه خوانی می‌کرد. او تصمیم گرفته بود که بچه‌های محله را دور هم جمع کند و هیئتی برایشان تشکیل دهد، بچه‌هایی که الان برخی‌شان پیرغلامان همین هیئت هستند، مانند حاج ماشاءالله عابدی. اوایل محبان العباس هر شب جمعه در منزل خود حاج آقا جواد یا مرحوم حاج خیرالله که در همان کوچه ساکن بود تشکیل می‌شد. جایی حوالی چهارراه شهید مصطفی خمینی یا سه راه سیروس سابق. بچه‌های هیئت تابلوی نام کوچه‌ای را که منزل حاج آقا جواد در آنجا بود و هیئت در آنجا تشکیل می‌شد را در همان سال‌های قبل از انقلاب به نام محبان العباس تغییر دادند، نامی که هنوز بر روی این کوچه مانده است. حاج جواد حاجی حسن خودش

در هیئت سخنرانی می‌کرد. هیئت خرجی جز چای نداشت اما حضور نوجوانان محل آن را گرم می‌کرد و به همین علت بود که آن موقع‌ها خیلی از بزرگ‌ترها آن‌ها را جدی نمی‌گرفتند. پایه محبان العباس بر اخلاق و پایبندی به تکالیف شرعی بنا شده است. پیش از انقلاب رسم بوده است که در بسیاری از هیئت‌ها در کنار چای سیگار هم تعارف می‌شده اما محبان العباسی‌ها این رسم را شکستند چرا که آن را در شان هیئت امام حسین علیه‌السلام نمی‌دانستند.

**حاج ماشاءالله
مردی آرام و متین
است. آن‌هایی که
اهل مناجات هستند
حتما با صدای حاج
ماشاءالله انس
داشته‌اند. او مانند
حاج آقا جواد
معلم است و شغلش
مدیر مدرسه است**

تعطیل شود و این در حالی بود که بچه‌های هیئت خودشان از انقلابیون مؤثر بودند. همین ایام بود که هیئت محبان العباس برای پیروزی و به ثمر نشستن انقلاب بارها به شش ماهه کربلا، حضرت علی اصغر علیه‌السلام متوسل می‌شد. در واقع محبان العباسی‌ها بعد از حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام بیشترین توسلات خود را به طفل شش ماهه امام حسین علیه‌السلام دارند. در روزهایی که حاج آقا جواد در بستر بیماری افتادند و برای ایشان حضور در هیئت سخت شده بود، شهید حجت الاسلام غفاری در جلسات هیئت شرکت می‌کرد و در نبود حاج آقا جواد مسائل اخلاقی و تربیتی را در هیئت پیگیری می‌کرد. همچنین در آن ایام بچه‌های هیئت با راهنمایی حاج آقای جوادان که از همان سال‌ها تاکنون با هیئت ارتباط گرم و موثری داشته‌اند، به سراغ آقای تحریری از شاگردان علامه طباطبایی رفتند تا از محضر ایشان بهره ببرند.

حاج ماشاءالله

بچه‌های هیئت محبان العباس در شکل‌گیری انقلاب نقش زیادی داشتند. همچنین در زمان جنگ آن‌ها جزء اولین نفراتی بودند که به جنگ رفتند و شهادت زیادی از این هیئت تقدیم انقلاب و راه ولایت شده است. شهید حاج شیخ احمد غفاری، شهید حسن صادق پور، شهید داوود عابدی، شهید جواد رسولی، شهید بیرقچی و خیلی دیگر از شهدا زمانی در هیئت محبان العباس لباس نوکری امام حسین علیه‌السلام را بر تن داشته‌اند و در این فضا گریه کرده‌اند و سینه زده‌اند. اما در زمان حال هیئت محبان العباس بین بچه‌های هیئت‌ها و جوانان اهل مناجات به نام هیئت حاج ماشاءالله شناخته می‌شود. حاج ماشاءالله عابدی متولد سال ۱۳۳۹ و اهل تهران است. او از ابتدای تشکیل هیئت از سنین نوجوانی در حلقه اصلی بچه‌های هیئت بوده است و اکنون هم در هیئت به تربیت جوانان مشغول است. حاج ماشاءالله مردی آرام و متین است. آن‌هایی که اهل مناجات هستند حتما با صدای حاج ماشاءالله انس داشته‌اند. او مانند حاج آقا جواد معلم است و شغلش مدیری مدرسه است. حاج ماشاءالله خواندنش را از همین هیئت شروع کرد و اکنون شاگردان زیادی را در زمینه مداحی و خصوصا مناجات خوانی تربیت کرده است. سال‌هاست که ماه رمضان‌ها، شبستان مسجد شهید را در اتوبان شهید

توسل ویژه

علاوه بر خود حاج آقا جواد افراد دیگری مثل حاج حسن عابدی یا حاج حسین صادق پور و بعد هم حاج آقا ماشاءالله عابدی در هیئت مداحی می‌کردند. در واقع سخنران و مداح محبان العباس از همان هیئت بودند. محبان العباسی‌ها از ابتدا تاکنون به اخلاق و تقوایشان شهره بوده و هستند که این نتیجه زحمات مرحوم حاج آقا جواد است. شهید حجت الاسلام حاج شیخ احمد غفاری که قبل از انقلاب به صورت اتفاقی با این هیئت آشنا و بعدا خودش یکی از همین شده بود می‌گوید آنچه که او را جذب این هیئت کرد حالت نماز خواندن بچه‌های این هیئت بود که نشان می‌داد انسان بزرگی آن‌ها را تربیت کرده است. در شرایطی که در روزهای اوج گرفتن انقلاب با برپایی حکومت نظامی هیئت‌ها تعطیل شدند، هیئت نگذاشت حتی یک شب جمعه‌اش

محلاتی با صدای مناجات خوانی سحرهای حاج ماشاءالله و گریه‌های شب‌زنده‌داران آشناست، شب‌زنده‌دارانی که خیلی‌هاشان شهید شده‌اند. بچه‌های الان هیئت محبان العباس و حتی آن‌هایی که از قدیمی‌های هیئت هستند و با به سن گذاشته‌اند احترام عجیبی برای ایشان قائلند، احترامی که کار ما را برای گرفتن این گزارش سخت کرده بود. حاج ماشاءالله به نوعی مراد بچه‌های هیئت است. اکنون در کنار حاج ماشاءالله عابدی، هیئت محبان العباس از محضر حاج آقای جوادان که از شاگردان مرحوم آیت‌الله حق‌شناس‌اند و صحبت‌های اخلاقی ایشان خیلی‌ها را جذب خودش کرده است، بهره می‌برد. و دهه‌های محرم ایشان در این هیئت منبر می‌روند. محبان العباس به جز مشهد حسینیّه ثابت ندارد. دلیلش هم این است که آن‌ها می‌خواهند هیئت‌ها در خانه‌های مردم برگزار شود. یکی از این خانه‌ها که خیلی اوقات شب جمعه‌ها هیئت در آنجا برگزار می‌شود منزل خود حاج ماشاءالله است. برنامه شب جمعه‌های هیئت نماز و سخنرانی و سینه زنی است. لازم است گفته شود که شیوه عزاداری محبان العباس بر پایه همان شیوه‌های سنتی است و سینه‌زنی‌های این هیئت کلاس درسی است برای برخی از هیئت‌ها دیگر. در حلقه شور بچه‌های هیئت، سینه‌زنی با گریه همراه است و این نشان از فضای خاص این هیئت دارد. از این هیئت مداحان زیادی تربیت شده‌اند که اکنون نامشان در زمره مداحان سرشناس کشور است. در زمان حیات مرحوم حضرت آیت‌الله حق‌شناس، گاهی اوقات هیئت در مسجد ایشان برگزار می‌شد و ایشان برای بچه‌های هیئت صحبت می‌کردند.





عکس: حسین زهره‌وند

اگر بخواهید خطیب باشید حتما باید کلمات مسجاء، مقفای پشت سر هم باشند و با لغات فارسی و ادبیات قوی و حتما با لغات عربی آشنایی کامل داشته باشید



منبرهای حجت الاسلام والمسلمین
سید مهدی طباطبائی همیشه پر مخاطب
است و این جذابیت حتما رازی دارد

صد اقت نباشد بی فایده است

سعید موسوی

ساعت از ۱۱ شب گذشته بود و حاج آقا هنوز مراجعه کننده داشت. در دفتر حاج آقا طباطبائی همیشه به روی مراجعه کننده ها باز است و هر کسی که مشکلی دارد اول به سراغ او می رود. دفتر و منزل این روحانی مردمی یک جاست و حتی اتفاق افتاده گاهی یکی دو ساعت از نیمه شب گذشته هم زنگ این خانه به صدا در آمده. بعد از ما که برای مصاحبه رفته بودیم خانمی منتظر بود تا حاج آقا را ببیند و قبل از ورود ما هم کسی آمده بود تا حاج آقا واسطه شود و وانت هندوانه اش را که امروز توقیف کرده بودند آزاد کنند. حاج آقا می گفت روحانی باید مردمی باشد و با مردم زندگی کند.

منبرها و بر نامه های تلویزیونی شما همگی هم پر مخاطب است و هم اثر گذار، چه در مسجد و چه بر نامه های تلویزیونی. منبر باید چه ویژگی هایی از نظر گوینده و مخاطب داشته باشد تا منبری اثر گذار باشد؟



من نسبت به سبک قدیم منبر آشنا هستم. نوجوان که بودیم آقا شیخ محمود حلبی و آقا شیخ محمد مکاری افرادی بودند که در مشهد منبر می رفتند و رشدی داشتند و ما هم بر اساس سن مان علاقه داشتیم پای منبر آن ها بنشینیم. می دیدم که برخی افراد وقتی منبر می روند مستمع خسته می شود اما در بعضی منبرها مستمع تا آخر نشاط دارد. حتی یک بار متوجه نکته ای شدم که منبری وقتی به منبر می رود، مستمع خودش تا یک متر جلو می رود و دیگر نیازی نیست فلانی به منبر می رود مستمع را جلو بکشاند، بلکه مستمع خود به خود جلو می رود. آن زمان بلندگو نبود و مردم برای شنیدن صدای سخنران کم کم جلو می رفتند تا اینکه اطراف سخنران پر از جمعیت می شد. من هم به این مجالس می رفتم چون جوان بودم و می خواستم بدانم چه خبر است. با چند موضوع برخورد کردم. وقتی که تقریبا تصمیم گرفتم منبر بروم، استاد ما آقا شیخ قزوینی فرمودند که شما می خواهی منبری شوی اول مجتهد شو؛ چون در اجتهاد مشخص است

که شاگردان چه کسانی هستند، و بحث ها هم در اجتهاد مشخص است و کلمات را استنباط می کنی. یعنی دچار استرس نمی شوی، مقداری در کارم وقفه ایجاد شد. اما عاشق منبر بودم. البته سه بار هم رفته بودم تا پزشکی بخوانم و بیرون آمدم چون پدرم با پزشکی شدن من مخالفت می کرد. به آنجا هم علاقه داشتم. البته همیشه علاقه به گشایش کار داشتم. در پزشکی هم فکر می کردم که درد و ناله را آرام می کنم و این روحیه آرام کردن مردم را دوست داشتم.

اجمالا گفتم می خواهم منبر بروم. گفتند پس برو منبر را بشناس. پیش کسی در مدرسه نواب رفتم که برای ما منبر را توضیح می داد که منبری چند رقم است: یک نوع محدث است که فقط حدیث را می خواند. روایت را حفظ می کند و به تناسب هر روایتی روایت دیگری را می گوید. عده ای باید مبلغ باشند و حرف را برسانند چه با داد و قال و چه از طریق حرکات دست که طرف مطلب را بگیرد. سوم واعظ است که واعظ دل ها را چه با قصه و حکایت یا گفتن سرنوشته افراد. چهارم خطیب

سه بار رفتم تا
پزشکی بخوانم
و بیرون آمدم
چون پدرم مخالفت
می کرد. البته
همیشه علاقه
به گشایش
کار داشتم. در
پزشکی هم فکر
می کردم که درد
را آرام می کنم.

که اگر بخواهید خطیب باشید حتما باید کلمات مسجاء، مقفای پشت سر هم باشند و با لغات فارسی و ادبیات قوی و حتما با لغات عربی آشنایی کامل داشته باشید. در آن زمان من از مجموع محدث و مبلغ و خطیب و واعظ، ابتدا به فکر افتادم که واعظ باشم. چند جلسه رفتم اما نپسبید چون همه اش قصه و خواب دیدن و ندیدن بود و خوشم نیامد. مثل صافی که در آب است پر آب است اما وقتی



در ختم‌ها دو نکته باید باشد: اول اینکه از مرگ برزخ قیامت و نامه عمل باید گفت. دوم عبارات عبرتی که مردم عبرت بگیرند

منبر

گوینده
همیشه
باید صداقت
را از دست
ندهد. اگر
مردم فکر
کنند حرفی
دروغ است
دیگر گوش
نمی‌دهند



الان جوانان
اکثرا جواب
نمی‌گیرند و
مانمی‌توانیم
جواب آن‌ها را
بدهیم. چون
مطالباتی
دارند
که به آن
نرسیده‌اند



از آب بیرون می‌آید خالی است، دیدم در واعظی همین طور است. واعظی در همان لحظه است. یعنی آدم ساز نیست. چرا! مثلاً توبه می‌کند ولی اینکه آدم شوند نیست.

بعد به سراغ خطیبی رفتم. دیدم خیلی باید به لغات آشنا باشم. در موعظه تناقض زیادی می‌شود به کار برد و مستمع نمی‌فهمد مگر خبره باشد. در خطابه اینطور نیست. فکر کردم که چه کار کنم؟

رها کنم یا باشم؟
در خطابه چندین استاد دیدم. حتی نزد آقای فلسفی رفتم. بعد یک مسئله‌ای پیش آمد که من به عراق رفتم. یک دفعه متوجه شدم این خطابه‌ها تقریباً انسان را به مجاز گویی می‌اندازد. یعنی آدم به واسطه کلماتی که به کار می‌برد باید مجاز بگوید و غیر واقع حرف بزند. مثل اینکه باید در ریل باشد و اگر کمی بیرون بیاید از مسیر خارج می‌شود. رفتم در خانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و مسجد سهله و کوفه. با سه سبک مواجه بودم، حاج مهدی واعظ زاده خراسانی محدث بود. می‌گفت مشکل محدث این است که گیرایی برای مردم ندارد. چون وقتی حدیث‌ها را پشت سر می‌شوند اشباع می‌شوند و نمی‌خواهند حدیث بعدی را گوش بدهند. دیدیم سبک دیگری بود که آقای افصح المتکلمین که اهل اراک بود و به نجف آمده بود استفاده می‌کرد. منبرش را دیدم نیمی خطابه بود و نیمی تحلیل. فکر کردم که من اشتباه تشخیص می‌دهم. در حرم امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام دعا کرده بودم که هر کسی را که می‌دانند سر راهم بگذارند. فکر می‌کردم چه کار کنم. سبک را هم نمی‌خواستم تقلید کنم. خیلی از آخوندها تقلید می‌کردند. من تقلید نمی‌کردم چون استادم گفته بود تقلید نکن چون خراب می‌شود. اجمالاً سارفتیم پای منبر آقای افصح المتکلمین و به نظر من شیرین آمد.

از آن زمان سخنوری بین مبلغ و خطیب شدم. سبکم را عوض می‌کردم. گاهی فقط خطابه حرف می‌زدم به تناسب مجلس و گاهی تبلیغی حرف می‌زدم. شکل و سبک و مطالب فرق می‌کرد. دوباره مدتی ترک منبر کردم و کارم تقریباً متروک شد تا سال ۴۱ که حضرت امام رحمت الله علیه نهضت را شروع کردند. در خط خطابه‌ای افتادم تا سال ۴۵ تا زمانی که به منبرهای ختم خورد و خیلی راحت ختم‌ها را جواب می‌دادم. علت این بود که سبک من را آن روز کسی نداشت. در ختم‌ها دو نکته باید باشد: اول اینکه از مرگ برزخ قیامت و نامه عمل باید گفت. دوم عبارات عبرتی که مردم عبرت بگیرند و تکان دادن مستمعین. آن سبک حسابی گرفته بود مثلاً می‌گفتم صاحبان عزا شما که امشب به هم می‌گویید

قابل قبول نیست. در منبر حتماً باید بین کلمات الفت برقرار شود و با هم قریب الاق باشند. در مورد روایات باید دقت داشت. نفوذ کلام، در این است که کلمات مرتبط با هم و دور از تناقض و دور از تفاخر باشد. یعنی گوینده از خودش تعریف نکند. نباید بگوید من اینطور کردم چون قدرت و اثرگذاری پایین می‌آید. این‌ها سبک‌های منبر آن روز است که حالا نیست.

■ شما مواردی هم از منبری‌های آن زمان سراغ دارید که شنیدنی باشد؟

یک بار آمدم تهران که تازه می‌خواستند کلنگ ساخت مسجد امام حسین علیه السلام را بزنند. صندلی هم چیده بودند. انسان سخنوری سخنرانی می‌کرد و درباره ورود سنگ‌های آسمانی در جزمین و جاذبه و دافعه امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت می‌کرد. گفت و کل شیء احصیناه فی امام مبین، امام آسمان و زمین را می‌بیند و بعد به سراغ ذکر مصیبت رفت و گفت: حضرت، فاطمه سلام الله علیها را غسل داد و کفن کرد تا اینکه دست به بازوی کبود حضرت فاطمه سلام الله علیها خورد. آواز خواند و صدایش را بلند کرد و با صدای زیبایی خواند: تو زهرا بینی و من روی نیلی... منبر که تمام شد رفتم و جلوش نشستم. گفتم حاج آقا من عرضی دارم. گفت چه شده؟ گفتم مصیبت شما با سخنرانی تان تناقض داشت. فوراً گفت بیا کنارم بنشین. گفتم امامی که از آسمان و زمین خبر دارد از بازوی همسرش خبر نداشت؟ گفت آبرویم می‌رفت اگر این را بین مردم می‌گفتی.

اگر شنونده،
گوینده را نپذیرد
حرفش را هم
نمی‌پذیرد. اول
باید حرفش
آقتدر لطیف باشد
که وارد درون
او شود و آن را
بپذیرد، آن وقت
جلو می‌آید.

■ این گیرایی منبرهای شما در آن زمان بیشتر به چه خاطری بود؟

این مسئله نفوذ کلام بیشتر به این خاطر بود که منبر حالت تبلیغی داشت. امانمی‌دانم چطور شد، من فقط به خدا پناه بردم که همیشه خواستم اینطور باشد. این نکته برایم خیلی مهم بود که چه کار کنم. همیشه سعی کرده‌ام مخاطب بفهمد. لذا در منبرهایی که می‌رفتم و می‌روم در تفهیم مستمع خیلی دقت می‌کنم و تناقض‌ها را حذف می‌کنم. چون بشر به نفی زودتر دل می‌بندد تا اثبات.

کلماتی که شنونده مشتم می‌شود نباید به کار برد. کلماتی که جنبه اشمئزاز دارد یعنی حالت نفرت در درونش به وجود می‌آید و تأثیر نمی‌کند. اگر شنونده، گوینده را نپذیرد حرفش را هم نمی‌پذیرد. اول باید حرفش آنقدر لطیف باشد که وارد درون او شود و آن را بپذیرد، آن وقت جلو می‌آید. برای اینکه این حرف درست باشد سه چیز باید در کلام باشد: اول از کلماتی که مفهومش برای مردم دشوار است نباید استفاده کرد. دوم اینکه گوینده در گفتارش نباید کلامی بگوید که برای مستمع تحقیر آور باشد. شاید نشود و شاید بشود. سوم نقدی نباشد که برای مردم

دست‌هایتان را بشوید. من هم می‌بینم در روح مردم چه مشکلاتی وجود دارد، همان را در منبر مطرح می‌کنم. در تلویزیون هم همین کار را می‌کنم.

■ خوب الان چه مریضی‌هایی در مردم می‌بینید؟

الان جوانان اکثراً جواب نمی‌گیرند و مافعلا نمی‌توانیم جواب آن‌ها را بدهیم. چون مطالباتی دارند که به آن نرسیده‌اند. شدیداً شکاف بین جوانان و پیر ایجاد شده است. در خانه بچه کنار پدرش نمی‌رود و با او مقابله هم می‌کند. جز محبت راه حل دیگری ندارد. حتی با مخالف، در وجود ما غریزه و فطرت هست. هر منبری باید این‌ها را بشناسد. و گرنه به در دسر می‌افتد. البته می‌تواند چیزهایی به عنوان هجویات بگوید، هجویات غیر از مطالب پای‌بند به علم است. کسی که پای منبر می‌نشیند باید از او پرسید که منبری چه گفت؟ اگر نتوانست بگوید یعنی اثر نکرده است. ممکن است خوشش آمده باشد اما در ذهنش نمی‌ماند. این مسئله خیلی مهم است که ما روحیه جوانان را باید درک کنیم. جوانی که مطالباتش جواب نگرفته و روحش آزرده است. الان فقط ماماشات مادران و پدران و دلجویی از فرزندان کردن مهم است. این مسائل هست. غرایز و فطرت در ما وجود دارد. ما غرایز بشری را نمی‌توانیم کنترل کنیم. چون بشر قدرت فکری دارد و خودش را سانسور می‌کند. فطرت جوان پُرش، حرکت، هنر و علم است. برتری می‌خواهد. اما بر چه چیزی غالب شود؟ می‌گویند صبر کن، خب جوان می‌گوید چقدر صبر کنم؟ این درست نیست. باید بگویند با این روش موفق نیستی. باید در موردش فکر کنی، برنامه‌های بهتر پیدا کنی، در که بسته نیست. یعنی وادار به فکر و حرکتش کنیم. نه توقف. زود هم اثر می‌کند.

■ گاهی در بعضی هیئات روضه‌های مکشوف طولانی می‌خوانند. مثلاً نیم ساعت طول می‌کشد. این درست است؟

روضه زیاد خواندن فقر و قساوت می‌آورد. توهین به ائمه اطهار علیهم‌السلام است و ایمان‌ها پایین می‌آید. روضه مکشوف خواندن جز آزار شنونده چیزی نیست. اهل بیت علیهم‌السلام راضی نمی‌شوند اینطور گفته شود. روضه همیشه باید با عزت باشد.

من می‌بینم در روح مردم چه مشکلاتی وجود دارد. همان را در منبر مطرح می‌کنم



در حرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام دعا کرده بودم که هر کسی را که می‌دانند سر راهم بگذارند



■ منبری‌های این روزگار که مسلماً کارشان سخت‌تر است برای جذب مخاطب چه باید بکنند؟

کلا گوینده همیشه باید صداقت را از دست ندهد. اگر مردم فکر کنند حرفی دروغ است دیگر گوش نمی‌دهند. اصول سرنوشت آدم‌ها در زندگی شان هیچ وقت عوض نمی‌شود. صداقت و وفای به عهد همیشه در دنیا مورد قبول است. کلاه‌گذاری، تهمت و افترا همیشه مردود است. اگر گوینده رفت منبر و اینطور کرد خراب می‌شود. حتی در منبر نباید اسامی مخالفین را به توهین نقل کرد. حتی در باره لعن بر سر منبر باید دقت کرد چون وقتی لعنت می‌گوید منبر به هم می‌خورد. دیگر اینکه زیاد از مردم صلوات نگیرد. کل منبر هر چه می‌خواهد باشد، گوینده باید طوری تنظیم کند که غیر از صلواتی که اول می‌فرستند، حداکثر دو تا صلوات بفرستند. من معمولاً طوری منبر را تنظیم می‌کنم که در هر موضوعی دو سوم منبر می‌گذرد و مردم صلوات می‌فرستند. گاهی نصفه می‌رسانم. اگر یک سوم گفته بودم و ناچار بودم، یک صلوات از مردم می‌گیرم چون اگر نگیرم مطلب در ذهن شنونده بسته نمی‌شود. چون این‌ها مواردی است که در شنونده اثر روانی دارد. در این زمان اول باید صداقت، دلسوزی، محبت به مردم باشد و از همه این‌ها بالاتر مناسبت است، یعنی چیزی که امروز جامعه نمی‌تواند قبول کند را نباید در منبر مطرح کرد، حتی اگر درست باشد. چون جامعه ظرفیت پذیرش آن را ندارد. موضوع روز را باید گفت. منبری نباید به طمع کسی حرف

■ به نظر شما در زندگی جامعه امروز نیاز دخترها و پسرها چیست؟ چون اینترنت و ماهواره هست و به همین خاطر امروزه پای منبر نشستن کمی سخت شده است. از چه روشی باید استفاده کرد؟ منبری‌ها چه بگویند که جوان‌ها و مردم را جذب کنند؟

اولاً همیشه یک نیازی وجود دارد. فرد یا گرفتار است یا غم دارد و یا ناتوانی دارد. همیشه می‌خواهد راه حلش را پیدا کند. اگر گوینده هر زمانی طوری وارد کلام

شود که گوینده بفهمد چه می‌خواهد بگوید، گوش می‌دهد. چون می‌خواهد مشکل را حل کند. پس همیشه باید از جایی شروع کند که مخاطب در آن می‌ماند. مثلاً من ده تا منبر رفتم راجع به سحر شده‌ها. کار من مثل بهداشت است. مثل پزشکی که اعلام می‌کند و با دارد شیوع پیدا می‌کند.

روضه زیاد خواندن فقر و قساوت می‌آورد. توهین به ائمه اطهار علیهم‌السلام است و ایمان‌ها پایین می‌آید. روضه مکشوف خواندن جز آزار شنونده چیزی نیست



رسول ترك بك خوبى بزرگ داشت و آن هم محبت امام حسين عليه السلام بود كه بالاخره همين عاقبت به خيرش كرد

آزاد شك اباعبدالله عليه السلام

مرضيه حسيني

پير مردهاى هيئتى قديمى
تهران مى گويند: بعد از او،
هنوز نظيرش نيامده. عاشورا و
تاسوعاها، خيلى ها فقط براى
تماشاى دسته رسول ترك
مى آمدند بازار. حتى گاهى تا
ساعت چهار بعد از ظهر منتظر
مى ماندند تا عزادارى هاى او
را تماشا كنند. وقتى از خود
بى خود مى شد، ناله مى كرد:
گويند خلايق كه به ديوانه قلم
نيست
من گشتم و ديوانه، تو كلت
على الله



سال ۱۲۸۴ هجرى شمسى در
يکى از محله هاى قديمى تبريز
به نام خيابان، كودكى متولد شد
كه نامش را رسول گذاشتند.
بعدها نام اين محله واسم شهرى
كه در آن متولد شده بود به عنوان قسمتى از اسم و
فاميلى او بر روى سنگ قبرش حك شد؛ يعنى با نام
«حاج رسول دادخواه خيابانى تبريزى». پدرش،
مشهدى جعفر بود و مادرش آسيه خانم نام داشت.
آسيه خانم زنى بسيار مظلوم و آرام بود و آنطوري كه
دخترش تعريف مى كرد، او يكى از زن هاى پاكدامنى
بوده كه در جلسه هاى روضه امام حسين عليه السلام
بسيار گريان مى شد و زياد اشك مى ريخت. رسول كه
به سن جوانى رسيد، كم كم به راه هاى خلاف كشيده
شد، تا جايى كه بعد از سن بيست و چهار پنج سالگى
كه مجبور شد شهر و ديارش را رها كند و به تهران
برود.

غريبه اى در هيئت

رسول ترك در همان سال هاى كه آلوده به گناه

شده بود و هراسى از اين كار نداشت هم با خلوص
نيت و فقط براى خاطر امام حسين عليه السلام در
جلسات شركت مى كرد، تا اينكه در نهايت نيت
پاك و صدق و صفائى او باعث نجات و عاقبت به
خيرى اش شد. يكى از شب هاى دهه اول محرم،
رسول به سوى هيئت و جلسه روضه اى مى رفت
كه مسئولين و بعضى از شركت كننده هاى در آن
هيئت از اينكه رسول ترك به هيئت و جلسه آن ها
مى آمد، ناراحت بودند. چون در اين چند شبى كه
از محرم گذشته بود، هر شب در آن هيئت حاضر
شده بود و به همه نشان داده بود كه نمى تواند
مانند بسيارى از شركت كنندگان و عزاداران در
گوشه اى از مجلس آرام و ساكت بنشيند. تا جايى
كه بدش نمى آمد در نظم و ترتيب بخشيدن به
مراسم عزادارى هم دخالت كند. البته كمك ها و
كارهاى رسول كه با شلوغ كارى همراه بود، باعث
ناراحتى و نارضايتى هيئت هاى او نشد. آن ها در
حقيقت از شخصيت رسول ناراحت بودند؛ فكر
مى كردند كه حضور چنين آدمى مانع مى شود
كه جلسه عزادارى آن ها شور و حال معنوى به

ماجرای
قبر رسول

باز جان را به جان آفرين تسليم كرد. در
يكى از روز هاى سرد پاييز، مادر يكى از
نوحه خوان هاى تهران به نام حاج حسين
فرشى از دنيا رفته بود و حاج رسول ترك
با تعدادى از دوستانش همراه حاج حسين
به شهر مقدس قم رفته بودند تا جنازه آن
مادر را به خاک بسپارند. آن ها بعد طواف
تابوت به دور حرم مطهر حضرت معصومه
عليها السلام به طرف يكى از قبرستان هاى

زيباى تركى مى گفت: «قبرستان منتظر
من است و من منتظر آقام» و باز بعد از
چند لحظه دوباره همان جمله را همراه با
اشك تكرار مى كرد. در آخرين لحظات،
حاج ناظم شاهد بود كه يك دفعه وجد و
خوشحالى براى رسول ترك حاصل شد و
او با يك شور و حالى زائد الوصف صدايش را
بلند كرد كه: «آقام گلدی آقام گلدی (آقايم
آمد آقايم آمد)...» و بلافاصله و با آغوشى

شب جمعه بود. شب نهم دى ماه ۱۳۳۹
كه مطابق شده بود با پانزدهم رجب، همه
دوستان و آشنايان رسول ترك هنوز اميد
داشتند كه حاج رسول همچنان در ميان
آن ها باقى بماند. حاج ناظم آن شب بر بالين
حاج رسول بود و آمده بود تا مثل دوستى با
وفا، همه آن شب را در كنار رسول بيدار و
حاضر باشد. هر از چند گاهى حاج رسول
رو به حاج ناظم مى كرد و با همان لهجه

هیئت

او با یک شور و حالی زاندا لوصف صدايش را بلند کرد که: «آقام گلدي آقام گلدي (آقايم آمد آقايم آمد)...» و بلافاصله و با آغوشي باز جان را به جان آفرين تسليم کرد.



ماهنامه خیمه | مرداد ۱۳۹۰ | شماره ۷۸

جانب امام حسين عليه السلام برای رسول ترک باشد.

مسئول هیئت در همان شب که رسول ترک را از هیئت بیرون کرد، در عالم خواب دیده بود که در شبی تاریک در صحرای کربلاست. او در خواب دیده بود که خیمه‌ها و یاران و اصحاب امام حسين عليه السلام در یک طرف هستند و یاران و خیمه‌های لشکریان یزید لعنت الله عليهم در طرف دیگر. مسئول هیئت تصمیم می‌گیرد برای دیدن اوضاع و احوال خیمه‌های امام حسين عليه السلام به سمت خیمه‌های آن حضرت برود. هنوز بیشتر از چند قدم جلو نرفته بود که ناگاه متوجه شد سگی از خیمه‌های امام حسين عليه السلام نگرهبانی می‌کند. آن سگ با پارس‌ها و حمله‌های جسورانه‌اش به هیچ غریبه‌ای اجازه نمی‌داد به خیمه‌های امام حسين عليه السلام نزدیک شود. مسئول هیئت با احتیاط به طرف خیمه‌های حضرت سیدالشهداء عليه السلام جلو رفت اما آن سگ به او حمله کرد. مسئول هیئت با گریه و اشک به رسول ترک گفت: «رسول! من در حالیکه با آن سگ رو در رو شده بودم، یک دفعه متوجه مسئله عجیبی شدم. ناگهان متوجه شدم که سر و صورت آن سگ سر و صورت توست. این سر تو بود که بر روی بدن آن سگ قرار داشت. رسول! در واقع این تو بودی که در حال پاسداری از خیمه‌های امام حسين عليه السلام بودی...» رسول ترک بعد از شنیدن روای مسئول هیئت شروع به گریه و زاری می‌کند و ناله کنان از مسئول هیئت می‌پرسد: «راست می‌گویی؟ یعنی واقعا من سگ نگرهبان خیمه‌های امام حسين عليه السلام بودم؟...» و با شور و جدی آمیخته به گریه و اشک فریاد می‌کشد: «از این لحظه به بعد من سگ حسینم... خودشان مرا به سگی قبول کرده‌اند»

ساکت بود و با چهره‌ای ناراحت و خشمگین به حرف‌های آن جوان گوش می‌داد. جوان که خودش را فرستاده مسئول هیئت معرفی کرده بود، بدون هیچ ملاحظه‌ای به رسول حالی کرد که باید از هیئت بیرون برود و دیگر حق ندارد در آن مجلس شرکت کند. رسول از شدت ناراحتی نمی‌توانست حرفی بزند. در حالیکه خودش را کنترل می‌کرد، با سختی از جایش بلند شد. همه ساکت شده بودند و او را نگاه می‌کردند. حتی بعضی‌ها تصور می‌کردند که او الان دعوا و جنجالی به راه می‌اندازد. اما ارادت و اعتقاد رسول به امام حسين عليه السلام به اندازه‌ای بود که به او اجازه نمی‌داد از خادمان و ارادتمندان به آن حضرت، کینه و عقده‌ای به دل بگیرد. او به آرامی از هیئت بیرون رفت و در نهایت آن شب هم مثل همه شب‌های ماه محرم به پایان رسید.

هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که مردی جلوی خانه رسول ترک رسید و شروع کرد به در زدن. رسول در را باز کرد. مردی که پشت در ایستاده بود، همان مسئول هیئت بود. او در حالیکه روی پنجه‌های پایش ایستاده بود، هیکل قوی و بزرگ رسول را در آغوش گرفت و با عذرخواهی فراوان از رسول خواست تا حتماً در شب‌های آینده در هیئت آن‌ها شرکت کند. البته نمی‌خواست توضیحی بدهد که دلیل این تغییر رفتار چیست. اما اصرار رسول باعث شد تا مسئول هیئت، از خواب عجیبی که شب قبل دیده بود بگوید و واسطه یک دعوت رمزدار از

خودش بگیرد و در عین حال از اخلاص و صفای هیئت کم می‌کند. آن‌ها در ظاهر قضیه حق داشتند، چون رسول آدم لاابالی و قلدری بود، کسی بود که به فسق و زورگویی شهرت داشت و یکی از اشراری بود که مأمورهای کلاتری‌های تهران از اینکه بخواهند با او برخورد جدی داشته باشند می‌ترسیدند. اما رسول ترک با همه این اعمال بدی که مرتکب می‌شد، یک خصلت خوب و عجیب هم داشت؛ در ماه محرم در هر شکل و حالتی که بود در جلسه‌های سوگواری و روضه حضرت حسين ابن علی

عليهما السلام شرکت می‌کرد و توجهی به نگاه‌های سنگین دیگران نداشت که او را از این کار منع می‌کردند. جالب اینکه قبل از حرکت به سمت جلسه روضه و هیئت حضرت ابا عبدالله الحسین عليه السلام، اول چند لحظه دهانش را زیر شیر آب می‌گرفت و به گمان خودش به این شکل دهانش را آب می‌کشید تا دیگر نجس نباشد و بعد از آن به طرف جلسه روضه به راه می‌افتاد.

حکایت آن روز

وارد هیئت شد. خیلی از نگاه‌هایی که به او می‌افتاد، توهین آمیز و آزاردهنده بود. حتی مسئول هیئت هم که مرد باصفایی بود، موقع برخورد با رسول ترک، چهره‌ای در هم داشت. مدت زیادی از حضور رسول در هیئت نگذشته بود که جوانی از بین مسئولین هیئت بلند شد و یک راست به طرف رسول رفت و مشغول صحبت با او شد. رسول

در کنار حاج رسول ایستاده بودم می‌دیدم که او هر چند لحظه یک‌بار به آن قبر خیره می‌شد و زیر لب بایک حالت خاص ذکر لاله الله را تکرار می‌کرد. به هیچ وجه نمی‌توانستم فلسفه این کار را حدس بزنم. تا اینکه روزهای زیادی نگذشت که حاج رسول بیمار شد و از دنیا رفت و جنازه او درست در همان قبری که توجه او را به خود جلب کرده بود، دفن شد.

آن مرحوم را در آنجا دفن کردند. در تمام این ماجرا، حواس رسول ترک به قبر اول بود. حاج سید احمد تقویان، یکی از افرادی است که آن روز در جمع حضور داشته. او می‌گوید: «آن روز من و همه کسانی که در آنجا حضور داشتیم متوجه حالت غیرعادی حاج رسول بودیم. او در حالیکه مدام به همان قبر اول نگاه می‌انداخت به شدت به فکر فرو رفته بود. من خودم که

نزدیک حرم رفتم. یکی از کارگروهاو قبرکن‌های قبرستان از قبل قبری را مهیا و آماده کرده بود و تشییع کنندگان را به سمت قبر آماده هدایت کرد. رسول ترک با دیدن آن قبر یک‌باره حالش منقلب شد. اما همان موقع حاج حسين فرشی با دفن مادرش در آن قبر مخالفت کرد با این دلیل که چون این قبر زیر ناودان قرار دارد، عاقبت قبرکن قبر دیگری را کند و







دعای سحر استاد سید قاسم موسوی قهار جزئی از خاطرات ایرانیها شده است

خودشان خط می دهند

سعيد موسوي

حالا حتی اگر در روزهای عادی سال هم دعایی با صدای موسوی قهار از تلویزیون یا رادیو پخش شود، انسان ناخود آگاه به یاد ماه رمضان می افتد. فرقی هم نمی کند دعای فرج باشد یا دعای سمات یا دعای سحر. سید قاسم موسوی قهار در اصل مداح است و در مجالس مختلف مداحی می کند اما بیشتر مردم او را به عنوان دعا خوان می شناسند. ویژگی خاصی در صدای موسوی قهار هست که الان در سن ۶۵ سالگی هنوز هم صدایش گیرا و جذاب است.

■ شما دعا خواندن را از کجا شروع کردید؟ ابتدا قرآن می خواندید، مداحی می کردید و یا با دعا شروع کردید؟

پدر من روحانی بود، و از زمان طفولیت آنچه را که یاد گرفتم و به من یاد دادند پدرم به من یاد داد. بیشتر دعا و قرآن خواندن بود. مخصوصا در ماه های مبارک رمضان در مساجد و پای منبر پدرم و ضمن اینکه پدرم مرا تشویق می کرد مردم نیز با شنیدن صدایم مرا تشویق می کردند و این باعث شد که ذوقی در من ایجاد شود و این مسیر را که راه سعادت است به لطف خدا و جدمان در پیش گرفتم.

■ پدرتان به چه نحوی شما را تشویق می کردند؟ پدر خودشان شب ها در مسجد منبر داشتند و به من می گفتند که در پای منبر من قبل از منبر من جزء هایی از قرآن را بخوان و آنها را به من یاد می دادند. مثلا در ماه رمضان می گفت این دعا را بخوان آن دعا را بخوان و وقتی که دعا را می خواندم همه مردم برای تقدیر و تشکر جمع می شدند و به این خاطر من هم یک ذوق خاصی پیدا کردم.

■ این که با این لحن زیبا بخوانید را از ابتدا بلد بودید یا به تدریج و آموزش بوده است؟ از همان اول در انتخاب سبک ها یک ذوق خاصی داشتم و دوست داشتم که سبک هایی که می خوانم به گونه ای باشد که در جاهای دیگر کمتر خوانده شده باشد و دیگران کمتر شنیده باشند.

البته ما هر چه بخوانیم باز همان موسیقی است، مثلا من دعای سحر را با سبک شور می خوانم. که امکان دارد این شور را کس دیگری هم بخواند اما این سبک سبک من بوده است. دعای فرج هم به این سبک است.

■ این سبک ها را، این دستگاه ها را شما از چه کسی یاد گرفته بودید؟

ما ابتدا در روستایی در اطراف خمین زندگی می کردیم و این برنامه ها نبود. در بعضی از مجلس ها بعضی از عزیزان بودند که ما را راهنمایی می کردند که حیف است و شما باید دستگاه های موسیقی را یاد بگیرید. قبل از اینکه من دنبال موسیقی بروم احساس می کردم موسیقی را بلدم ولی اسم دستگاه و گوشه را نمی دانستم. این شد

که به دنبال موسیقی رفتم و یاد گرفتم که بد هم نشد.

■ دستگاه های موسیقی را برای خواندن دعا چگونه انتخاب می کنید؟ مثلا چرا یکی را شور می خوانید یکی را ماهور؟

مثلا فراز هایی از دعای سمات حس رزمی دارد و متناسب با مفاهیم این دعا در ماهور خوانده می شود. دشتی و شور یک مقدار حزن دارد، حالت مناجاتی دارد و این طور است که با توجه به مفاهیم، خود من انتخاب می کنم که به چه سبکی خوانده شود بهتر است. مثلا دعای سحر تقریبا در شور بود.

■ خاطره ای از دوران نوجوانی دارید که مثلا اشتباه خوانده باشید و پدرتان تذکری به شما داده باشند؟

بله. مثلا دعاهایی را حفظ کرده بودم ولی در هنگام خواندن فراموش می کردم که معمولا یا پدر آنجا بودند و یا به مردم نگاهی می انداختم و می گفتم که ببخشید اینجا را فراموش کردم و بعد آن ها ادامه اش می گفتند. البته باید دعا را از روی مفاتیح می خواندم ولی برای اینکه به مردم بفهمانم که به این کار علاقه دارم از حفظ می خواندم. البته بسیاری از آیات قرآن را هم به مرور زمان حفظ شده ام.

■ یعنی برای حفظ قرآن برنامه ای نداشتید؟ نه. پدرم سفارش می کرد که باقرآن مانوس باشید، قرآن بخوانید. مخصوصا در ماه مبارک رمضان که هر دقیقه و ثانیه آن رحمت خداوند نازل می شود، بخاطر همین ماه رمضان که می شد مثلا ده بار قرآن را ختم می کردم و مانوس شدن باقرآن این امتیاز را برای ما داشت که قرآن را تقریبا حفظ باشیم.

■ دعا خواندن شما در رادیو و تلویزیون از کی شروع شد؟ تصادفی بود؟

اوایل انقلاب بود که آقایانی که همکار ما بودند و مداح بودند، می خواستند برنامه ای داشته باشند و هر شب یک مناجاتی در تلویزیون خوانده شود. یکی از دوستان گفته بود که اگر دعایی می خواهید بخوانید فلانی صدای خوبی دارد و خوب می خواند و ما را پیشنهاد دادند و ما رفتیم و دعا را خواندیم و مورد تایید واقع شد و پخش شد که البته مقام معظم رهبری هم در خواندن دعا لطف خاصی به ما دارند.

■ اساتید خاصی هم داشتید؟

فرازهایی از دعای سمات
حس رزمی دارد و متناسب

با ماضییم
این دعا در
ماهور خوانده
می شود



می کند به گریه کردن. اما حالاسبک ها فرق می کند. با این سبک ها نه تنها اشکی نمی آید، بلکه رقصشان می گیرد. ما که نمی توانیم کلاه سر خودمان بگذاریم. خوب این ها هم این جوری قانع می شوند. حالا این سبک، جوان ها را به کجا می کشاند. فردای قیامت آنها چه جوابی دارند بدهند؟ خلاصه دل پر دردی داریم از این قضیه. حالاسبک آن به جای خودش گاهی علنا همان واژه ها استفاده می کنند و مورد تشویق یک عده خاص هم قرار می گیرند.

■ در قدیم برای مداح شدن مراحل خاصی طی می شد؟

بله مراحل را باید طی می کردند ولی متأسفانه الان هیچ مرحله ای را طی نمی کنند. الان متأسفانه یک نفر خیلی آزاد و راحت بلند می شود و می رود پشت بلندگو و می خواند و هیچ کس نیست بگوید تواز کجا آمدی. از کی تا حالا مداح شده ای؟ از چه زمانی وارد این رشته شده ای؟ این مزخرفات چیست که می گویی؟ این چیست که می خوانی؟ کسی نیست که جلوی این ها را بگیرد. آزادانه می خوانند و کاسبی هم می کنند.

■ شعرهایی که شما می خوانید از کجا انتخاب می کنید؟

کتاب های قدیمی که البته وقتی می گویم قدیمی مثل محتشم که هنوز هم شعرش بیداد می کند یا کتاب های قدیمی دیگر، شعرهای قدیم خیلی جالب بود. ببینید شعری باید خوانده شود که مسیر فکری آدم را به کربلا ببرد.

یعنی وقتی من از امام حسین علیه السلام می خوانم خود به خود طرف افکارش برود به سمت کربلا. مثلاً: امشب شب امید است / رو کن به سوی عباس / هر چند رو نداریم / در پیش روی عباس / یک علقمه یک عباس / یک باغ و یک گل

انسان همه
جامی خواهد
کار خدایی و
حسینی کند
ولی بعضی
وقتها هم
کیر می افتد



■ مداحی های گذشته با مداحی های الان چه فرقی کرده است؟

من خودم می بینم که بعضی از این آقایان سبک هایی دارند که خودم با چشم های خودم دیدم و با گوش خودم شنیدم که علناً شبیه آهنگ هایی است که رقصه ها پیاده می کنند. حتی خود فرد با کمال افتخار در جمعیتی نشست و گفت که بچه ها من دیشب فلان ترانه را خواندم. این ها آهنگ های مبتذل را برمی دارند و روی آن شعر می گذارند و وقتی این خوانده می شود چه انتظاری باید داشت؟ من آمده ام و شعری را راجع به این اشعار گفته ام:

بی تفاوت شاعران بی هدف /
شعرشان برضد ایمان و شرف /
نوحه خوانی آنقدر آسان شده /
سبک نوحه سبک رقصان شده.

که در کتابم به آن اشاره کرده ام و الان متأسفانه گاهی در برخی مجالس که کم هم هستند وقتی یک فردی مداحی می کند مردم به جای این که به یاد کربلا باشند و اشک بریزند

خیلی راحت می گویم که رقصشان می گیرد. البته من فکر نمی کنم این فرد مداح باشد. تازه آمده است و این رشته را انتخاب کرده است. البته هستند کسانی که متأسفانه در این مسیر آن ها را تشویق می کنند. عمداً هم این کار را می کنند که کلاً راه را عوض کنند.

■ می خواهم بدانم در قدیم چگونه بود؟

خیلی خوب بود. طرف تا می گفت: ای زمین کربلا من یک گوهر گم کرده ام، نخوانده آدم شروع

تمام زندگی من
نذر مولا علی
علیه السلام و
فرزندان ایشان
است



بیشتر پدرم بود و برادرم که هر دو روحانی بودند. ■ با بقیه دعا خوان ها هم آشنایی داشتید؟ مثلاً مرحوم ذبیحی؟

دعاهای آنها را گوش می کردم که بسیار هم خوب دعا را می خواندند و گوشه هایی از سبک های ایشان نیز در ذهن من نقش بسته است.

■ تلاوت قرآن و مداحی هم انجام می دهید؟

بله. اصلاً کار من مداحی است.

■ ولی مردم شما را بیشتر به عنوان دعا و مناجات خوان می شناسند.

گفتم که کار اصلی من مداحی است و دو جلد کتاب هم دارم که اشعارم در آن به چاپ رسیده. البته شعر نگفتم که کسی بگوید احسن بارک الله. جلد اول کتابم حاضر است جلد دوم هم بزودی چاپ می شود. اشعاری درباره امام حسین، آقا ابوالفضل، امام رضا علیه السلام و..... همچنین پندیات هم بسیار گفته ام.

■ مداحی را هم از پدرتان یاد گرفته اید؟

بله. مداحی را نیز به همان صورت که در پای منبر پدر می خواندم یاد گرفتم. مثلاً پدر می گفتند امشب در رابطه با فلان موضوع می خواهم صحبت کنم مثلاً می خواهم روضه آقا ابوالفضل علیه السلام را بخوانم. شعر ها را می گرفتم که وقتی روضه تمام شد شروع به خواندن می کردم و باعث شد که باز در مداحی هم تشویق بشوم و این رشته را انتخاب کنم.

الان متأسفانه یک
نفر خیلی آزاد و
راحت بلند می شود
و می رود پشت
بلندگو و می خواند
و هیچ کس نیست
بگوید تواز کجا
آمدی. از کی تا
حالا مداح شده ای؟
از چه زمانی وارد
این رشته شده ای؟

حاشیه

ارادت یک ارمنی

تمام زندگی من نذر مولا علی علیه السلام و فرزندان ایشان است. هر چه هم خواسته‌ام علی علیه السلام به من داده است. در واقع مولا غنی است و سخی است. اگر ما راه و روش گدایی را بلد باشیم خوب آقایی داریم.

من بارها گفته‌ام تو گدای خوبی باش ببین چه آقایی داری. تو نوکر خوبی باش ببین چه سروری داری. ببین برایت چه کار می‌کند. می‌خواهی از ابوالفضل بخوانی چقدر ابوالفضل علیه السلام را می‌شناسی؟ یک شب در مجلسی در یکی از فرهنگسراها خانمی ارمنی آمد و شروع به صحبت کرد. دیدم این خانم ارمنی نسبت به حضرت ابوالفضل علیه السلام خیلی عاشق تراز خیلی از ماهاست. شروع به صحبت کرد و گریه افتاد که من از ایشان حاجت گرفتم و کوچک که بودم اینطور شد و... خلاصه گفت و آنقدر گریه کرد که من همان جا شعری ساختم که: امشب شب گل است گل یاس بیارید گل را همه بر دیدن عباس بیارید.

بعد اسم این خانم را در شعر آوردم. که همه خیلی زیاد و خیلی عجیب تشویق کردند. که بعد گفت دوست دارم بروم زیارت امام رضا علیه السلام که یکی از مسئولان سفر مشهد ایشان را تقبل کردند.

در این مجلس یک حال و هوای خاصی پیدا شد که من هم بلند شدم و از مولا ابوالفضل علیه السلام خواندم. یک وقت می‌بینی کسی مثل این خانم این خط را به تو می‌دهد. این خط خیلی مهم است. خط را داد تمام شد. این خط ارتباط را او به تو داد. این خط سعادت و اشک را او به تو داد و من هم آن خط را گرفتم و الحمدلله تا آخر رفتم و جشن رمضان تبدیل شد به مجلس ابوالفضل علیه السلام. بالاخره گاهی خدا می‌خواهد به برکت یک حرف و یک کلامی و از یک گوشه‌ای یک خطی به ما بدهد. من هم دنبال بهانه می‌گردم که همان خط را بروم. گریه بر هر دردی درمان دواست / چشم گریان چشمه فیض خداست.



پسرم صدای خوبی دارد و قشنگ نوحه می‌خواند ولی وارد ورزش نشده است

پشت بلندگو می‌گویم به مجلس نگاه می‌کنم و می‌بینم طرف دارد می‌خندد. حرف مراد می‌کند و می‌گوید تو دروغ می‌گویی و واقعا هم همینطور است.

■ در مداحی روضه خواندن اصل است یا نوحه خواندن یا شور؟ در گذشته‌ها کدام بیشتر اهمیت داشته است؟ الان می‌بینیم یک ساعت شور می‌گیرند و سینه می‌زنند. در گذشته هم این گونه بوده است؟

در گذشته به گونه‌ای دیگر بوده است. روضه بود و نوحه‌های سنگین. البته الان هم خوب است ولی متأسفانه بعضی‌ها از آن خط اصلی خارج می‌شوند. ولی بعضی‌ها ضمن این که تند می‌خوانند آن حرفی که می‌زنند و آن شعری که می‌خوانند زیباست و به دل می‌نشیند.

■ برگردیم به همان بحث دعا خواندن. چون مردم خیلی صدای شما را دوست دارند و برایشان خاطره است.

مخصوصاً در ماه رمضان. حتی غیر ماه رمضان هم وقتی مردم صدای شما را می‌شنوند یاد ماه رمضان می‌افتند. توجه به معانی دعاها چقدر در لحن خواندن شما اهمیت دارد؟ یعنی مثلاً کسی که دارد این دعا را می‌خواند بفهمد که چه می‌خواند یا بفهمد که چه می‌خواند چقدر فرقی می‌کند؟

شما مثلاً می‌خواهید فارسی صحبت کنید. خوب فارسی را می‌فهمید و می‌دانید چه می‌گویید. اگر فارسی را نفهمید چیزهایی می‌گویید و آهنگ



من در مجلس ترحیمی مداحی را دیدم که خیلی راحت درباره فرد فاسدی دروغ می‌گفت

یاس... در هر صورت شعر نباید از حالت معنوی بیرون بیاید. حالت اشک داشته باشد. حالت معنوی داشته باشد. خود به خود می‌توانیم به مردم درس بدهیم. اما متأسفانه می‌بینیم این طور نیست

■ گاهی به نظر می‌رسد بعضی‌ها بیشتر به خاطر شهرت و در آمد به این سمت می‌آیند.

متأسفانه همین است و هدف دیگری ندارند و تازه

بخشید خیلی راحت می‌گویم حتی من در مجلس ترحیمی مداحی را دیدم که خیلی راحت درباره فرد فاسدی دروغ می‌گفت. خیلی راحت می‌گفت: انسان فقید سعید جنت مکان و... من همان روز بلند شدم و شعری گفتم و ادامه دادم که: جهنم جایگاه جنت مکان نیست/ در این جا هر کسی خلد آشیان نیست/ هر آنکه در عمل نیکو سرشت است/ به هر جا پانهد جایش بهشت است/ به متقال حلال اینجا حساب است/ به هر ذره حرام اینجا عقاب است/ به این عمر دوروز خود منازید/ که

می‌ترسم در این بازی ببازید... و مورد اعتراض هم قرار گرفتم که طرف آمد و اعتراض کرد که شما برای چه این شعر را خواندید. گفتم دلم خواست. چطور او دلش آمد بگوید جنت مکان؟ مگر واقعا جنت مکان است؟ من هم نمی‌گویم من جنت مکان هستم. من هم شاید بدتر از او. ولی ایشان خیلی راحت نباید بگوید جنت مکان و خلد آشیان. دهن باز می‌کند و چیزی می‌گوید که افراد هم در گوشه مجلس به حرف او می‌خندند. مردم می‌فهمند دروغ است. وقتی من چیزی را

الان متأسفانه یک نفر خیلی آزاد و راحت بلند می‌شود و می‌رود پشت بلندگو و می‌خواند و هیچ کس نیست بگوید تواز کجا آمدی. از کی تا حالا مداح شده‌ای؟ از چه زمانی وارد این رشته شده‌ای؟



گاهی بعضی از دوستان تلفن می‌زنند که ما می‌خواهیم از شما چیزی یاد بگیریم که من می‌گویم بروید و نوار مداحی‌های مرا گوش کنید

مناجاتیان

آن را به هم می‌زنید. مثلاً من می‌گویم اقامن می‌خواهم بروم بیرون. این خودش یک آهنگ و لحن دارد.

حال اگر یک عرب زبان بخواند فارسی صحبت کند آهنگ آن را خراب می‌کند. زبان عربی هم به همین شکل است. اگر معنای آن را بفهمید قشنگ‌تر است و خودت هم وصل می‌شوی. خودت خوب می‌توانی بخوانی. در واقع برایت مانند شعر است. متناسب با مفاهیم خواندن اشک می‌آورد. متناسب با مفاهیم خواندن به تو خط ارتباط می‌دهد. متناسب با مفاهیم خواندن برایت شور و حال می‌آورد. متناسب با مفاهیم خواندن تو را به خدا وصل می‌کند. گام به گام تو را به طرف خدا می‌برد. یک لحظه حس می‌کنی که خدا می‌گوید خوب چه چیز می‌خواستی؟ حالا بگو. تو که تا اینجا آمدی حالا بگو.

■ کلاس تدریس مداحی ندارید؟

قبلاً دو سه نفر شاگرد داشتم ولی الان وقتش را ندارم. چون گاهی به شهرستان‌ها می‌روم و وقت این کارها را ندارم. البته گاهی بعضی از دوستان تلفن می‌زنند که ما می‌خواهیم از شما چیزی یاد بگیریم که من می‌گویم بروید و نوار مداحی‌های مرا گوش کنید و اگر می‌خواهید چیزی یاد بگیرید از همان‌ها یاد بگیرید که خیلی‌ها هم همین کار را کردند.

■ فرزندان خودتان در این فضای قرآن و دعا و... هستند؟

بله الحمدلله همه فرزندانم در خط و مسیر قرآنی هستند. پسر من صدای خوبی دارد و قشنگ نوحه می‌خواند ولی وارد ورزش شده. وارد رشته بدن سازی و این حرف‌ها شده که من به او گفتم تا اینجا که امکان دارد این رشته را رها کند. چون صدای قشنگ و زیبایی هم دارد. می‌گویم حیف نیست تو با این صدا و لحن قشنگ رفته‌ای و این رشته را انتخاب کرده‌ای. بالاخره تو باید جای پدرت را بگیری.

■ در بحث دعا خواندن فرق دارد که شما این دعا را در صدا و سیما و استودیو بخوانید یا در مجلس؟

بله خیلی فرق دارد. در مجلس قشنگ‌تر می‌خوانم.

■ چطور؟

در مجلس مستمعین سراپا گوشند و هم آنها می‌دانند من چه می‌گویم و هم خود من می‌دانم

چه به آنها تحویل می‌دهم. گاهی تشویق می‌کنند. گاهی با نگاه‌ها و اشاره‌ها ایشان تشویق می‌کنند و انسان بهتر می‌خواند. آن‌ها در مجلس بیشتر منتقل می‌شود تا در استودیو.

■ به نظر شما انسان باید چگونه باشد تا اهل بیت علیهم السلام به او نظر داشته باشند؟

وقتی من گدا در خانه علی علیه السلام شدم دیگر گدا در خانه نامحرم‌ها نمی‌شوم. وقتی گدا در خانه حسین و ابوالفضل علیهم السلام شدم آن وقت به مجلسی نمی‌روم که طرف بی‌دین و لامذهب باشد.

یک بار به مراسم میلاد حضرت علی علیه السلام رفته بودم. گفتم صلوات بفرستید. خیلی شل صلوات فرستادند. گفتم کف بزیند. از روی تکبر و منیت کف هم نمی‌زنند. شعری خواندم که با این

شعر حتی ممکن بود بزنند من را نابود کنند. گفتم: تو که دائم علی گویی چرا رویت نمی‌شوی / تو صد رنگی و صد رویی / و به طرف آن آقایی که ایستاده بود و با نگاه‌هایش مرا مسخره می‌کرد اشاره کردم که تو اهل ساز و سننوری مرید بنگ و بافوری / ز کردار علی دوری، علی گویی علی جویی؟ / تو آن جاسوس پیش هستی، تو دلال حشیش هستی / تو گرگ شبه میش هستی، علی گویی علی جویی؟ / روی هر شب به میخانه، شدی عمال بیگانه / چه گویم بر تو دیوانه، علی گویی علی جویی؟ / دلم به درد می‌آید نمی‌توانستم نگویم. ولی خدا شاهد

است اگر خیلی‌ها بودند نه تنها اعتراض نمی‌کردند بلکه آنقدر از این‌ها تعریف و تمجید می‌کردند که چیزی گیرشان بیاید ولی من همان ساعت کاری کردم که بیایند بگویند خواهش می‌کنیم برنامه را تمام کن. نمی‌خواهیم بخوانی. من می‌توانستم کاری کنم که آنها دورم بگردند ولی چون برای خدا و امام علی علیه السلام بود کاری کردم که مرا از مجلس بیرون کنند و من افتخار کردم که بیایند و بگویند بخوان. می‌توانستم کاری کنم و از این و آن تعریف و تمجید کنم و به این و آن تلفن بدهم و کاسبی کنم ولی من این کار را نکردم و همه را خراب کردم و کوبیدم. شان و از آن مجلس بیرون آمدم بدون آنکه یک ریال بگیرم.

■ بعضی‌ها برای پاکت حاضرند هر کاری انجام

دهند. کسی که برای امام حسین علیه السلام می‌خواند در برابر این پولی که به او می‌دهند چگونه باید باشد؟ شرط بکند؟ بگیرد یا نگیرد؟ انسان همه‌جایی خواهد کار خدایی و حسینی کند ولی بعضی وقت‌ها هم گیر می‌افتد. می‌رویم و ده روز تمام می‌خوانیم و بعد می‌بینی طرف نیست. پیدایش می‌کنی ولی پول بنزینت را هم نمی‌دهد. متأسفانه خیلی‌ها این گونه هستند.

■ یعنی باید از قبل شرط کرد؟

من می‌گویم که نباید شرط کرد. البته در بعضی مجلس‌ها، مثلاً من جایی می‌روم و می‌بینم ۸۰ میلیون پول شام داده است. چرا من شرط نکنم؟ شرط هم می‌کنم و خوب هم پول می‌گیرم. اما جایی هم رفتم بخوانم که فکر می‌کردم تالار است وقتی رفتم داخل دیدم که داخل حیاط ۱۴ صندلی به سستی جا داده است. وقتی خواست به من پاکت بدهد من مانده بودم که این پاکت را چگونه به او بازگردانم. مراسم عروسی بود که من مدح مولا و مولودی خواندم. گفتم فلائی شما همسایه من هستی و قرار بود من برای شما کادو بگیرم. من که نمی‌دانم شما چه لازم دارید. داخل این پاکت هر چقدر هست شما برای خودت کادویی بگیر.

■ چرا الان خیلی‌ها برای اشک

گرفتن و پول بیشتر گرفتن به خواندن روضه‌های مکشوف روی می‌آورند؟

متأسفانه خودم هم قبول دارم که بعضی‌ها بخاطر اینکه اشک در بیاورند هزار دروغ هم می‌گویند و این درست نیست. این کفر است. من خودم گاهی شده که در خواندن روضه خط‌هایی را انتخاب می‌کنم که هم دروغ نباشد و هم سوزناک باشد. مثلاً درباره ورود به سرزمین کربلا شعرهایی گفته‌ام و نوحه‌هایی خوانده‌ام که دیگر نیازی نیست دروغ بگویم. همان شعر را با سوز خاصی بخوان ببین گریه می‌آید یا خیر.

■ خودتان بیشتر دعا خواندن را دوست دارید یا مداحی کردن را؟

هر دو را. البته کار من مداحی است ولی خوب دعا هم در جای خیلی مهم است. مثل ماه مبارک رمضان.

بعضی‌ها بخاطر اینکه اشک در بیاورند هزار دروغ هم می‌گویند و این درست نیست. من خودم گاهی شده که در خواندن روضه خط‌هایی را انتخاب می‌کنم که هم دروغ نباشد و هم سوزناک باشد.

پرونده



سرسفره افطاری آقا

در ماه مبارک رمضان بعضی‌ها
روزه‌شان را با رهبری افطار
می‌کنند

آب و نان و خرما

در روایات بسیاری به سادگی
سفره‌های افطاری توصیه شده
است

سفره‌های هزار رنگ

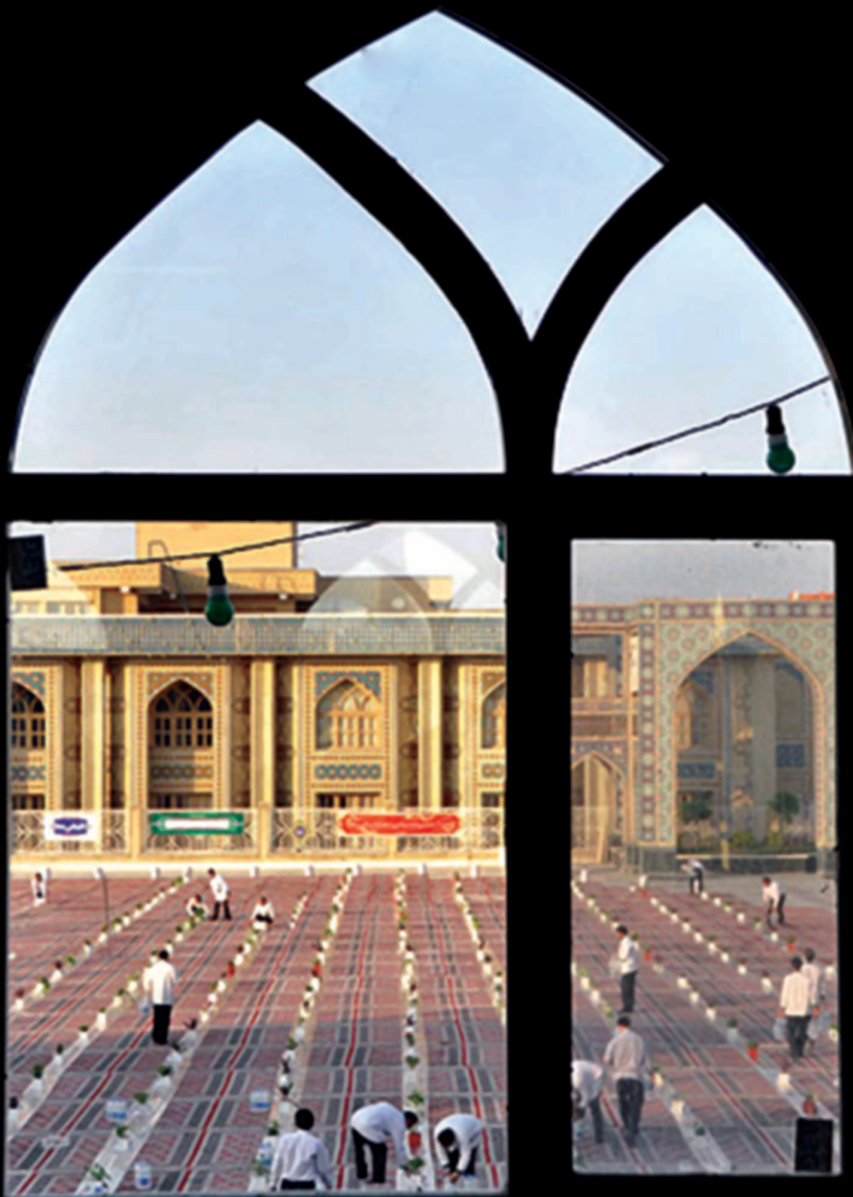
در ماه مبارک رمضان خیلی‌ها
افطاری می‌دهند، امانت‌ها
فرق می‌کند

افطار به وقت تلویزیون

آیا برنامه‌های لحظه افطار
تلویزیون، روزه‌داران را به خدا
نزدیک‌تر می‌کند؟

جای خالی افطار

در مساجد
آسیب‌های افطاری
دادن در گفت‌وگو
با آیت‌الله سید
محمد امین





در ماه مبارک رمضان بعضی روزها را با رهبر افطار می‌کنند

مهدی شفاعتی

ماه مبارک رمضان که از راه
می‌رسد بیت رهبر معظم
انقلاب هم برنامه‌های ویژه‌ای
را برای مردم تدارک می‌بیند.
در این ماه پربرکت، مانند
دهه اول محرم یا ایام شهادت
حضرت زهرا سلام الله
علیها، خیابان فلسطین جنوبی
با بقیه روزهای سال خیلی فرق
می‌کند انگار این خیابان برای
خیلی‌ها محل قرارهای روزانه
می‌شود تا در حسینیه امام
خمینی رحمت الله علیه
(بیت رهبری) با رهبرشان از
نزدیک دیدار کنند.

سرسفره افطاری آقا



عموم مردم در تمام روزهای ماه مبارک رمضان این فرصت را دارند که نماز ظهر و عصر را به امامت رهبر معظم انقلاب در بیت رهبری بخوانند



دیدارهای اقشار مختلف مردم با مقام معظم رهبری در ماه مبارک رمضان، حالا دیگر برای خیلی‌ها شناخته شده است. دانشجویان، اساتید دانشگاه‌ها، شعرا، نویسندگان و اهالی ادب، مسئولان نظام و نخبگان علمی در سال‌های گذشته پای ثابت دیدار با حضرت آیت الله خامنه‌ای در ماه مبارک رمضان بوده‌اند. البته این دیدارها در برخی سال‌ها تنوع بیشتری دارد. مثلاً سال گذشته، برای نخستین بار، رهبر معظم انقلاب به همسایه‌های خود افطار دادند. دیدار با کارگران و کارآفرینان هم از دیگر برنامه‌های خاص سال گذشته بود. اما این طور که پیداست، به طور کلی دیدارهایی که بر حسب اجبار از نظر زمانی، به ایام ماه مبارک رمضان موکول می‌شود، معمولاً همزمان با افطار برگزار می‌شود و مدعوین افطار را میهمان رهبر معظم انقلاب هستند. با این حال مردم تهران این اقبال را دارند که در ماه مبارک رمضان چند بار با رهبرشان دیدار کنند، چرا که نماز جمعه نخستین جمعه ماه رمضان و نماز عید فطر به امامت ایشان اقامه می‌شود.

بیت مخصوص آدم‌های خاص نیست

تا کنون رسم نبوده است که آیت الله خامنه‌ای در ماه مبارک رمضان با عموم مردم دیداری داشته باشند. به هر حال به دلیل محدودیت مکان و مشکلات زمانی تا حدودی هماهنگی این دیدارها ممکن نیست، بنابراین دیدارهایی که به افطار ختم می‌شوند، به اقشار خاصی برمی‌گردد، اما عموم مردم در تمام روزهای ماه مبارک رمضان این فرصت را دارند که نماز ظهر و عصر را به امامت رهبر معظم انقلاب در بیت رهبری بخوانند. برخلاف دیدارهای قبل از افطار که باید از قبل کارت ورود به حسینیة امام خمینی رحمت الله علیه را بگیرند، نماز جماعت ظهر و عصر نه نیاز به کارت دارد و نه احتیاجی به هماهنگی. هر کس هم دلش تنگ شود، می‌تواند هنگام اذان ظهر به بیت رهبری که در انتهای خیابان فلسطین جنوبی واقع شده است، مراجعه کند تا بدون هیچ ممانعتی وارد حسینیة شود. البته اگر دوست دارید از نزدیک‌تر رهبر انقلاب را ببینید، بهتر است حداقل ۴۵ دقیقه قبل از اذان خودتان را به بیت برسانید. قبل از اذان هم یک سخنران به بیان احکام و مسائل شرعی می‌پردازد، پس از وقتتان هم می‌توانید به بهترین شکل استفاده کنید. مسلماً همراه نیاوردن تلفن همراه و وسایلی که ممکن است برایتان وقت گیر شود، به تسریع ورود شما کمک بسیاری می‌کند. و گرنه باید در صف

تحویل اشیای ممنوعه بایستید و پس از پایان نماز هم باید برای تحویل گرفتن اشیاء امانتی خود کلی وقت بگذارید.

اشیاء ممنوعه

اشیاء ممنوعه وسایلی است که مأموران مجبورند برای حفاظت از بیت، از ورودشان به داخل آن جلوگیری کنند. تلفن همراه، کیف، رایانه همراه، بی‌سیم، خودکار، حافظه همراه و هر چیزی که کمی حجیم باشد و پیچیده، جزو اشیاء ممنوعه به حساب می‌آید. یعنی شما نمی‌توانید آن را داخل ببرید و باید به کانکسی که در ابتدای بیت قرار دارد تحویل داده شود. وقتی هم اشیاء ممنوعه را تحویل می‌دهید، یک کارت کوچک به شما می‌دهند که تمام وسایل امانتی شما را به دارنده آن کارت تحویل می‌دهند. پس حواستان باشد که کارت را گم نکنید.

همسفره با آقا

دیدارهای رهبری در ماه مبارک رمضان با ماه‌های دیگر تفاوت چندانی ندارد. اما با توجه به ویژگی‌های خاص این ماه، رهبر انقلاب طبق رسم ۲۲ ساله گذشته در دیدارهای ماه مبارک رمضان، بخشی از سخنرانی خود را به مباحث اخلاقی و توصیه‌های معنوی اختصاص می‌دهند. علاوه بر این، هنگام صرف افطار نیز معمولاً گفت‌وگوهای کوتاه و صمیمی بین ایشان و مهمانان ردوبدل می‌شود، چرا که رهبری روزه خود را با مدعوین آن دیدار باز می‌کنند و بر سر یک سفره با آنان می‌نشینند. در این چند سال رسم بر این است که دیدارهای ماه مبارک رمضان از ۲ یا ۳ ساعت قبل از افطار آغاز می‌شود و تا هنگام نماز مغرب ادامه دارد. پس از آن نماز جماعت مغرب و عشا به امامت رهبر انقلاب اقامه می‌شود. البته بین دو نماز، معمولاً دعا‌های ماه مبارک رمضان قرائت می‌شود.

یک سفره ساده

سفره‌های مقام معظم رهبری شامل چای، نان، آب، شکر، پنیر، سبزی، خرما و یک وعده غذای گرم است. غذای گرم این سفره هم بیشتر اوقات زرشک پلو با مرغ است. پس از این که نماز عشا به پایان رسید، مدعوین به طرف سفره‌هایی آیند و روزه خود را در حضور رهبر افطار می‌کنند. خوش اقبالید اگر روی سفره رهبری جا پیدا کنید، چرا که می‌توانید ایشان را لحظه به لحظه ببینید و با ایشان افطار کنید. رهبری با طمأنینه غذای خود را میل می‌کنند و در طول خوردن غذا، دائم به اطراف خود توجه دارند و با مدعوین خوش و بش می‌کنند. پس از صرف افطاری هم دیدار، به طور رسمی تمام می‌شود و مدعوین حسینیة حضرت امام خمینی رحمت الله علیه را آرام آرام ترک می‌کنند.

حاشیه

روایتی از سفره افطاری که ویژه همسایه‌های بیت پهن شد

نزدیک‌تر از فامیل

مهمان‌های آن روز حسینیة امام خمینی رحمت الله علیه فقط همسایه‌ها بودند. چهره‌هایی که نه مثل مسئولان نظام رسمی به نظر می‌رسیدند و نه مثل دانشجویان پر شور و نشاط. آرام، دور هم نشسته بودند و در گروه‌های چند نفره مشغول صحبت بودند. در انتهای سالن هم چند بچه از صندلی‌های پلاستیکی بالا و پایین می‌رفتند و هر چند وقت یک بار سرو صدایشان سکوت حسینیة را می‌شکست.

پیرزنی هم با چادر نمازش آمده بود و مدام چیزی زیر لب زمزمه می‌کرد و تسبیحش را می‌چرخاند. از پیرمردی که در نزدیکی ام نشسته بود، درباره مشکلات همسایگی با بیت رهبری پرسیدم؟ از شلوغی شب‌های فاطمیه سلام الله علیها و محرم گفت واز پارک کردن ماشین در نزدیکی خانه‌شان، با این حال گفت که سکوت و

آرامش این منطقه به همه چیز می‌ارزد. هنوز حرف‌های پیرمرد تمام نشده بود که صدای صلوات در حسینیة پیچید. میزبان وارد حسینیة شده بودند با آنهایی که جلوتر بودند سلام و علیکی کردند و روی صندلی همیشگی نشستند. قرائت قرآن که تمام شد. میزبان به مهمانان خوشامد گفتند «عرض خوش آمد به همسایگان محترم که توفیق پیدا کردیم افطار را در معیت شما باشیم. همسایگی بیش از این‌ها اقتضای دارد، اما همه شما می‌دانید که مجال این کار برای ما کم است...» و بعد هم یک توصیه: «شماره این مجموعه همسایگی سعی کنید وسیله خیر باشید برای همسایگان» و بعد به شوخی گفتند: «حالا منهای ما...» چیزی به اذان مغرب نمانده بود که رهبر به سمت صف نماز رفتند و در سجاده به انتظار اذان ماندند. همسایه‌ها هم منظم به صفا ایستادند.



در روایات بسیاری به سادگی سفره های افطاری توصیه شده است

آب و نان و خرما

زهره پور طاهریان

یکی از عادت های خوب و پسندیده در جامعه اسلامی، اطعام و دعوت دیگران به غذا در مناسبت های مختلف دینی است. حالا فرقی نمی کند ماه محرم و صفر باشد یا ایام فاطمیه سلام الله علیها و رمضان. افطاری دادن از سنت های خوبی است که ریشه در ایمان مردم دارد و همه سعی می کنند که به نوعی از ثواب انجام این کار حسنه جا نمانند. شاید حکمت اصلی این سنت نبوی هم بیشتر توجه به نیازمندی است که برای تهیه ضروری ترین نیاز خود یعنی غذا مشکل دارند. از طرف دیگر افطاری دادن باعث ایجاد انس و اتحاد در میان مسلمانان می شود. در روایات های مختلفی از ائمه معصومین علیهم السلام به افطاری دادن سفارش شده است.



آیات بسیاری در قرآن است که در آن به ثواب افطاری دادن اشاره شده است. خداوند کریم در آیه ۸ تا ۸ سوره انسان (دهر) به سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام در اطعام و افطاری دادن اشاره می کند و می فرماید آن ها برای خشنودی خدا از غذای خودشان به مسکین و یتیم و اسیری می دادند تا این گروه از جامعه از نعمت های خدا بهره مند شوند. نکته ای که در اینجا به آن تاکید شده این است که اهل بیت علیهم السلام نه برای پاداش و یا تعریف و تمجید و امور دیگر بلکه تنها برای رضا و خشنودی خدا از غذایشان گذشته و آن را به افراد نیازمند که در میان آن کافر اسیری نیز بوده هدیه دادند، در حالی که خودشان به آن غذا نیاز داشتند و خداوند آن ها را به سبب این اعمال نیک جزو کسانی دانسته است که در مقام ابرار قرار گرفته اند.

■ ثواب افطاری دادن در کلام معصومین علیهم السلام

«بو شیخ ابن حیان» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده که حضرت فرمود: مَنْ فَطَرَ صَائِمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ كَسْبٍ خَلَالَ صَلَّاتِ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ لِيَالِي رَمَضَانَ كُلِّهَا وَ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ مَنْ صَافَحَهُ جِبْرَائِيلُ يَرِقُّ قَلْبُهُ وَ تَكْثُرُ دُمُوعُهُ؛ کسی که با مالی که از راه حلال به دست آورده در ماه رمضان روزه داری را افطاری دهد، در تمام شب های رمضان فرشتگان

بر او درود می فرستند و جبرئیل در شب قدر با وی مصافحه می کند و هر کس جبرئیل با او مصافحه کند، قلبش نرم و اشک چشمش بسیار می شود. همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید: فردی به نام سدیر، در ماه مبارک رمضان، بر پدرم امام باقر علیه السلام وارد شد. حضرت فرمود: ای سدیر، آیا می دانی در چه شب هایی قرار داریم؟ عرض کرد، آری، پدرم فدایت باد، شب های ماه مبارک رمضان است. امام فرمود: آیا می توانی در هر شب از این شب ها ۱۰ بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟ سدیر گفت: پدر و مادرم فدایت باد این اندازه ثروت ندارم. امام فرمود آیا می توانی نه بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟ سدیر باز همان گونه جواب داد. حضرت یکی یکی کم کرد تا فرمود آیا می توانی هر شب یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کنی؟ سدیر عرض کرد: این نیز در توانم نیست. امام فرمود آیا می توانی هر شب مسلمانی را افطار دهی؟ مرد گفت: آری، بلکه ده مسلمان را نیز می توانم. پدرم فرمود: ای سدیر، من نیز همین را اراده کرده ام. اگر بتوانی یک برادر مسلمان را افطاری دهی ارزش آن چون آزاد ساختن یکی از فرزندان اسماعیل است. همچنین از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده: «افطاری دادن به برادر روزه دار از روزه فرد بافضیلت تر است.»

■ افطار در سیره عملی ائمه معصومین علیهم السلام
آداب افطار، یعنی چگونه افطار کردن، و باچه افطار

پیامبر، اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود خوردن آب ولرم باعث پاکیزگی کبد و معده است



کردن از جمله مسائل مورد توجه سیره معصومین علیهم السلام است. از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ادعیه خاصی در وقت افطار نقل شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در وقت افطار این دعا را می فرمود: «اللهم لك صمنا و علی رزقک افطرا نا فتقبله منا، ذهب الظلما و ابتلت العروق و بقی الاجر» بار خدایا برای تو روزه گرفتیم، و بر روزی تو افطار می کنم، پس آن را از ما بپذیر. اما اینکه با چه چیزی افطار می کردند، از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آب و خرما یا آب و رطب افطار می کردند. (رطب غیر از خرما است) و اگر آن حضرت شیرینی یا حلوا نمی یافت تا با آن افطار کند گاهی با شکری که از نی گرفته می شد،

افطار می کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود آب ولرم باعث پاکیزگی کبد و معده است، و دهان را خوشبو می سازد، و ریشه دندان و دید چشم را تقویت می کند. و در کتاب مکارم انس نوشته شده است غذای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شربتی بود که در افطار می آشامید، و شربتی که آن را در سحر می خورد، خیلی از اوقات این شربت عبارت بود از شیر و خیلی از اوقات مقداری آب بود که در آن نان راحل کرده بودند. در کافی، ابن قدام از ابی عبد الله علیه السلام نقل شده

است که فرمود رسول خدا در روزهایی که روزه می گرفت نخستین چیزی که با آن افطار می کرد خرما می تازه و یا خرما می خشک بود و نیز در کافی به سند خود از سکونی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی روزه می گرفت و برای افطار به شیرینی دست نمی یافت با آب افطار می کرد، و در بعضی از روایات آمده است که با کشمش افطار می کردند.

ابن طاووس از امام باقر علیه السلام نقل می کند که حضرت علی علیه السلام دوست داشت که با شیر افطار کند. افطاری دادن در سیره معصومین علیهم السلام به نحو کاملی مشاهده می شود. از امام صادق علیه السلام روایت است که هنگامی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام روزه می گرفت دستور می داد گوسفندی را سر می بریدند، و آن را تکه تکه می کردند و در

دیگ می ریختند، آن حضرت در وقت غروب به دیگ هاسر می زد و در حالیکه روزه داشت بوی آبگوشت را استشمام می کرد، آنگاه می فرمود: کاسه ها را بیاورید این کاسه را برای فلان کس و دیگری را برای فلان بکشید، و همینطور کاسه ها را پر می کردند تا آبگوشت تمام می شد. آنگاه خود با نان و خرما افطار می کرد. و همچنین امام صادق علیه السلام نیز شب در خانه فقرا می رفت و به آن ها نان و خرما می داد و سفارش می فرمود: «در ماه رمضان به مردم افطاری بدهید. در روایات آمده است که امام علی ابن ابی طالب علیه السلام مدتی بود که میل به غذایی از جگر کباب شده بانان نرم داشت. مدت یک سال به همان نحو گذشت و تهیه چنان غذایی میسر نشد. روزی در ماه مبارک رمضان، امام علی علیه السلام از فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام خواست که چنان غذایی برای افطار تهیه کند. حضرت مجتبی علیه السلام غذای مورد علاقه پدر را درست کرد. هنگام افطار، هنوز امام علی علیه السلام دست به سوی غذا پیش نبرده بود که سائلی بر در خانه آمد و اظهار تنگدستی کرد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: غذا را بردارید و برای او ببرید.

افطار در سیره بزرگان و علما

عالمان و بزرگان دینی ستارگان پر فروغی هستند که در هر عصری، در آسمان علم و عمل می درخشند. در این بخش به گوشه ای از سیره عملی این بزرگواران در زمینه افطار، اشاره می شود.

افطار کنار خانواده

در میان علمای دین حضرت امام خمینی رضوان الله علیه چهره محبوب قرن، از موقعیتی والا و ویژه ای برخوردار است، زیرا روزها و ساعت ها لحظه های عمر او، با مرآه

و

محاسبه سپری شد و صدها آیه قرآن را مجسم ساخت و عینیت بخشید. ایشان با همه عظمت و بزرگی، احترام و ویژه ای به خانواده خود می گذاشت. در بخشی از خاطرات «حاج عیسی جعفری» پیرمردی که در میان مردم ایران به خادم امام رحمت الله علیه مشهور است نوشته شده: «شب نوزدهم ماه مبارک رمضان که می شد حاج احمد آقا تهیه و تدارک افطار می دید و در خانه ای که خانم امام رحمت الله علیه سکونت داشت افطاری می داد. هر کسی هم که متوجه می شد برای خوردن افطاری می آمد. شب های دیگر هیچ خبری نبود. یکی از شب های نوزدهم من دو برادر جانبازم را هم سر آن سفره افطاری بردم آن شب آیت الله خامنه ای و آقای رفسنجانی هم بودند. جالب آنکه حضرات به امام رحمت الله علیه گفتند که آقا مادوست دارم افطاری کنار شما باشیم و افطار را با هم بخوریم. حضرت امام رحمت الله علیه فرمودند که من یک آب جوش با شما می خورم و شام را باید پیش خانم بروم. ایشان احترام خاصی به خانم داشتند. آن شب آب جوشی با آقایان خوردند و سپس حرکت کردند و رفتند.»

افطار در حرم حضرت معصومه علیها السلام

یکی از فضلا می گفت: به مرحوم آیت الله شهید مطهری عرض کردم که شما فوق العاده از علامه طباطبایی تجلیل می کنید. تعبیر «روحی فداه» را درباره ایشان به کار می برید، این همه تجلیل به خاطر چیست؟ ایشان فرمود: من فیلسوف و عارف، بسیار دیده ام و احترام مخصوص من به ایشان، نه به خاطر این است که او یک فیلسوف است، بلکه به این دلیل است که او عاشق و دل باخته اهل بیت علیهم السلام است. علامه طباطبایی قدس سره در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیها السلام افطار می کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می شد و ضریح مقدس را می بوسید. سپس به خانه می رفت و غذا می خورد. این ویژگی او است که مرا به شدت شیفته ایشان کرده است.

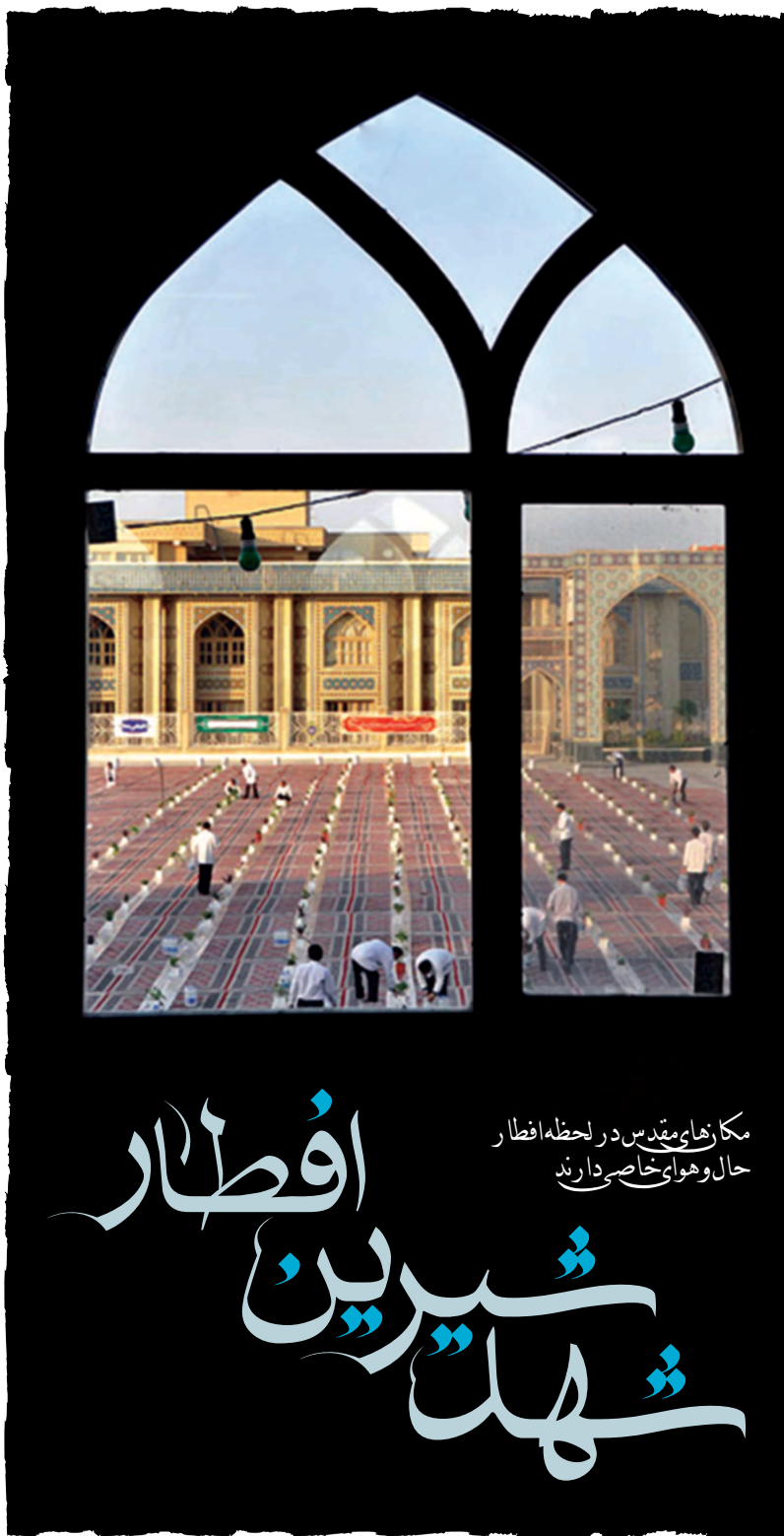
علامه طباطبایی
قدس سره در ماه
رمضان، روزه
خود را با بوسه
بر ضریح مقدس
حضرت معصومه
علیها السلام
افطار می کرد و
بعد به خانه
می رفت





میترا رضایی

اینکه لحظه‌های ملکوتی افطار
را نه در خانه خودت که در خانه
خدا یا هر مکان مقدس دیگری
سپری کنی لذت بخش تر است
و زیبا تر. در ماه مبارک رمضان
از مسجد الحرام و مسجد النبی
در سرزمین وحی تا مسجد
شیعیان هامبورگ و از بارگاه
مطهر ثامن الحجج علیه السلام
تا آستان مقدس امامزاده صالح
علیه السلام تجریش، سفره‌هایی
به پهنای آسمان آبی پهن می‌شود
که تا در آن روزه دارانی از هر
صنف و طبقه روزه خود را افطار
می‌کنند. شاید این سفره‌ها ساده
باشند و بی تکلف، اما صفایی
دارد که برای اهل دل ارزش
بالایی دارد.



مکان‌های مقدس در لحظه افطار
حال و هوای خاصی دارند

شهرت سیرین افطار

پرونده

ماهنامه خیمه | مرداد ۱۳۹۰ | شماره ۷۸



هر شب بسته‌های متبرک افطار میان گزاران روزه دار که برای اقامه نماز به استان امامزاده صالح می آیند توزیع می شود

وقتی صوت زیبای ربنا از گلدسته‌های آستان مقدس پخش می شود حلقه‌های اشک روزه داران به چشم‌ها و قلب‌هایشان پل می زند و هر کس با زبان دل خود با حضرت عشق نجوای کند، طرح ضیافت رضوان ۵ سال است که در حرم امام رضا علیه السلام بر پا می شود.

امامزاده‌ها

مهمان سلاله پاکان

امامزاده‌ها یکی دیگر از مکان‌های مقدسی است که در ماه مبارک رمضان در آن سفره‌های افطاری پهن می شود. بر نامه‌های افطاری بیشتر امامزاده‌ها حدود یک ساعت مانده به اذان مغرب با تلاوت یک جزء قرآن کریم آغاز خواهد شد و بعد از اقامه نماز جماعت، به روزه داران افطاری ساده و به دور از هر گونه تجمل داده می شود. بر نامه‌ای که می تواند به عنوان الگویی در جامعه گسترش یابد. در میان امامزاده‌های شهر تهران، امامزاده صالح علیه السلام تجریش، جزو

پر مخاطب‌ترین و محبوب‌ترین امامزاده محسوب می شود که به دلیل کرامات بی شمارش و قرار گرفتن در بافت شهری، روزانه به طور میانگین پذیرای ۳۰ هزار نفر زائر است، برای همین مدیران این آستان همیشه برنامه‌هایی را برای ارائه امکانات رفاهی بیشتر به زائران روزه دار در نظر می گیرند، که بسته‌های تبرکی افطاری نیز یکی از آن‌ها است. توزیع بسته‌های افطاری میان نماز گزاران آستان مقدس حضرت صالح بن موسی الکاظم علیه‌السلام چند سالی است که بعد از اقامه نماز جماعت مغرب و

عشا انجام می شود. این بسته‌های متبرک شاید مختصر باشد، اما متبرک است به نام فرزند موسی بن جعفر علیهم السلام و زائران روزه دار می توانند با لقمه‌های متبرک و معنوی روزه خود را باز کنند. بخشی از هزینه‌های این افطاری توسط خود آستان مقدس و بخش دیگر از نذورات مردمی که به طور خاص برای مراسم افطاری پرداخت می کنند، تامین می شود. دفتر نذورات آستان از چند هفته قبل از آغاز ماه مبارک رمضان و تا چند روز مانده به پایان ماه نذورات افطاری را از دوستداران اهل بیت علیهم السلام می گیرد و در ماه مبارک، هر شب بسته‌های متبرک افطار میان نماز گزاران روزه دار که برای اقامه نماز به آستان امامزاده صالح می آیند توزیع می شود.

روزه داران زمان افطار در مسجد الحرام و مسجد النبی بطری‌های آب زم زم خنک توزیع می شود تا کسی مجبور نباشد با خودش آب بیاورد. بر اساس سنت‌های شهر مدینه، ساکنان این شهر غذای افطاری خود را پس از نماز عصر به مسجد النبی می برند تا آن را میان زائران توزیع کنند. برخی این غذا را در محوطه خارجی مسجد قرار داده و برخی دیگر آن را میان زائران داخلی مسجد توزیع می کنند. افطار در مسجد النبی هم بیشتر شامل خرما، شیر، ماست، آب و میوه است و مردان جوان و حتی سالخورده کنار هم تلاش می کنند که این غذاها را میان زائران پخش کنند. بعضی‌ها هم در محوطه خارجی مسجد بسته‌های غذایی شامل گوشت یا مرغ با برنج به همراه میوه و قهوه عربی را در اختیار زائران می گذارند.

حرم ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام

زیر گنبد طلا

شیفتگان و عاشقان حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام هر کجای این جهان که باشند آرزوی دیرینه‌ای در دل دارند و آن بهره‌مندی از خوان گسترده مهمانسرای حضرت رضا علیه السلام است. سفره‌ای که نان و نمکش برکت سال‌های سال می شود و طعمش تا همیشه صفا بخش ضمیر دل‌های شیدا. در ایام ماه مبارک رمضان و با برگزاری طرح ضیافت رضوان روزانه بیش از ۳۰۰ هزار نفر روزه دار در بارگاه حضرت ثامن الحجج علیه السلام اطعام می شوند. ضیافت رضوان در ماه

مبارک رمضان بعد از اقامه نماز مغرب با پهن شدن سفره‌های افطار در صحن هدایت آغاز می شود. این ضیافت مخصوص مجاوران حرم رضوی است و روزه داران با غذای متبرک سفره خانه آستان مقدس رضوی افطار می کنند. در این طرح فرصتی برای شهروندان ساکن فراهم می شود تا مهمان سفره پر خیر و برکت امام غریب و مهربان باشند به هر حال همسایگان سال‌های دور حرم امام رضا علیه السلام روزها انتظار می کشند تا ایام ماه مبارک رمضان سفره حرم رضوی مهمان شوند. البته بیشتر این افراد ترجیح می دهند در حرم رضوی فقط با خرما افطار کنند و غذای گرم را به خانه ببرند تا بقیه اعضای خانواده که همراهشان نیستند هم از این طعام بهره‌مند شوند.

آن‌ها که ماه
رمضانی را در حج
عمره گذرانده
باشند می‌دانند
افطاری در حرم
حرم نبوی و کعبه
و در میان مسلمانان
با ملیت‌های مختلف
چه حال و هوای
نابی دارد



مسجد الحرام و مسجد النبی

سیاه و سفید سر سفره خدا

آن‌ها که ماه رمضان را در حج عمره گذرانده باشند می‌دانند افطاری در حرم نبوی و کعبه و در میان خیل عظیمی از مسلمانان با ملیت‌های مختلف چه حال و هوای نابی دارد. ساعت‌های پیش از غروب آفتاب سرتاسر مسجد الحرام و مسجد النبی مملو از جمعیتی است که برای زیارت خانه خدا و راز و نیاز با معبود آمده‌اند و از اینکه فرصت یافته‌اند تا در این افضل الشهور مهمان حرم امن الهی و مسجد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم باشند بر خود می‌بالند. از همه جای این کره خاکی در اینجا جمع هستند سیاه و سفید، اروپایی و آسیایی و فقیر و غنی. بعد از اقامه نماز سفره‌های ساده و بی‌ریای افطار در تمام طبقات مسجد الحرام پهن می‌شوند. نان، خرما و قهوه عربی طعمی است که در این سفره‌های یکی پس از دیگری جای می‌گیرد. سال‌های قبل، روزه دارانی که برای عبادت به مسجد الحرام می‌آمدند مقداری غذا با خودشان می‌آوردند تا روزه‌شان را افطار کنند، اما چند سالی است که ورود هر گونه مواد غذایی دیگر به جز نان و خرما و قهوه به داخل این مکان مقدس ممنوع شده است، چرا که این کار موجب کثیف شدن فضای مسجد می‌شود. همچنین برای رفع تشنگی

در ماه مبارک رمضان خیلی‌ها افطاری می‌دهند. اما نیت‌ها فرق می‌کند

سفره‌ها گوار رنگ

شهره کیانوش راد

ماه رمضان که از راه می‌رسد، سنت‌های نیکویی رواج می‌یابد که یکی از آن‌ها افطاری دادن است. سنت پر خیر و برکتی که مسلمانان بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام به انجام آن اهتمام دارند. آنچه مسلم است افطاری دادن ثمرات بسیاری دارد از انس و الفت و تجدید دیدارها گرفته تا صله ارحام، اتفاق به نیازمندان، و ترویج خوبی‌ها و دوستی‌ها که مهم‌ترین آن ترویج فرهنگ روزه‌داری است. با نگاهی کوتاه به سفره‌هایی که در این ماه پهن می‌شود به خوبی می‌توان آن‌ها را به انواع مختلفی تقسیم کرد که گاهی اوقات علاوه بر انگیزه خدایی، اهداف دیگری هم در آن دنبال می‌شود. از افطاری‌های خانوادگی و دوستانه تا سیاسی و تبلیغاتی که هر کدام سبک و سیاق خاص خودشان را دارند.

اجرای برنامه‌ها را در پی خواهد داشت. افطاری دادن آن هم از نوع خیابانی از همان برنامه‌هایی است که باید در اجرای آن دقیق‌تر عمل کرد، چون فقط کمی بی‌توجهی در پهن کردن این سفره ممکن است ترافیک سنگینی ایجاد کند. همچنین رها کردن لیوان‌های یک بار مصرف در خیابان و توجه نکردن به وضعیت نظافت خیابان‌ها از دیگر مشکلات افطاری‌های خیابانی است که می‌توان با گذاشتن چند سطل بزرگ در آنجا این مشکل را برطرف کرد شاید بهتر باشد اینگونه ایستگاه‌ها در بوستان‌ها، مراکز خرید و سایر مراکز عمومی برپا شود و با جلب مشارکت روزه‌داران شرایطی را فراهم کرد تا عامه مردم بتوانند تهیه نان، خرما، شیر و... را بر عهده بگیرند.

افطاری انتخاباتی

افطار بده برو مجلس

همه اهل محل دعوت شده بودند. شهر ما خیلی

افطاری در خیابان

یک لیوان جای هزار درس

اجرای برنامه‌های فرهنگی در شهر به مناسبت ایام مختلف یکی از فعالیت‌هایی است که در برنامه کاری مسئولان امور شهری جایگاه ویژه‌ای دارد. تنوع در برنامه‌ها برای جلب مشارکت‌های مردم و آموزش و اطلاع‌رسانی از طریق پایگاه‌های اطلاع‌رسانی از شیوه‌هایی است که معمولاً شاهد اجرای آن هستیم. به طور حتم برای هر یک از این برنامه‌ها بودجه‌ای تعیین شده و ذوق و سلیقه مدیران در اجرای برنامه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است، اما گاهی به نظر می‌رسد برخی مدیران بدون برنامه ریزی دقیق و تنها برای اینکه دستورالعمل ابلاغی را اجرا کرده باشند، برنامه‌ای را برگزار و بودجه‌ای را که می‌توانستند در راه درست‌تری صرف کنند، بدون برنامه هزینه می‌کنند، اما واضح است که نتیجه این بی‌برنامگی و سرسری انجام دادن برنامه‌های فرهنگی، دور شدن از اهداف اصلی



بزرگ نبود

و تقریباً همه همدیگر

را می‌شناختند. قضیه افطاری آقا

جلال چندروزی بود نقل محافل شده بود. معلوم نبود چرا آقا جلال تصمیم گرفته همه کاسب‌ها و همسایه‌ها را برای افطار دعوت کند. پیش از این خیلی اهل بریز و بیاش نبود. من یکی یاد نمی‌آمد

پرونده

ماهنامه خیمه | مرداد ۱۳۹۰ | شماره ۷۸

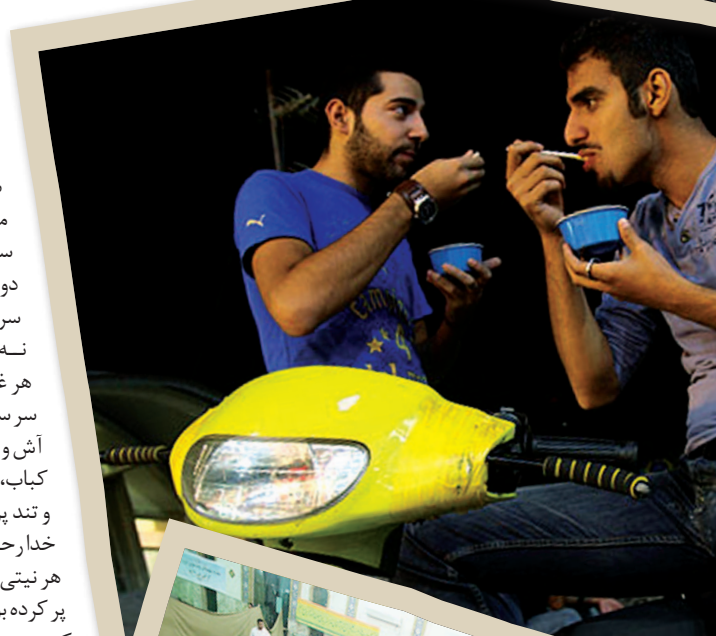
از ایشان می‌تواند فرصت خدمتگزاری برای این چهره محلی و مردمی را فراهم کند. همان موقع نگاه من به اکبر آقا افتاد مرا که دید، سری تکان داد و دوباره به سخنران خیره شد.

افطاری در مسجد مهمان خدا

نمی‌دانم تا به حال برای شما پیش آمده که روزه خود را در مسجد افطار کنید یا نه؟ سال گذشته به لطف یکی از دوستان خوب برای نخستین بار فرصتی دست داد تا نماز اول وقت را در یکی از مساجد اقامه کنم. شاید به کار بردن کلمه فرصت آن هم برای حضور در خانه خدا سخن به جا و شایسته‌ای نباشد، اما راستش خیلی از ما آنقدر خود را درگیر مشغله‌های زندگی کرده‌ایم که خواندن نماز در مسجد را به کلی فراموش کرده‌ایم و حضورمان در مساجد به اوقاتی خاص مانند ماه محرم و شب‌های احیا محدود شده است. یاد نمی‌آمد آخرین باری که برای اقامه نماز جماعت به مسجد رفته بودم کی و کجا بود؟ اما به هر حال آن شب این توفیق را پیدا کردم که به یکی از مساجد بروم. همیشه فکر می‌کردم در شب‌های ماه رمضان و پس از ساعت‌ها تحمل گرمی و تشنگی، بهترین کار لمیدن مقابل جعبه جادویی دیدن سریال‌ها است که به عادت همه خانواده‌های ایرانی تبدیل شده است، اما با دیدن صف‌هایی که تا ورودی مسجد کشیده شده بودند، خط بطلان بر همه تصوراتم کشیده شد. پس از اقامه نماز مغرب و دعای مخصوص ماه مبارک رمضان که با صوت دلنشین یکی از حاضران قرائت شد، بیشتر نمازگزاران در ردیف‌های منظم مقابل همدیگر نشستند و جوانان دست به کار شدند تا سفره افطاری مسجد را پهن کنند. نان و پنیر و خرما و لیوان‌های چای که بوی خوش هل و گلاب آن فضای مسجد را عطر آگین کرده بود. پیر و جوان از هر گروه و صنفی در کنار هم روزه خود را افطار کردند. در حالیکه نمازگزاران مشغول باز کردن روزه خود بودند، متولی مسجد چندین بار بدون اینکه نامی از کسی ببرد از طریق بلندگو اعلام کرد: «سفره افطاری امشب را ۲ نفر از خیرهای محل تقبل کرده‌اند و تا پایان دهه اول فهرست متولیان سفره افطاری معین شده است.» اغراق نکرده‌ام اگر بگویم این سفره آن هم در خانه خدا ساده‌ترین، بی‌ریاست‌ترین و دلچسب‌ترین سفره افطاری بود که تا کنون دیده بودم و حتما حضور در چنین جمعی، دعوت صاحب آن خانه را می‌طلبد.

هیچ وقت به منزل آن‌ها دعوت شده باشم. البته پدر خدا بیمارزش در میان مردم به دست و دل بازی و انجام کارهای خیر، شهرت داشت، اما درباره خودش، چیزی یادمان نمی‌آید. اول برای رفتن به این مهمانی مردد بودم. به اکبر آقا گفتم که حتما کاسه‌ای زیر نیم کاسه است که بعد از سال‌ها ایشان هوس مهمانی دادن کرده است. اما اکبر آقا گفت که تو به همه چیز مشکوکی و زود درباره همه چیز و همه کس قضاوت می‌کنی. حالا شاید آقا جلال خواسته با دادن این مهمانی یاد پدرش را زنده و دوباره اهل محل را بعد از سال‌ها دور هم جمع کند. با شنیدن صحبت‌های حاج آقا اکبر، بی‌خیال فکر بد شدم

و خودم را برای رفتن به افطاری آماده کردم. نیم ساعت به اذان مغرب مانده بود که با همسایه‌ها راهی منزل آقا جلال شدیم. بقیه را نمی‌دانم، اما من وقتی غذاهای جور و جور سفره افطاری را دیدم باز هم دو به شک شدم که روزهام را سر چنین سفره‌ای باز کنم، یا نه! هیچ کم و کاستی نبود. از هر غذایی که فکرش را بکنید سر سفره پیدا می‌شد. از فرنی و آش و سوپ و حلیم گرفته تا مرغ، کباب، ماهی و... و بشقاب‌ها، تند و تند پر و خالی می‌شد و صدای خدارحمّت کندامواتان را و الهی هر نیتی دارد برآورد شود، فضا را پر کرده بود. مراسم افطاری با جمع کردن سفره تمام که نشد بلکه وارد مرحله جدیدی شد. مولودی خوانی و سخنرانی در وصف ثواب افطاری دادن و صله‌ارحام و از این صحبت‌ها. بعد هم نوبت آقا جلال شد که در جایگاه یک سخنران چند کلمه‌ای در باب تشکر از حضور اهالی محل و قبول دعوت آن‌ها بیان کند. چند دقیقه‌ای که گذشت صحبت‌های آقا جلال به سمت مشکلات خیابان‌ها، رسیدگی نکردن به وضعیت شهر و نیاز جوانان به امکانات فرهنگی رفت. همان موقع متوجه شدم که قرار است آقا جلال در انتخابات پیش رو کاندید شوند و حمایت ما



افطاری خانوادگی

مهمانی با تشریفات ویژه

در روایات و احادیث اسلامی آمده است که مؤمنان را افطاری بدهید و لو با یک دانه خرما. می توان گفت تقریباً در همه خانه ها برای یک شب هم که شده، با دعوت از دوستان و بستگان سفره افطاری پهن می شود تا از فضیلت و ثواب معنوی این ماه پرپرکت بیشتر بهره مند شوند. یکی از برکات اینگونه افطاری ها این است که می توانیم بعضی از بستگان را بعد از مدت ها دوباره ببینیم و با آن ها تجدید دیدار کنیم، اما در این افطاری دادن ها به همان اندازه که ثواب وجود دارد متأسفانه گاهی با بریز و بیاش هابی مواجه می شویم که در شان یک روزه دار و ماه مبارک رمضان نیست. نمونه آن همین مهمانی هفته قبل بود. خیلی ها دعوت شده بودند، افطاری در رستوران مجللی در یکی از محله های شمال شهر برگزار شد. غذاهای جور و اجور روی میزها چیده شده بود و

خانواده ها دور تا دور میزها نشسته بودند. نمی دانم چقدر برای برگزاری این مراسم مجلل هزینه شده بود، اما فقط یک حساب سرانگشتی و ساده معلوم شد که کلی برای این سفره افطاری خرج کرده اند. یکی از مهمان ها تعریف می کرد که درست چند شب قبل از این مهمانی، در خانه خواهر میزبان دعوت بوده که دست کمی از این مهمانی نداشته است. از حرف هایش معلوم بود که هر شب خانه یکی از فامیل ها مهمان هستند و همه جا همین بریز و بیاش ها است. چه خوب بود چنین مهمانی دور از چشم و هم چشمی و فقط برای کسب ثواب، به

یک مهمانی ساده و خودمانی تبدیل می شد تا هم از ثواب معنوی این ماه بیشتر بهره ببریم و هم اینکه اسراف نکرده باشیم.

افطاری در مدرسه

سفره روی میز و نیمکت

چند سالی است ماه مبارک رمضان با فصل تابستان و تعطیلی مدارس مصادف شده و دیگر خبری از برگزاری سفره های افطاری در مدارس نیست و تقریباً تا ۵ سال آینده هم ماه رمضان با تعطیلی مدارس همزمان می شود. البته واضح است که آموزش و پرورش نمی تواند هزینه افطاری مدارس را تقبل کند و این کار معمولاً باروش ها و یا بختکارهایی که مدیران به خرج می دهند انجام می شود. یادش بخیر، سال های اولی بود که افطاری دادن در مدارس

مرسوم شده بود و بعضی مدارس غیر انتفاعی و نمونه مردمی برنامه افطاری برگزار می کردند، ولی در مدارس دولتی کمتر چنین کاری انجام می شد. بیشتر اوقات مدیران مدرسه هزینه را بین دانش آموزان سرشکن می کردند و وقتی که کمک های بچه ها از راه می رسید مراسم افطاری به پا می شد. مدرسه ما یک مدرسه دخترانه دولتی بود و بودجه ای برای برگزاری مراسم افطاری پیش بینی نشده بود. از طرف دیگر مدیر مدرسه هم با جمع آوری پول و ثبت نام از دانش آموزان مخالف بود، اما با اصرار و پافشاری ما که سال آخر دبیرستان بودیم قبول کرد تا مراسم افطاری را در مدرسه برگزار کنیم. انصافاً مدیر مدرسه هم تمام تلاشش را برای برگزاری یک مراسم خوب و به یاد ماندنی انجام داد. بالاخره روز میلاد امام حسن علیه السلام از راه رسید. ما که عضو انجمن اسلامی مدرسه بودیم از یکی دو ساعت قبل از اذان به مدرسه رفتیم و مقدمات افطاری را فراهم کردیم. مادر یکی از بچه ها برنامه مولودی خوانی این مراسم را قبول کرده بود و یکی، دو تا از مادرها هم اعلام کردند نذری هر ساله خود را در مدرسه توزیع می کنند. ما هم از چند روز قبل برنامه اقامه نماز و دعا را با دعوت از روحانی تدارک دیده بودیم. یک مسابقه قرآنی هم با کمک معلم پرورشی برگزار شد و مدیر مدرسه جوایز برندگان را تقبل کرد. پادم هست آن روز حتی بچه هایی که خیلی گرایش های مذهبی نداشتند روزه گرفته بودند و در برگزاری مراسم کمک کردند. معلم ها هم سنگ تمام گذاشتند و نشان دادند که هنرهای دیگری هم غیر از تدریس دارند. خلاصه اینکه مراسم افطاری که تمام شد همه ما با کیسه های پر از نذری به خانه رفتیم و اهل خانه را از برکت خوراکی های جور و اجور بهره مند کردیم. سال ها از پشت نیمکت نشستیم گذشته است، اما هنوز شیرینی و لذت افطاری های مدرسه را احساس می کنم. افطاری که با کمترین هزینه برای مدرسه و با یاری خودجوش معلم ها و دانش آموزان و اولیاء برگزار شد. البته داستان همه جا این طور نبود در مدارس غیر انتفاعی رقابت برای افطاری دادن آن هم با پول والدین ثروتمند بچه ها به پا می شد.

افطاری درون سازمانی

مهمان بیت المال؟

یکی از انواع افطاری ها که اتفاقاً چند سالی است رایج شده به ادارات و سازمان ها و نهادهای

در افطاری های سازمانی فرصتی پیش می آید که کارمندان فارغ از کار و انجام وظایف محوله همراه با خانواده های خود مهمان اداره یا شاید هم مهمان رئیس شوند



دولتی مربوط می شود. در این نوع افطاری ها فرصتی پیش می آید که کارمندان فارغ از کار و انجام وظایف محوله همراه با خانواده های خود مهمان اداره یا شاید هم مهمان رئیس شوند. اما اگر این سعادت نصیب شما شده باشد حتماً دیده اید که معمولاً اینگونه افطاری ها یکسان برگزار نمی شود. برخی بسیار مجلل و برخی معمولی تر و کمی ساده تر از بقیه. گاهی هم تقسیم بندی هایی در تاریخ افطاری دادن انجام می شود. یک روز مخصوص کارمندان و روز دیگر

پرونده



کسانی را به افطاری دعوت کنیم که تا به حال جایی مهمان نشده‌اند

درست مانند بزرگ‌ترها افطار کرد و بعد شروع کرد به باز کردن هدیه‌ای که مادر بزرگ برای نخستین روزه او خریده بود.

افطاری ایتام فرشته‌های کوچک

حاج آقاهر شب بعد از نماز مغرب چند دقیقه‌ای با خواندن حدیث یا روایتی از ائمه معصومین علیهم السلام مردم را دعوت به کارهای نیکو در ماه مبارک رمضان می‌کرد. آن شب هم خواندن حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را سر آغاز صحبت‌های خود قرار داد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که هر کس یک مؤمن روزه‌دار را در این ماه افطاری دهد، پاداشی برابر با آزاد کردن یک بنده نزد خدا داشته و مایه آمرزش گناهان گذشته او می‌شود.

فردای آن روز یکی از خانم‌های جلسه قرآن که اتفاقاً دستی هم در انجام کارهای خیر داشت، گفت که بایکی از مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست برای افطاری دادن به کودکان صحبت کرده است و با توافق خانم‌ها قرار شد شب میلاد کریم اهل بیت علیهم السلام را به این کار اختصاص بدهیم. راستش همه ما در ماه رمضان حداقل یک شب را با افطاری دعوت می‌شویم و یا افطاری می‌دهیم، اما این فکر که کسانی را به افطاری دعوت کنیم که تا به حال جایی مهمان نشده‌اند، پیشنهاد خیلی خوبی بود، برای همین همه از آن استقبال کردند. هر کس هر چه در توان داشت کمک کرد، از کمک‌های نقدی گرفته تا قبول کردن خرید لوازم

مورد نیاز. مسئولان آن مرکز خیلی موافق حضور ما در آنجا نبودند، اما به هرز حمیتی بود آن‌ها را راضی کردیم تا حداقل چند نفر از ما برای اجرای مولودی و مسابقه در مراسم حضور داشته باشیم. البته آن‌ها هم حق داشتند با توضیحاتی که مسئول مرکز داد متوجه دلایل سختگیری‌ها شدیم و سعی کردیم رفتارمان خیلی عادی باشد و بانگاه ترحم آمیز کسی را آزار ندهیم. اولش کمی ارتباط برقرار کردن با آن‌ها سخت بود، اما وقتی همه کنار هم روی یک سفره نشستیم و روزه خود را افطار کردیم، وضع فرق کرد. کم کم فضای سنگینی که حاکم شده بود، با صدای خنده و شادی بچه‌ها شکسته شد و درست مثل یک جمع خانوادگی. در واقع آن شب این ما بودیم که مهمان فرشته‌های کوچکی شده بودیم که دست تقدیر برایشان اینگونه زندگی کردن را رقم زده است.

داشتند ادعای می‌کردند که هزینه‌های مشخص شده‌ای برای کارهای تشریفاتی و رفاهی وجود دارد و مدیر بر اساس اختیاراتی که دارد، می‌تواند برای برگزار کردن برنامه افطاری تصمیم بگیرد. اینگونه مراسم باز گذاشته شده است. این کار البته فقط یک نمونه از کارهایی است که در اداره‌ها شاهدیم و به مناسبت‌های مختلف همواره با برگزاری برنامه‌هایی روبرو می‌شویم که معلوم نیست هزینه آن‌ها از کجا تأمین می‌شود. راستش در مقابل برخی صحبت‌ها مانند نداشتن بودجه برای رفاه حال مراجعان می‌مانیم که چرا حداقل نظارت بیشتری بر شیوه برگزاری اینگونه مراسم نمی‌شود و آیا هزینه کردن از بیت المال حتی برای دادن افطاری درست است یا نه؟

افطاری روزه‌داران کوچک روزه کله گنجشکی‌ها

وقتی می‌دیدم هیچکس با او کنار می‌ز صبحانه و ناهار نمی‌نشند، دلش می‌گرفت. هر روز اصرار می‌کرد تا اجازه دهند او هم روزه بگیرد اما خودش هم نمی‌دانست می‌تواند گرسنگی را تحمل کند و از صبح تا شب هیچ چیز نخورد یا نه؟ با این وجود سفره افطار که پهن می‌شد از اینکه او آنقدر بزرگ نیست که روزه بگیرد غصه می‌خورد. بالاخره یک روز مادر بزرگ به او گفت می‌تواند روزه کله گنجشکی بگیرد و این بهترین جمله‌ای بود که از زبان مادر بزرگ دوست داشتنی خود شنیده بود. آن شب را زودتر از هر شب

خواهید بدون اینکه بداند یا بپر سدر روزه کله گنجشکی یعنی چه؟

در دلش شور و شوق عجیبی بود که نمی‌دانست نامش چیست، اما هر چه بود او تمام شب را خواب‌های خوب و شیرین دید. صدای دلنشینی در گوشش زمزمه کرد. غلغله زد و سنگینی چشمانش اجازه هیچ حرکتی را به او نداد. دوباره صدای آشنایی شنید که به نر می‌می‌گفت: «عزیزم مگر قرار نبود با هم به مهمانی خدا برویم؟» این بار بدون هیچز حمیتی چشمانش را گشود و مادر بزرگ را با چادر گل‌گلی‌اش مقابل خود دید که او را برای خوردن سحری و روزه گرفتن دعوت می‌کرد. وقتی کنار بقیه سر سفره سحری نشست، احساس بزرگ شدن می‌کرد از اینکه می‌توانست مانند بقیه روزه بگیرد. مادر بزرگ برایش روزه کله گنجشکی را توضیح داد و او با شنیدن اذان ظهر



مخصوص رؤسا! یک بار موظف شدم برای تهیه گزارش از یک برنامه در مراسم افطاری آن هم از نوع درجه یک‌اش حضور داشته باشم. همان‌جا بود که با دیدن آن همه بریز و بپاش در سر سفره افطاری حس کنجکاوی ام گل کرد و در حاشیه تهیه گزارش، به سراغ مهمانانی که به امثال بنده روی خوش نشان می‌دادند رفتم و از منابع مالی برگزاری اینچنین برنامه‌هایی پرسیدم. افراد رده پایین تر با لبخند می‌گفتند: «لابد از جیب من و همکارانم!» و کسانی که مسئولیتی بر عهده



لحظه‌های افطار را چگونه سپری کنیم؟

چند خوراک واجب

و شیرین از طعام

امیر دشتی نژاد

تقویم هجری قمری یک بار دیگر ورق خورد و به ماه مهمانی خدا، ماه مبارک رمضان رسید. ماهی که همه دقایق و لحظه‌هایش بوی معنویت می‌دهد. ماهی که بعضی‌ها بعد از ۱۱ ماه بندگی جسم و جان، بنده خداوند می‌شوند و زبان خود را به روزه می‌بندند، اما رمضان امسال با گرم‌ترین ماه از فصل تابستان تقارن یافته است و روزه را برای روزه‌داران سخت‌تر از قبل کرده است. بدون شک این تقارن و این گرم‌تر شدن روزه‌داران را برای لحظه‌های معنوی قبل از اذان مغرب بیشتر کرده است. اگر می‌خواهید از باید و نبایدهای لحظه‌های طلایی قبل از اذان مغرب بیشتر بدانید، نسخه پیشنهادی ما را حتماً بخوانید.

به موقع برسید

همه ساعت‌ها و دقایق ماه مبارک رمضان یک طرف و لذت معنوی لحظه‌های قبل از اذان مغرب و پیچیدن دعای ویژه ماه رمضان در گوش روزه‌داران بر سر سفره افطار هم یک طرف، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که مومنان را تشویق به حضور به موقع بر سر سفره افطار می‌کند و از ثواب آن می‌گوید. اگر شما هم جزو آن دسته از روزه‌دارانی هستید که حاضر نیستید لذت معنوی حضور بر سر سفره افطار در دقیقه‌های قبل از اذان مغرب را از دست بدهید، راهکار و پیشنهاد ما را از یاد نبرید. قبل از هر چیز یادتان باشد که در شهرهای بزرگ با آغاز ماه رمضان نخستین واژه‌ای که از خیابان‌هایشان در ذهن تداعی می‌شود ترافیک قبل از افطار است. پس اگر می‌خواهید جزو روزه‌دارانی باشید که لذت حضور بر سر سفره افطار قبل از اذان مغرب را بجشید، پیشنهاد می‌کنیم که یک ساعت زودتر از محل کارتان راه بیفتید تا شنیدن دعای قبل از اذان مغرب پشت چراغ قرمز نصیبتان نشود. حواستان باشد که حضور به موقع

بر سر سفره افطار، گذشته از حض معنوی آن برای روزه‌دار، برای صاحبخانه و مهم‌تر از همه خانم خانه که کار تدارک اسباب مهمانی خدا بر عهده دارد نیز مایه مباهات است. چون اگر همه مهمان‌ها لحظه‌ای از افطار بر سر سفره افطار باشند، زحمت خانم خانه برای پذیرایی کمتر می‌شود.

نماز اول وقت را از دست ندهید

تقارن ماه رمضان با روزهای گرم‌ترین فصل سال و طولانی بودن ساعات‌های روزه‌داری، لحظه شماری برای شنیدن اذان مغرب و نوشیدن یک لیوان شربت خنک را در بین روزه‌داران بیشتر می‌کند، اما حواستان باشد که اجر معنوی خواندن نماز اول وقت، قبل از افطار را از دست ندهید. روایت‌ها و احادیث بسیاری هم در مورد ثواب نماز اول وقت و نتایج مثبت معنوی آن شنیده‌ایم و قطعاً عمل کردن به این توصیه الهی قبل از باز کردن روزه در ماه رمضان بر فضیلت آن می‌افزاید. پس اگر شما هم جزو افرادی هستید

که می‌خواهید فضیلت معنوی خواندن نماز اول وقت نصیبتان شود چند دقیقه دیگر، گرسنگی یا تشنگی را تحمل کنید، ابتدا نماز اول وقتتان را بخوانید و بعد بر سر سفره افطار حاضر شوید. البته پزشکان توصیه‌های بسیاری در مورد این موضوع دارند و به افراد توصیه می‌کنند، در صورتی که خواندن نماز قبل از باز کردن روزه برایشان مضر است، حفظ سلامتی را واجب‌تر دانسته و ابتدا روزه خود را باز کنند. چون قند خون بعضی از روزه‌داران در لحظات قبل از اذان به شدت پایین می‌آید و اگر مواد غذایی به بدنشان نرسد، راهی بیمارستان شده و از گرفتن روزه تا چند روز معاف می‌شوند. امام خمینی رحمت الله علیه هم در توضیح المسایل خود فتوایی با همین مضمون دارد که می‌گوید: «فردی که ضعف بر او غلبه کرده باشد یا جمعی برای خوردن افطار منتظر او باشند، بهتر است که نماز را به بعد از افطار موکول کنند.»

یک افطاری ساده



و بدانید که شرط اساسی سالم بودن و استفاده از تمام برکات رمضان همین برنامه غذایی متعادل است. علاوه بر این گرمای هوا نیز باعث می شود بدن تن آب بیشتری از دست بدهد، بنابراین باید این آب از دست رفته را در فاصله زمانی افطار تا شام و همچنین افطار تا سحر تامین کنید.

نظری بدهید

ماهر رمضان که می آید، تب کارهای خیر هم بالامی رود و مسلمانان علاوه بر روزه داری کارهای خیر بسیاری انجام می دهند. اگر شما هم جزو این دسته از افراد هستید، پیشنهاد ما پختن غذا و توزیع آن در میان همسایه ها است. روایات و احادیث فراوانی هم در مورد ثواب صدقه و دادن نذری وجود دارد. پس نیت کنید و از همین حالا آستینهایتان را برای این کار بالا بزنید. پختن آش رشته نخستین گزینۀ پیشنهادی ما به شماست. آش رشته جزو نذرهای معمولی است که ایرانی ها رغبت بسیاری به آن نشان می دهند و از طرفی پختن آن هزینه چندانی نمی خواهد. پختن شله زرد هم یکی دیگر از نذرهای معمول ماه رمضان است. البته اگر اطراف محل سکونت شما افرادی زندگی می کنند که وضعیت مالی مناسبی ندارند، بهتر است غذای نذریتان را در میان همسایه های خود توزیع کنید یا برعکس اگر همسایه های معمولی اطراف محل سکونتتان سراغ دارید، کمی به خودتان زحمت دهید و نذریتان را در محله های محروم توزیع کنید تا اجر معنوی بیشتری نصیبتان شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «همانا خداوند ما را برگزید و گروهی را برای ما برگزید تا یاریمان کنند و به سبب شادی ما شاد باشند و به خاطر حزن ما اندوهگین باشند و اموال و جان هایشان را در راه ما بذل کنند. آنان از ما و به سوی ما هستند.»

جزو سودمندترین قندهای طبیعی هستند، استفاده کنید

وعده غذایی افطار و شام را از هم جدا کنید

بعضی ها به پر خوری عادت دارند و فکر می کنند خوردن هر چیزی که سر سفره افطار در مهمانی های مختلف چیده شده است، وظیفه است و نباید نسبت به انجام آن کوتاهی کنند، به دلیل همین تفکرات غلط است که بعد از تمام شدن ماه رمضان بیماری های مختلف گوارشی به سراغمان می آید و انگار روزه داری در این ماه مبارک نتیجه ای منفی برای بدنمان دارد. یکی از دلایل این موضوع جدا نکردن وعده غذایی افطار از سحر است. پس اگر می خواهید جزو آن دسته از روزه دارانی قرار بگیرید که بعد از پایان ماه رمضان با جسمی سبک به استقبال عید فطر می روند، پیشنهاد ما را جدی بگیرید و وعده غذایی افطار را از شامتان جدا کنید. پزشکان و متخصصان تغذیه هم تاکید بسیاری بر این موضوع دارند. آن ها توصیه می کنند ۲ ساعت بعد از خوردن افطار شام خورده شود. پیشنهاد می شود که زمان افطار، غذاهای ساده را در سفره

خود جادید تا دستگاه گوارش ابتدا با حجم کمی از غذا فعالیت خود را آغاز می کند و از میزان عطش آن کاسته شود، در مرحله بعد باید دست آوردن حالت ثبات آماده خوردن شام شود. غذای شام هم بهتر است شامل مواد گوشتی مانند مرغ، ماهی، تخم مرغ، سالاد و ماست باشد. بنابراین پیشنهاد و توصیه استفاده از یک غذای متعادل در ماه رمضان را جدی بگیرید

همین که صدای رنای از تلویزیون پخش می شود، بساط سفره افطاری هم روی زمین پهن می شود و انواع و اقسام خوراکی های ماه رمضانی از آش و نان و پنیر گرفته تا حلوا و زولبیا بامیه انتظار روزه داران را می کشد، اما اگر می خواهید یک ماه روزه داری و ماه رمضان روی شما تاثیر منفی نگذار و اضافه وزن پیدا نکنید، پیشنهادهای ما برای باز کردن روزه را جدی بگیرید. ماه رمضان ماه قناعت در خوردن است، این قناعت باید زمان افطار هم از طرف روزه داران رعایت شود. اول اینکه سعی کنید در این ماه از برنامه غذایی

متنوع و متعادل شامل ۴ گروه اصلی (نان و غلات، میوه ها و سبزی ها، حبوبات، تخم مرغ، شیر و لبنیات) استفاده کنید، اما اگر فکر می کنید که همه این ۴ گروه مواد غذایی باید زمان افطار به بدن تن برسند، سخت در اشتباهید. پزشکان و متخصصان تغذیه، خوردن یک لیوان چای کمرنگ، یا یک لیوان شیر داغ، یک کاسه کوچک سوپ یا آش به اضافه چند عدد خرما و کمی نان و پنیر را بهترین و سالم ترین افطاری می دانند، پس شما هم بهتر است قید پر خوری را بزنید و به یک افطاری ساده قناعت کنید.

آب سرد برای باز کردن روزه هم بدترین انتخاب است و پزشکان آن را رد کرده اند. پس پیشنهاد می کنیم حتی اگر گرمای تابستان امانتان را بریده و عطشتان را افزایش داده است، گزینۀ آب سرد را برای باز کردن روزه حذف کنید. همچنین متخصصان تغذیه پیشنهاد می کنند تا جایی که ممکن است در ماه رمضان استفاده از زولبیا و بامیه را به حداقل رسانده و به جای آن از کشمش و خرما که

ماه رمضان
ماه قناعت در
خوردن است،
این قناعت باید
زمان افطار
هم از طرف
روزه داران
رعایت شود

آیا برنامه‌های لحظه افطار تلویزیون، روزه داران را به خدا نزدیک‌تر می‌کند؟

افطار به وقت تلویزیون

سمیرا باباجانپور

دنیای پیچ در پیچ رسانه به راحتی توانسته زندگی ما آدم‌ها را در حصار خود درآورد. خواه ناخواه رسانه‌ها و به ویژه تلویزیون به خاطر جذابیت تصویر، بیشتر از آنچه فکرش را می‌کنیم در زندگی ما تاثیر می‌گذارند. آدم‌های دنیای مدرن ترجیح می‌دهند دنیای اطراف خود را از قاب تصویر کوچک تلویزیونشان ببینند. جذابیت تصویر ناخواسته اعتماد به این رسانه را بالا می‌برد و این جعبه جادو به عضو نامحسوس ولی تاثیرگذار خانواده تبدیل شده است، اما اینجا در مواجهه با تاثیر غیر قابل انکار برنامه‌های تلویزیون بر مخاطب، این سوال مطرح می‌شود که چقدر می‌توان در این قاب شیشه‌ای معنویت را جستجو کرد؟



بدون شک مخاطبی که در لحظه‌های نزدیک به افطار کنترل تلویزیون را به دست می‌گیرد و شبکه‌ها را بالا و پایین می‌کند دنبال تفریح و سرگرمی نیست. روح جلا یافته روزه دار در پی تلنگری است که او را به آرامش معنوی برساند. اگر هم مخاطب آگاهانه دنبال این نیت نباشد یک برنامه خوب می‌تواند ناخودآگاه این احساس را در بیننده زنده کند. درون مایه برنامه‌های ماه رمضان را توجه به قرآن و عترت، تبیین بخش‌هایی از مبانی اعتقادی، اخلاق و احکام، ترویج انفاق، دعا، عبادیت، افطاری دادن تشکیل می‌دهد که در قالب مجموعه‌های نمایشی، برنامه‌های گفتگو محور، سخنرانی، ویژه برنامه‌های سحر و افطار، برنامه‌های جمع خوانی قرآن و ویژه برنامه‌های شب قدر ارائه می‌شود. برنامه‌هایی که تقویت معنوی، بالابردن ادراک دینی و مذهبی مخاطبان را نشانه رفته و به طور یقین برای پر کردن اوقات فراغت بیننده ساخته نمی‌شوند. جشن رمضان با اجرای «کاظم احمدزاده» آغاز متفاوتی برای برنامه‌های زمان افطاری بود. حالا دین دگورهای

متفاوت و پرزرق و برق، مهمانان خاص و سخنرانی‌های متفاوت پای ثابت برنامه‌های افطاری تلویزیون شده‌اند. همه شبکه‌ها سعی دارند با نشانه رفتن احساس مخاطب زمان افطار را معنوی‌تر کنند. رقابتی که گاه از ارزش برنامه کم می‌کند.

برنامه سازی برای نابترین لحظه

«پیام ابراهیم پور» مستند ساز، تهیه کننده و کارگردان که تجربه ساخت برنامه ماه عسل در شبکه ۳ را دارد و امسال با برنامه «شب‌های روشن» که از شبکه ۲ پخش می‌شود مهمان شب‌های رمضان است می‌گوید: «برنامه ساختن برای ماه رمضان از اهمیت بسیاری برخوردار است. تمام ثانیه‌های این ماه پر از معنویت است. انسان روز مدار می‌خواهد از همه وقتش بهره‌بردار. برای همین من برنامه ساز باید برنامه‌ای

در یک برنامه مناسب باید کلمات به زیبایی هر چه تمام‌تر به خدمت گرفته شود، سعی شود صحبت‌ها همه متقن و با سند باشد، محرران با ادبیات زیبا و نثر فاخر سخن بگویند

بسازم که با دیدن آن، چیزی دستگیر مخاطب شود. در برنامه ماه عسل سعی کردم با یک دکور متفاوت و شاد و پرزرق و برق مخاطب را وارد یک مهمانی کنیم. مهمانی‌ای که مهمانانش آدم‌های همین شهرمان هستند. کنار ما زندگی کردند. مثل ماستبانه کردند و گاه ناامید شدند. ولی هر کدام با تکیه بر یک صفت پروردگار توانسته‌اند زندگی متفاوتی برای خود رقم بزنند. یعنی مخاطبان ما خود مردم هستند. مردم ساده که ممکن است اتفاق خاصی در زندگیشان رخ نداده باشد. در واقع دین را در زندگی روزمره آدم‌ها جستجو کنیم. به عقیده این تهیه کننده، مخاطب می‌خواهد آنچه از دین و اخلاق را در طول سال شنیده است در این روزها ببیند. آنچه مسلم است زمان افطار، زمانی برای پخش برنامه سخنرانی نیست. نمی‌شود تنها با بیان واژه‌ها



می بینیم تنها در لحظه های خاص روح ما را به معبود نزدیک می کنند، چون بیشتر بر احساس مردم تأکید دارد و همین باعث می شود تا اثرات آن زود گذر باشد. با تمام این اوصاف باید توجه کرد که تنها تحریک احساس مخاطب در لحظه افطار اهمیت ندارد. باید باور او نسبت به ارزش ها و اعتقادات معنوی را تقویت کرد تا او این توشه معنوی را ذخیره سایر روز های سال کند.

حجت الاسلام هاشمی می گوید: «باید از رقابت کاذب بین برنامه سازان در ماه رمضان جلوگیری کرد. قرار نیست همه شبکه ها حتما فیلم داشته باشند، سخنرانی پخش کنند، برنامه متفاوت با مجریان خوش سر و زبان پخش کنند. هدف ترویج فرهنگ اسلامی است. بهتر است بانگاه تخصصی در این زمینه فعالیت شود و از موازی کاری خودداری کنند. یادمان نرود قرار نیست تلویزیون جای مکان های مذهبی و معنوی همچون مسجد را بگیرد. زمانی می توان از موفقیت یک برنامه گفت که آن برنامه باعث شود تا مخاطب به خصوص جوانان به مسجد روی آورند و خلاصه در پس همه جذابیت های خود آموزنده باشند.»

زمان روزه حدیثی را نقل می کند و می گوید: «برای روزه دار در هنگام افطار ۲ شادمانی وجود دارد. یکی اینکه روزه اش را باز می کند. دوم اینکه شادمانی لقاء پروردگار را دارد و از اینکه توانسته روزه اش را کامل بگیرد خوشحال است. در این زمان بهترین حالت معنوی سراغ انسان می آید.»

به عقیده این روحانی در یک برنامه مناسب، باید کلمات به زیبایی هر چه تمام تر به خدمت گرفته شود، سعی شود صحبت ها همه متقن و باسند باشد، مجریان با ادبیات زیبا و نثر فاخر سخن بگویند، داستان بگویند، حکایت و روایت تعریف کنند، از سخن بزرگان دین به خوبی بهره بگیرند، سعی کنند همه مخاطبان را مدنظر قرار دهند و برای حل معضلات اجتماعی نیز سخن گفته شود. مردم را دعوت به دعا کنند. در حقیقت از این طریق می توان اعتماد معنوی به برنامه را بالا برد. صداقت مهمان هایی که در برنامه ها دعوت می شوند هم مهم است. انسان هایی که از صحبت کردن درباره خودشان خجالت نمی کشند،

تحریک احساس مخاطب

بیشتر برنامه های مذهبی که این روز ها از تلویزیون

مخاطب را درگیر کرد. پس برنامه ها باید رنگ و بویی از این جشن را داشته باشند. او نصیحت کردن مستقیم را کار ساز نمی داند و سعی دارد در برنامه هایش روح معنویت رمضان را از زبان آدم های عادی نشان دهد.

دشواری کار با سلیقه متفاوت

حجت الاسلام «سید عبدالمهدی هاشمی» از مسئولان فرهنگی درباره برنامه های زمان افطار می گوید: «کار دشواری است. چون باید سلیقه آدم های بسیاری تامین شود. متناسفانه جنبه تفریحی و سرگرمی را می توان در بعضی از برنامه های ایام ماه مبارک رمضان بیشتر از جنبه مفهومی و ارزشی آن دید. تلویزیون قبل و بعد از افطار مردم را مشغول می کند. در سفره های افطار نگاه اعضای خانواده به تلویزیون است. خوب این فرصت خوبی است تا ما بتوانیم در زمینه فرهنگ اسلامی تلاش کنیم. این نکته را قبول دارم که برنامه سازی مصداقی، بیشتر از یک سخنرانی می تواند تأثیر گذار باشد. اکنون تلویزیون همچون منبر سخنرانی یا مکان مذهبی می تواند موثر باشد، اما برنامه های صدا و سیما در این زمینه متوسط است.» او بابیان اهمیت



افطاری داد زدر گفتوگو با آیت الله سید محمد امین

جای خالی سفره‌های
افطاری در مساجد

خدا به ازای هر افطاری که انسان می دهد یکی از دعاهايش را مستجاب می کند



حمید رضا درخشانی

حاشیه فواید سحری خوردن

آیت الله محمد امین می گوید: سحری خوردن در ماه مبارک رمضان بسیار اهمیت دارد و شارع مقدس هم به آن تاکید دارد. خیلی ها بعد از افطاری شامشان را با تاخیر می خورند و دیگر برای سحری بیدار نمی شوند، اما در اسلام به همین سحری خوردن هم توجه خاصی شده است، برای اینکه وقت سحر، فی نفسه آثار و برکات فراوانی دارد. هنگام سحر انسان به معنویتی دست پیدا می کند که شاید در زمان های دیگر این فرصت فراهم نشود. اهل تقوی معتقدند سحر برای مناجات با خدا و پاکسازی از آلودگی ها مناسب ترین وقت است. بنابراین در روایات تاکید شده است که حتما سحری خوردن را جزء برنامه قرار دهیم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند سحرها مایه

برکت است. سحری بخورید ولو به خوردن یک لیوان آب. یعنی سحر بیدار شوید. همین که شما نیمه شب بیدار بشوید و در آن فضای معنوی با

حضور قلب به خدا توجهی کنید خیلی مهم است و آثار معنوی بسیاری دارد. روایات دیگری هم وجود دارد که در آن تاکید شده است که از سحری خوردن کمک بگیرید برای اینکه در طول روز خیلی با مشکل مواجه نشوید. شایسته است که همه افراد در هر شغلی که هستند و هر حرفه ای که دارند در ماه مبارک رمضان مقداری کار روزانه شان را سبک کنند. به هر حال این ایام با سایر روزها و ماه های سال متفاوت است و انسان بهتر است تا آنجایی که در توان است از این روزها استفاده کند.

مثلا در طول روز مختصر استراحتی داشته باشد تا هنگام شب شاداب و با نشاط بر خیزد و قبل از سحری خوردن با خدای خودش خلوت کند.

کرده اید، شرط آن خلوص است. بنابراین اگر برای انجام این کار نیت غیر خدایی مانند ریا و اغراض مادی، دنیوی و سیاسی داشته باشد ثوابی ندارد. البته اگر نیت اصلی قرب خدا باشد، ولی اهداف دیگری هم دنبال شود باز هم از ثواب افطاری بی نصیب نمی ماند.

شرط یا نکته دیگری که بسیار مهم است و در افطاری ها باید لحاظ شود سادگی سفره ها است. متأسفانه گاهی شنیده یا دیده می شود که سفره های ساده افطاری جای خودشان را به سفره های رنگینی می دهند که روی آن ده ها غذا چیده شده است و از همه بدتر افرادی سر سفره می نشینند که اصلا به آن غذاها نیازی ندارند. یا گاهی اوقات آن قدر اسراف می شود که انسان شرم می کند که بگوید سفره افطاری است. نکته سوم این است که باید در برپایی سفره های افطاری افراد مستحق را مورد توجه قرار دهیم، در حالی که گاهی اوقات

درست عکس این مسئله اتفاق می افتد و اصلا در سفره های افطاری جایی برای نیازمندان نیست. در حقیقت چنین سفره هایی به افراد خاص تعلق دارد که با هدف های مختلف دعوت می شوند.

■ یعنی اگر کسی نیازمندان را برای افطاری دادن دعوت نکند. از ثواب افطاری محروم می شود. مثلا اگر کسی بخواد به بستگانش افطاری بدهد ثواب نمی برد؟

در ماه مبارک رمضان سنت های حسنه بسیاری سفارش است که یکی از آن ها افطاری دادن به دیگران است. آیا انجام این کار خیر



باید طبق شرایط خاصی انجام شود یا خیر؟ همان طور که خودتان اشاره کردید افطاری دادن از سنت های نیکویی است که طبق روایات ثواب فراوانی دارد و هر کس به این سنت نیکوی نبوی اهتمام داشته باشد خدا به ازای هر افطاری که انسان می دهد یکی از دعاهايش را مستجاب می کند یا گناهان گذشته او را می آمرزد، اگر چه به اندازه یک جرعه آبی باشد یا دانه خرمایی. وقتی موضوعی این همه آثار خیر دارد، طبیعی است که آداب و شرایط مخصوصی دارد که هر کس که آن را انجام می دهد باید آدابش را رعایت کند.

■ چه شرایطی؟

مهم ترین آداب افطاری دادن این است به قصد خلوص و درک ثواب آن باشد. یعنی کسی که سفره افطار را پهن می کند انگیزه اصلی او قرب الهی باشد. یعنی ثواب اخروی و نتیجه معنوی آن مد نظر باشد.

بدیهی است اگر هدفی غیر از این ها داشته باشد از آثار ثواب آن محروم می ماند. یعنی وقتی در روایت ها آمده است اگر یک مومن را افطار دهید مثل آن است که یک بنده در راه خدا آزاد



آیت الله امین هر روز عصر در مسجد با مردم دیدار می کند

شرعی است تا صدا و سیما و مطبوعات و سازمان های فرهنگی که متولی امور دینی مردم هستند همه وظیفه دارند در این زمینه تبلیغات و اطلاع رسانی کنند.

همین نشریه خیمه که قرار است در این زمینه مطالبی را چاپ کند اگر در تیراژ وسیعی چاپ شود و در اختیار مساجد قرار گیرد، افراد بیشتری در این باره آگاهی می یابند.

البته دولت هم باید حمایت و پشتیبانی کند و بعضی از امکاناتی که فراهم کردن آن برای مردم امکان پذیر نیست، آن را در اختیار مردم قرار دهد و بقیه کارها را به شهروندان واگذار کند.

■ توصیه خاصی برای مردم روزه دار ندارید؟

بهرتر است همه ما در این ماه مبارک رمضان به روزه داری ظاهری بسنده نکنیم و علاوه بر اینکه شکمان را از خوردنی ها حفظ می کنیم همه اعضا و جوارحمان نیز حالت روزه داری داشته باشد. در واقع همه اعضا را از ارتکاب معاصی حفظ کنیم.

امیر المومنین علیه السلام سه مرحله برای روزه دار بیان می کنند. یک مرحله صیام البطن است که همان روزه ظاهری است که عامه مردم انجام می دهند.

درجه بالاتر از این عبارت است از صوم اللسان که البته زبان به واسطه خصوصیتی که در میان اعضا و جوارح دارد به آن تاکید شده، اما این نوع روزه داری به همه اعضا عمومیت داده می شود. مرحله سوم که عالیترین مرتبه روزه داری است صوم النفس و صوم القلب است. که باید قلب انسان روزه دار باشد. روزه قلب هم به این معنا است که انسان در حالاتی به سر ببرد که توجهی به غیر از خدا نداشته باشد.

تمام توجهش معطوف به ذات الهی باشد. و از صفات جمال و جلال الهی استعانت بگیرد و تلاش کند مظهر اسماء الهی باشد. نکته بعدی که در روایات توصیه شده و خوب است ما هم آن را بکار گیریم توسعه اقتصادی خانواده است یعنی در این ماه غذاهای خوب تهیه شود تا افراد خانواده برای روزه گرفتن دچار مشکل نشوند.

موضوع اهمیت داده نمی شود شاید دلیل اصلی آن ضعف جسمانی افراد باشد. شما در این باره چه نظری دارید؟

در اینکه نماز اول وقت ثواب دارد و انسان قبل از افطار روزه نماز بخواند تردیدی نیست و این عمل ثواب فراوان دارد.

حتی اگر می تواند نمازش را با کسر مستحبات سریع بخواند بهتر است این کار را انجام دهد، اما اگر افراد دیگر منتظر فرد روزه دار باشند تا سفره افطاری بیاید اولویت این است که ابتدا روزهاش را افطار کند و نمازش را به تأخیر بیندازد. خواسته و انتظار جمع بر فرد مقدم است. به هر حال اگر سنت افطاری دادن در مساجد احیا شود جمع بین نماز اول وقت و سفره های ساده افطاری به وجود می آید.

■ چه کسانی یا نهادهای باید این

سنت را در مساجد احیا کند؟ به نظر شما آیا مسئولان دولتی می توانند در این زمینه دخالت کنند؟

اگر دولت بخواهد در این موضوع دخالت کند نتیجه درستی نخواهیم گرفت. مردم به دنبال ثواب افطاری هستند و باید این برنامه نیز به همان شکل مردمی انجام شود.

یعنی همان شهروندانی که در مسجد نماز می خوانند و در نزدیکی مسجد زندگی می کنند باید کارها را

برعهده بگیرند. حتی ممکن است افرادی در طول سال کمتر به مسجد بیایند، اما تمایل دارند که در این کار خیر مشارکت داشته باشند، بنابراین بهتر است افطاری دادن در مسجد شکل مردمی خودش را حفظ کند. فقط باید در این زمینه فرهنگ سازی و تبلیغ کرد تا انگیزه های شود که افراد بیشتری در این طرح شرکت کنند.

■ این فرهنگ سازی را چه

کسانی باید انجام دهند؟ همه دستگاه ها و رسانه ها. از مسجد که یک رسانه

چرا این نوع افطاری دادن هم ثواب دارد. به هر حال وسیله ای می شود که بستگان هم با یکدیگر دیدار می کنند و صله ارحام هم به جا آورده می شود. از طرف دیگر گاهی اوقات بعضی از افراد نیازمند هم معذوراتی دارند که نمی توانند در جمع خانوادگی حضور داشته باشند، ولی می توان از همان غذایی که قرار است به مهمانان داده شود به چند نفر نیازمند هم کمک کرد به این صورت که از قبل چند نفر را شناسایی کنند و زمان افطار سهمیه غذای آن ها را به دستشان برسانند. فقط حواسمان باشد که از اسراف و چشم و هم چشمی پرهیز کنیم و خانواده هایی که مهمانی می گیرند بر سر انواع غذا با هم رقابت نکنند.

■ برای گسترش فرهنگ سفره افطاری مطابق

با سنت نبوی چه راهکاری ارائه می دهید؟

بهترین روش همین کاری است که اکنون در مساجد انجام می شود. همه مردم بدون اینکه دعوت قبلی داشته باشند به مسجد می آیند و سر سفره ساده ای که بی ریا پیچیده شده می نشینند و از همه مهم تر نماز اول وقتشان را هم به جامی آورند. پس سزاوار است که چنین سفره هایی در جامعه گسترش یابند تا نیازمندان جامعه هم از این مهمانی ها بهره ببرند. علاوه بر این آسیب های سفره های افطاری مانند اسراف هم حذف می شود. از طرف دیگر نیازمندان

هم سر همین سفره کنار افرادی که از نظر مالی وضعیت خوبی دارند قرار می گیرند و این از نظر روانی اثر مثبتی دارد. به عنوان مثال بعضی از نهادها مانند کمیته امداد یا بهزیستی که به خانواده های بی بضاعت افطاری می دهند. تاکید می کنم که این کاری که نهادها برای خانواده های زیر پوشش خودشان انجام می دهد بسیار با ارزش است ولی باید حرمت افراد را هم کاملاً رعایت کنند. نه اینکه برای تشویق دیگران، از این افراد فیلمبرداری و بعد پخش شود. این کار با آبروی افراد نیازمند کمی مغایرت دارد و ممکن است آن ها از این وضعیت راضی نباشند. بنابراین بهتر است این کار به شیوه مناسب تر انجام شود.

■ شما به بجا آوردن نماز اول وقت در مساجد

اشاره کردید. متأسفانه این روزها چندان به این

در ماه مبارک
رمضان به روزه
داری ظاهری
بسنده نکنیم و
علاوه بر اینکه
شکمان را از
خوردنی ها حفظ
می کنیم همه اعضا
و جوارحمان
حالت روزه داری
داشته باشد



قرآن



درس تلاوت و تفسیر
جلسه قرآن استاد سعید طوسی
در مسجد النبی نارمک هر هفته
برپاست

ماهی هنریم
دکتر مریم حاج عبدالباقی
معتقد است که معارف دین
درست تبیین نمی شود

هنشینی باقرآن
مهمان خانواده ای شدیم که
همه شان باقرآن انس دارند

یک شب هزار ماه
ترجمه و شرحی کوتاه بر آیاتی از
سوره قدر که این شب ها زیاد به
کارمان می آید

با شرط کردن دستمزد مخالفم
مسعود سیاح گرجی
میراث دار پدرش است، هر
دوی این هانفر اول مسابقات
قرآن مالزی شده اند



جسارت
منقول
از ابو عبد الله علیه السلام
سوره انزال شده بر او
همچنان باشد که در شب
در راه خدا و هر که در راه
جنا باشد که در خون
باشد در راه خدا و هر که از
دو بار بخواند هزار گناه از
دردان او محو شود و هر که
این سوره را در هر روز بخواند
کسی در راه خدا از گناه



جلسه قرآن استاد سعید طوسی در مسجد النبی نارنگ هر هفته برگزار می‌شود

درس تلاوت و تفسیر

سید میلاد اوصیاء

غروب یکی از روزهای گرم تابستان، در ترافیک عصرگاهی خیابان گلبرگ، گلدسته‌های مسجد جامع نبوت از دور پیدا می‌شود. برای دسترسی به در شرقی مسجد، باید میدان هفت حوض را دور زد. مسجد جامع نبوت در ضلع غربی این میدان قرار دارد و جلسه قرآن استاد سعید طوسی هر هفته در این مسجد برپا می‌شود.

آغاز شود و در طول تلاوت یک یا چند اوج داشته باشد و بعد به خوبی فرود بیاید و برنامه خود را به اتمام برساند.

تلاوت و تفسیر

استاد در خلال اجرای برنامه شاگردان و به فراخور آیات تلاوت شده، از روی کتب تفسیری قرآن مانند المیزان و تفسیر نمونه مطالبی را می‌خواند. یکی از آیات تلاوت شده درباره برتری انسان به سایر موجودات بود که استاد در این زمینه گفت: انسان اشرف مخلوقات است و از بسیاری از موجودات و مخلوقات خداوند برتر است. در آیات دیگر صحبت از برتری ملائک و فرشتگان شده است. در اینجا باید توجه کرد که فرشتگان از انسان‌های معمولی مقامشان بالاتر است ولی مقام انسان‌هایی مانند حضرات معصومین و پیامبران علیهم السلام قطعاً از ملائک نیز بالاتر است. اساتید جلسات قرآن عموماً پیشکسوتان و قاریان بین‌المللی هستند که در رسانه‌ها و محافل انس با قرآن حاضر می‌شوند و به اجرای برنامه می‌پردازند اما کمتر این فرصت هست که تفسیر قرآن را از زبان این اساتید

همه‌رده‌های سنی در آن شرکت می‌کنند و در این کلاس هم می‌توان خردسالان، کودکان، نوجوانان، میانسالان و پیرمردها را مشاهده کرد که همگی بر خوان قرآن کریم مهمان هستند. در جلسه استاد طوسی، قرائت قرآن کریم محور اصلی آموزش‌ها قرار گرفته و استاد جلسه بعد از شنیدن تلاوت حضار، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را متذکر می‌شود. از آنجا که سطوح شرکت‌کنندگان متفاوت است، شیوه بیان نکات توسط استاد به گونه‌ای انتخاب می‌شود که این مطالب حتی المقدور برای عموم حاضران قابل استفاده باشد و نکات تکمیلی بعد از اتمام جلسه به اشخاص یادآوری می‌شود. در این فضا حدوداً ۴۰ نفر از شاگردان، از خردسال گرفته تا پیرمردها، نشسته‌اند بر خیز از سالخوردگان نیز به خاطر کهولت سن، به پشتی‌ها تکیه می‌دهند. مدت زمان تلاوت هر شخص بین پنج تا هشت دقیقه است و شاگردان آموخته‌اند که در همین مدت کوتاه باید توانایی‌های خود را نشان دهند. طوسی به شاگردان خود این نکته را گوشزد می‌کند که یک تلاوت خوب باید با صدای نسبتاً

وقتی وارد مسجد می‌شوید، در کوچکی باشی‌های سبز رنگ در سمت چپ قرار دارد که نوای تلاوت قرآن به گوش می‌رسد. کمی نزدیک‌تر که بروید، چهره استاد سعید طوسی، قاری بین‌المللی قرآن را مشاهده می‌کنید که دور تادور ایشان، قرآن‌آموزان به شیوه‌ای خاص حلقه زده‌اند. استاد طوسی خود کنار محراب نشسته و سمت راست ایشان یک کودک خردسال و یک پیرمرد نیز نشسته است و سمت چپ استاد طوسی، جایگاهی برای افرادی در نظر گرفته شده که می‌خواهند قرآن کریم را تلاوت کنند. در کشور ما جلسات آموزش قرآن در محیط‌های مختلفی مانند مؤسسات قرآنی، حسینیه‌ها، دانشگاه‌ها و مدارس تشکیل می‌شود اما وقتی جلسه قرآن در مسجد برگزار می‌شود، جلسه از معنویت خاصی برخوردار می‌شود که هر کس وارد این فضا شود آن را حس می‌کند.

از کودکی تا پیرمرد

یکی از ویژگی‌های جلسات قرآن این است که از



پسرک بی مقدمه
پای میکروفون
آمد، سوره را خواند
و استاد هم او را
تشویق کرد و یک
اسباب بازی به او
جایزه داد.



که قاریان تراز اول مصری الزامات تمامی نکات تجویدی را رعایت می کنند بلکه مثلاً استاد شحات انور در مواردی برای توازن کلام بالحن صدا، تغییراتی در تجوید می دادند که بهتر است که مستمع به این موارد آگاه باشد. خود قاریان مصری نیز از مناطق مختلف با لهجه های مختلف هستند که برای تقلید از آن ها بهتر است فصیح ترین آن ها مانند استاد خلیل الحصری انتخاب شود. تفاوت در مناطق زندگی این قاریان، قطعاً تفاوت در لهجه را نیز به همراه دارد. خوشبختانه امروزه وضعیت تلاوت و تجوید قاریان ایرانی بسیار بهتر از گذشته شده است و قاریان مادر کشورهای عربی و در مسابقات بین المللی رتبه نخست را کسب می کنند. در گذشته ایرانی ها صوت و لحن و سبک قاریان مصری را با دقت تحلیل می کردند اما امروزه جامعه قرآنی مصر بر روی ستاره ها و پدیده های قرآنی از کشور ایران تحلیل و کار می کنند و من مطلع هستم که در مصر جلساتی برگزار شد که راز موفقیت کودکان ایرانی در حفظ و قرائت را بررسی کنند. خوشبختانه والدین ما مخصوصاً پدرها نقش مهمی در پیشرفت کودکان خود در کلاس های قرآن دارند و حضور آن هادر کلاس های قرآن به همراه فرزندان شان نکته بسیار مهمی در موفقیت فرزندان شان است.»

بعد از اتمام تلاوت کودکان و نوجوانان، نوبت بزرگسالان شد که استاد با دقت زیاد به تلاوت های آن ها گوش می داد و نکات فنی تلاوت آن ها را بازگو می کرد. با نزدیک شدن به اذان مغرب به جمعیت حاضر در مسجد نیز اضافه می شد و نمازگزاران بیشتری به این جمع قرآنی می پیوستند.

می خواهد آیاتی از سوره کوثر بخواند. استاد خندید و گفت: حالا باقی اش باشد برای فردا! اما پسر بچه اصرار کرد که الان می خواهد بخواند. استاد باز لیخندی زد و گفت: بخوان. پسر بچه هم آیاتی از سوره اخلاص را خواند! استاد گفت: عزیزم، اینکه سوره کوثر نبود. آن سوره ای را بخوان که اولش «نا اعطیناک الکوثر» است. بالاخره پسرک سوره را خواند و استاد هم حسایی او را تشویق کرد و یک ماشین اسباب بازی به او جایزه داد. کودکی دیگر به اسم امیر علی کنار استاد حاضر شد و اجازه خواست تا تلاوت کند. استاد که او را می شناخت گفت: علی آقا! چرا دستت را باند پیچی کردی؟ چی شده؟ پسرک گفت که با دو چرخه زمین خوردم. استاد لیخندی زد و گفت: پس با دو چرخه برای رضای خدای زمین خور دی! که با این شوخی همه حاضر خندیدند.

بعد از شنیدن تلاوت او که تشویق جانانه حضار را در پی داشت فهمیدم از قاریان خوب این مسجد است که انصافاً با صدای خردسالی خود، تلاوتی دلنشین را اجرا کرد و استاد هم بعد از تشویق او، اسکناسی ۱۰ هزار تومانی به او هدیه داد و از حضار خواست برای سلامتی این قاری خردسال و خانواده اش صلوات بفرستند.

استاد طوسی بعد از شنیدن این تلاوت ها نکات جالبی را تذکر داد: باید توجه کنید که تجوید خود را به سطح مطلوبی برسانید فکر نکنید

بشنویم. در بین صحبت استاد طوسی، پیرمردی، آرام آرام چرخ های ویلچری که روی آن نشسته بود را حرکت می دهد تا خود را به جلسه قرآن برساند. وقتی از سن و سال او و علت حضورش در این جلسه پرسیدم، خود را محمد علی توکلی، ۹۴ ساله و اهل گلپایگان معرفی کرد. او خود را مسن ترین نمازگزار مسجد دانست و گفت که معمار تجربی است و به مکتب خانه رفته و قرآن را در همان جا آموخته ولی ظاهراً معلم سخت گیری داشته، چون بلافاصله گفت که در کلاس ما استاد چوب بلند چند متری داشته و هر کسی از بچه ها که قرآن را اشتباه می خواند با چوب بر سر او می زد و اشتباهش را تذکر می داد.

این صحنه را مقایسه کردم با شیوه آموزش قرآن در زمان حاضر که استاد جلسه با صلوات های و تشویق های مکرر به قرآن آموزان انگیزه می دهد. حتی اگر اجرای ضعیف و پراز اشتباهی را هم داشته باشند، با صلوات های گرم و احسان گفتن قرآن آموزان را به سعی بیشتر تشویق می کند. صحنه ای که بارها در این جلسه از استاد طوسی مشاهده کردم.

کودک قاری

بعد از تلاوت یکی از شاگردان، استاد مشغول بیان نکات آموزشی بود که یکبار به پسر بچه ای، پای میکروفون آمد و بی مقدمه و با صدای کودکانه خود سوره قدر را که حفظ کرده بود خواند! استاد او را مورد تشویق قرار داد و پسر بچه گفت که





عکس: حسین پناشو

در جامعه امروز که با انواع
تهاجمات فرهنگی و اخلاقی
مواجه هستیم، آیا می‌توان با بهره
گیری از آموزه‌های قرآنی، از این
گونه آسیب‌ها در امان ماند؟



سؤال شما ناظر بر این است که آیا امکان تربیت
دینی وجود دارد؟ در اینکه ممکن هست که شکی
نیست. اگر معتقد باشیم که ممکن نیست، باید
بگوییم دین زمان‌مند و مربوط به مقطع خاصی
است. در حالیکه همه بحث ما این است که این طور
نیست و دین با مقتضیات زمان قابلیت هماهنگی
دارد. مخصوصاً دین اسلام که دین آخر است و قرآن
که کتاب جاوید است. این‌ها شعار نیست. من چون
به طور مستقیم با قرآن سروکار دارم، به این نتیجه
رسیده‌ام که آیات قرآن حقیقتاً برای همین الآن و
حتی گاهی جلوتر از زمان نازل شده است. اگر به
آن توجه شود، مسئله‌مان حل می‌شود. البته در
این شرایط ما با چند مشکل مواجه هستیم: از یک
طرف به طور ریشه‌ای غرب‌زده‌ایم و در تمام امور
چشم انتظار غربی‌ها می‌نشینیم تا آن‌ها کاری را به
انجام برسانند تا ما باور کنیم که چنین کاری شدنی

دکتر مریم حاج عبدالباقر معتقد است که معارف دین درست تبیین نمی‌شود

دین مشکلی ندارد ما بی‌هنریم

عطاءالله اسماعیلی

درست در زمانی که فرزندهم داشته قرآن را حفظ کرده است و این حفظ قرآن در
صحبت‌هایش کاملاً پیداست و به سادگی می‌تواند از آیات قرآن در میان صحبت‌هایش
استفاده کند. خانم دکتر مریم حاج عبدالباقری استاد دانشگاه است و چهره‌ای است که در
تلویزیون در برنامه‌های زیادی حضور داشته است. نوع نگاه و شیوه تبیین معارف دینی از
ویژگی‌هایی است که خانم حاج عبدالباقری را از بسیاری کارشناسان دیگر متمایز کرده و
مخاطبان فراوانی پای حرف‌هایش می‌نشینند.

حاشیه

ادعای فایده ای ندارد

در روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که: «ان لربکم فی ایام دهرکم نفعات الا فترضوا لہا؛ همانا برای خداوند در ساعات زندگی شما نسیم های خوشی است، آگاه باشید خود را در آن لحظات قرار دهید.»

من حفظ قرآن را از سال ۷۰ شروع کردم. در آن زمان در جامعه، نسیم قرآنی وزیدن گرفته بود که هر زمان یاد آن می افتم، حسرت آن فضا را می خورم؛ پوشش ها و رفتارها خیلی متفاوت با جامعه امروز بود. به یاد دارم در همان زمان، ایالات متحده مبلغ بسیار بالایی را برای مقابله با دستاوردهای انقلاب اسلامی تصویب کرد و تا امروز تلاش زیادی در این راه داشته اند. طبیعی هم هست که زحمات ها به نتیجه می رسد.

این ماجرا در یکی از خطبه های نهج البلاغه به طور واضح آمده است. حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام می فرماید: یاران معاویه پیروز می شوند نه به این دلیل که بر حق هستند، بلکه آن ها حول محور معاویه و در راه باطل خود متحد عمل می کنند؛ درحالی که شما حول محور حق متحد نیستید و زحمت نمی کشید.

ما هر قدر که مدعی حق باشیم، تا زمانی که در این مسیر و برای گسترش حق تلاش نکنیم، پیروز نخواهیم بود. امروزه غرب تولید لهو الحدیث می کند تا ما را گمراه کنند، اما ما گروه گروه شده ایم و سرگرم اتهام زدن به هم میهنان و هم دینان خودمان هستیم تا خودمان را تبرئه کنیم و کم کاری هایمان را به گردن دیگران بیندازیم.

در این شرایط غربی ها با وجود تفاوت سلاقی شان متحداً ما را سرکوب می کنند. البته اصلاً ناامید نیستیم چون عده ای واقعا دارند زحمت می کنند.

مسائل فکری و معرفتی در درجه دوم اهمیت قرار می گیرد. این آیه در شرایط مشابه امروز نازل شده است. ماجرا از این قرار بوده که در زمان تبلیغ علنی دین اسلام، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معمولاً در بیت الله الحرام آیات قرآن را برای مردم می خواند، چون مکان شلوغی بود و مردم زیادی می توانستند پیام وحی را بشنوند. دشمنان آن حضرت در همان مکان که احتمال شنیدن پیام وحی خیلی زیاد بود، برنامه های نقالی و قصه گویی برپا می کردند تا مردم را جذب افسانه گویی خود کرده و از شنیدن کلام خدای تعالی بازدارند. چرا که آن ها هم مانند جامعه غرب امروز می دانستند توجه انسان ها به نیازهای تفریحی بیشتر است تا مسائل معرفتی و فکری. بین افراد تحصیل کرده هم بسیار اتفاق می افتد که مثلاً از بین یک مقاله علمی و یک جدول، جدول را برای سرگرم شدن و تفریح انتخاب می کنند، مگر اینکه واقعا فرد فرهیخته و فرزانه ای باشد. امروز ما شاهد هستیم که غرب چنین خصلتی را در انسان به خوبی شناخته و برای گمراه کردن او، تا جایی که می تواند سرمایه گذاری و تلاش می کند. نکته جالب در سوره مبارکه لقمان این است که با مطرح کردن لهو الحدیث، راه نجات را هم که حکمت است نشان می دهد و به مسائل معرفتی و فکری عمیقی اشاره می کند؛ نام سوره لقمان است و از ابتدای سوره می فرماید: «الْم؛ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ. الم؛ این آیات کتاب حکیم است» و یک صفحه راجع به لقمان و حکمت هایی که به فرزندش می آموزد، سخن می گوید. یعنی راه نجات از لهو الحدیث، پناه بردن به حکمت است.

ما گروه گروه شده ایم و سرگرم اتهام زدن به هم میهنان و هم دینان خودمان هستیم تا خودمان را تبرئه کنیم و کم کاری هایمان را به گردن دیگران بیندازیم

ترجمه عامیانه و ساده تر لهو الحدیث چیست؟ لهو الحدیث یعنی سخنان بیهوده. مانند موسیقی ها و فیلم های بیهوده، کتاب ها و مجلات زرد و بسیاری از شبکه های ماهواره ای که ساخته جوامع غربی یا غرب زده اند که امور واضحی در قالب لهو ارائه می شود. در حالیکه علومی مثل فیزیک و شیمی جزء حکمت دسته بندی می شوند.

در جامعه امروز کجا می توان حکمت را جستجو کرد؟ حکمت، همان علم نافع است که در مقابل علم ضار قرار

است. از طرف دیگر خیلی کم همت و تنبل هستیم و برای به دست آوردن چیزی زحمت نمی کشیم. معنای توکل به خدا را فراموش کرده ایم؛ به طوری که اعتماد و توکل به خدای تعالی به جای اینکه انگیزه حرکت مان شود، جای تحرک و فعالیت مان را گرفته است. ما این دو مشکل را داریم، درحالی که نه مواد اولیه کم داریم و نه روش های اجرا. فقط انطباق دادن که زحمت و فکر می طلبد، مشکل و معضل ماست چون عادت کرده ایم دیگران به جای ما فکر کنند.

حالا راه نجات از این مشکلات خود ساخته چیست؟

راه نجات از این دو مشکل بارها در قرآن کریم تبیین شده است. به عنوان مثال اولین پیام قرآن به بشر، امر به خواندن است: «إِقرأ». نمی فرماید ببین یا

بشنو، چون چنین دستوری نوعی انفعال و سستی را در خود دارد؛ یعنی گوشه ای بنشین و ببینده یا شنونده باش. درحالی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مأمور به خواندن و حرکت شده است تا بتواند از نعمت های موجود در عالم هستی بهره مند شود. به این مفهوم که: ای انسان! سفره هستی آماده است تا تو بتوانی از آن بهره مند شوی اما اگر بخواهی به هدفی برسی باید خودت حرکت کنی و کاری انجام بدهی. در نتیجه اولین گام را باید خود انسان بردارد، همانطور که در معارف داریم: «از تو حرکت، از خدا برکت» البته

متأسفانه این گونه مفاهیم فراموش شده است در حالیکه با مفاهیم روان شناسی و جامعه شناسی کاملاً انطباق دارد و بلکه به نظر می رسد جلوتر از زمان هم هست. آیه دیگری که انگار همین لحظه برای جامعه ما آمده، آیه ششم سوره لقمان است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...؛ و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند...». لهو الحدیث یک بار در قرآن آمده است. یعنی افرادی که برای کارها و سخنان بیهوده سرمایه گذاری می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند. توجه کنید که امروز لهو الحدیث، تقریباً عالم را احاطه کرده است و سرمایه گذاری برای آن بسیار زیاد است. بسیاری از شبکه های ماهواره ای برای گمراه کردن مردم و در مقابله با موفقیت های جمهوری اسلامی درست شده است. وقتی مردم از موسیقی های آن ها استفاده می کنند، طبیعتاً





من در دانشگاه رشته الهیات را خواندم زمانی که تازه ازدواج کرده بودم، همسر من به شوخی جدی می گفت این هم رشته بود که تو خواندی که پول تویش نیست؟

تسليم

ضبط کرده و راه را برای زندگی دینی ما گشوده است. نمی گویم لحظه به لحظه زندگی حضرت را ضبط کرده اما به اندازه ای که ما الگوی عملی در زندگی داشته باشیم، ما را راهنمایی کرده است. مدل خنده، گریه و خشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است؛ یعنی راه زندگی دینی برای ما باز است. ممکن است پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سوار اتومبیل نمی شده یا از تلفن همراه استفاده نمی کرده، اما وقتی در سنن النبی می خوانیم که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در رفت و آمدهای خود بر الاغی بدون زین سوار می شد، و این در شرایطی اتفاق می افتاد که حضرت می توانست از اسب و زین استفاده کند. این گونه مسائل نشان دهنده ساده زیستی حضرت است که ما باید از آن درس بگیریم. مثال دیگر اینکه اسلام به ما دستور می دهد که با طبیعت مرتبط باشیم، به نوعی

را هم ضمیمه می کنیم. در سوره لقمان به طور مشخص بیان شده که گرایش به لهو الحدیث، منجر به بسته شدن مسیر حکمت می شود. در قرآن راه ما معرفی شده، یکی دو تاسه تا هم نیست.

من هر وقت با دست خالی و به قصد استنطاق به سمت قرآن رفته ام و به یک سؤال جدی پرداخته ام، در نهایت با دست پر برگشته ام و مطمئن شده ام که اصول و مبانی تربیت دینی در قرآن و سنت به طور واضح بیان شده است. یعنی تمام اصول و روش های دینی و اخلاقی، به طور دقیق و کامل در قرآن کریم و سنت اهل بیت علیهم السلام آمده است. به عنوان مثال کتاب سنن النبی تألیف علامه طباطبایی، به طور دقیق شیوه زندگی، آداب معاشرت، نماز خواندن، مسواک زدن، سفر، غذا خوردن و سایر شیوه های زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را

می گیرد. یکی از مصادیق بارز علم ضار، سحر و جادوست که امروزه عالم را فرا گرفته که بشر امروز در پی آن است. اما حکیم کسی است که هم با مسیر سعادت آشناست و فلسفه و حکمت امور را می داند و هم شیوه طی مسیر و رسیدن به مقصد را می داند. بنابراین کارهایی را با علم نافع خود انجام می دهد و جامعه را با راهنمودهای خود پیش می برد. مانند آن حکیمی که در قوم یونس علیه السلام بوده و به مردم راه نجات از عذاب خداوند را نشان می دهد تا به بیابان بروند و تضرع کنند، بطوری که بچه ها را از مادران و حتی بره ها را از گوسفندان جدا کنند، بطوری که تمام بیابان آه و ناله استغاثه شود. یعنی راه نجات را حکیم می داند. در مقابل حکیم، ساحر و جادوگر قرار می گیرد. امروزه دنیا به جای اینکه به سمت حکما میل کند، به سوی ساحران و جادوگران می رود. البته من به سحر و جادو، لهو الحدیث



من حفظ قرآن را از سال ۷۰ شروع کردم. در آن زمان در جامعه، نسیم قرآنی وزیدن گرفته بود که هر زمان یاد آن می افتم، حسرت آن فضا را می خورم؛ پوشش ها و رفتارها خیلی متفاوت با جامعه امروز بود



قرآن، شغل و دنبال کار رفتن را «ابتغاء فضل خدا» می خواند. یعنی اگر خدا داد، از خدا می بینم و به خاطر پول، تقلب و پشت هم اندازی نمی کنم

برنامه تلویزیونی کارشناسی با تحصیلات فوق لیسانس را معرفی می کنم نمی پذیرند و اصرار دارند که حتما دکترا گرفته باشی. البته دکترا گرفتن خیلی سخت است اما این طور نیست که همه افرادی که دکترا ندارند، تلاش علمی نداشته اند و آن زحمت را نکشیده اند.



من مدرک دیپلم ریاضی دارم و در دانشگاه رشته الهیات را خواندم. زمانی که تازه ازدواج کرده بودم، همسر من به شوخی

و اتوبوس از خانه تا دانشگاه رفت و آمد می کرد. حالا اگر با اتومبیل مدل بالا می رفت و آمد می کرد به چهره ماندگار شدنش کمک می کرد؟ افرادی مثل سید جعفر شهیدی هم این طور بود. در مجموع همه افرادی که به مقام معنوی و جایگاه خوبی رسیدند، هیچ کدام از طریق مال و منال و اسم و رسم نبوده است. بچه گانه است که این ها را معیار قرار دهیم. البته نمی گویم علم ارزش ندارد اما علم به مدرک نیست. متأسفانه ما خیلی مدرک گرا هستیم. مثلاً وقتی برای یک

می گویند خوش به حالت دکتری داری. به نظر من این ها چندان خوش به حالی ندارد. نمی گویند خوش به حالت حرف خدا را گوش می دهی یا گناه نمی کنی و یاد دغذغات این است که خدا را از خودت راضی نگه داری.

شما چهره های ماندگار را ببینید. استاد غفاری یکی از آن ها بود. اواسط ماه مبارک دو چرخه ای به ایشان زد و از دنیا رفت. استاد وصیت کرد که به او کاری نداشته باشید و اذیتش نکنید. زندگی اش سراسر ساده زیستی بود. همیشه با پای پیاده

خارج از متن

انگار ارزش های مان تغییر کرده

دست غذا خورد. من در بررسی که انجام دادم به نتیجه‌ای در این زمینه رسیدم و آن را در جمع متخصصین تغذیه و دانشمندان مطرح کردم که غذا خوردن با دست تمیز تأثیر بسیار زیادی در حسن هاضمه دارد. چون گرمی، سردی، نرمی و سختی غذا را می‌توان با قوه لامسه درک کرد و با پیامی که به مغز فرستاده می‌شود، سیستم عصبی با دستگاه گوارش هماهنگ می‌شود. درحالیکه قاشق و چنگال چنین پیامی را ندارند. پس میان دست تمیز و قاشق، از نظر بهداشتی دست تمیز بهتر است. بنابراین ذکر روایات بدون کار توضیحی، باعث می‌شود عده‌ای تصور کنند دین مربوط به قدیم است و با این توجیه از آن دوری کنند. نباید برای گفتن حرف جدید و جوان پسند، متوسل به خرافات و داستان‌های بی‌اساس شد. چراکه این نوع مسائل ما را از اصل باز می‌دارد.

هر روایت و ماجرای از ائمه اطهار علیهم السلام، شرح کوتاهی را اضافه کرد تا فردی که این کتاب را می‌خواند مسئله‌دار نشود، بلکه مسئله‌اش حل شود. درحالیکه اگر ما را به طور خالص بخواند، ممکن است بگوید چرا امام علیه السلام در چنین شرایطی این طور عمل کرده؟! سنن النبی هم نیازمند چنین کار توضیحی است تا همه مردم ضمن آشنایی با سیره پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، حکمت آن را هم بدانند. به عنوان مثال در روایات آمده است که خوردن غذا با سه انگشت مستحب است. مطرح کردن این موضوع بدون هیچ توضیحی باعث می‌شود که کسی بگوید فکر این‌ها مربوط به هزار سال پیش است و می‌خواهند مردم را به زمانی برگردانند که با دست غذا می‌خوردند. این مسئله برای بسیاری از افراد جای سؤال دارد که چرا در شرایطی که می‌توان از قاشق و چنگال استفاده کرد، باید با

که ماه را ببینید و روزه بگیرید، ماه را ببینید و افطار کنید، طلوع و غروب خورشید را برای نماز و روزه‌تان در نظر بگیرید. این‌ها یعنی ozone friendly یا دوستی با طبیعت. دنیای امروز حرف از این دوستی می‌زند اما خلاف آن عمل می‌کند. اما ما دنبال تکنولوژی هستیم که روز به روز ما را از طبیعت دور تر می‌کند، به طوری که گاهی یک هفته می‌گذرد و ماه و خورشید و ستاره را در آسمان ندیده‌ایم. درحالیکه اسلام عبادات ما را به طبیعت قلاب می‌کند، و این همان روش زندگی است. اما اشکال در اینجا است که ما تا بن غرب زده هستیم و تکلیف‌مان با خودمان معلوم نیست.

به اعتقاد من برای حل این مشکل باید در کنار آثاری مانند سنن النبی، کار توضیحی انجام دهیم. یعنی همان طرحی که استاد شهید مرتضی مطهری در داستان راستان انجام داد و در کنار



می‌گویند خوش به حالت دکتری داری. به نظر من این‌ها چندان خوش به حالی ندارند. نمی‌گویند خوش به حالت حرف خدا را گوش می‌دهی یا گناه نمی‌کنی



من هر وقت با دست خالی و به قصد استنطاق به سمت قرآن رفته‌ام و به یک سؤال جدی پرداخته‌ام. در نهایت با دست پر برگشته‌ام

سرویس‌دهی کنیم تا کم و کسری نداشته باشد. درحالیکه این گونه امور در فرهنگ اسلامی تعریف نشده است. تحت تأثیر آموزه‌های غربی، آن چیزی که واقعاً ارزش دارد چندان در نظرها جلوه نمی‌کند. مثلاً شهرت و تحصیلات بالا اهمیت زیادی در نگاه مردم دارد اما کسی نمی‌گوید خوش به حالت که امروز مرتکب گناهی نشده‌ای. به بیان دیگر ارزش‌ها تغییر کرده‌اند و آنچه که باید به عنوان ارزش تلقی شود، در حاشیه قرار گرفته است.

یعنی طلب کردن؛ یعنی تلاشی که نگاه انسان به فضل خدا باشد. یعنی زحمت را بکش و امیدت به خدا باشد.



اشکالی ندارد که انسان برای کسب روزی نهایت تلاشش را به کار بگیرد. اما خیلی اوقات دچار طمع می‌شود، یعنی فرد از نماز و قرآن خواندن می‌زند تا برای فرزندانش مالی جمع کند. ما فکر می‌کنیم برای فرزندانمان تا زمان ازدواج و حتی تادمت‌ها بعد از ازدواج باید

پشت هم اندازی نمی‌کنم و اگر خدا نداد، نه ناامید می‌شوم و نه دنبال راه‌های حرام می‌روم. ما باید هر روز صبح که به محل کار می‌رویم، به این موضوع توجه داشته باشیم که برکت زندگی ما از سوی خدا می‌رسد. یک مثال بزنم؛ در نزدیکی منزل ما دو مغازه کنار هم بودند یکی کوچک و دیگری بزرگ بود. من همیشه به مغازه کوچک می‌رفتم و می‌دیدم مغازه کوچک چقدر پر رونق است، درحالیکه در مغازه بزرگ‌تر خبری از مشتری نبود. پس به کوچکی و بزرگی مغازه نیست. پس ابتغاء

جدی می‌گفت این هم رشته بود که تو خواندی که پول تویش نیست؟ اما بعدها در زندگی برایش ثابت شد که اگر من دنبال نان و آب بودم با همین رشته و موقعیتی که از این طریق به دست آورده‌ام، می‌توانستم نان و آب زیادی جمع کنم. اما من دنبال این چیزها نبودم. پس اگر خدا بخواهد مالی به انسان برساند این کار را می‌کند ولی این به معنای تنبلی نیست. قرآن، شغل و دنبال کار رفتن را «ابتغاء فضل خدا» می‌خواند. یعنی اگر خدا داد، از خدا می‌بینم و به خاطر پول، تقلب و



مجید مردانیان، پدر خانواده، تلاش زیادی کرده است که مشوق و الگوی مناسبی برای فرزندانش باشد

خانواده قرآنی

همان خانواده‌ای شدیم که همه‌شان با قرآن انس دارند

همه‌ی ما با قرآن

زهرا محمدی

خانواده مردانیان تشکیل شده از پدر، مادر، یک پسر و دو دختر. این خانواده انس ویژه‌ای با قرآن دارند و دو دختر خانواده حافظ کل قرآن کریم هستند. در یکی روزهای ماه مبارک رمضان مهمان این خانواده قرآنی بودیم و با آن‌ها به گفت‌وگو نشستیم.



رفیق و رقیب

فاطمه و محدثه مردانیان، حفظ قرآن را همزمان شروع کرده‌اند و تشویق‌های مادر و همراهی پدرشان باعث شده است که تا امروز حافظ کل قرآن باشند. آن‌ها همیشه باهم هستند، چه در زمان شروع حفظ قرآن، شرکت در اردوهای زیارتی جامعه قرآن و چه در زمان شرکت در کلاس‌های قرآنی. آن‌ها قصد دارند که اگر مسابقه قرآنی در جایی برگزار شد، همدیگر را باخبر کنند تا در عین رقابت با دیگری شرکت کنندگان، دو خواهر با یکدیگر هم رقابت کنند. البته آن‌ها رقبایی هستند که هر کدام برای برنده شدن به دیگری کمک زیادی می‌کنند: هر دوی ما باهم قرآن را مرور می‌کردیم و این کار را به‌طور آیه‌ای و یا صفحه‌ای انجام می‌دادیم. این روش کمک زیادی به حفظ مامی کرد.

در عین حال، هر دواز کمک‌ها و حمایت‌های همیشگی و همچنین پیگیری مداوم و خستگی‌ناپذیر مادرشان می‌گویند که: نقش

دو خواهر با یکدیگر رقابت می‌کنند. البته آن‌ها رقبایی هستند که هر کدام برای برنده شدن به دیگری کمک زیادی می‌کند

حفظ جامعه القرآن، موفق به حفظ کل قرآن شده است: از ابتدا با نوارهای ترتیل استاد پرهیز کار، حفظ قرآن را شروع کردم. روش حفظ ما، استفاده از نوارهای استاد پرهیز کار این بود که در عین حفظ کردن قرآن، می‌توانستم شیوه صحیح خوانسی و ترتیل را هم یاد بگیرم و این روش، کمک زیادی به من می‌کرد. این حافظ قرآن که در مدت یک سال و به‌طور فشرده قرآن را حفظ کرده، معتقد است: دوره حفظ یک ساله مشکل است و کسی که می‌خواهد در این مسیر قرار بگیرد باید بداند که در طول یک سال باید بسیاری از برنامه‌های تفریحی‌اش را حذف کند. اما حفظ یک ساله این حسن را دارد که در کمترین زمان ممکن، می‌توان قرآن را حفظ کرد. در حالی که در روش حفظ سه یا پنج ساله ممکن است فرد

با مشکلات و برنامه‌های پیش‌بینی نشده زیادی مواجه شود که او را از مسیر حفظ خارج کند.

محصل قرآن

فاطمه مردانیان متولد سال ۱۳۷۳ است و سال تحصیلی گذشته را به قصد حفظ قرآن، مرخصی تحصیلی گرفت. او از دوره ابتدایی با کمک و تشویق پدر و مادرش، شروع به حفظ کردن قرآن کریم کرد. خودش می‌گوید: همیشه علاقه زیادی به حفظ قرآن داشتم. اما این امکان برایم پیش نمی‌آمد و اصلانمی‌دانستم که مراکزی وجود دارد که دوره مقطعی و تخصصی حفظ قرآن برگزار می‌کند. فاطمه و محدثه مردانیان، سال گذشته از طرف انجمن اسلامی مدارس به اردویی رفته بودند. در آنجا با خانمی آشنا شدند که حافظ قرآن بود. از برنامه حفظ قرآن پرسیدند و اینکه در چه مرکزی و با چه روشی قرآن را حفظ کرده است. در نهایت با جامعه القرآن و دوره تخصصی حفظ قرآن آشنا شدند. بعد از ثبت نام در جامعه القرآن، برنامه‌های حفظ را شروع کردند و در طول یک سال حافظ کل قرآن کریم شدند.



همت قرآنی

محدثه مردانیان، خواهر دوقلوی فاطمه است که همراه با خواهرش در طول یک سال با کلاس‌های

حاشیه

مادر نمونه

مریم روستا دبیر است و در دبیرستان محل کارش هم حفظ قرآن را تبلیغ می کند و تلاش می کند که دانش آموزانش را با قرآن آشنا کند: در مدرسه هم حفظ یک ساله را تبلیغ کردم و خوشبختانه دونفر از شاگردانم در دوره آزمایشی حفظ قرآن شرکت می کنند. او معتقد است: خانواده ها باید به استعداد و همت بچه ها توجه داشته باشند و بر این اساس آن ها را در دوره های حفظ قرآن ثبت نام کنند. حفظ یک ساله استعداد و پشتکار زیادی می طلبد و بر این اساس هر کسی که مایل است در این دوره حفظ شرکت کند، باید توجه داشته باشد که یک سال باید از بسیاری از برنامه ها و تفریحات کم کند. در عین حال باید توجه داشته باشد که شاید یک سال دیگر چنین توفیقی ایجاد نشود که بتوانند قرآن را حفظ کنند. خوشبختانه هم مسیر مناسب بود و هم استاد بسیار خوب و توانایی در جامعه القرآن داشتند. او از شروع حفظ قرآن دخترانش می گوید: یک سال قبل به عمره مفرده مشرف شدیم. بچه ها حاجت هایشان را روی یک تکه کاغذ نوشته بودند و من آن را زیر نودان طلاخوندم. یکی از حاجت های بچه ها این بود که قرآن

را حفظ کنند. به طرز عجیبی، این دعا مستجاب شد. یک هفته بعد از برگشت ما از حج عمره، بچه ها به اردویی رفتند و در آنجا به راهنمایی یکی از خانم ها با جامعه القرآن آشنا شدند و خیلی زود کلاس های حفظ قرآن شروع شد. خانم روستا، که نقش به سزایی در روحیه قرآنی فرزندانش دارد، خودش می گوید: همیشه فرزندم را به انس گرفتن با کلام خداوند تشویق می کنم و قصدم از اینکه می خواستم حافظ قرآن باشند، این بوده که فضای خانواده مان قرآنی باشد و دستورات و معارف الهی برای فرزندانم تثبیت شود و در زندگی هایشان تاثیر گذار باشد. همیشه به فرزندانم می گفتم که قرآن بهترین همنشین و راهنما برای شماست و تمام برنامه های زندگی در زمینه های گوناگون دنیایی و معنوی در این کتاب بزرگ آمده است.



در خانواده مردانیان انس باقرآن باعث شده که کانون خانواده گرم تر و صمیمی تر باشد

جوان هیئت خانواده

محمد امین مردانیان، پسر خانواده، علاقه زیادی به شرکت در هیئات و مجالس مذهبی دارد. او هم از دوران ابتدایی در کلاس های قرآنی و مسابقات حفظ و قرائت مدارس شرکت می کرده و قصد دارد این کار را به طور تخصصی انجام دهد. می گوید: در زمینه مداحی، در کلاس های آموزشی شرکت کرده ام. در حال حاضر در کلاس های مجید بنی فاطمه شرکت می کنم. البته باید بدانیم که توفیق مداحی اهل بیت علیهم السلام فقط آموزشی نیست، اول توفیق و معرفتی می خواهد تا مدحی که می خواند اثر گذار باشد و معتقد است: هیئت ها و مجالس مذهبی باید نظم و هماهنگی بیشتری داشته باشند. در عین حال مداحان باید توجه داشته باشند که مردم آن ها را به عنوان الگو می شناسند، به همین دلیل باید در بیان مصیبت ها و ذکرها توجه ویژه داشته باشند.

مادر مان در موفقیت های ما بسیار مهم است. چرا که همیشه همکاری و تشویق می کردند، از لحاظ فراهم کردن شرایط خانه یا برنامه ریزی برای مرور کردن حفظیاتمان و همچنین از نظر پیگیری و پرسش. حتی آیه هایی را که اشکال داشتیم، برای ما نشانه می گذاشتند تا دوباره آن ها را مرور کنیم. بعضی از خانواده ها فقط فرزندشان را در یک کلاس قرآنی ثبت نام می کنند و چندان پی گیری روند یادگیری فرزند خود نیستند. در حالی که تشویق و پیگیری خانواده تاثیر زیادی در ایجاد اشتیاق و یادگیری بیشتر و بهتر کودکان و نوجوانان دارد. مادر ما هم همیشه و تحت هر شرایطی ما را به یادگیری قرآن و مرور حفظیاتمان تشویق می کرد، به طوری که به جرأت می توانیم بگوییم اگر حمایت ها و تذکرات و تشویق های پدر و مادر مان نبود، ما تا این اندازه موفق به حفظ قرآن نمی شدیم.

تکیه گاه امن

مجید مردانیان، پدر خانواده، تلاش زیادی کرده است که مشوق و الگوی مناسبی برای فرزندانش باشد. به گفته اعضای این خانواده، پدر نسبت به نماز اول وقت توجه زیادی دارد. پدر این خانواده قرآنی به روایتی از ائمه اطهار علیهم السلام اشاره می کند که: هر کسی



مسعود سیاح گرجی میراثدار پدرش است. هر دو اینها نفر اول مسابقات قرآن مالزی شدند

با شرط کردن دستمزد قاریان مخالفم ولی...

جواد نصیری

مسعود سیاح گرجی فرزند حاج علی سیاح گرجی است که پدرش از اساتید قدیمی قرآن به شمار می رود و به همین مناسبت پسر از کودکی با صوت قرآن مانوس بوده است. مسعود، تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی علوم قرآن و حدیث در دانشگاه تهران ادامه داده و در حال حاضر علاوه بر شغل آزاد در بازار تهران، به کار تدریس تخصصی قرائت قرآن کریم مشغول است. وی در سال ۱۳۸۰ موفق به کسب رتبه نخست رشته قرائت در مسابقات بین المللی قرآن مالزی شد، رتبه ای که ۱۴ سال پیش از آن از سوی پدرش تکرار شده بود و این یک رکورد شاخص به شمار می رود، چرا که در مسابقات قرآن جهان تاکنون پدر و پسر که هر دو در یک مسابقه قرآن اول شده باشند، نداریم.

سیر حضور شما در فعالیت های قرآنی چگونه بوده و در این مسیر از چه افرادی به طور مشخص تأثیر پذیرفته اید؟



من در محله میدان محمدیه که دارای بافت اجتماعی خاص است، ولی بافت فرهنگی قوی دارد و هیئت های قدیمی در آن فعال هستند، به دنیا آمدم؛ پدر من هم حدود ۴۰ سال است که در آنجا جلسه آموزش قرائت قرآن را در هیئت جان نثاران علی ابن موسی الرضا علیه السلام اداره می کند. من از کودکی با برادر من محسن که یکسال از من کوچک تر است، قرآن می خواندم و با هم کارهای همخوانی قرآن انجام می دادیم. در آن زمان سوره هایی

که استاد عبدالباسط خوانده بود و جزء قصار السور محسوب می شوند مثل سوره های شمس، حمد و غیره را با هم همخوانی می کردیم، ولی به صورت جدی از ۱۶ سالگی تلاوت تخصصی و فنی قرآن را شروع و در جلسات مختلفی شرکت می کردم. پدرم نیز مرا علاوه بر جلسه قرائت قرآن خودش، به جلسات دیگر می فرستاد، مثل جلسه استادان عباس امام جمعه، محمدحسین سبزعلی، احداصل محمدی و دیگر اساتید که خیلی در من تأثیر داشتند؛ این افراد در سبک تلاوت با هم هم فکر و هم مکتب بودند و این برای من خیلی خوب بود، البته استاد محوری من همواره پدرم بود و من هر کاری می کردم با ایشان مشورت داشتم. در سن ۱۸ سالگی که سرباز شدم،

علاوه بر این اساتید یک استاد خوب به نام نصرت الله عارف حسینی داشتم و دارم. این استاد در من تحولی ایجاد کرد، چرا که حرف هایی که ایشان می گفت من از هیچ فرد دیگری نشنیده بودم و همین الان هم حرف هایی که ایشان می گوید بعضاً من از فرد دیگری نشنیده ام. ایشان یک نقطه عطفی در دوران تلاوت قرآن من محسوب می شود که بعد از پدرم، ذهن مرا تا حد زیادی متحول کرد. چون ما کار تلاوت قرآن را به صورت تجربی آموخته بودیم ولی ایشان این کار را به صورت تئوری تر و کاربردی تر به من آموخت و بنابراین با هم تمرینات خاصی انجام می دادیم و من خیلی زودتر از آنچه که فکر می کردم صاحب مقام جهانی شدم.

قاری دیدم که دستفروشی می کرد

یک قاری که در دنیا اول شده چقدر باید دستمزد بگیرد؟ برخی افراد دیگر مثل مجریان تلویزیون، پول چه کاری را می گیرند؟ من برای مجریان و کار آنها ارزش زیادی قائل هستم اما سوال این است که یک مجری با چند سال کار می تواند به

این سطح توانایی برسد و در مقابل یک قاری قرآن باید چند سال زحمت بکشد تا رتبه جهانی کسب کند؛ ما ۴۰ ثانیه یک نفس قرآن می خوانیم و اگر صدای ما یک ذره بگیرد، کار خراب است، صدا باید آماده باشد. دستمزد این را چگونه تعیین

می کنیم؟ چطور قاری مصری را دعوت می کنیم و ۲۰ برابر یک قاری ایرانی به او پول می دهیم و بعد قاری ایرانی را با مبلغ اندکی می خواهیم راضی کنیم.

مادو تا موضوع داریم؛ یکی این که من



حاج علی سیاح گرجی پدر مسعود گرجی که قبل از پسرش رتبه اول مسابقات مالزی را کسب کرده بود



■ پدرتان حاج علی سیاح گرجی در این موفقیت شما چقدر سهم داشته است؟

پدر و پدر بزرگ من هم معلم قرآن هستند و آن طور که نقل کرده‌اند پدر بزرگم فرد عارفی بوده، ایشان اهل دعا، هیئت، روضه و قرآن بوده و حاج علی هم در این فضا رشد کرده است. پدر من در سال ۱۳۴۲ اولین بار نوارهای تلاوت قرآن استاد عبدالباسط رامی شنود و علاقه‌مند به قرآن کریم می‌شود و در سال ۱۳۵۱ به جلسه استاد مولایی - که این جلسه در حال حاضر حدود ۶۰ سال قدمت دارد - جلسه استاد محمدتقی مروت، همچنین حاج بیوک اصل محمدی - که به رحمت خدا رفت - استاد محسن موسوی بلده می‌رود. ایشان هم این راه را طی کردند و بعد از انقلاب اسلامی

در مسابقات قرآن شرکت کردند؛ خودشان می‌گفتند که قبل از انقلاب خیلی به شرکت در مسابقات قرآن راغب نبود چون فضای طاغوت بود، ولی بعد از انقلاب اسلامی موفقیت‌های خوبی را کسب کرده که از جمله در سال ۱۳۶۶ به عنوان نماینده جمهوری اسلامی در مسابقات قرآن مالزی حاضر می‌شوند و مقام اول را کسب می‌کنند و از این منظر تنها قاری بودند که در زمان دفاع مقدس در مسابقات قرآن مالزی رتبه اول را بدست آوردند. در زمان جنگ، عربستان، عراق و دیگر کشورهای دشمن مادر مسابقات قرآن مالزی داور داشتند و بر نمی‌تابیدند که نماینده ایران در این مسابقات اول شود؛ به گفته پدرم سفیر وقت ایران در مالزی گفته بود که اگر ما میلیون‌ها دلار خرج

می‌کردیم نمی‌توانستیم تأثیری را که در اول شدن شما دیده می‌شود، بر جای بگذاریم، و این در طول زمان جنگ فقط یکبار اتفاق افتاد. ایشان تلاوت‌های خیلی خوبی دارد و در حال حاضر هم دایره، تدریس و کارشناسی برنامه‌های قرآنی در صدا و سیما و ضبط چند ترتیل مهم اساتید تلاوت را به عهده دارد.

■ ظاهراً خودتان هم در زمینه تدریس قرآن فعالیت دارید؟

من از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ روزهای پنجشنبه در محل حسینیه جان‌نثاران علی بن موسی الرضا علیه السلام تدریس می‌کردم و در همین محل روزهای سه‌شنبه پدرم تدریس قرآن دارد؛ از سال ۱۳۸۰

این ورزش‌ها تجارت است ولی قاری تجارت نمی‌کند. قاری تازمانی که بتواند بخواند دعوت می‌شود و اگر روزی نتوانست بخواند، حذف می‌شود. من خودم در بازار تهران قاری قرآن دیدم که دست‌فروشی کرده یا مسافر کشی می‌کند.

خواندم و یک آقایی هم خواننده بود که به من یک مبلغی داده‌اند و به ایشان سیصد برابر من پول داده‌اند. چرا؟

قرآن قابل مقایسه با هیچ چیزی نیست؛ مثلاً با فوتبال که اصلاً قابل مقایسه نیست،

آن طرف قضیه چطور؟ مسئولانی که پول‌های هنگفتی را برای دعوت از یک خواننده و یا هنرپیشه خرج می‌کنند که تازه معلوم نیست آیا این‌ها می‌توانند برای جوانان اسوه باشند یا نه، چرا فکری نمی‌کنند؟ در فلان همایش من قرآن

قاری باید خودم اخلاقم خوب باشد، ولی در قرآن هر جا دنیا آمده آخرت هم آمده و نمی‌شود این موضوع را کتمان کرد. من یک وظیفه‌ای دارم و باید در ست رفتار کنم، من به شخصه باطلی کردن دست‌مزد مخالفم و این را کار بدی می‌دانم، ولی

فرق دیگری که
جلسات قرآن امروزی
با قدیم دارد این که
قدیم يك صفای
دیگری داشت



پدر بزرگم فرد
عارفی بوده. ایشان
اهل دعا، هیئت،
روضه و قرآن بوده
و پدرم هم در این
فضا رشد کرده



قاری در قدیم
به دنبال
مسابقه
نبوده و برای
عشق و دل
و ارتباط
با خدای
خود قرآن
می خواند



سفیر ایران به
پدرم گفته
بود: اگر
میلیون ها خرج
می کردیم
تا تأثیرش به
اندازه اول
شدن شما
نبود



تا حالا نیز که حدود ۱۰ سال می شود، در خیابان ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، منزل حاج ابرج ارضی سلطان جلسه قرآن دارم و طی روزهای دوشنبه به تدریس صوت و لحن و تاحدودی آموزش مفاهیم قرآن می پردازم.

■ معمولاً چه گروه های سنی در این جلسات حضور دارند؟

از سنین مختلف در این جلسه حاضر هستند ولی متوسط سنی افراد ۱۸ تا ۲۷ سال است؛ البته این جلسه تخصصی است و در بدو ورود از افراد تست گرفته می شود چرا که جلسه، سطح دارد و عمومی و آزاد نیست، به طور مثال سطح این جلسه کسب نمره ۷۰ الی ۸۰ در تجوید است و من خودم افرادی را که در تجوید ضعف دارند به اساتید معرفی می کنم که در آنجا یک الی دو سال کار کنند؛ از سویی استعداد صوت و لحن هم مهم است، البته من به کسی مستقیماً نمی گویم استعداد صوت و لحن نداری، ولی وقتی این فرد خودش وارد کار می شود کم کم می فهمد که برای این کار مناسب نیست و شاید برای حفظ قرآن مناسب تر باشد. بعضی دوستان توقعات عجیبی دارند به طور مثال اگر کسی به من بگوید در تیم حرفه ای فوتبال بازی می کنی، می خندم، چون می دانم نمی توانم این کار را انجام دهم، اصلاً بدن و فیزیک من برای این کار مناسب نیست، قرآن خواندن هم همین طور است، این کار یک پارامترهایی می خواهد که خاص است، از جمله صدای قوی، صدای زیبا و ذهن فعال برای گرفتن آهنگ ها و موسیقی قرآن، و این را مامتوجه می شویم.

■ از این جلسات تا به حال افراد شاخصی هم بیرون آمده اند.

من اسم اشخاص را نمی آورم، ولی برخی قاریان حتی به مقام های بین المللی هم دست پیدا کردند و قاریانی داریم که در کشور و یا در استان تهران مطرح هستند، علت این مطرح شدن آن است که استعداد پایی در جلسات انجام می شود و من آدم سخت گیری هستم. گاهی بچه ها این مسئله را بر نمی تابند و برایشان گذراندن یکسری مراحل سخت می شود، البته نیت ما خیر است ولی احساس می کنم بعضی دوستان این سخت گیری را بر نمی تابند و در این مسئله برخی بچه ها با کار من مشکل دارند، ولی باید بگویم این سخت گیری ها برای پیشرفت خودشان است. در این موضوع برخی دیگر اساتید مانند استاد مولایی را مثال می زنم که ما می ترسیدیم پیش ایشان

■ تفاوت جلسات قرآن در قدیم و جلسات قرآن امروزی در چه شاخص هایی قابل بحث است؟

جلسه قرآن
بند نه
در شکل
ظاهر

سنی است، ولی فرقی
که با قدیم دارد این

من به کسی
نمی گویم استعداد
صوت و لحن
نداری، ولی وقتی
این فرد وارد کار
می شود کم کم
می فهمد که برای
این کار مناسب
نیست و شاید
برای حفظ قرآن
مناسب تر باشد

است که ما صدا را ضبط می کنیم، چون کار ما با صدا است و قاری باید بخواند و بشنود تا در لحن و صوت اشکال خود را متوجه بشود؛ در قدیم ضبط نبوده ولی الان با کمک سی دی و دیگر وسایل کمک آموزشی سرعت کار را بیشتر کرده ایم. فرق دیگری که جلسات قرآن امروزی با قدیم دارد این که قدیم یک صفای دیگری داشت؛ این حرف برای همین ۱۰ الی ۱۲ سال گذشته است که نسل خود من در آن بودیم و باز بیست سال پیش صفای بیشتر بوده و شور و حال و انس با قرآن بیشتر بوده است. قاری در قدیم به دنبال مسابقه نبوده و برای عشق و دل و ارتباط با خدای خود قرآن می خواند ولی الان شاگرد یک هفته سر جلسه آمده و می گوید من می خواهم بین المللی شوم! من به او می گویم برای خدا و خودت قرآن بخوان و چون صد هست، نود هم



باید کمی خودمان را جمع و جور کنیم تا این تعریف و تمجیدها هندوانه زیر بغل مانگنارد و کمی فکر کنیم، اهل عبادت باشیم، دنیا را رها کنیم و به آخرت بچسبیم

■ سیاست گذاری های انجام شده در امور قرآنی تا چه اندازه در ایجاد و یا بهبود شرایط فعلی موثر بوده است؟

برنامه ای در صدا و سیما داشتیم که بحث آسیب شناسی مسابقات قرآن بود و من آنجا گفتم بیاییم یک هیئت تشکیل دهیم تا قاریانی که خوب قرآن می خوانند ولی در مسابقات موفق نبوده اند را معرفی کنیم. الان مسابقات قرآن مدینه فاضله تمام قرآنیان در جامعه شده است، چرا که جامعه ما نگاه می کند که چه کسی اول شده و بعد به سراغ او می رود، در صورتی که ما خیلی قاریان مطرح دیگر داریم که خوب می خوانند اما در ایران قاریان تا مقام نیاورند دعوت نمی شوند و این باعث می شود افراد با استعداد زیادی کم کم حذف شوند. معتقدم علاوه بر مسابقات قرآن باید مجرای دیگری هم برای مطرح کردن قاریان داشته باشیم و شورایی باشد که بتواند این انتخاب را انجام دهد، در این زمینه البته موازی کاری ها هم دیده می شود ولی آموزش قرآن در کشور یتیم است و ما مدرسه قرائت قرآن نداریم و فعلا بهترین خروجی را همین حلقه های سنتی قرآن دارند.

■ به نظر شما متولی امور قرآنی در کشور باید دولتی باشد یا مردمی؟

دولتی بودن فعالیت های قرآنی یک ضرر دارد و مردمی بودن آن هیچ ضرری ندارد؛ مردم کار خودشان را انجام می دهند و دولت هم در فضای کلی انقلاب اسلامی خیلی کمک کرده ولی دولت که جلسه قرآن نداشته است. جلسه قرآن استاندارد مولایی ۶۰ سال در حال برگزاری است که در آن قاری تربیت می شود؛ دولت باید پشت پرده، پشتیبان باشد. به طور مثال می خواهند به جلسه قرآن من کمک کنند، می گویند تابلوی من را بزن سر در جلسه! من می گویم اگر این یک میلیون را برای تهیه جایزه بچه ها می دهید دیگر تابلو چیست؟ اگر فی سبیل الله است بفرما، ولی اگر قرار باشد در جلسه من نفوذ کنید و رویه مرا تغییر دهید، نمی شود. در مجموع احساس می کنم وارد نشوند بهتر است، ولی باید کمک کنند.

قاری که معنای آیات را نفهمد کارش ارزشی ندارد و این گونه می شود که برخی از قاریان در حال تلاوت قرآن وقف و انتداری را رعایت نمی کنند و آیه را به آیه دیگر وصل می کنند

ما باید کمی خودمان را جمع و جور کنیم تا این تعریف و تمجیدها هندوانه زیر بغل مانگنارد



چطور قاری مصری را دعوت می کنیم و ۲۰ برابر یک قاری ایرانی به او پول می دهیم



می خواهند به جلسه قرآن من کمک کنند. می گویند تابلوی من را بزن سر در جلسه قرآن



الان قاری می رود می خواند و همه منتظرند که این قاری غلط بخواند که رقیب آن ها حذف شود



رعایت نمی کنند و آیه را به آیه دیگر وصل می کنند که از نظر صرف و نحوی و معنایی غلط است. جلسه استاد خدام حسینی رسماً تا ۹۰ درصد تفسیر و اخلاق است و من این را متوجه می شوم که خلأ کجاست و خلأ یک قاری قرآن و یا مداح چیست؟ کار فیزیکی قرآن خواندن خیلی ارزشمند است ولی تلاوت قرآن که در آن تدبیر وجود نداشته باشد، فایده ندارد و قاری که اخلاق نداشته باشد و چشم و هم چشمی کند فایده ای ندارد. در این کار اگر یک لحظه خودت را رها کنی شیطان وارد می شود و می بینی که برای غیر خدا قرآن می خوانی نه برای خدا؛ یا برای معیشت قرآن می خوانی نه برای خدا. این آفت های کار ماست، در عین حال مقام قاری قرآن خیلی بالاست و احادیث بسیاری در تجلیل از قاری وجود دارد، ولی ما هم

پیش ماست، نسل امروز کلا حالت های عجیبی دارند و موفقیت را فقط در مقام و شهرت می بینند و من خودم با اینکه دوست داشتم اول بشوم ولی برای دلم قرآن می خواندم و یک روز هم اول شدم. گاهی فکر می کنم کاش قدیم بود و کاش مسابقه نبود، واقعا گاهی چیزهایی در مسابقات قرآن دیدیم که از نظر اخلاقی و حشمتناک است، به طور مثال قاری می رود می خواند و همه منتظرند که این قاری غلط بخواند که رقیب آن ها حذف شود، ولی برعکس آن من دیدم که طرف برای رفیق خودش کاری کرده که او اول شود.

■ شما در کلاس های تدریس قرائت، مباحث تفسیری و مفاهیم را هم مطرح می کنید؟

من چون در دانشگاه رشته علوم قرآن و حدیث خواندم، در جلسات خودم هم گاهی مباحث تفسیری را مطرح می کنم ولی به من می گفتند که تو چرا اینقدر تفسیر می گویی! ما آمدم اینجا صوت و لحن کار کنیم، من می گویم قاری که معنای آیات را نفهمد کارش ارزشی ندارد و این گونه می شود که برخی از قاریان هنوز در حال تلاوت قرآن وقف و ابتدا را

یک شب هزار ماه

لَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ *

ما آن اقرآن ارادر شب قدر نازل کردیم! * و توجه می دانی شب قدر چیست؟! *

سوره قدر - آیات ۲ و ۱

سوره قدر به طور کلی به نزول قرآن در شب قدر اشاره می کند و این شب را بسیار بزرگ می شمارد و آن را از هزار ماه برتر می داند، چون ملائکه و روح در آن نازل می شوند. روایاتی از ائمه علیهم السلام درباره دلیل نزول این سوره رسیده که این سوره بعد از خواب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. ایشان در خواب دیدند که بنی امیه از منبر شان بالا می روند و به همین خاطر بسیار ناراحت شدند. خداوند هم برای تسلاهی دل پیامبر صلوات الله علیه، این سوره را نازل کرد و در آن فرمود: شب قدر بهتر از هزار ماه حکومت بنی امیه است.

کدام شب سال؟

در هیچ جای قرآن به این مسئله که شب قدر دقیقا چه شبی بوده، اشاره نشده است، جز در آیه ۱۸۵ سوره بقره که می فرماید: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... (روزه، در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن نازل شده است.

بنابراین شب قدر یکی از شب های ماه رمضان است و اما اینکه کدام یک از شب های آن است، در قرآن به آن اشاره ای نشده است. اما بسیاری از روایات به این مسئله اشاره کرده است.

- از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: شب بیست و سوم همان شب جهنی است، و حدیث جهنی این است که گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشتم: منزل من از مدینه دور است، دستورم بده در شب معینی داخل مدینه شوم، فرمود: شب بیست و سوم داخل شو.

- روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که از ایشان سوال شد: شب قدر شب بیست و یکم یا بیست و سوم است؟ وقتی راوی اصرار کرد که کدامیک از این دو شب است و گفت: اگر من نتوانم هر دو شب را عبادت کنم کدامیک را انتخاب کنم؟ امام شبی را تعیین نفرمود و افزود: چه آسان است

تمام قرآن در یک شب

آیه اول به این مسئله اشاره می کند که تمام قرآن در شب قدر نازل شده است، نه بعضی از آیه های آن و نزول قرآن در شب قدر به صورت یکپارچه و یک جا بوده است، نه تدریجی و قطعه قطعه.

آیه سوم سوره دخان هم این مسئله را تاکید می کند و می فرماید: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ. ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انداز کننده بوده ایم!

بنابراین قرآن دو جور نازل شده است. یکی یکپارچه و در یک شب مشخص، یکی هم به تدریج و در طول ۲۳ سال نبوت. پس با توجه به این مسئله، این طور نیست که بعضی از مفسرین گفته اند، این آیه یعنی اینکه در شب قدر نزول قرآن با چند آیه شروع شده است.

در این سوره بلافاصله بعد از اشاره به نزول قرآن، عظمت شب قدر یادآوری می شود، که توای پیامبر! عظمت این شب را درک نمی کنی. بنابراین عظمت این شب به اندازه ای است که حتی پیامبر صلوات الله علیه با آن علم وسیع و گسترده اش، قبل از نزول این آیه ها از آن اطلاعی نداشته است.



جنتی
منتهی



دو شب برای آنچه می خواهی!

- امام صادق علیه السلام فرمود: تقدیر در شب نوزدهم و ابرام در شب بیست و یکم و امضا در شب بیست و سوم ماه رمضان است.

طبق روایات های شیعیان شب قدر یکی از شب های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم، با تاکید بر شب بیست و سوم است. اما اهل سنت تاکید زیادی بر نزول قرآن در شب بیست و هفتم دارند.

شب سرنوشت ساز

در این آیه ها شبی که قرآن در آن نازل شده، شب

کاتب: علوی، عبدالله، قرن ۱۳ق - تاریخ: ۱۲۹۹

قرآنی کامل که در حاشیه آن فضیلت، ثواب و کیفیت قرائت سوره‌ها به نقل از رسول اکرم، حضرت علی و امام صادق علیهم السلام تحریر شده و علاوه بر آن دعای کامل قبل و پس از تلاوت نیز در ابتدا و انتهای نسخه افزوده شده است

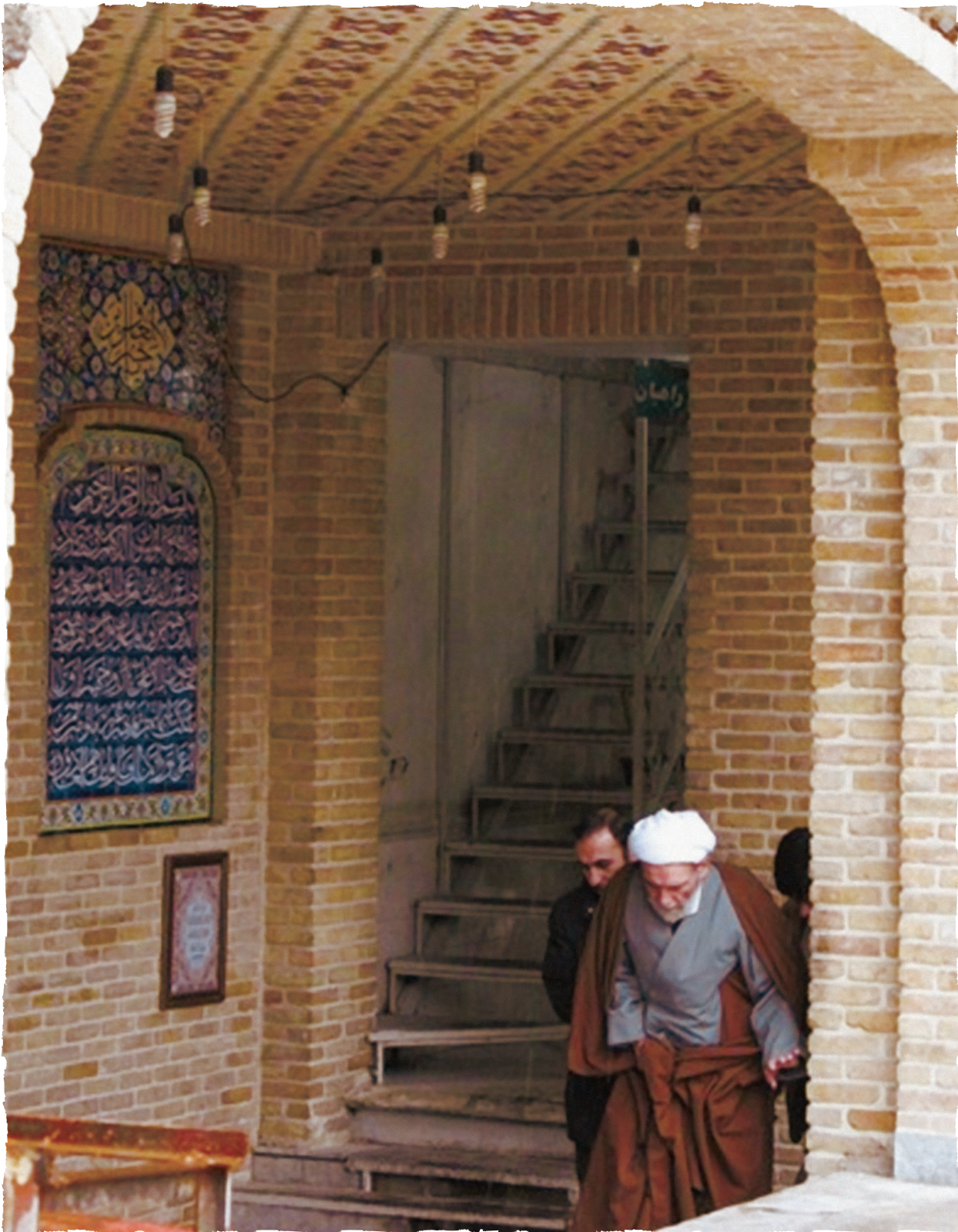


«قدر» نامیده شده است. منظور از قدر، تقدیر و اندازه گیری است، پس شب قدر، شب اندازه گیری است.

خداوند در این شب حوادث یک سال را، یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده، تقدیر می‌کند. زندگی، مرگ، رزق و روزی، خوشبختی، بدبختی و چیزهای دیگری از این دست، در شب قدر تعیین می‌شود. در آیه ۴ سوره دخان هم این مسئله تأیید شده است و خداوند می‌فرماید: فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ. در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدایی می‌گردد. بنابراین شب قدر فقط شب نازل شدن قرآن و آن

سالی که قرآن در شب قدرش نازل شد، نیست. بلکه با تکرار سال‌های مختلف، شب قدر هم تکرار می‌شود. در هر ماه رمضان از هر سال قمری، شب قدری هست که در آن شب، امورات سال آینده تا شب قدر سال بعد، اندازه گیری و مقدر می‌شود. روایت شده است که شخصی از پیامبر صلوات الله علیه پرسید: آیا شب قدر شبی است که در زمان انبیاء بوده و امر بر آن‌ها نازل می‌شده و وقتی از دنیا می‌رفتند، نزول امر در آن شب تعطیل می‌شده است؟ ایشان فرمودند: نه! شب قدر تا قیامت هست. بنابراین دلیلی برای این نظر بعضی از مفسرین نیست که معتقدند: شب قدر در تمام

طول دنیا، فقط یک شب بوده و آن شبی بود که قرآن نازل شد و دیگر تکرار نمی‌شود. یا بعضی دیگر از مفسرین معتقدند که تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود، شب قدر هر سال تکرار می‌شد و بعد از رحلت ایشان شب قدر هم از بین رفت و نظرات دیگری از این دست. بنابراین نتیجه این است که شب قدر، به صورت یقینی، یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان هر سال است. البته این مسئله به این معنی نیست که هر چیزی در شب قدر تعیین شود به هیچ وجه تغییر نمی‌کند. ممکن است مقدرات شب قدر هم در زمان اجرا، به خواست خدا، تغییر پیدا کنند.



پای سخننا معلم اخلاق مردم پایتخت آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی

کلاس اخلاق در قلب بازار

سال‌هاست کرسی دروس فقه و اصول آیت الله حاج شیخ مجتبی تهرانی، از ارکان اصلی سطوح عالی حوزه علمیه تهران است. هر صبح طلاب جوان که تشنه کسب معرفتند در محضر دروس استاد، حاضر و سیراب از آن خارج می‌شوند. جلسات نورانی دروس تفسیر و اخلاق استاد هم، جوانان تحصیل کرده و مشتاق معارف قرآن را بر گرد خود جمع کرده است. ایشان که در حال حاضر تنها مرجع تقلید ساکن تهران هستند از شاگردان برجسته حضرت امام خمینی رحمت الله علیه و از موارد ملکوتی آن بزرگوار به شمار می‌رود.

مجموعه مباحث چندین ساله اخلاق و عرفان ایشان، تاکنون بر دو هزار درس بالغ شده و همچنان نیز این کوثر پرفیض در جریان است. جالب اینکه هر کسی با هر سطحی از معلومات هم باز از بیانات پر مغز ایشان ادراکاتی دارد. چه، بسیاری مواقع پیش می‌آید که ایشان حین سخنرانی می‌گویند سطح مطلب را دیگر نمی‌شود از این بیشتر پایین بیاورم. یعنی سعی می‌کنند عموم مخاطبین را در نظر بگیرند. اینک مروری می‌کنیم بر بخش‌هایی کوتاه از بیانات این عالم بزرگوار که طی سال‌ها در مجالس اخلاق خود بیان کرده‌اند.

معنای سرعت در اجابت دعا



روایتی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ، فَدَعَا رَبَّهُ كَأَنَّهُ دَعَا مُسْتَجَابَةً»، بعد دارد «مُعْجَلَةً أَوْ مُؤَخَّرَةً» یعنی اگر با این شرایط دعا کند، زود یا دیر، یک دعای مستجاب دارد. یک وقت اشتباه نشود که این روایت می‌خواهد بگوید ما تسریع در اجابت نداریم و این امور در تسریع اجابت مؤثر نیستند. نخیر! اموری هستند که تسریع در اجابت دعا دارند و از آن طرف هم اموری در اجابت دعا تأخیر می‌اندازند. بنابر این ما در روایات مسأله سرعت و بطئی در اجابت دعا را داریم.

غرور

اصلاً غرور چیست؟ غرور یعنی چه؟ می‌خواهم فرمایشات امام حسین علیه السلام را باز کنم. علمای اخلاق می‌گویند غرور: «سكون النفس اذا ما يوافق الهوى» آرامش روحی که انسان بر اثر

رسیدن به خواسته‌های نفسانی‌اش پیدا می‌کند غرور است. پول می‌خواستم به آن رسیدم، احساس آرامشی که کردم، این همان غرور است. یعنی انسان آن‌گاه که به خواسته‌های نفسانی‌اش رسید، آن‌جا آرامش که پیدا می‌کند، اسم این سکون و آرامش را غرور می‌گذارند. این در اصطلاح علمای اخلاق است.

به تعبیر من، غرور یک مثلث است. یک شخص فریب خورده داریم، یک چیز فریب دهنده داریم و بعد هم فریب. فریب خورده انسان است، اما فریب دهنده لازم نیست انسان باشد، فریب دهنده هر چه می‌تواند باشد و ضلع سوم، فریب است.

در هر غرور، این سه تا وجود دارد. در لغت هم که شما بروید، می‌بینید که «غَرَّ يَغُرُّ» متعدی است و همین را می‌رساند. غَرَّه یعنی او فریبش داد.

اموری هستند که تسریع در اجابت دعا دارند و از آن طرف هم اموری در اجابت دعا تأخیر می‌اندازند. بنابر این ما در روایات مسأله سرعت و بطئی در اجابت دعا را داریم

پیوند رفاقتی، قوی‌ترین پیوند

محیط رفاقتی نیز، از محیط‌هایی است که بر روی روح انسان، یعنی تمام ابعادش، اثر می‌گذارد و جهت آن هم این است که دوستی و رفاقت بر محور پیوند محبت است. پیوندهای جسمی، حسبی، نسبی، بعد دینی و اخوت دینی، این‌ها همه پیوند هستند. یک پیوند در روابط اجتماعی، پیوند محبتی است که پیوندی قوی است. لذا اثرگذاری‌اش هم بر روی انسان قوی است به طوریکه موجب می‌شود نسبت به آنچه که انسان در محیط خانواده و محیط آموزشی، فراگرفته است یا نسبت به اثرگذاری که روی روح داشته است، گاهی جنبه تخریبی داشته باشد، گاهی هم برعکس.

مثلاً اگر محیط خانوادگی انسان مناسب نبود، محیط آموزشی‌اش مناسب نبود، اما محیط رفاقتی‌اش مناسب بود، به این معنا که با

شرع و عقل هم سو بود، این رفاقت نقش تخریبی آن‌ها را از بین می‌برد. برعکس، اگر محیط خانوادگی مناسب بود، محیط آموزشی مناسب بود، اما محیط رفاقتی مناسب نبود و هم‌سو با شرع و عقل نبود، این رفاقت، آنچه را که در محیط خانواده و آموزش ساخته شده بود، ویران می‌کند.

هیكل استاد هم اثر دارد!

تربیت در روابط گوناگون مطرح است؛ هم دیداری‌اش هست، هم شنیداری‌اش هست، هم رفتاری‌اش هست. یعنی شاگرد هیكل استاد را که می‌بیند، خواناخواه و خودبه‌خود، در ذهنش ثبت می‌شود و تأثیر می‌پذیرد. استاد می‌گذرد و می‌رود، ولی اثرش را می‌گذارد و از بین نمی‌رود و به‌طور خواناخواه تأثیر می‌گذارد. تربیت از عناوین قصدیه نیست. این یعنی همین که گفتیم و توضیح دادم. استاد چه در ربط با نکات دیداری، چه در ربط با گفتارش و چه در ربط با اعمالش، بر دانش‌آموز اثر می‌گذارد و آن فرد ناخودآگاه از او روش می‌گیرد؛ چه استاد بخواهد و چه نخواهد. حتی این را به شما بگویم که چه شاگرد بخواهد و چه نخواهد، نگاه کنید! هر دو طرف را گفتیم؛ فرقی نمی‌کند.

تربیت «خود»، مقدم بر تربیت «دیگران»

در نهج البلاغه آمده است: «مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ». [۸] یعنی کسی که به خودش آموزش می‌دهد و خود را تربیت می‌کند، بیشتر از معلم و مربی دیگران سزاوار احترام و بزرگداشت است. اگر خودت به خودت چیز یاد دهی، بعد هم خودت را تربیت کنی، تو برای تجلیل سزاوارتر از آن کسی هستی که دیگران را آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند.

یعنی تو «خودت» مقدمی که شعور پیدا کنی و روش اخلاقی و روش رفتاری صحیح را بیاموزی. لذا کسی که دارد خودش را می‌سازد، او سزاوارتر است که تجلیل شود تا آن کسی که از خود غافل است و دنبال سازندگی دیگران رفته است.

حیاء از خداوند

در بخشی از روایات ما این مسئله

مطرح است که حیای بندگان از خداوند، هم از نظر جایگاه و هم از نظر برخورد، از این‌سینخ باشد. یعنی مانند جایگاه کسانی که پیش شما شایستگی دارند، نه کسانی که نعوذ بالله سطحشان خیلی پایین است. نگاهتان به جایگاه خدا، مانند نگاه به جایگاه افراد شایسته باشد. خود ما هم این‌گونه هستیم که وقتی با افراد بزرگی روبه‌رو می‌شویم، خودمان را جمع و جور می‌کنیم، که نکنند یک وقت حتی اشتباه‌خلافی از ماسر بزند!

حال اگر فرد شایسته بود و بعد هم هر روز آدم با او سر و کار داشته باشد، خیلی مراقبت بیشتر می‌شود. آدم از او شرم می‌کند که عمل بدی در مرئی و منظر او کند. در یک روایتی داریم از پیغمبر اکرم که دارد: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: استحي من الله استحياءك من صالحی چیزانک» حضرت دو کلمه را کنار هم گذاشته است که اولی به یک مطلب اشاره داشته و دومی هم مطلب دیگری را بیان می‌کند. ایشان می‌فرماید: از خدا خجالت بکش، همان‌طور که از همسایه‌ای

که جایگاه رفیعی نزد تو دارد و از شایستگان است خجالت می‌کشی!

گاهی انسان همسایه‌ای دارد که نعوذ بالله بدتر از خودش است؛ لذا جایگاهی ندارد و حیاء از او معنا ندارد. نه! گاهی اوقات همسایه، آدم بزرگ و شایسته‌ای است، از صلحا و نیکان است. یک انسان صالح که همسایه است و هر روز و هر شب، چشمم به چشمش می‌افتد، انسان چگونه از او حیاء می‌کند؟! حضرت چه قدر سطح مطلب را پایین آورده است تا شاید ما از خدا خجالت بکشیم. همان‌طور

که از همسایه شایسته‌ات خجالت می‌کشی و جلوی روی او هر کاری را انجام نمی‌دهی، از خدا هم خجالت بکش! البته این‌طور نیست که حضرت فقط بفرمایند از خدا خجالت بکشید! نه! مطلب ادامه دارد و من همین‌طور گام به گام پیش می‌روم.

دسته‌ای از روایات نقش‌ارزشی «حیاء من الله» را بیان می‌کنند. یک تقسیم‌بندی راجع به همین مسأله ارزشی است که مثلاً از علی علیه‌السلام هست که «أفضل الحیاء استحياءك من الله» با فضیلت‌ترین حیاء حیای از خداوند است. یک دسته از روایات هست که اثر مترتب بر «حیاء من الله» را بیان می‌کند. روایت از علی علیه‌السلام

خداوند ناظری است که جدا نشدنی است؛ یعنی هیچ‌گاه از من جدا نمی‌شود. او نزدیک‌تر از من است و نزدیک‌تر از من است. بزرگی او نیست. بزرگ‌تر است از او نیست

است که فرمودند: «الحیاء من الله یمحو کثیراً من الخطایا» این هم توضیح می‌خواهد.

ناظری که هیچ چیز از او پوشیده نیست

یک؛ خداوند ناظری است که جدا نشدنی است؛ یعنی هیچ‌گاه از من جدا نمی‌شود. او نزدیکی به من است که نزدیک‌تر از او نیست. بزرگی است که بزرگ‌تر از او نیست. مطلعی بر من است که مطلع‌تر از او نیست. به تمام شرایش و جود من احاطه دارد؛ از درون و بیرون. مطلعی است که سر و علن برای او معنا ندارد.

در یک تقسیم‌بندی نسبت به خود اعمال، ما یک قبائح عقلیه داریم، یک قبائح شرعیه داریم و یک قبائح عرفیه متشرعه داریم. اینها سه چیز جدا است. قبائح عقلیه مربوط به عقل عملی است، شرعیه مربوط به احکام شرعی است و عرفیه متشرعه مربوط به افراد متدین است که آنها این کار را زشت می‌دانند.

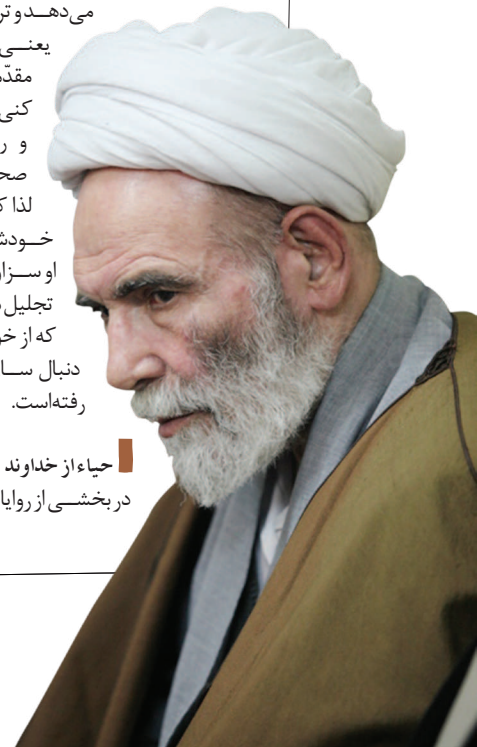
حیاء از تمام زشتی‌ها

حق حیاء این است که انسان در هر سه رابطه از خدا خجالت بکشد. چه عملت قبیح عقلی داشته باشد، چه قبیح شرعی داشته باشد، چه قبیح عرفی در محیط متشرعه داشته باشد و بالاخره حق حیاء این‌طور است که اگر بخواهیم به‌طور مطلق بگوییم نسبت به «جمع قبائح» است.

خود ما همین‌طوری هستیم که با این مقدماتی که من گفتم باید این‌طور از خداوند حیاء داشته باشیم. عمده این است که باید ببینی ناظر بودن خدا چه وسعتی دارد، تا بفهمی حق حیاء چیست؟ هر حرکت قبیحی نسبت به این سه محیط، چه درونی و چه بیرونی از انسان سر بزند، برخلاف حیاء است.

انسان با حیاء حتی «فکر گناه» هم نمی‌کند!

از خدا حیاء کن! شرم کن! انجام نده! حتی فکر معصیت هم نکن! چون عمل، برای خداوند دیگر بیرونی و درونی ندارد. آیه‌اش را خواندم. یادت نرود که هیچ عملی نیست که ما آن را شهود می‌کنیم. اینها همه مقدمه «حق حیاء» بود. تو باید چنین خدایی را قبول داشته باشی! این حرف من نیست، کلام الله است. من از خودم نگفتم، آیات قرآن این چنین می‌گوید و قابل انکار هم نیست.



عليهم السلام

اهل بيت



میوه دل پسر بزرگ دست
راست پدر
نگاهی به دوره قبل از امامت امام
حسن علیه السلام

سر لیلہ القدر
امر بر امام زمان عجل الله تعالی
فرجه الشریف نازل می شود و گر نه
صاحب شب قدر کیست؟

گوشه ای دنج در شلوغی بازار
آشنایی با حرم امامزاده زید علیه
السلام تهران

هفت کلید در بخشش الهی
نگاهی دوباره به مجموعه ای از
مهم ترین دعا هایی که برای ماه
مبارک رمضان روایت شده است

فلسفه نیافید، او عبد محض بود
حرف های متفاوت استاد سید
مجتبی حسینی درباره راز
زیارت امام حسین
علیه السلام



میوه دل پر دست راست



مروری بر زندگی امام حسن علی

یکی از اتفاق‌های مهم و سوال برانگیز زندگی امام حسن علیه السلام جریان صلح ایشان با معاویه است. پرداختن به این مسئله و همچنین دیگر تنش‌های دوران امامت ایشان، باعث شده تا بقیه اتفاقات و دوره‌های دیگر زندگی این امام معصوم کمتر دیده شود. تاریخ نویسان خیلی سریع زمان تولد تا امامت ایشان را گذرانده‌اند تا به جریان صلح، چون و چرایی آن و زمان امامت برسند. اینجا قصد داریم نگاهی کوتاه به این دوره کمتر دیده شده، یعنی دوره قبل از امامت امام حسن علیه السلام و اتفاقات آن بپردازیم. دوره‌ای که حضور پررنگ ایشان در دفاع از پدر و مبارزه با جریان‌های انحرافی، از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است.

فاطمه مرشدی

۳ تا ۱۱ هجری

تولد امام حسن علیه السلام تا فوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

شیرین‌ترین دوره زندگی

امام حسن علیه السلام در نیمه رمضان سال سوم هجرت به دنیا آمد و تاروی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفت، یعنی بیست و هشتم صفر سال یازدهم، هفت سال و شش ماه از عمر شریف خود را در کنار جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دامن پر مهر آن بزرگوار گذراند. امام حسن علیه السلام شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر چهره و خصوصیت‌های اخلاقی بود. از انس بن مالک نقل شده است که کسی در شباهت به رسول الله مانند حسن بن علی علیهما السلام نبود.

این طور که از روایت‌های برمی آید، شاید بهترین دوران زندگی امام همان چند سال بوده که از هر جهت مورد محبت خانواده و بخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار داشته‌اند. محبت و علاقه رسول خدا نسبت به ایشان بیش از حد معمول بود. شدیدترین ابراز محبت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به امام مجتبی علیه السلام بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسن می‌فرماید: «من حسن را دوست می‌دارم، خدایا تو نیز او را و هر کسی که او را دوست می‌دارد، دوست بدار».

گوش و چشم مادر

امام حسن علیه السلام به مجلس رسول خدا صلوات الله علیه و آله وسلم می‌رفت و همه چیزهایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌شنید را حفظ می‌کرد و وقتی به خانه برمی‌گشت، برای مادر تعریف می‌کرد. امیر المومنین علیه السلام وقتی

به خانه می‌آمد و صحبت گل می‌انداخت، می‌دید که همسرش از همه حرف‌های پیامبر با خبر است. تعجب می‌کرد و دلیل را که می‌پرسید، می‌شنید امام حسن علیه السلام خبرها را برای مادر آورده است.

۱۱ تا ۳۰ هجری

فوت پیامبر تا خلافت امام علی علیه السلام

سیراب کردن عثمان

وقتی مسلمان‌های مدینه، کوفه، مصر، بصره و... در پایان عمر عثمان، محاصره‌اش کرده بودند، بعد از مدتی آب را به روی او بستند. این موقع بود که امام حسن علیه السلام با دو مشک آب به محل اقامت محاصره‌شونده‌ها رفت و مردم به احترام او که فرزند رسول خدا بود، اجازه دادند مشک‌های آب را به داخل قصر ببرد. این کار در آن موقعیت حساس از شخص دیگری ساخته نبود. آن موقع طرفداری از عثمان، مساوی با مرگ بود، اما موقعیت استثنایی امام حسن علیه السلام بود که باعث شد این ماموریت با موفقیت انجام شود و بعدها امیر المومنین از این اتفاق به نفع خود در برابر اهل شام و اصحاب جمل استفاده کند.

بدرقه یک یار قدیمی

عثمان که از اعتراضات ابوذر به تنگ آمده بود، او را به «بدره» تبعید کرد و فرمان داد هیچ کس به بدرقه ابوذر نرود. مروان بن حکم مأمور اجرای دستور عثمان بود. امام علی علیه السلام با فرزندانش، عقیل و عمار یاسر و ابذر که در دو هیئت اعتنایی به تهدیدهای مروان نکردند.

موقع خداحافظی، هر کس به ابوذر چیزی گفت، امام حسن علیه السلام هم به او گفت: «عمو جان! اگر چه

سه السلام از ولادت تا امامت

پدر بزرگ ست پدر

حزن و اندوه هم زیاد است ولی سخن را کوتاه می‌کنم، زیرا مشایعت کننده باید برگردد و بدرقه شوند باید آرام باشد. اکنون که این گروه با تو چنین کردند، تو هم باید جدایی دنیا و سختی‌هایش و به امید رسیدن به عالم آخرت، دل از دنیا بگیری و محکم و استوار، صبر کن تا پیامبرت را در حالی که از تو راضی و خشنود است، ملاقات نمایی.»

کنار کشیدن از شرکت در فتوحات خلفا

روایت‌هایی هست که اعلام می‌کند امام حسن علیه السلام در بعضی از فتوحات خلفای سه گانه، خصوصاً در فتح بخش‌هایی از ایران، شرکت داشته‌اند. ولی هیچ کدام از این روایت‌ها معتبر نیست. به همان دلیلی که امام علی علیه السلام در هیچ کدام از این جنگ‌ها شرکت نکردند، امام مجتبی علیه السلام هم در این فتوحات حضور نداشتند. شرکت امام در این جنگ‌ها مسلماً تأییدی بود بر خلافت خلفایی که حکومت را غصب کرده بودند و شیوه‌های حکومت داری آن‌ها. در حالی که امام حسن علیه السلام از هر فرصتی برای اثبات حق پدر و رسوایی خلفا استفاده می‌کرد.

دستیاری در قضاوت

امام علی علیه السلام هم در زمان حکومت خلفا و هم زمانی که خودشان حاکم جامعه اسلامی بودند، به کار قضاوت بین مردم مشغول بودند. ایشان در مسجد کوفه با هر محل دیگری که لازم بود، می‌نشستند و بین مردم قضاوت و مشکلاتشان را حل و فصل می‌کردند. امام حسن علیه السلام در این کار مهم و سخت پدر را کمک می‌کردند و امیر المومنین بسیاری از قضاوت‌ها را به ایشان واگذار می‌کردند.

سال ۳۰ تا ۴۰ هجری

زمان خلافت امام علی علیه السلام

شرکت در جنگ جمل

امام حسن علیه السلام بعد از بیعت مردم با پدرش به عنوان حاکم اسلامی، لحظه‌ای از حمایت ایشان دست برنداشت. در اولین اقدام برای خاموش کردن فتنه جمل و ماجرای طلحه و زبیر و عایشه به همراه امیر المومنین علیه السلام از مدینه به طرف عراق حرکت کرد و تا آخر کنار پدر ایستاد. همچنین در جنگ‌های صفین و نهروان هم رشادت‌های زیادی به خرج داد و فرماندهی بخش بزرگی از سپاه را به عهده داشت.

امام جمعه موقت کوفه

یکی از مسؤولیت‌های مهم فرهنگی امام حسن علیه السلام در دوران خلافت امیر المومنین علیه السلام

امامت جمعه بود. هر وقت امام علی علیه السلام در کوفه نبودند و به دلیلی شهر را ترک می‌کردند یا در کوفه بودند ولی به خاطر عذری نمی‌توانستند نماز جمعه را اقامه کنند، این وظیفه به عهده امام حسن علیه السلام بود.

خواندن دعای باران

گروهی نزد امام علی علیه السلام آمدند و از کمبود باران شکایت کردند. آن حضرت امام حسن علیه السلام را صدا زد و فرمود: از خدا باران بخواه! امام حسن دست به دعا برداشت و فرمود: «اللهم هیچ لنا السحاب بفتح الایوب بماء عباب». یعنی خدایا! ابرها را به حرکت در آور و بباران کردن درهای آسمان، آب و باران فراوانی بر ما بفرست. بعد امام حسن علیه السلام دعای استسقا را برای آمدن باران قرائت کرد. امام حسین علیه السلام هم به دستور پدر دعا کرد. هنوز دعا تمام نشده بود که باران تندی شروع شد. به سلمان گفتند: ای ابا عبد الله! این دعا به آن‌ها یاد داده شده بود. او گفت: وای بر شما! مگر نشنیده‌اید حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را که می‌فرماید: خداوند مصالح حکمت را بر زبان اهل بیت من جاری ساخته است.

سرپرست موقوفات و صدقات

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های امام حسن علیه السلام در زمان امیر المومنین علیه السلام تولیت موقوفات ایشان بود. امام علی علیه السلام طی حکمی همه موقوفات خود را به امام حسن علیه السلام واگذار کرد. این موقوفات؛ یا موقوفات خود امام مثل چاه‌هایی که کنده بودند یا نخلستان‌هایی که آباد کرده بودند، می‌شد یا شامل موقوفات پیامبر علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها بود. امام علی علیه السلام در حکم امام حسن علیه السلام این طور نوشتند که:

«این است آنچه را که بنده خدا، علی بن ابی طالب، پیشوای مؤمنین در باره دارایی خود به آن فرمان داده، برای به دست آوردن رضا و خشنودی خدا که به سبب آن مرا به بهشت داخل نماید و بر اثر آن، آسودگی آخرت را به من عطا فرماید... و پس از من، حسن بن علی سفارش مرا انجام می‌دهد. وصی من است از مال و داراییم به طور شایسته صرف می‌کند و به مستحقین و سزواران می‌بخشد و اگر برای حسن پیشامدی نمود حسین زنده است. وصی من بعد از حسن، اوست و سفارش‌ش را مانند او انجام می‌دهد... و شرط می‌کنم بدانکه تصدی این مال را به او داده، اینک به این مال را به همان طوری که هست، باقی بگذارد و میوه آن را در آنچه به آن مامور گشته و رهنمود شده است، صرف نماید و شرط می‌کنم که نهالی از زاده‌های درخت خرما یا این ده هزار نفر و شد...»

حرف‌های متفاوت استاد سید مجتبی حسینی درباره راز زیارت امام حسین علیه السلام

فلسفه زیارت اربعه

عطاء الله اسماعیلی

سید مجتبی حسینی از آن آدم‌هایی است که وقتی در مقابلش می‌نشینی اثر او بر خودت را احساس می‌کنی. انرژی می‌گیری و یک جورهایی شارژ روحی می‌شوی. صریح و واضح حرف می‌زند و اهل کلاس گذاشتن و فیلم بازی کردن نیست. اصرار دارد که کربلا یک جاست و عاشورا یک روز است که در طول تاریخ جاری است. سید مجتبی حسینی گرچه لباس روحانیت به تن ندارد ولی مجتهد است و از سویی کارشناس ارشد معماری و اهل فلسفه. حالا تصور کنید با چنین کسی می‌خواهیم درباره ابا عبدالله علیه السلام حرف بزنیم. نگاهش دوست داشتنی و اثر گذار است.

چه سزای وجود دارد که در اعمالی که برای ایام خاص مذهبی وارد شده عموماً به زیارت امام حسین علیه السلام هم سفارش شده است؟ مثل شب‌های قدر و نیمه شعبان، که ظاهراً ارتباطی هم با ابا عبدالله علیه السلام ندارند. علت این توصیه‌های مؤکد چیست؟

گاهی به نظر می‌رسد که مثلاً باید توصیه شود در روز عید غدیر و یا در شب‌های قدر به دلیل شهادت امیر المؤمنین علیه السلام، زیارت آن حضرت خوانده شود، اما می‌بینیم در سال چه در دوره‌های هفتگی، ماهانه و یا سالانه مثل شب و روز جمعه یا غدیر، فطر، قربان و روز عرفه توصیه شده که زیارت عاشورا خوانده شود. همچنین در روایات آمده است که خداوند در روز عرفه به زوار امام حسین علیه السلام قبل از کسانی که در عرفه وقوف کرده‌اند، نظر می‌کند. از مجموع این روایات چنین به دست می‌آید که ماجرای امام حسین علیه السلام یک قضیه فردی و شخصی نبوده، بلکه قضیه عمومی دین بوده است. به بیان دیگر بحث شخص مطرح نیست. اگر چه شخص امام حسین علیه السلام به همه چیز جوهر داده و در نقطه مرکزی تشعشع دینی قرار گرفته است اما وقتی به این محور نزدیک می‌شویم، عملاً وارد حوزه‌ای شده‌ایم که به آن حوزه دین گفته می‌شود. روایتی



از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وجود دارد که: «حسین منی و أنا من حسین؛ حسین از من است و من هم از حسین» چنین روایتی درباره حضرت امیر المؤمنین و امام حسن مجتبی علیهما السلام هم وجود دارد اما موضوع بحث فعلی ما امام حسین علیه السلام است. سؤالی که طرح می‌شود این است که «أنا من حسین» یعنی چه؟ یعنی امام حسین علیه السلام پدر

مادی یا معنوی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؟ معاذ الله. وقتی می‌گوییم «أنا من...» یعنی او مولد ماست. پس بحث ابوت و پدر بودن مطرح نیست. بحث این است که برخی افراد از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به امام حسین علیه السلام می‌رسند و برخی از امام حسین علیه السلام به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسند. مهم این است که در این مسیر قرار گرفته‌اند. برای روشن شدن مطلب مثالی

می‌زنم. اتوبوسی از شهر A به شهر B می‌رود. مبدأ همه مسافران شهر A نیست. شهر A برای عده‌ای مبدأ است و برای عده‌ای مقصد. مهم این است که یک دیالکتیک و رفت و برگشتی میان A و B اتفاق می‌افتد. مثال دیگر دیپازون است که پدیده تشدید در آن اتفاق می‌افتد؛ یعنی در وسط میدان کسی متوجه نمی‌شود که اولی به دومی انرژی می‌دهد و یا برعکس. مهم این است که چنین اتفاقی می‌افتد. مثال دیگری برای روشن شدن مفهوم روایت «حسین منی» می‌زنم. اگر یک شمع را در برابر یک آینه قرار دهید، یک تصویر به دست می‌آید. اما اگر یک شمع و دو آینه را در برابر هم قرار دهیم، از شمع بی‌نهایت تصویر ایجاد می‌شود. البته شمع واحد اگر نباشد که هیچ؛ یعنی اگر خدای تعالی نباشد آینه بی‌پایه است و هیچ تصویری به دست نمی‌دهد. اما خدای آینه‌ای به نام پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله



سلام محض بود

روزی مثل عاشورا نداریم

شهادت فیزیکی برای ما که عوام هستیم خوب است. اگر این طور باشد باید بگوییم کسی که زیر ماشین تکه پاره می شود پس او مهم تر از بقیه افراد است! تصور ما از مسائل ساده است. فکر می کنیم اگر بگوییم ۷۲ نفر در کربلا شهید شدند خیلی مهم است. البته تعداد شهدای کربلا بیشتر از ۷۲ نفر بود. مثلاً اگر بگوییم دویست نفر بودند، عاشورا از اینکه هست مهم تر می شود؟ نه! عاشورا حول یک محور گشت که آن حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود. ما عادت کرده ایم که تا می بینیم یک نفر زمین خورد و سرش شکست، می گوییم کربلا شد! در حالیکه اصلاً اینطور نیست.

جنگ های مهمی در زمان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد. غزواتی بودند که شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آن حضور داشته و مجروح شد. علقمان به چشمان نباشد که تا یک نفر زمین خورد و گریه کرد و یا کسی او را زد، بگوییم کربلا شد. رسانه ها هم خیلی ساده می گویند فلان جا کربلا شد. پس همه دنیا کربلا شده است! نه! کربلا فقط و فقط در یک مکان است. البته می دانم عده ای از این حرف ناراحت هستند.

مگر در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن همه جنگ و درگیری که منجر به شهادت افراد می شد، اتفاق نیفتاد؟ اسلام در جنگ احد و بدر این همه شهید داد و با آن همه امداد غیبی و آیات قرآن که درباره این نبردها نازل شده است. بدریون خیلی مهم هستند. به اندازه ای که به حضرت عباس علیه السلام می گوئیم «أشهد الله انک مضیت علی ما مضی به البدریون». پس بدریون خیلی مهم هستند. اما به شهدای کربلا و عاشورا تمیز سند. «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله» خیلی صریح و روشن می گوئیم آقا جان! هیچ روزی مثل روز تونیست.

که خدا یا من هم می خواهیم از افرادی باشیم که امام را یاری کنیم. پس دیالکتیک آینه، ما را از بی نهایت قدیم به بی نهایت آینده می رساند. چون جایگاه امام حسین علیه السلام یک جایگاه ویژه است. در عین حال باید بدانیم که هم کربلا یکی است، هم عاشورا یکی است و هم امام حسین علیه السلام یکی است. کل یوم عاشورا هم نداریم و چنین چیزی وجود ندارد و به جایش باید بدانیم که «لا یوم کیومک یا ابا عبدالله». امام حسین علیه السلام یکی بیشتر نیست. امیر المؤمنین علیه السلام خودش است و اگر تمام ائمه اطهار علیهم السلام جمع شوند، علی علیه السلام نمی شوند. هیچ کدام کبی و مانند ندارند. امام حسین علیه السلام هم با ویژگی های خودش یکی است. حسین زمان نداریم، امام حسین علیه السلام به تمام زمان ها اختصاص دارد. کربلا هم یک جا است. اگر تصور می کنید جای دیگری هم کربلا هست، هر وقت بیمار شدید خاک آنجا را بخورید و ببینید چه بلایی سرتان می آید. حتی نمی توانید خاک مزار پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را بردارید. کربلا یک نقطه است ولی آن یک نقطه به اندازه تمام عالم است.

کربلا یکجاست اما به همه عالم تشعشع می کند. این موضوع از اختصاصات امام حسین علیه السلام است ولی این اختصاص آنقدر گسترده است که همه روزها و همه زمین را پوشش می دهد. به همین دلیل هر جا که قرار است انسان یک رابطه ای با دین برقرار کند، زیارت امام حسین علیه السلام را می خواند. این قرار داد خدا با همه انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام بوده است که بروید کربلا. امام صادق علیه السلام که امام زمان خودش است، زمانی گرفته و ناراحت در

وسلم و آینه دیگری به نام سیدالشهدا علیه السلام دارد. حال تصویر را در هر کدام که نگاه کنیم، نمی توانیم بگوییم تصویر از کدام آینه است؛ چون بی نهایت تصویر است و لذا بی نهایت جاودانگی دین. بنابراین حضرت سیدالشهدا علیه السلام در واقع یک آینه صاف، زلال، پاک و گویا در برابر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که نورهایی را که از آن حضرت می گیرد، منعکس می کند. آن نورهایی که از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گرفته «حسین منی» است اما

چون یک آینه است در برابر آن حضرت دوباره تصویر جدیدی ایجاد می شود. به همین دلیل است که بیشتر از ۱۴۰۰ سال است که ما به طور زنده و نه تاریخی، با پیغمبر اسلام و امام حسین علیهما السلام ارتباط برقرار می کنیم.

■ ارتباط زنده یعنی چه؟

گاهی در گزارش ها می خوانیم که مانی و مزدک ادعاهایی داشتند. این ها تاریخ است. اما گاهی به صورت زنده ارتباط برقرار می کنیم. آن وقت زیارت، کشاندن پای مابه وسط این دیالکتیک است. لذا وقتی امام حسین علیه

السلام را در شب قدر زیارت می کنیم، می گوئیم السلام علیک یا وارث آدم، موسی، عیسی، پیامبر و امیر المؤمنین علیهم السلام. یعنی تمام تصاویر را در این آینه می بینیم، نه اینکه وارث باشد. از آن طرف می گوئیم «أشهد ان الاثمه من ولدک کلمه التقوی» و این تصویر را تا بی نهایت ادامه می دهیم. نه اینکه بگوییم وارث گذشته ای و در گذشته رسوب کرده ای. گذشته زنده است که دارد ما را به آینده می رساند. در زیارت عاشورا هم در اوج مصیبت دعا می کنیم

در سال چه در
دوره های هفتگی،
ماهانه و یا سالانه
مثل شب و روز
جمعه یا غدیر،
فطر، قربان
و روز عرفه
توصیه شده که
زیارت عاشورا
خوانده شود



ما تصور می کنیم تا وقتی که مصیبت سنگین نخوانیم و گریه نکنیم، امام حسین علیه السلام را زیارت نکردیم

مجلسی نشسته بود. یک لحظه نفس بلندی کشید و حالش خوب شد. یک نفر پرسید: «یا این رسول الله! از ابتدای مجلس حالتان خوب نبود اما یک لحظه که بلند نفس کشیدید خوب شدید!» حضرت پاسخ داد: «مدتی بود که مغموم بودم و حال خوبی نداشتم. می دانستم که در مناش این است که به زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا بروم. اما امکان این سفر برایم وجود نداشت. یک نفر را نایب خودم کردم و به کربلا فرستادم. آن نایب الآن به حرم مطهر امام حسین علیه السلام رسید و حال من همان لحظه خوب شد.» نکته این است که مادر شب قدر و روز عید غدیر و سایر نقاط عطف سال نیاز به حال خوب داریم. قال نیست، حال است. اگر می خواهیم از روز عرفه استفاده بهینه کنیم باید حال خوب داشته باشیم. ورد که مهم نیست، حال خوب مهم است. برای آرامش داشتن و مغفرت پیدا کردن و برای اینکه از آن فضا استفاده کنیم نیاز به حال خوب داریم و یکی از مهم ترین عوامل این است که در فضای کربلا حضور داشته باشیم. زیارت سیدالشهدا علیه السلام در هر زمانی برای کسب حال خوب باید خوانده شود و در مکان ها و زمان های ویژه به صورت ویژه تأکید

شده است.

■ امام حسین علیه السلام چه ویژگی ای داشته که خودش یکی است، روز عاشورا یکی است، کربلا یکی است و همتایی ندارد؟ چرا نگفته اند مثلاً در عید غدیر امام دیگری را زیارت کنید؟ چرا امام حسین علیه السلام؟

اینکه می گوئیم امام حسین علیه السلام ویژه است، به این معنا نیست که سایر ائمه اطهار علیهم السلام اینطور نباشند. اما تمام ائمه اطهار علیهم السلام اذعان داشته اند که امام حسین علیه السلام ویژه است. یعنی آن ها هم هر زمان که دچار مشکلی می شدند به زیارت کربلا می رفتند. و باز هم شنیده ایم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هفته ای دو بار به زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا می رود، عصر جمعه و گاهی گفته اند در روز دوشنبه. باید توجه داشت که ائمه اطهار علیهم السلام خودشان به تنهایی هیچ نیستند و همه چیزشان از این است که هیچ نیستند. آن ها عید مطلق خدا هستند و چون عید هستند قرار دادی که خدا بسته این طور است که گفته وقتی به دنبال کسب فلان موضوع هستید باید

در خانه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بروید، فرقی هم نمی کند که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام هستی یا پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله. اگر فلان موضوع را می خواهی باید به سراغ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بروی و در فلان بحث همه محتاج و فقیر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هستند. و حالا اگر فلان عطر را می خواهید، آن عطر در وجود مبارک حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. ما چون در این بحث وارد نیستیم نمی دانیم که اگر فلان موضوع را می خواهیم باید به سراغ امام جواد علیه السلام مراجعه کنیم و یا برای فلان موضوع به امام صادق علیه السلام. چون سطح درک ولایی ما فوق العاده پایین، مغشوش، عوامانه و جوده است. بنابراین بهتر است که اصلاً در این مورد وارد نشویم. فقط سر بسته بگویم شما اگر عطر یاس را می خواهید باید سراغ گل یاس بروید، عطر مریم را فقط می توانید از گل مریم بخواهید و یا عطر محمدی را از گل محمدی باید بگیرید. این ها یکدیگر را نفی نمی کنند. فقط این عطر خاص اینجاست. امام حسین علیه السلام هم چنان دل ها را پالایش و مورد مغفرت قرار می دهد که «کیوم ولدته امه»، مانند روزی که از مادر متولد شدی.

زیارت سیدالشهدا
علیه السلام در
هر زمانی برای
کسب حال خوب
باید خوانده شود
و در مکان ها و
زمان های ویژه به
صورت ویژه تأکید
شده است

باید بدانیم
که هم کربلا
یکی است. هم
عاشورا یکی
است و هم امام
حسین علیه
السلام یکی
است. کل یوم
عاشورا هم
نداریم



خارج از متن

زیارت
امام حسین علیه السلام
باعث مغفرت
است

بقیه ماه را مراقب اعمالش باشد. به همین دلیل است که سطح دعاهاش بالاتر می رود. لذا اگر شب قدر را به ما یادآوری نمی کردند، به نوعی در حقمان کم فروشی کرده بودند. البته لازم نیست که در شب قدر حتماً روضه بخوانیم.

ما تصور می کنیم تا وقتی که مصیبت سنگین نخوانیم و گریه نکنیم، امام

به هدف می خورد، باید برود زیارت امام حسین علیه السلام. روایت است بعد از اتمام زیارت امام حسین علیه السلام، وقتی وداع می کنی ملائکه ندا می دهند که «گناهانت بخشیده شد، از این به بعد مراقب اعمال باش». کسی که در شب قدر به زیارت امام حسین علیه السلام رفته و خیالش راحت شد که بخشیده شده است، باید

شب قدر، شب مقدرات ماست. به همین دلیل زیارت امام حسین علیه السلام در این شب خیلی مهم است. البته از راه دور هم این زیارت انجام شود، خوب است. گفته اند کسی در ماه مبارک رمضان وارد شود ولی مورد مغفرت خدای تعالی قرار نگیرد، شقی است. مثل کسی که چند تیر بیشتر ندارد و می خواهد یقین پیدا کند تیرش



اگر عبد بودن و بندگی را از امام علی علیه السلام بگیری، هیچ نیست. همه چیز به خاطر این است که عبد خداست.

یا کمال است و یا اگر ما بخوریم بیمار می شویم. این نظام عالم است. ما بیپهوده خط و خطوط اضافه تولید می کنیم. حضرت سیدالشهدا علیه السلام درس جهان بینی به ما داد. «ان الله شاء ان یراک قتیلاً» امام حسین علیه السلام در برابر بحث های تحلیلی ابن عباس و محمد حنفیه، بحث تحلیلی نکرد و استراتژی را تحلیل نکرد. هر آدمی می فهمید که در این جنگ شکست می خورد. فقط مهم این بود که «ان الله شاء...» امام حسین علیه السلام به شاء و خواست خدا عمل کرد. هر کسی در هر جابه شاء و خواست خدا عمل کند، ذی اثر می شود. بحث دیگر اینکه «ولکم فیه اسوه» یعنی بجنگیم؟ پس چرا امام صادق علیه السلام به این اسوه عمل نکرد؟ چرا امام محمدباقر علیه السلام در قیام زیدیه و یاری نرساند؟ پس اسوه بودن در این نیست. اسوه بودن حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این است که به شاء و خواست خدا توجه داشت. «ان الله شاء ان یراهن سبا» خدا اراده کرده که این ها اسیر باشند. هر زمان که به شاء و مشیت خدا عمل کردی، اسوه بودن امام حسین علیه السلام را در ک کرده ای. اسوه بودن ظاهری و فرمالیستی را بگیری که فایده ای ندارد.

یعنی اگر او را باب ماست و ما عبد او هستیم، پس او عبد نیست. نمی توانیم فکر کنیم چرا امام علی علیه السلام این طور اظهار بندگی می کند. اگر عبد بودن و بندگی را از امام علی علیه السلام بگیری، هیچ نیست. همه چیز به خاطر این است که عبد خداست. به همین دلیل در تشهد نماز می خوانیم «اشهد ان محمدا عبده و رسوله» یعنی اگر معراج تنها برای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد، به دلیل عبد بودن آن حضرت است؛ و یا «سبحان الذی اسری بعبده...» و «واذکر عبدنا ایوب...» این موضوع بارها در قرآن کریم تأکید شده که دنبال ویژگی خاصی نگرد، هر چه هست در این عبد بودن است.

■ معیار عبد بودن چیست؟

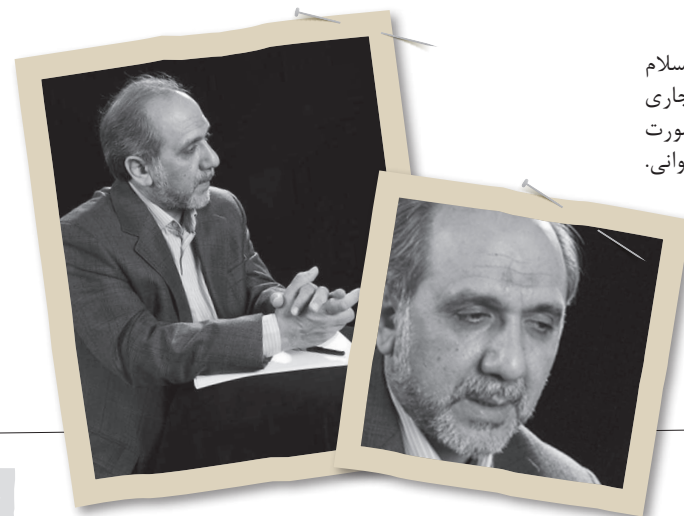
حضرت سیدالشهدا علیه السلام امر خدا را اطاعت کرد. استراتژیست نبود. اصلاً بحث استراتژی مطرح نبوده است. فقط امر خدا را اطاعت کرد. توجه داشته باشید موجوداتی که امر خدا را اطاعت می کنند، خاصیت دارند. درخت سببی که امر خدا را اطاعت می کند، میوه گوارا و با خاصیت می دهد. اگر یک قسمت از امر خدا سرپیچی کند یا سبب نمی دهد،

حالا می توانی پای درس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنشین. خیلی مهم است که این پلایش به این صورت خاص در کربلا اتفاق می افتد. مثل اینکه همه گل ها و چه مشترکی به نام بوی خوش دارند اما این عطر خاص فقط در این گل وجود دارد. پس گل ها همگی قدر جامعی بنام عطر دارند اما این نوع بوی خوش در اینجا وجود دارد. خداوند همه چیز را در امام حسین علیه السلام مهیا کرده که شده حسین علیه السلام. وقتی می گوئیم «شهدانک کنت نورافی الاسلاف الشامخه و الارحام مطهره» یعنی خدا همه چیز را از قبل در وجود امام حسین علیه السلام فراهم کرده که وقتی می خواهد این بار را بر دوش او بگذارد، بتواند جواب دهد، و گر نه امام حسین علیه السلام یک عبد است. خوش به حالش که عبد است. اما ما تازمانی که فکر می کنیم باید کارهایی انجام دهیم تا خاصیتی داشته باشیم، بی خاصیت هستیم. یعنی ما هم باید عبد باشیم تا خاصیت داشته باشیم. حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام چون رودست عبد بودنش جز پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، شخص دیگری نیست، این قدر مهم است. ولی گاهی تفکر ما از شخصیت ها، تفکر فئودالیه است.



اسوه بودن حضرت سیدالشهدا علیه السلام در این است که به شاء و خواست خدا توجه داشت. «ان الله شاء ان یراهن سبا» خدا اراده کرده که این ها اسیر باشند

امام حسین علیه السلام چنان دل ها را پلایش و مورد مغفرت قرار می دهد که «کیوم ولدته» مانند روزی که از مادر متولد شدی



قدر گفته اند امام حسین علیه السلام را زیارت کنیم. اگر اشک هم جاری شد چه بهتر، در غیر این صورت لازم نیست حتماً روضه بخوانی. بعضی خواننده های مذهبی روضه هایی می خوانند که قساوت قلب می آورد. در حالیکه شب قدر باید نشاط داشته باشیم.

حسین علیه السلام را زیارت نکرده ایم. باید بدانیم که ذکر «السلام علیک یا ابا عبد الله و رحمة الله و برکاته» یک زیارت است. فقط باید از دل برخیزد. سؤال این است که آیا حتماً باید روضه قتلگاه بخوانیم؟ نه! لازم نیست. گریه اشکالی ندارد اما زیارت یک بحث است و روضه بحث دیگری است. آن هم ارزش خودش را دارد. در شب های



زیارت امامزاده زید بن امام زین العابدین علیه السلام

گوشه‌ای دنج‌در شلوغی بازار

زهر اشرفی

از دور که به بازار بزرگ تهران نگاه کنی، مطمئن می‌شوی این جا چیزی جز پول و کالا رد و بدل نمی‌شود. مطمئن می‌شوی که در گوشه گوشه این دالان‌ها و لای این شلوغی‌ها فقط پول و سود و اقتصاد جریان دارد. اما دقیق‌تر که شوی، بعضی از گوشه‌های این بازار، آرامگاه بزرگی است که پناه بردن به خنکای مقدس او، کمی از دغدغه‌های روزمره آدم‌ها را کم می‌کند. این بار سراغ یکی از چند امامزاده منطقه بازار، امامزاده زید رفته‌ایم تا با گوشه و کنار حرم این بزرگوار آشنا شویم.

امامزاده زید کجاست؟

می‌شود با گذر از چهارراه گلوبندک، سبزه میدان و سپس با وارد شدن به ورودی اصلی بازار بزرگ، در ابتدای بازار بزرگ‌ها



بقعه‌ای را دید که قدمتی چند صد ساله دارد. در واقع این بقعه که منتسب به امامزاده زید علیه السلام است، در انتهای جنوبی بازار بزرگ‌ها و یا بازار امیر و میان چارسوق کوچک و انتهای بازار ارسنی دوزها واقع شده است، که از نظر قدمت و بزرگی زیارتگاه، سومین بقعه

متبر که شهر تهران است.

بر اساس تاریخی که بر روی صندوقچه عتیقه روی قبر نوشته شده است، این بقعه به سال ۹۰۲ هجری قمری یعنی دوران فرمانروایی آق قویونلوها بر می‌گردد که نشان می‌دهد پیش از دوران سلطنت



قدیمی‌ترین منطقه
تهران، محله‌های بازار،
هیچ‌گاه از هیاهو و
شلوغی‌های پیدای
نمی‌کند و رونق خود را
از دست نمی‌دهد؛ این
را اهالی اصیل و قدیمی
بازار می‌گویند. به گفته
آنها شاید بزرگ‌ترین
چندین تن از فرزندان و
اهل بیت علیهم‌السلام
در این محله که از صدها
سال پیش در اینجا دفن
شده‌اند، عامل رونق،
برکت و آبادی منطقه‌ای
است که امروز قلب
اقتصاد تهران است.



منسوب به مذهب زیدیه بوده، سال ۱۲۱ هجری
قمری در کوفه قیام می‌کند و سال ۱۲۲ هجری قمری
در همان جابه‌شهادت می‌رسد و طبق روایات بعد
از شهادت جسدش را می‌سوزانند و خاکستر آن را به
فرات می‌سپارند. روایت دوم که این امام زاده را زید
حسنی علیه‌السلام می‌داند، هم خلاف مستندات
تاریخی است. چرا که زید بن حسن بن علی علیهم
السلام در حاجز یا همان بقیع مدفون است. اما روایت
دیگری که درست به نظر می‌رسد، این است که ایشان
زید بن یحیی بن زید بن علی بن حسین علیهم‌السلام
هستند که آرامگاه پدرشان حضرت امامزاده یحیی

اساس این معرفی نامه، مقبره منتسب به امامزاده
زید بن زین العابدین بن حسین بن علی علیهم
السلام است. نسب امامزاده زید علیه‌السلام همچون
امامزادگان دیگر نامعلوم است ولی برای آن سه روایت
نقل کرده‌اند.

سلسله نسب امامزاده زید

یک روایت ایشان را به زید بن علی بن حسین علیهم
السلام منسوب می‌کند که مستندات تاریخی خلاف
این را ثابت کرده‌اند که امامزاده زید پسر بلافضل
امام سجاد علیه‌السلام باشد. چرا که زید شهید که

شاهان صفویه در تهران هم، بقعه امامزاده زید علیه
السلام وجود داشته است، که اهالی این منطقه برای
آن بناهای احداث کرده‌اند. بر روی صندوقچه عتیقه
داخل بقعه که توسط خواجه قنبر علی بن محمد زرین
کمر تهرانی وقف شده است، دو حاشیه افقی یکی در
قسمت ضلع بالایی صندوق و دیگری در پایین آن
تعبیه شده است که بر حاشیه بالایی، با خط ثلث
برجسته به صورت منبت کاری دو آیه اول آیه الکرسی
و تاریخ انجام آن را نوشته است، و در حاشیه پایینی
صندوق نیز در هر سو کتیبه‌ای به خط ثلث است و
بر روی ترنجی طویل امامزاده معرفی شده است. بر



معماری بقعه امامزاده زید علیه السلام کاملاً ایرانی و سنتی است، به طوری که بنای گنبد خانه آن از آثار فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۴۵ هجری قمری است و حجرها و صحن ایوان بزرگ که در ضلع شرقی امامزاده واقع شده است در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار احداث شده است

علیه السلام در پنجاه کیلومتری مشهد مقدس در روستای میامی واقع شده است. ایشان از نوادگان امام زین العابدین علیه السلام هستند که به دست امویان به طرز فجیعی به شهادت می‌رسند. به هر حال از شجره نامه و چگونگی زندگی و شهادت ایشان اطلاعاتی در دسترس نیست و فقط این مشخص است که امامزاده زید علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری قمری به خاک سپرده شده‌اند.

کسانی که کنار امامزاده دفن شده‌اند

وجود مقبره لطفعلی خان زند، از سرداران جوان دوره زندیه که به دست آغا محمد خان قاجار کشته شد، در جوار این امامزاده از نکات جذاب و تاریخی این بنا است که بر روی آن سنگی مرمی بانام وی ثبت شده است.

در جنوب شرقی امامزاده زید علیه السلام تالاری زیبا قرار دارد با آینه کاری‌های برجسته منحصر به فرد، که مربوط به دوران قاجاریه است. در داخل این تالار، کامران میرزا که پسر هفت ساله ناصرالدین شاه و امیر توپخانه بوده، دفن شده و قبر او دارای سنگ نفیسی است که بر روی دیوار نصب شده است. به همین خاطر این تالار را تالار کامران میرزا نامیده‌اند. در این تالار نوه دختری فتح علی شاه قاجار خانم بی بی بیگم هم مدفون است. در تالار کامران میرزا سنگ قبر قدیمی وجود دارد که متعلق به مولانا فخرالدین بن مولانا حیدر تهرانی، یکی از شعرای ایرانی است. اکنون این تالار به دلیل محدودیت‌های موجود در امامزاده زید علیه السلام قابل بازدید برای عموم نیست.

مدرسه و حوزه علمیه امامزاده

یکی دیگر از بناهایی که در امامزاده زید به چشم می‌خورد، هنرستان حافظ است که در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی به دستور وزارت فرهنگ دوران پهلوی اول (آموزش و پرورش کنونی) ساخته شده است. این هنرستان در زمین‌های متعلق به امامزاده ساخته شده و جزء موقوفات آن است. امروزه این مدرسه توسط سازمان میراث فرهنگی به ثبت آثار ملی رسیده است. در این دوره رضا شاه به خاطر آن که علما و مردم متدین شهر امامزاده زید علیه السلام را محل تجمعات سیاسی خود قرار داده بودند، صحن و محیط امامزاده را کوچک‌تر می‌کند تا به نوعی از اعتبار این مکان مقدس بکاهد.

گفتنی است که بقعه امامزاده زید علیه السلام در حدود هفتاد سال پیش حوزه علمیه و مرکز فعالیت مرحوم آیت الله امامزاده زیدی بوده که بسیاری از طلاب آن زمان از شاگردان دروس فقهی و اخلاقی آن بزرگوار بوده‌اند.

■ حاشیه ■

کیفیت معماری و جزئیات ضریح امامزاده زید علیه السلام گوشه گوشه های حرم

بقعه امامزاده در دوران قاجار مرکز شهر تهران بوده است و در کنار آن قبرستان، غسلخانه، قهوه خانه و تکیه ای دایر بود و قناتی هم از کنار آن عبور می کرده که به گفته ریش سفیدان بازار از هفتاد سال پیش در ساخت و سازهایی که در کنار امامزاده شد، آثاری از آن باقی نمانده است. معماری بقعه امامزاده زید علیه السلام کاملاً ایرانی و سنتی است، به طوری که بنای گنبد خانه آن از آثار فتح علی شاه قاجار در سال ۱۲۴۵ هجری قمری است. حجرها و صحن ایوان بزرگ که در ضلع شرقی امامزاده واقع شده است در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در خلال سال های ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۱ احداث شده است که با کاشی کاری ها و آینه کاری های منحصر به فرد زمان خود تزئین شده است. در این زمان نیز فضای گنبد خانه که با نقاشی های نفیسی منقوش شده بود با آینه کاری پوشانده شد. داخل فضای زیارتگاه این بقعه که امروزه جزء بزرگترین زیارتگاه های شهر تهران محسوب می شود، ضریح چهار گوش زیبایی دارد که از فولاد و آب طلا و به دست هنرمند اصفهانی محمد حسین روزگاریان ساخته شده است. ۲۲ بهمن ۸۹ از این ضریح رونمایی شد. به گفته کسبه های بازار، ضریح قبلی آن مربوط به پنجاه سال پیش بوده است. یکی از ویژگی های بقعه امامزاده زید علیه السلام گنبد دو پوسته آن است که ارتفاع میان هسته و پوسته حداقل به ۶ متر می رسد که هسته داخلی با آینه کاری های منحصر به فرد و پوسته با کاشی کاری های کاملاً سنتی تزئین شده که کاشی کاری گنبد در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی انجام شده است. از آثار بارزش دیگری که در این امامزاده به چشم می خورد، خاتم کاری نفیسی است که در ضلع شرقی امامزاده و داخل بقعه میان ایوان و حرم نصب شده و بر روی آن دو تاریخ ۱۲۹۷ و ۱۳۰۹ حک شده است. این اثر نفیس به دست استاد کریم شیرازی ساخته شده است.



خدایا از تومی خواهیم به باشکوه ترین مراتب جلالت، بالینکه تمام مراتب جلالت تو باشکوه است، خدایا از تومی خواهیم به همه مراتب جلالت



مفاتیح

راهنمای دعاها یکی که در ماه مبارک رمضان وارد شده است

هفت کلید بِحُسْنِ الهی

مهدیه مرشدی

گفته اند که دعا مغز عبادت است. یعنی که اساس عبادت کردن دعاست و نمی شود که ماه رمضان خوبی را بدون راز و نیاز با خدا سپری کنیم. دعا به آدم ها حس حضور می دهد. حس بودن جلوی چشم های خدا. با دعا می فهمیم که چی هستیم و قرار است چی بشویم. با دعا نقطه های دور افق انسان بودن نشان ما داده می شود و یادمان می آورد که همت کنیم برای رسیدن. اینجا مجموعه ای از مهم ترین دعاها یی که برای خواندن در ماه مبارک رمضان روایت شده است، را آورده ایم.

دعاهای بعد از هر نماز

۱- اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام...
یا علی یا عظیم...

۲- اللهم ادخل علی اهل القبور

السرور...

محتوای دعا: دو دعای اول از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت شده است. دعای اول مثل بسیاری از دعاها ی دیگر ماه رمضان توفیق زیارت خانه خدا را می خواهد و دعای دوم به مدح و ستایش خدا و بیان فضیلت های ماه رمضان می پردازد، در آخر هم نجات از عذاب دوزخ را از خدا می خواهد. دعای سوم از پیامبر صلی الله و آله وسلم علیه روایت شده است و در آن بسیاری از خوبی ها و گشایش ها برای افراد مختلف جامعه خواسته شده است.

فضیلت: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر کس این دعا را در ماه رمضان، بعد از هر نماز واجب بخواند خدا گناهان او را تا روز قیامت می آمرزد.

زمان: بعد از هر نماز واجب

نکته: عمومی ترین و قابل فهم ترین دعاها یی که در ماه رمضان وارد شده است، همین دعاها هستند. درک دعا ابو حمزه ثمالی با دعا ی سحر احتیاج به مطالعه دارد. برای آن هایی که دنبال کپسول های رحمت خدا می گردند، همین دعاها کارگشای تر است.

دعای افتتاح

محتوای دعا: اسم این دعا افتتاح است، چون با حمد و ستایش خدا شروع می شود و در ابتدای آن آمده است: اللهم انی افتتح

الثناء بحمدک... این دعا از یکی از نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (عثمان بن سعید) نقل شده است و به او هم از طریق امام معصوم علیه السلام رسیده است. دعای افتتاح از سه بخش کلی تشکیل شده که اولین بخش آن حمد و ثنای الهی است. این بخش، چگونگی راز و نیاز را با زبان دعا به ما آموزش می دهد. بخش دوم: صلوات بر محمد و آل و محمد با اوصاف ویژه. بخش سوم: به مسأله انتظار فرج، شکایت از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، زیادی دشمنان، کمی دوستان، آرزوی دولت کریمه، آمادگی برای جان فشانی و خدمت در آن دولت می پردازد و در آخر با دعا ی نصرت و عزت برای مسلمانان به پایان می رسد.

دعای سحر را
امام باقر
علیه السلام
می خواندند و از
امام رضا علیه
السلام به دست
ما رسیده است و
مجموعه ای است
از عمیق ترین
معارف دینی

مفاهیم بلندی که در این دعا قرار دارد به این ترتیب است:

۱- صفت های بلند خداوند، توحید و معارف اعتقادی

۲- بیان نعمت ها، بزرگواری ها، کرامت های الهی در حق انسان و خطاپوشی او

۳- صلوات بر چهارده معصوم

علیه السلام

۴- دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل دولت کریمه

۵- جایگاه و نقش رهبری و ولایت در جامعه

۶- شکایت به درگاه خدا و پناه بردن به او برای فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرازهای دعا: خدایا من ستایش را به وسیله حمد تومی گشایم و تویی که با نعمت بخشی خود، بندگان را به درستی هدایت می کنی و یقین دارم که به راستی در جای گذشت و مهربانی تو مهربان ترین مهربانانی، ولی سخت ترین کیفرکننده ای در جای شکنجه و انتقام. بزرگ ترین جبارانی در جای



۱۳۸۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۵-۹۳۷-۹

ابوحمزه ثمالی



محتوای دعا: ابوحمزه ثمالی یکی از اصحاب خاص حضرت امام سجاد علیه السلام بود و با ایشان انس خاصی داشت. دعای شریف امام که طولانی ترین دعای سحر ماه رمضان است، از طریق او روایت شده و به همین علت «دعای ابوحمزه ثمالی» نام گذاری شده است. او کتاب «تفسیر القرآن» را نوشته و رساله حقوق امام سجاد علیه السلام را هم روایت کرده است. ابوحمزه روایت کرده است از امام سجاد علیه السلام که در ماه رمضان بیشتر شب را نماز می خواند و موقع سحر این دعا را می خواند.

در دعای ابوحمزه ثمالی بعضی از صفتهای خداوند آمده است و بیان شده که تمام عظمتها و تمام بزرگی از اوست. همچنین، در برخی فرازاها به مسئله «روش شناسی» شناخت خدا پرداخته شده و بیان شده که آیا انسان باید خدای تعالی را از آثارش بشناسد یا این که انسان باید از خود خدا به شناخت او برسد.

فرازهایی از دعا: این دعا از نظر موضوع دارای چند

ک (صفت پرتی برای اسم) اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِ (اسم) ک کَلَه است.

فرازهای دعا:

خدایا از تو می خواهم به درخشنده ترین مراتب درخشندگیت، با اینکه تمام مراتب آن درخشنده است. خدایا در خواست می کنم به همه مراتب درخشندگیت!

خدایا از تو خواهم به زیباترین مراتب جمالت، با اینکه تمام مراتب جمالت زیبا است. خدایا از تو خواهم به همه مراتب جمالت!

خدایا از تو خواهم به باشکوه ترین مراتب جلالت، با اینکه تمام مراتب جلالت تو باشکوه است. خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت!

زمان: سحرهای ماه رمضان

نکته: دعای سحر یکی از عمیق ترین دعاهاست که در کتاب های شیعه روایت شده است. برای اطلاع بیشتر از شرح عرفانی این دعا به کتاب شرح دعای سحر امام خمینی رحمت الله علیه مراجعه کنید.

شرح دعای سحر «ترجمه فارسی»

نویسنده: امام خمینی رحمت الله علیه

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

تعداد صفحه: ۲۰۰

ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی -

بزرگی و عظمت. خدایا تو به من اجازه دادی که بخوانم و از تو درخواست کنم. پس ای خدای شنوا! مدح و ثنایم را بشنو و ای مهربان! پاسخ ده خواسته ام را و ای آمرزنده نادیده گیر لغزشم را.

زمان: ابتدای هر شب

نکته: دعای افتتاح از عمیق ترین و پرمحتواترین دعاهاست. برای فهم بهتر این دعا می توانید به این کتاب مراجعه کنید:

ترجمه و شرح دعای افتتاح

نویسنده: محمد رضا مهدوی کئی

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

تعداد صفحه: ۲۳۴

ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۱۳۸۶

شابک: ۹۶۴-۴۷۶-۱۶-۰۶

دعای سحر



محتوای دعا: این دعا را امام باقر علیه السلام می خواندند و از امام رضا علیه السلام به دست ما رسیده است و مجموعه ای از عمیق ترین معارف دینی است. در ابتدای همه ۲۳ جمله این دعای عرفانی، عبارت «اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ» وجود دارد. شکل کلی جمله ها (به جز دو جمله آخری) به صورت «اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ مِنْ (اسم) ک بِ (صفت برترین) ه و کَل (اسم)

ای سرمایه من در سختی / ای امید من در مصیبت ها / ای مونس من در ترس و وحشت / ای همدم من در غربت / ای صاحب نعمت من



مفاتیح

بخش است: بخش اول شامل سپاس و ثنای خداوند و معرفی آن یکتای بی همتا است و از باز بودن و نزدیک بودن راه قرب به او حکایت می کند: خدایا! تو را با خود شناختم و تو مرا به سوی خود راهنمایی و دعوت کردی و اگر تو نبودی، نمی دانستم تو کیستی.

بخش دوم بیان کننده خوف و رجا و بیم و امید بنده در برابر خدای بزرگ و مهربان است: سرور من! زمانی که گناهانم را می بینم، در ورطه وحشت می افتم و زمانی که لطف و کرمات را می بینم، طمع می کنم. پس اگر ببخشی، بهترین رحم کننده ای و اگر کیفر دهی، بر من ستمی نکرده ای.

بخش سوم درباره درخواست های آن حضرت درباره خود، پدر و مادر، خانواده، اقوام، اهل ایمان و اسلام است:

خدایا! از تو صبری نیکو و زیبا، گشایشی نزدیک، گفتاری راست و پاداشی بزرگ درخواست می کنم.

بخش چهارم درباره خواسته های بلند و ارزشمندی است که رسیدن به آن ها، نیازمند آمادگی کافی و توجه کامل به خداوند و اشتغال دائم به ذکر و یاد او است و جز برای عده ای محدود از اولیای الهی و بندگان ویژه خداوند، حاصل نمی شود:

خداوند! از تو ایمانی می خواهم که تا دیدار تو باقی و پایدار باشد، مرا با آن زنده بداری و با آن بمیرانی و با آن برانگیزی.

در آخر این دعای نورانی و سرشار از حقایق و معارف الهی، با قسمتی تمام می شود که خواست و آرزوی همه پاکان و شیفتگان حضرت حق و عصاره و فشرده همه خواسته ها و حاجت های روحانی و معنوی است:

خداوند! از تو ایمانی می خواهم که همدم قلبم باشد و یقینی در خواست می کنم که در پرتو آن، بدانم هر چه به من می رسد، بر قلم قضا و خواست تو جاری گشته است و مرا از آنچه در زندگی، قسمت و روزی ام ساخته ای، خشنود سازد؛ ای مهربان تر از هر مهربان!

زمان: سحر

نکته: این دعا قابل استفاده برای عموم مردم است. استفاده از دعا مراتبی دارد و حداقلش این است که اگر معنای عبارات دعا را هم ندانیم، ولی در عین حال نوعی توجه به خداوند داشته باشیم، این توجه خودش با اهمیت است. البته شرح های

زیادی توسط علمای بزرگ مثل آیت الله جوادی آملی برای این دعا آورده شده است که می توانیم به آن ها مراجعه کنیم.

دعاهای روزانه



محتوای دعا: یکی از مهم ترین و معتبر ترین دعا هایی که در ماه رمضان به خواندن آن سفارش شده، دعا های روز است. یعنی برای هر روز یک دعای کوتاه در حد متوسط ۲۵ کلمه که شامل ۳ یا ۴ خواسته می شود. یعنی برای کل ۳۰ روز ماه مبارک، حدود نود و شش خواسته ظاهراً کوچک، اما عمیق و مهم وارد شده که خواندنش چیزهای مهمی به دست ما می دهد. این ها دسته بندی یا تفکیک خواسته هایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ما یاد داده است. هر کدام از این دعا ها نیازها و استانداردهایی است که باید ببینیم داریم یا نه؟ و اگر نداریم برای صاحب شدنش برویم در خانه خدا. این دعا را ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است. محتوای کلی این دعا در تمام روزها این است که از خدا می خواهیم ما را جزء دسته های خاصی از صالحان و افراد نیک قرار دهد و خودمان را از آسیب های موجود در امان می خواهیم و تقاضا می کنیم که جزء دسته انسان هایی که از رحمت خدا به دور هستند، نباشیم.

فرازهایی از دعا:

دعای روز اول: نماز و روزه راستین و واقعی، بیداری از غفلت، بخشایش جرم. دعای روز پانزدهم: خشوع در طاعت، شرح صدر و ظرفیت داشتن، خدا تکیه گاه بندگان. دعای روز سی ام: قبولی اعمال، پایان خوب کارها، رضای خدا و رسول، توسل و پیوند با پیامبر. زمان: هر روز ماه مبارک رمضان نکته: این دعا چکیده همه خواسته هایی است که کسی می تواند در این ماه از خداوند داشته باشد. اگر به هر دلیلی نتوانستیم به بقیه اعمال و دعا های این ماه بپردازیم، این دعا های کوچک و در عین حال پر محتوای دست ندهیم.

دعای جوشن کبیر



محتوای دعا: دعای جوشن کبیر یا صد

بند، دعایی است که در آن خدا به نام ها و صفت های مختلف که در آیات و روایات آمده است، خوانده می شود. در روایت آمده که این دعا را جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه آموزش داده است. این دعا از ۱۰۰ فصل تشکیل شده که بعد از پایان هر بخش، عبارت «سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثُ الْغَوْثُ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ» خوانده می شود. در جوشن کبیر، ۱۰۱ نام از نام های خدا آمده است و گفته شده که اسم اعظم خداوند هم در بین این اسامی وجود دارد.

این دعا را جبرئیل در یکی از غزوات در حالی که بر تن آن حضرت زره سنگینی بود و سنگینی آن بدن مبارکش را درد آورده بود، به پیامبر آموزش می دهد و می فرماید: یا محمد! پروردگارت تو را سلام می رساند و می فرماید که این زره را درآور و بخوان این دعا را که او امان است از برای تو و





خدا یا! این رمضان را آخرین روزه ماقرارنده و اگر چنین مقرر کردی، ما را مورد رحمت خود قرار ده و محرومان مساز

امت تو.

فضیلت دعا: هر کس این دعا را روی کفن خود بنویسد، خداوند وعده داده که او را عذاب نمی کند و اگر این دعا در اول ماه رمضان خوانده شود، شب قدر روزی شخص می شود و هفتاد هزار فرشته از جانب او خدا را تسبیح و تقدیر می کنند. همچنین در روایات آمده است که هر کس این دعا را سه بار در ماه رمضان بخواند، خداوند آتش جهنم را برای بدن او حرام و بهشت را بر او واجب می کند و همچنین دو فرشته را سرپرست او قرار می دهد تا در طول مدت زندگی اش از گناه ها دور باشد.

فرازی از دعا:

بند ۳- ای بهترین بخشنده ای بهترین گره گشا ای بهترین یاور ای بهترین داور ای بهترین روزی دهنده ای بهترین وارث ای بهترین کسی

که قدر و ارزش همه کارها را می داند ای بهترین کسی که همه چیز را به یادمان می آورد ای بهترین میزبان ای بهترین نیکوکار.

بند ۱۱- ای سرمایه من در سختی ای امید من در مصیبت ها ای مونس من در ترس و وحشت ای همدم من در غربت ای صاحب نعمت من ای فریادرس من در دشواری ای راهنمای من در سرگردانی و حیرت ای بی نیاز کننده من در نیازمندی ای پناهگاه من در بیچارگی ای یاور من در گرفتاری.

زمان: این دعا مخصوص شب های قدر است و برای هر سه شب سفارش شده اما خواندن آن در اول ماه رمضان هم وارد شده است.

نکته: ۱- دعا خواندن مسابقه دادن نیست که لازم باشد حتما آن را تمام کنیم. خواندن چند بند از این دعا و در عین حال توجه به آن، مطمئنا نتیجه بهتری دارد تا خواندن تمام دعا بدون توجه.

۲- خواندن و حفظ کردن این دعا به خاطر آهنگین بودنش، کار راحتی است. درست است که به خواندن این دعا در ماه رمضان سفارش شده ولی خواندن آن در بقیه روزهای سال و مثلا خواندن هر بند در یک روز و زمزمه آن، ما را همیشه با اسم و صفت های خداوند مانوس می کند.

درود بر تو ای
همسایه ای که
دل ها بر اثر
عبادت و بندگی
در آن نرم و
فروتن گردید
و گناهان بر اثر
امرزش و عفو
خدا ی بزرگ در
آن کم شد

دعای وداع با ماه رمضان

محتوای دعا: یکی از دعا هایی که مخصوص ماه مبارک رمضان است، دعای وداع با این ماه نام دارد که در صحیفه سجاده آمده و منسوب به امام سجاد علیه السلام است. این دعا یکی از عجیب ترین دعا های ماه مبارک است. مضمون عاشقانه دعا آن را جزء جذاب ترین دعا های صحیفه کرده است. وقتی به فراز های این دعا نگاه کنید، می بینید که امام طوری با این ماه وداع کرده است که انگار در حال جدا شدن از محبوبی است که دیگر او را نمی بیند. امام سجاد علیه السلام در دعای وداع ماه رمضان، آن چنان از فراق این ماه می نالد که بارها و بارها بر ماه رمضان درود می فرستد و می گوید: السلام علیک! (اینجا سلام به معنی بدرود و به معنی خدا حافظی کردن با ماه رمضان و این روزها و شب های نورانی است). خدا حافظی با این قطعه بهشتی از زمان عمر ما و از طول دوران سال، یعنی

ماه رمضان. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در وداع ماه رمضان فرمود: «بار پروردگار! تو خود در کتاب مقدست فرمودی ماه رمضان که قرآن در آن نازل شده، مایه هدایت و رستگاری مردم و وسیله تشخیص حق از باطل است. اینک ماه رمضان به پایان رسید. پس از تو تقاضا می کنم اگر بر من گناهی باقی مانده که هنوز آن را نیامرزیده ای یا می خواهی به آن گناه عذابم کنی، تافجر این شب [آخر] ماه مبارک فرما نرسیده، گناهانم را بیامیزی و از تقصیرم در گذری ای مهربان ترین مهربانان».

فضیلت دعا: جابر بن عبدالله انصاری، می گوید: در جمعه آخر ماه رمضان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفتم، هنگامی که چشم آن حضرت بر من افتاد، فرمود: ای جابر! این جمعه آخر ماه رمضان است. پس با آن وداع کن و بگو: «خدا یا! این رمضان را آخرین روزه ماقرارنده و اگر چنین مقرر کردی، ما را مورد رحمت خود قرار ده و محرومان مساز». هر کس این را بگوید، به یکی از دو امر نیکو می رسد: یا آنکه طول عمر می یابد و ماه رمضان بعدی را درک می کند، و یا آنکه مورد بخشش و رحمت خدا قرار می گیرد.

فرازی از دعا:

درود بر تو ای همسایه ای که دل ها بر اثر عبادت و بندگی در آن نرم و فروتن گردید و گناهان بر اثر امرزش و عفو خدای بزرگ در آن کم شد. درود بر تو! چه بسیار گناهان را محو کردی و چه بسیار زشتی ها را پوشاندی. سلام بر تو که در هنگام وداع، ما احساس خستگی نکردیم.

اکنون این ماه بعد از آنکه پایانش فرارسید، از ما جدا شد و تنه ایمان گذاشت و ما این ماه را وداع می کنیم. زمان: روزهای آخر ماه رمضان، مخصوصا شب آخر نکته: اگر این دعا را قبل از ماه مبارک یا روزهای اول ماه بخوانیم، بیشتر قدر این ماه را می دانیم. امام سجاد علیه السلام آن قدر برای ماه رمضان ویژگی های خاصی را بر شمرده است که با خواندن این دعا متوجه می شویم که چه وقت های نابی را پیش رو داریم و نباید از دست بدهیم شان.



کسی که شب قدر و صاحب آن را نشناسد، امام زمان خود را شناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است



موعود

سرّیلة القلور

مرتضی عباسیان



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جمعه آخر شعبان خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود:

ای مردم ماه خدا به شما با برکت و رحمت و مغفرت روی می آورد، و با جملاتی زیبا به توصیف این ماه پرداختند و فرمودند: دعیتم فیہ الی ضیافة الله. شما به مهمانی خدای متعال دعوت شده‌اید. اکنون که در این ضیافت به سر می‌بریم و برکت، رحمت و مغفرت الهی ما را دربر گرفته است، خوب است کمی در باره جایگاه و عظمت این ماه و صاحب آن فکر کنیم تا بتوانیم بهترین و بالاترین بهره‌برداری را از این ماه عزیز و ضیافت الهی داشته باشیم.

لیله القدر و نزول مقدرات یک سال بر حجت خدا توسط فرشتگان به همراه روح، این فرشته عظیم الهی است.

دلیل استمرار شب قدر
یکی از سؤالاتی که ممکن است پیش بیاید این است که آیا شب قدر استمرار داشته و تکرار می‌شود؟ آیا شب‌های قدر ملائکه به زمین می‌آیند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: همه وقایع قابل تکرار است، الانزول قرآن و آن هم به دلیل اینکه قرآن حقیقت واحدی است که یک بار به قلب نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و نیاز به تکرار در نزول ندارد. اما آنچه که نیاز به تکرار دارد سایر امور است که در شب قدر اتفاق می‌افتد چون سال جدید مناسبات و شئونات

می‌شود و در شب بیست و سوم رمضان به امضا می‌رسد و حتمی می‌شود.

اتفاق‌هایی که در شب قدر می‌افتد

خداوند متعال برای معرفی و بیان وقایع شب قدر سوره مبارکه قدر را نازل فرموده و پرده از عظمت این ماه برداشته و در ضمن پنج آیه چنین می‌فرماید:

۱- ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم. ۲- و توجه می‌دانی که شب قدر چیست؟ ۳- شب قدر بهتر از هزار ماه است. ۴- فرشتگان و روح در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند. ۵- شبی سراسر از سلامت تا طلوع سپیده.

یکی از سنت‌های الهی که از ابتدای خلقت تاکنون ادامه دارد و تا قیامت هم ادامه خواهد داشت، مسئله

برای پی بردن به جایگاه و عظمت ماه مبارک رمضان باید به آیات قرآن و روایات معصومین مراجعه کرد که در این جا به اختصار بیان شده است.

در قرآن کریم به عدد ماه‌های سال که دوازده ماه است اشاره شده، اما نامی از آن‌ها به میان نیامده است، مگر ماه مبارک رمضان و در همین آیه رمضان را ماه نزول قرآن معرفی می‌فرماید. قرآن کریم در ضمن دو آیه نزول قرآن را به طور مبهمی در شب قدر و شب مبارک منحصر می‌فرماید که در یکی از شب‌های رمضان است. روایات معصومین علاوه بر اشاره به نزول قرآن در شب قدر، کمی پرده از ابهام برداشته و سه شب نوزده، بیست و یکم و بیست و سوم رمضان را به عنوان شب‌های قدر معرفی می‌فرماید که قطعاً یکی از آن سه شب، لیله القدر و شب نزول قرآن به قلب خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: اندازه‌گیری در شب نوزدهم ماه رمضان است و در شب بیست و یکم رمضان نوشته



در شب قدر تفسیر امور سال پیش رو به محضر حجت زمان نازل شده و مربوط به عالم از طرف خداوند به محضر او ارائه می‌شود



تقدیر؛ حول محور امام

هر سال شب قدر تکرار می‌شود و در آن شب امر سال آینده نازل می‌شود و هم‌اکنون این امر بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه نازل می‌شود و اگر چنین نباشد، صاحب شب قدر کیست؟ در این باره امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

در این شب تفسیر امور سال پیش رو به محضر حجت زمان نازل شده و بر نامه یک سال مربوط به عالم از طرف خداوند به محضر او ارائه می‌شود. همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که چنین اتفاقی در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله رخ می‌داده و شب‌های قدر ملائکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل می‌شده‌اند. اما بعد از رحلت پیامبر به غیر از شیعیان، مابقی معتقدند چنین اتفاقاتی نمی‌افتد.

مطلب مهم دیگر این است که کسی نمی‌تواند محل نزول ملائکه خصوصاً روح، فرشته عظیم الهی باشد. چون ظرفیت وجودی او بسیار بیشتر از ظرفیت ما است. بنابراین فقط کسی مثل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که در رتبه و منزلت او باشند، چنین ظرفیت و توانایی را دارند.

در عظمت این شب و آنچه که در آن رخ می‌دهد، همین بس که امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: فضیلت کسی که ایمان به «انا انزلناه» و تفسیر آن دارد، به کسی که چنین ایمانی ندارد، همانند برتری انسان بر بهائم (حیوانات) است.

یعنی کسی که شب قدر و صاحب آن را نشناسد، امام زمان خود را نشناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. مرگ عصره حیات است، کسی که مرگش جاهلی باشد، یعنی حیاتش جاهلی بوده و بهره‌ای از اسلام و انسانیت نبرده است.

عظمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی روشن‌تر می‌شود که در تعبیر «من کل امر» دقت ویژه‌ای داشته باشیم. به بیان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از این تعبیر «من کل امر» آیا چیزی باقی می‌ماند که تحت آن قرار نگیرد؟

فرشتگان در شب قدر برای ارائه برنامه همه امور خدمت حضرت می‌رسند. پس همه امور مادی و معنوی به اذن خدا به دست مبارک اوست، و ایشان واسطه فیض الهی است.

جدیدی را می‌طلبید.

دلیل محکم ما بر استمرار شب قدر، اول قرآن کریم و واژه تنزل در سوره قدر است چرا که تنزل فعل مضارع است و فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد.

دوم: روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام است که دلالت بر استمرار شب قدر دارند.

سر حقیقت شب قدر

سر این حقیقت، همان مسئله وساطت در فیض است که در بحث فوائد امام غایب از آن بحث می‌شود. خداوند حکیم به جهت اینکه همه مخلوقات توانایی دریافت مستقیم و بدون واسطه فیض را ندارند، واسطه‌ای قرار داده تا ملائکه برای ارائه میزان و مقدار فیضی که مقرر شده، به محضر واسطه فیض الهی و حجت زمان نازل شده و زمانی را به عنوان لیل‌القدر قرار داده تا علاوه بر تفصیل و تقدیر امور سال آینده، انسان بتواند با احیا و راز و نیاز و توسل به واسطه فیض الهی، نقشی در مقدار فیض خود و افزایش آن داشته باشد.

قیام سید الشهداء علیه السلام در گفتاری از آیت الله سید عبدالله فاطمی نیا

خیال خام



حضرت سیدالشهداء علیه السلام اگر قیام نمی فرمود، مادی و معارفی نداشتیم. حتی افراد منصف اهل سنت هم به این مسئله اذعان کرده اند. اگر کسی

انصاف داشته باشد و تاریخ را ورق بزند، می بیند خط نفاق از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایه ریزی شده و ادامه داشته است، اما یزید در پایان خط نفاق قرار گرفته بود و می دید دیگر لازم نیست نفاق ابراز شود.

نفاق در مدینه پایه گذاری شده است، چون در مکه نفاق وجود نداشت. در مکه

نفاق وجود نداشت، چون لازم نبود که نفاق وجود داشته باشد. در مکه و در صدر اسلام، مسلمان ها مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند و تعدادشان هم بسیار کم بود. اما تعداد کفار زیاد



بود و آن ها مشغول آزار مسلمان ها بودند. در این دوره مرز مسلمان و کافر کاملاً مشخص بود. به همین خاطر کافران با قیامت راست راه می رفتند و احتیاجی به نفاق و دورویی نداشتند.

اما بعد از هجرت به مدینه که تعداد مسلمان ها زیاد شد، نفاق به وجود آمد. کافران دیدند ارادتمندان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیاد شده اند و همین آن ها را نگران کرد. کافران دیدند که با مسلمان ها کار خواهند داشت، می خواهند با آن ها از دواج کنند، دختر بگیرند و می خواهند با آن ها معامله کنند، پس باید یک ظاهر مسلمان پسند از خود بسازند. همین مسئله باعث پیدایش نفاق شد و این نفاق ادامه داشت تا زمان یزید.

اهل نفاق که بنی امیه در صدر آن ها بود، مراقب بودند تا در هر فرصتی چه کاری باید انجام دهند و کاملاً هوشمندانه برخورد می کردند.

مغیره بن شعبه از نزدیکان معاویه بود. او جزء مشاوران معاویه و جزء درباریان او بود. پسر مغیره بن شعبه نقل کرده است که پدرم هر شب با معاویه شب نشینی هایی داشت و تا پاسی از شب با هم گفتگو

می کردند و بعد به خانه می آمد. یک شب که پدرم از مجلس شبانه معاویه برگشت، به شدت ناراحت بود. نزدیک پدر شدم و سعی کردم تا علت ناراحتی اش را بفهمم. پدرم گفت: من امشب از نزد شقی ترین انسان ها آمدم. امشب معاویه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توهین و جسارت بزرگی کرد. او گفت که دعوی من با علی و حسن نیست! دعوی من بر سر حکومت و با خود پیامبر و رسالت او است و به پیامبر توهین کرد.

معاویه با موقعیت شناسی توانست چهره حکومت را حفظ کند، ولی یزید خودش را در آخر خط یافت و فکر کرد که مردم بی دین شده اند. با خود گفت: پدرم امیر المومنین و امام مجتبی علیهما السلام را از بین برد، پس همه چیز تمام شده است. یزید بعد از مرگ سید الشهداء علیه السلام به صورت علنی گفت:

لعبت هاشم بالملک فلا خیر جاء ولا وحی نزل

یعنی بنی هاشم با حکومت بازی کردند. اگر نه! نه خبری آمده و نه وحی نازل شده است!

یزید حسابی کرد که اشتباه از آب در آمد. فکر می کرد اگر الان حرفی بزند، دیگر دین حامی و مدافعی ندارد. اما نمی دانست آقای هست که حاضر است طفل ۶ ماهه اش را بدهد و از دین دفاع کند.

یزید حسابی کرد که اشتباه از آب در آمد. فکر می کرد اگر الان حرفی بزند دیگر دین حامی و مدافعی ندارد. اما نمی دانست آقای هست که حاضر است طفل ۶ ماهه اش را بدهد

فرهنگ انتظار

(شرح دعای غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چهل حدیث در فضیلت علی علیه السلام از منابع شیعه و سنی) نویسنده: سید عبدالله فاطمی نیا

ناشر: رسائل

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۱۴۲۹-۰۲

محل نشر: تهران

چکیده: این کتاب شامل دو بخش می شود. در بخش اول، شرح دعای مشهور غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به

همراه متن عربی آن آمده که مبحث عمده آن درباره "انتظار" است. در بخش دوم، چهل حدیث درباره مساله غدیر خم و فضایل حضرت علی علیه السلام با استفاده از منابع شیعه و اهل سنت، همراه ترجمه فارسی آن به چاپ رسیده است.

فرهنگ



حکم تیرم صادر شده بود!
غلامرضا سازگار از خاطراتش در
سرایش شعر آئینی می گوید

کوتاهی در تولید آثار دینی
چالش ها و آسیب های
نمایش های مذهبی در گفتگو
با محمود فرهنگ

ماهیت تئاتر را کمتر درک
کرده اند
یادداشتی درباره تئاتر دینی

تنها شعر بر من غلبه کرد
چند دقیقه همنشینی با احد
ده بزرگی شاعر آئینی

با یک میلیارد هم برنامه سحر
اجرانمی کنم
نقد های علی درستکار به
برنامه های مناسبتی
تلویزیون





محمد سمیعی

غلامرضا سازگار در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های قدیمی سپری کرد و سپس به درس حوزوی روی آورد. می‌گوید که از کودکی تا آنجا که به یاد دارم اشعار و سخنان موزون می‌سرودم. وی از مداحان و نوحه‌سرایان قدیمی اهل بیت علیهم السلام است که در انجمن‌های ادبی مذهبی چون «انجمن ادبی نغمه‌سرایان مذهبی» حضور فعال داشته است. از استاد سازگار تاکنون مجموعه اشعار و نوحه و مرثی‌های مختلفی به چاپ رسیده است که «نخل میثم» از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود.

غلامرضا سازگار شاعر و مداح اهل بیت علیهم السلام از خاطراتش می‌گوید

حکم تیرم
صادر شده بود!

■ حاشیه ■

اتهام شرک زدن

نمی‌خواهم آبروی کسی را ببرم. ولی شعری خوانده شده بود با این مطلع که
لم یلد یولد دروغی بیش نیست / این خدا
یک دختری دارد که نامش زینب است.
البته شاعر این اشعار توبه کرد. جوان
بسیار مخلصی هم بود و من هم بسیار
دوستش داشتم و دارم. الان هم از دنیا
رفته است. خوب برخی گاهی داغ می‌شوند
و جمله‌هایی می‌گویند. اصلش به این بر
می‌گردد که سابق ضبط صوت و سی‌دی
نبود اگر جمله‌ای هم غلط خوانده می‌شد
در خود هیأت می‌ماند اما الان اینگونه
نیست.

تا نوحه‌ای خوانده می‌شود در تمام رسانه‌ها
پخش می‌شود. خوب همین نوع از
خوانش‌ها بود که به دست آل سعود رسید و
بهانه‌ای شد برای اتهام شرک زدن به ما.
ما همه جا راجع به آسیب می‌گوییم اما
منشا آن را بر نمی‌شماریم. منشا به نظرم
چهار وجه دارد.

اول بی‌استادی است دوم بی‌سوادی سوم
بی‌تقوایی و چهارم از حسادت. سابق بر
این مداح شدن نیاز به استاد داشت. کسی
جرات نداشت بدون استاد یک خط شعر
مداحی کند. یک و یا دو سال شاگردی
می‌کرد تا فقط می‌توانست نوحه بخواند.
حاج احمد صالح را خدارحمت کند به
من می‌گفت استادم به من گفت برو روی
چهارپایه نوحه بخوان. من هم کاغذی
درآوردم که از رویش شعر بخوانم. چنان
کشیده‌ای به من زد که از روی چهارپایه
افتادم زمین و تا امروز که هفتاد ساله شدم
از حفظ شعر بخوانم. جدای از این هیأت‌ها
هم به این اندازه نبودند.

مالاان در تهران پنج یا شش هزار هیأت
داریم و مداح کم و خوب نتیجه‌اش معلوم
است دیگر. برخی از این جوان‌ها فقط
دوست دارند بگویند خواندم و گرفت
در حالی که همه‌اش این نیست. گاهی
مجلس می‌گیرد ولی دل امام زمان
عجل‌الله تعالی فرجه الشریف هم با آن
می‌گیرد.

رفتیم شعر شکل خودش را پیدا کرد و رفته رفته از
من خواسته می‌شد که برای مناسبت‌های ویژه شعر
بگویم.

■ اولین شعرتان یادتان مانده؟

اگر درست خاطرمانده باشد شعر بود با این مطلع:
بریز آب روان اسما ولی آهسته آهسته... که از قضا
ماندگار شد و سال‌های سال در تهران خوانده می‌شد.

■ سرایش شعر آئینی در دوران نوجوانیتان با آنچه امروز شعر آئینی می‌نامند چقدر فرق داشت؟

ببینید در هر دو دوره برای اهل بیت علیهم‌السلام
شعر گفته می‌شد اما امروز نسل جوان ذوقیاتی
دارد که ما در آن سال‌ها نداشتیم. به برکت انقلاب
و امام حسین علیه‌السلام امروز شعری جوانی
داریم که در زمان نوجوانی من به این صورت
نبود. خوب البته طبیعی است وقتی رهبر انقلاب
جوان‌ها را درک می‌کنند و با آن‌ها
انس می‌گیرند، ذوق این جوانان
بالاتر می‌رود و اشعار آن‌ها هم قوام
یافته تر می‌شود.

■ منظور تان این است که در نوجوانی شما شعر آئینی را تحویل نمی‌گرفتند؟

نظام شاهنشاهی تحویلش
نمی‌گرفت. جز این که شاعری پیدا
شود که برای نظام شعر بگوید. مثل
دوران قاجار که بسیاری از شاعران
یوسف طبعشان را به ثمن یخس
فروختند و شدند شاعر دربار. این
شاعران در زمان پهلوی هم بودند تا
اینکه بودند شاعرانی که برکت نفس

امام و نظام بر گشتند به دامن و مرزها انقلاب اسلامی
اسلامی باز کردند. اما در دوران قبل از انقلاب به طور
کلی گروهی که بخواهد و بتواند شاعران را جمع کند
نداشتیم و لذا نبودن مشوق ذوق را هم رفته رفته کم
می‌کرد.

■ وقتی سرودن شعر را شروع کردید از چه سبک شعر و شاعرانی خوشتان می‌آمد و چگونه از آن‌ها اطلاعاتی به دست می‌آوردید؟

استاد من مرحوم ملاحسین مولوی بود که من شیفته
کار ایشان بودم. نوجوانی بیشتر نبودم اما آرزو داشتم
که یک بار خدمت ایشان برسم. تا اینکه در جلسه‌ای
مداحی من را شنید و من را به کلاس خودش دعوت
کرد. یادم هست به من می‌گفت: تو کجا بودی که تا
حالا ندیده بودمت؟

نام شما برای خیلی از جوانان
اهل شعر آئینی آشنا است. به
ویژه اینکه منش و شیوه نگاه
شما به موضوع شعر و مدیحه
سرایي در نوع خودش منحصر



به فرداست. از کودکی و نخستین آشنایی‌هایتان با
شعر آئینی چیزی به یادتان مانده است؟

چیزهایی یادم هستند. پدرم به هیأت‌ها علاقه زیادی
داشتند و من را هم به جلسات هیأت با خود زیاد
می‌بردند. این موضوع اولین تحول جدی در تغییر
مسیر زندگی من بود.

■ خودشان اهل مدیحه‌سرایی بودند؟

نه. پدرم کاسب بود ولی علاقه زیادی به اهل بیت
علیهم‌السلام داشت. این شدت علاقه بود که من
را هم به این وادی هدایت کرد. خاطر من هست شب
اول محرمی بود که با پدر به یکی از این مجالس رفته

بودیم. پسر نوجوانی نوحه خواند
و مردم خیلی گریه کردند. خیلی
به دلم نشست. در همان جا پدر
عالم کودکی از امام حسین علیه
السلام طلب کردم که مداح
ایشان شوم. و همان موقع عنایت
شد. یعنی علاقه خودم و عنایت
امام حسین علیه‌السلام بود که
از سن ۱۰-۱۲ سالگی من نظم
برای خواندن باز شد و شاعری را
هم همان موقع بود که آغاز کردم.

■ این که می‌گویید نطق‌تان باز شد یعنی دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

یعنی هر جاشعر می‌شنیدم سعی
می‌کردم وزن و کلامش را خوب
به یاد بسپارم و بر اساس آن شعر بسازم. البته تشویق
مردم و عنایت اهل بیت علیهم‌السلام همیشه عاملی
می‌دانم که باعث رشد من شد و کمک توانستم شعر
بگویم. ولی همه این موضوع بعد از آن جلسه بود که در
من رخ داد و ناگهان خودم را در این موقعیت دیدم.

■ پس ناگهان شاعر شدید! موقعیتی پیش می‌آمد که شعر بگویید یا از شما می‌خواستند که برای مناسبت و بزم‌های شعر بگویید؟

همه این‌ها بود. باور کنید شعر خود به خود خلق
می‌شد. بعضی اشعار جوششی بود و در وجودم خلق
می‌شد. گاهی هم شعری خوانده می‌شد و وقتی آن
را می‌شنیدم دریچه‌ای به وجودم باز می‌شد. هر چند
در ابتدا به خاطر سن کم شعرم زمین می‌خورد و
اعتنای چندانی به آن نمی‌شد ولی به تدریج که جلو

از امام حسین علیه
السلام طلب کردم
که مداح ایشان
شوم و همان موقع
عنایت شد. یعنی
علاقه خودم و
عنایت امام حسین
علیه‌السلام بود
که از سن ۱۰-۱۲
سالگی نظم برای
خواندن باز شد

■ کلاس‌های استادان چگونه بود؟ آموزش مداحی بود یا شیوه شعر سرودن؟

در کلاس هانجوه خواندن شعر را به ما یاد می‌دادند و همه مهمتر شعر خوب و ناب را به ما معرفی می‌کردند. یادم هست مرحوم مولوی برای ما مقتل می‌خواند. صنایع و بدایع شعری را به ما معرفی می‌کرد. اشعار دوانینی بزرگان را بازخوانی می‌کردیم و همه این‌ها به سرایش شعر به ما کمک زیادی می‌کرد.

■ همین یک استاد را داشتید؟

بله تا زمانی که قم بودم. ۲۲ ساله که بودم آدمم تهران. در تهران به کسب و کار مشغول شدم. در آن سال‌ها مداحی شغل من نبود. روزهایی را یادم هست در این قم آنقدر فقیر بودم که در خانه‌مان که یک زیرزمین بود و یک اتاق با چراغ لامپا به زیرزمین می‌رفتم و شعر حفظ می‌کردم. در عین حال روزها می‌رفتم بنایی برای اینکه معیشتم بگذرد. پدر و مادرم گاهی برای نان خالی هم مشکل داشتند. در تهران دویاسه روز در خیابان‌ها راه می‌رفتم و گرسنگی می‌خوردم ولی خجالت می‌کشیدم به کسی بگویم گرسنه هستم تا اینکه به برکت امام حسین علیه السلام امروز مقابل شما نشسته‌ام.

■ در تهران چطور به سمت مداحی

و شعر کشیده شدید؟

در تهران در نانوائی کار می‌کردم. (می‌خندد) حافظ هم شنیدم که خمیر گیر نانوائی بوده است. در آن محل هیئتی بود به نام شاه نجف. من شنبه شب‌ها که دست از کار می‌کشیدم در این هیئت مداحی می‌کردم و خوب خیلی هم صدایم با اقبال مواجه شده بود. روزی حاج احمد رحیم زادگان رئیس آن

هیئت من را ناهار دعوت کرد به منزلش. ناهار که خوردیم. عبابی به من داد و گفت: شما دیگر حق نداری بروی به نانوائی. خدا شما را برای مداحی خلق کرده است. گفتیم زندگی‌ام چه؟ گفت: اگر کم آوردی من کمکت می‌کنم. غصه مال دنیا را نخور. خود امام حسین علیه السلام هم هدایت می‌کند. بعد از این ماجرا نانوائی را ترک کردم و جالب اینکه همان هیئت من را برای نخستین بار دعوت کرد و بدون اینکه من چیزی بخواهم خودشان بعد از مراسم به من پاکتی دادند. اولین مجلسی که بعد از آن دعوت شدم صاحب مجلس خانمی بود که می‌گفت نذر داشته شوهرش که شاطر است برود سر کار و بعد شما بیایید منزل ما روضه بخوانید. خوب این به نظرم پیام و هشدار بود که خود امام حسین علیه السلام به من داد که حکمت کارهایش را فراموش نکنم.

■ آن سال‌ها عزاداری تهران با قم

فرق داشت؟

یادم هست که در تهران و قم عزاداری زیاد بود. یعنی در کوچه‌ها و خیابان‌ها دسته‌جات زیاد می‌آمد و می‌رفت. فقط این را بگویم که شاید مجلسی با گذر زمان سرد و فراموش شود ولی مجلس امام حسین علیه السلام اینطور نیست. سال به سال هم قوی‌تر می‌شود. من به وضوح می‌گویم که گریه‌ای که امروز برای امام حسین علیه السلام می‌شود پنجاه سال قبل از این نبود. بود ولی به این شدت و کیفیت نبود.

■ مداحی در زمان نوجوانی و جوانی شما وابسته به چه شعرهایی بود؟ شعرهای به جا مانده از قدیم و یا

روزهای رفتن
بنایی برای اینکه
معیشتم بگذرد.
پدر و مادرم گاهی
برای نان خالی هم
مشکل داشتند. در
تهران دویاسه
روز در خیابان‌ها
راه می‌رفتم
و گرسنگی
می‌خوردم

در تهران در
نانوائی کار
می‌کردم.
حافظ هم
شنیدم که
خمیر گیر
نانوائی بوده
است



شاید مجلسی
با گذر زمان
فراموش شود
ولی مجلس امام
حسین علیه السلام
اینطور نیست



اشعاری که در همان سال‌ها سروده می‌شد؟

الان اول محرم که می‌شود شاید نزدیک به صد عنوان کتاب شعر و نوحه می‌بینیم که به بازار می‌آید اما در آن زمان حتی یک عدد هم نبود. آنقدر وضع سرودن نوحه سخت بود که من شدم مبدع آن. یادم هست گاهی از شهرستان‌ها به سراغم می‌آمدند که برایشان نوحه‌ای بسازم. شاعرها آن موقع اکثراً غزل می‌ساختند که عمدتاً غزلیات غیر آئینی بود. یعنی به درد مجلس امام حسین علیه السلام نمی‌خورد. تک و توک شاعرانی هم که پیدا می‌شدند که شعر آئینی بسازند در کنار

نداشتم اما به سبک و سیاق شعری‌اش علاقه زیادی داشتم. شعر سعدی شعری همه پسند است. از ادبا تا آیت‌الله‌ها می‌پسندش.

سعدی مهمترین، پر محتوا ترین و بالاترین مفاهیم را در ساده‌ترین اشعارش روایت کرده است؛ حتی در اشعار غیر آئینی‌اش. البته رفته رفته با بالا رفتن سنم به حافظ و غزل‌های او نیز

من در قالب شعر علاقه زیادی به ناصر خسرو دارم. او در قالب‌هایی شعر گفته که شاعران دیگه کمتر به سراغ آن رفته‌اند و خوب این برای من خیلی جذاب بود.

ولی در روش سهل و ممتنع بودن شعر به سعدی علاقه زیادی داشتم. با اینکه به برخی شعرهایش به دلیل علاقه نداشتن سعدی به تشیع توجهی

امام زمان

عجل الله تعالی فرجه الشریف

هم راضی
نیستند

عجل الله تعالی فرجه الشریف

علاقه‌مند شدم بعضی شعرها و سبک‌ها نوآوری است و بعضی من در آوردی. باید میان آن‌ها تفاوت بگذاریم. بنییداً شور‌ها در دوران نوجوانی من ده سال به ده سال عوض شد.

الان هم همینطور است. در آن زمان هم مداحان نوجوان و نوپایی بودند که چیزهایی می‌خواندند که شأن اهل

خون و شرف برپا کنم / بهترین برنامه‌ام را کربلا
اجرا کنم / آمدم تا بین انسان سوز و انسان ساز را /
داوری در انقلاب سرخ عاشورا کنم.

■ ساواک دنبال خودتان هم بود؟

دنبال؟ برای من حکم تیر صادر کرده بودند. در
اوج گیری انقلاب یکی از تیمسارهایی که آشنای من
بود گفت که شهربانی این مطلب را اعلام کرده است.

■ علتش چه بود؟

شعری گفته بودم با این مطلع که من شاه‌بدی هستم /
منی که بر شمار سینمای رگس آبادان / کباب بی
تقلب از گوشت انسان بستم.

■ مگر شما شعر غیر آئینی هم

می گفتید؟

ابداً. حتی یک خط شعر غیر آئینی
نسروده‌ام. من شعر انقلاب را شعر
آئینی می دانستم. شعری که صرفاً
متعلق به اهل بیت علیهم السلام
باشد را می گوئیم شعر ولایی در
حالی که شعر آئینی شامل خیلی از
اشعار حافظ هم حتی می شود. یعنی
شعری که با فرهنگ اهل بیت علیهم
السلام وفق می یابد.

■ بعد از انقلاب نوع عزاداری ها هم

عوض شد؟ نوع شعرها و نوحه‌ها؟

ببینید به فراخور زمان در هر دوره‌ای
موضوعی در شعر و نوحه می آید اما
نکته اصلی در این است که عزاداری
امام حسین علیه السلام برای این است که اسلام را به
فراخور زمان در این قالب نگاه داریم. الان هم همین
طور است. گاهی در نوحه‌ها سخن از بحرین می بریم
ولی خوب این‌ها کنایه است. اصل عزاداری برای امام
حسین علیه السلام است.

اوایل شعر ما آهنگ نداشت اما بعد از آن به تدریج
که بیشتر با دستگاه‌های ضبط صوت انس گرفتیم
یک کتاب شعر که چاپ می کردیم در یک نوار
اشعار را سبکش را هم می خواندیم و کتاب و
نوار را با هم و یا نوار را به تنهایی به مخاطب ارائه
می دادیم.

■ آیا سرودن شعر آئینی در روزگار جوانی تان تابع سبک تازه‌ای هم بود؟

سبک که من به آن می گویم جانسوز. قدری محتوا
و صدای نوحه‌ها جانسوز بود و اخلاص در نوحه
ها انگار زیادتر از حالا بود. الان را نمی دانم ولی
قدیم مثل الان خیلی چیزها مثل حالا آلوده به
غیر نشده بود. یادم هست نوحه که می خواندیم

حتی در گذر و خیابان مردم
کتاب کوچه می ایستادند
می گریستند. فرض کنید همین
بر مشام می رسد هر لحظه بوی
کربلا یا این حسین کیست که
عالم همه دیوانه اوست را یادم
هست که اقبال زیادی به آن‌ها
بود. بعد به دوران انقلاب که
نزدیک شدیم شعرهای حماسی
هم به این موضوع اضافه شد. مثلاً
اشعار مربوط به حضرت مسلم.
یکی از آن‌ها را یادم هست اینطور
خوانده می شد: این کوفه شهر
مردگان است / زیر فشار این و آن
است / دست اجانب در میان است
و یادم هست شاعر این اشعار را
دستگیر کردند و شکنجه زیادی

هم دادند. یا مثلاً شعری با این ترکیب: گم گشته
کربلا / فیضیه شد قتلگاه / موسمی یاری مولانا
الامام خمینی... به تدریج نوحه‌های انقلابی هم
به عزاداری‌ها به این صورت اضافه شد. آن روزها
شعری سروده بودم با این مطلع که آمدم تا نهضت

روزی حاج احمد
رحیم زادگان من
را ناهار دعوت
کرد به منزلش.
ناهار که خوردیم.
عبایی به من داد و
گفت: شما دیگر
حق نداری بروی
به نانوایی. خدا شما
را برای مداحی
خلق کرده است



اول محرم
که می شود
نزدیک به صد
عنوان کتاب
شعر به بازار
می آید در آن
زمان حتی یک
عدد هم نبود



در قبل از انقلاب گروهی
که، بخواهد و بتواند
شاعران را جمع کند
نداشتیم

سرایش سایر اشعارشان این کار را هم می کردند
یعنی کسی به صورت انحصاری در کار سرایش
شعر آئینی نبود. ولی خوب الان که اینگونه
نیست و همین باعث شده که شعر آئینی انواع
و شکل‌های مختلف داشته باشد. هر چند برخی
از آن‌ها مشمئزکننده و سست هستند و کاش
وزارت ارشاد نمی گذاشت که منتشر شوند. خدا
می داند همین نوحه‌های سست باعث می شوند
نوحه‌های خوب هم زیر سوال بروند.

■ شما اشعار تان آهنگ هم برای خواندن داشت؟



البته در دوران جنگ هم این مساله به
نوع دیگری دامن زده شد.
شهدا زیاد بودند و هر جاتشیع
می شدند به ناچار باید کسی می نشست
پشت بلندگو... مداحی که فقط این
نیست. پیشکسوت‌ها هم مقصرند که
مداحان جوان را تحویل نگرفتند و از
آن‌ها دور شدند و نتیجه‌اش شد امروز که
می‌بینیم

بیت علیه السلام را نداشت ولی سبک
مثل امروز نبود.
الان هم خیلی از شور‌ها را من تایید
می کنم. ولی برخی از آن‌ها را به
مداحان جوان که مثل فرزند خودم
دوستشان می دارم، می گویم که
اگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه
الشریف در این مجلس بود اینطور
نمی خواند.

نقد‌های علی درستکار به برنامه‌های مناسبتی تلویزیون

بایک میلیارد هم برنامه سحر اجرا نمی‌کنم

حمید نورشمسی

«این شب‌ها» به عنوان موفق‌ترین برنامه دینی تلویزیون در سال‌های اخیر نام علی درستکار را بیش از پیش مطرح کرده. برنامه او بیش از هر چیز یک برنامه دینی است که به دنبال بهانه و مناسبتی برای اجرا نیست و اخیراً نیز به پیشنهاد عواملش برای بازسازی و دور شدن از تکرار برای مدتی قطع شد. الگوی رسانه ملی در ساخت برنامه‌های دینی بهانه‌ای بود که به سراغ مدیر روابط عمومی اتاق بازرگانی برویم و از او و تجربه‌اش پرسیم اما از همه چیز لذت بخش‌تر در این هم صحبتی این بود که درستکار همانی بود که فکر می‌کردیم؛ صادق و صریح.





گفتگو با یک زن و شوهر جوان در هنگام افطار توسط یک مرد مجرد کجای
هنجارهای دینی و اجتماعی ما مگر جا داشت؟



می‌خواهم خیلی صریح در
رابطه با برنامه‌هایی که به نام
دین و در ایام و مناسبت‌های
صرفاً دینی از رسانه ملی
پخش می‌شود بحثمان را

شروع کنیم به نظر شما این نوع برنامه‌سازی
مبتنی بر یک استراتژی مشخص و معین صورت
می‌گیرد؟

شاید به این معنی که مد نظر شماست؛ نه! من
خودم به خاطر همین موضوع است که معمولاً
از زیر این نوع از برنامه‌سازی در می‌روم. در
بسیاری از موارد خود من هم نمی‌دانم که برای چه
این برنامه‌ها ساخته می‌شود. اگر مشکل ما حل
یک مساله یا جا انداختن یک مفهوم و حتی حس
است که اتفاقاً نباید فصلی و مناسبتی به سراغ
آن برویم، از قضا برنامه‌سازی مناسبتی خارج از
فصل یا مناسبت است که نتیجه می‌دهد، خودم
من وقتی با دعوت برای شرکت در برنامه‌های
مناسبتی روبرو می‌شوم. در
صورتی که خارج از فصل ساخته
و پخش شود در آن شرکت
می‌کنم.

■ چرا؟

برای دیده شدن در رسانه باید
خیلی متفاوت باشی تا دیده
شوی و یا اینکه طبق یک قانون
ناتوانسته‌ای دیده نمی‌شوی و
خوب این به خودتان بستگی
دارد. برنامه‌های هنگام افطار
ماه رمضان به نظرم اینگونه
است. به خود من شخصاً اگر
پیشنهادی میلیاردی هم
بدهند نمی‌روم این برنامه‌ها
را اجرا کنم. یا مثلاً برنامه‌های

سحرهای ماه رمضان؛ چه کسی گفته باید برای
سحر هم برنامه تلویزیونی ساخت. این اوقات
خصوصی‌ترین زمان برای هر فرد در ارتباط با
خدای خودش است. فضولی چند و چویش هم به
تلویزیون نیامده است. رسانه چرا باید به خودش
حق دهد تا چنین خلوتی را بشکند؟ تلویزیون
چقدر زورش از معنویت دم افطار بیشتر است
که سعی دارد با حرف زدن خودش را به این
لحظات بقبولاند. چه کسی گفته تلویزیون باید
به من در این مواقع معنویت بدهد و حالت‌م را
به قول خودش بزداید. خوب بحث درست در
همین جاست؛ نوعی هنجار شکنی کانالیزه
شده که انگار در سیما لعابی معنوی هم برای

برنامه‌سازی دینی دارد و انگار این موضوع
تعریف برنامه‌سازی دینی در رسانه ملی است.
گفتگو با یک زن و شوهر جوان در هنگام افطار
توسط یک مرد مجرد کجای هنجارهای دینی و
اجتماعی ما مگر جا داشت؟ مگر جز این بود که
اصرارهای تلویزیون به ساخت چنین برنامه‌هایی
در نهایت به وضع موجود رسانده‌مان. یا مثلاً
گذراندن اوقات رمضان به لگو و لعبی مثلی دیدن
سریال‌های تلویزیونی که خوب حالا یک پیام
خیلی ساده هم دارد. مگر نمی‌شود این پیام را
وقت دیگر و جور دیگری هم داد و یا به قول شما
کانالیزه به مخاطب رساند.

■ معمولاً اعلام می‌شود اطلاع رسانی فرهنگی
و تاثیر گذار در این ایام بهتر و بیشتر می‌تواند
صورت بپذیرد. شما با این موافق نیستید؟

نه. ابتدا. شما بگویید حالا چرا درست این زمان‌ها
باید برای اطلاع رسانی آماده شود. چرا مثلاً
شش ماه قبل از این را برای
اطلاع رسانی انتخاب نمی‌کنیم.
سحر وقت خلوت کردن با خدا
است. نباید به اسم برنامه‌سازی
مزاحم این خلوت شد. روز را که
از مانگرفته‌اند. چرا مثلاً یک ماه
قبل به سراغ مخاطب نمی‌روند.
این‌ها یعنی اینکه رسانه ما
هم دارد می‌رود سراغ تب یک
موضوع و نگاهش اینگونه شده
است

■ یعنی فقط رسانه تب
مناسبتی برخورد کردن را
دارد؟ مخاطب این طور برخورد
رأی می‌خواهد؟

ببینید. این تب یک عادت
اجتماعی است که در همه ما قرار گرفته است. در
سال‌های بعد از انقلاب انگار عادت کردیم به اینکه
همه امور فرهنگی را فصل بندی کنیم. ابتدا یک
روز را انتخاب می‌کنیم بعد می‌رویم سراغ هفته
کردن آن روز. شما به این مفاهیم دقت کنید.
جانباز، کارگر، معلم و... همه آن‌ها با فصل بندی
اول با یک روز به یاد ما آمدند و بعد که دیدیم یک
روز دردی از ما دوانمی‌کند رفتیم به سراغ هفته
سازی برای آن‌ها تا به خیال خودمان مقدمه‌ای و
متنی و خروجی برای آن بتوانیم متصور باشیم.

■ پس معتقدید که رسانه‌ها در خط مقدم فصلی
سازی برخی از مناسبت‌ها و باورهای دینی برای

مردم نقش ایفا کرده‌اند؟

رسانه‌ها که می‌گویند البته تعریف دارند. مثلاً در
عالم روزنامه‌ها و نشریات مکتوب گاه با یک نشریه
خبری روبرویم که خوب تکلیفش مشخص است
اما وقتی رسانه‌ای به خود می‌گوید فرهنگی و غیر
خبری؛ چرا باید خود را اسیر خبر کند و هر جا
برود که خبر می‌بردش و زمان. رسانه‌ای مثل
صدا و سیما لحظه به لحظه همراه مخاطب است.
تکلیفش سنگین تر است و خوب برنامه‌ای که
می‌سازد و انتظاری هم که از او هست بسیار بیشتر
از آنی است که امروز شاهدش هستیم.

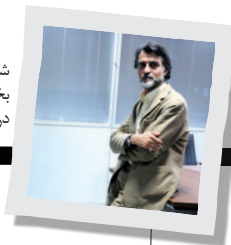
■ حالا اگر برنامه شما را کنار بگذاریم. باقی
برنامه‌های دینی صدا و سیما به طور معمول
دچار مناسبتی بودن هستند. عاشورا مخصوص
دهه ابتدایی محرم است و باقی مناسبت‌ها هم
به نوعی همین طور. باید بپذیریم که مخاطب
برایش این موضوع جذابیتی ندارد و یا اینکه
رسانه برای آن برنامه‌ای ندارد؟

البته باید جواب این سوال را مدیران رسانه
بدهند اما فکر می‌کنم این حس رسوب زمانی
است که ما یک یاد شبکه تلویزیونی داشتیم.
در آن موضوع از یک سو باید همه کشور را پوشش
می‌دادیم و از سوی دیگر فرصت نمی‌شد که همه
موضوعات را دائماً و در همه سال پیگیری کنیم و
لذا در وقت خاصی به سراغ گروه‌های برنامه‌ساز
می‌رفتیم که مشق شما چیست؟ این موضوع
باعث رسوب نوعی تلقین در ذهن برنامه‌سازان
شد که برای زدن برخی حرف‌ها دچار مناسبت
می‌شویم. البته اخیراً با ظهور شبکه‌های پرس
تی‌وی و العالم و نیز برخی دیگر از شبکه‌های برون
مرزی ما این فضا شکسته است. یعنی رگه‌های
کارهای مناسبتی در کارهای آن‌ها به دلیل
جهت‌گیری‌های بین‌المللی‌شان را در همه طول
سال در برنامه‌های آن‌ها می‌توانیم ببینیم.

■ این یعنی الگوهای ساختار شکنانه ما در این
حوزه را ابتدا در فضای بین‌المللی امتحان کنیم و
بعد می‌آوریم برای مخاطب داخلی؟

به اجبار و اقتضای فضای بین‌المللی شاید همین
است که شما می‌گویید. جدای از این، بلوغ کار در
فضای بین‌المللی الان در کشور ما تقریباً ایجاد
شده است و دریافت‌های نسبتاً استاندارد در
میان مدیران رسانه به وجود آمده است. ولی این را
هم باید بگویم، غیر مناسبتی کار کردن در سیما
منعی ندارد ولی کسی به سراغ آن نمی‌رود و انگار
مغلوب همان رسوب ذهنی هستند. البته این
حس من است.

شما وسعت خلق خدا را ببینید. وای به حال من اگر
بخوایم منت خلق خدا را بکشیم. همه شان ول مغلند
در همه زمان ها و زمین ها و حکومت ها



رسانه

شد و به اصطلاح گل کرد، همه رفتند به سمت
ساختن برنامه هایی گفتگو محور که در آن یک
نفری که باریش فلان شکل و فلان صورت حرف
زدن برنامه را به پیش ببرد.

■ شما چطور؟ خودتان هم با تب نان این شب ها را اجرا می کنید؟

این شب ها ایده من نبود. عقل منم نمی رسید که
یک گفتگوی دینی می تواند اینقدر جذاب باشد.
با اینکه رشته درسی و گرایش و علاقه شخصی
من هم ذوقی و دینی بوده است ولی هیچ گاه
طرف گروه معارف نرفتم. حتی اوایل پرهیز
داشتیم که بپذیریم اما بعد که شد دیدم کار خوبی
شده. بگذارید موضوعی را بگویم. عقل من با عقل
مردمان عاقل این دوره و زمانه کمی فرق دارد. اگر
تحلیل منفی نشود راستش به نان فکر نمی کنم.
وظیفه و کارم را می کنم. نان خودش می رسد.
آدم زیر باران که برود بخواد و یا نخواهد خیس
می شود. البته اگر لزومی ببینی که زیر باران بروی.
منظورم این است که شما و تهیه کننده تان کاری
کرده اید که بقیه به طمع ساخت چنین برنامه ای
افتاده اند. این شب ها فقط ویژه رمضان ۸۷ بود.
ولی بعد از آن مسئولان شبکه و خود ما به این
نتیجه رسیدیم که باید ادامه داشته باشد. چون
مخاطب گسترده ای داشت. همه می دیدنش. از
اهل تسنن و سایر مذاهب هم بیننده داشتیم.
حتی در خارج از ایران. همه طیفی هم نگاهش
می کردند. هم دانش آموز و هم حتی آیت الله ها.

■ شما فکر می کنید چرا موفق بوده اید؟

این دیگر بر می گردد به چرایی مطلوبیت حق
و خود پیام خدا. وقتی شما حرف خداوند را بی
آرایه و پیرایه شخصی و فردی ابلاغ کنی به دل
می نشیند. شما به تابلوهای راهنمایی و رانندگی
دقت کنید. چرا اینقدر همه به آن توجه می کنند
و رعایتش می کنند؟ چون هیچ چرکی درون

به خواست مخاطبشان هستند اما اینکه چقدر
جسارت تن دادن به این خواست را دارند و چقدر
بر اساس پایش پایه های نظام حرکت می کنند
و ملاحظات امنیتی و رسانه ای دارند یک بحث
دیگر است.

همین جایفتادن موضوع است که به نظر
باعث شده است در چند سال اخیر برنامه های
مناسبتی در جذب مخاطب جزوی خاصیت ترین
برنامه های رسانه بوده اند و خوب رسانه هم فکر
نکرده است که مخاطب او چه چیزی را در چه
موقعیتی از او انتظار دارد.

■ شما تجربه یک برنامه دینی بدون مناسبت زمانی برای پخش به نام این شب ها را دارید. خودتان چطور با این تفکر کنار آمدید؟

از نظر من این موضوع یک امر
دو طرفه است. هم جامعه در
آن دخیل است و هم مدیریت.
رسانه و مدیران رسانه به عنوان
عرضه کنندگان محتوا، کارهایی
را انجام می دهند و البته چند
برابرش هم انجام نمی دهند.
جامعه هم با دیدن و یا ندیدنش،
پذیرش یا نپذیرفتنش نشان
می دهد چه انتظاری دارد. البته
من رسانه ای مثل صدا و سیما را
ملی نمی دانم. این رسانه متعلق
به حاکمیت است و باید تلاش
کرد تا واقعاً ملی هم باشد. این هم
طنز تلخی است که شاید هنوز
نمی فهمیم ملت ما که اینقدر از
طریق همین رسانه عنوان می شود چنین و چنان
است، هنوز قابلیت خواست از رسانه را ندارد. در
سه یا چهار سال اخیر این حس در رسانه به وجود
آمده است که نان در برنامه های مناسبتی است
و بالطبع تب آن هم در صدا و سیما گل کرد. در
مورد همین برنامه
این شب ها وقتی
دیگر جا افتاده

■ حس شما می گوید که تهیه کنندگان و برنامه سازان جدید هم تحت تاثیر رسوب برنامه سازی دو کاناله دهه شصت هستند؟

بله به نوعی؛ بالاخره بدنه اصلی فکری و مدیریتی
صدا و سیما هنوز متعلق به آن دوره است و خوب
کسی هم در کشور ما معمولاً جرأت ندارد که
بر خلا مشی مدیریت حرفی بزند. خود مدیران
ولی معمولاً از چیزهایی خلاف این تفکر سنتی
می زنند. ولی یادتان باشد مدیران در رسانه ملی ما
از درون آن انتخاب می شوند. یعنی کسی از بیرون
به این مساله وارد نشده است. برنامه سازی های
رسانه ملی هم بالطبع آن در فضای بسته ذهنی
خود مشغول بر برنامه سازی هستند.

■ در این میان خواست مخاطب هم انگار اهمیتی

ندارد. البته من اینطور از
صحبت های شما برداشت
می کنم.

رسانه ممکن است بداند که
مخاطبش چه می خواهد اما
اینکه دقیقاً همان را هم به
او بدهد یانه دو بحث مجزا
است. مصیبت جایی است که
برخی از مدیران فکر می کنند
که می دانند. در کشور ما این
موضوع حس می شود که
مدیران رسانه دارای توهم
دانستن هستند. گزارش ها به
آنها کیلو کیلو ارائه می شود ولی
معلوم نیست خودشان چقدر
در میان مردمی که صاحب این
مشکلات هستند، راه می روند و از این مشکلات از
نزدیک خبر دارند.

با این حال من می خواهم بگویم که مدیران
رسانه ها را نباید ناآگاه دانست. این موضوع به
ویژه در حوزه تلویزیون شکل خاص خودش را
دارد. مدیران
رسانه به
نظر من آگاه

در سه یا چهار
سال اخیر این
حس در رسانه
به وجود آمده
است که نان
در برنامه های
مناسبتی است و
بالطبع تب آن هم
در صدا و سیما
گل کرد



حاشیه

کار من کار دل است

من برای دلم آمدم، تلویزیون برای من همیشه عشق اول و آخر بوده اما منظورم از تلویزیون irib نیست. تلویزیون به معنای حقیقی است. سعی من این بوده بر خودم سخت بگیرم و همواره تاملی توان پاکیزه باشم. البته همه چیز نسبی است. برای اینکه بتوانم کارم را بکنم و موقعیتی که در این زندگی بی اتکا نصیبم بوده را به درستی استفاده کنم. به هر حال زندگی مایه تکرار است و علیرغم همه چرخهای ناپیدامیان خودم و خدا، سعی کردم پاک باشم تا اگر روزی خواستم راجع به دروغ صحبت کنم، سبک باشم. برای همین موضوع است که من اصلاحیایی استخدام نیستم. برای اینکه نمی خواستم از حاکمیت حقوق بگیرم و برای همین است که هیچ وقت به خودم نمی گویم عاقل. این که ربطی

به من ندارد. خدا باید برساند.

من با موضوع آسمانی چه کار می توانم داشته باشم؟ خداوند بزرگتر از این حرف هاست و ما کوچکتر از خداوندیم و باور کنید این باور در خیلی از ما نیست که اگر بود زندگی برای ما خیلی آسان تر بود. جامعه

ما هم هنوز نمی خواهد این مساله را بفهمد. من روزی پشت تلویزیون گفتم اگر فردا شب آقای ضرغامی را هم ندهد می روم خیابان ها را جارو می زنم. واقعا هم می روم. این تجربه زندگی من است که خدا به من داده است. مگر در دعای خوانی که نخواسته به مامی دهی. این یعنی چه؟ همین الان هم ما تصفیه شده و موزون آفریده می شویم. هرگز عقل بشری به چنین خلقی نمی رسد. درست است که در کارهای روزانه گاه واسطه هایی داریم اما خوب این واسطه ها هم بودندشان کار خداست. اما خوب آدم های ما ملزوماتی در خودش ایجاد کند. راست باشد و صاف و ساده و بدون چرک. اینگونه باشید. خود جامعه دنبالان می آید. کسی روی زمین می ماند که امتیازی ندارد.

شما وسعت خلق خدا را ببینید. وای به حال من اگر بخوام منت یک خلق خدا را بکشم. همه شان ول معطلند در همه زمان ها و زمین ها و حکومت ها.



آن ها نام ببریم. ولی خوب امروز نگاه کنید چطور هر کسی از عرفان و برزخ و... در قالب فیلم و سریال در رسانه حرف می زند. اگر قرار به فاش گویی بود که خود ائمه علیهم السلام این کار را کرده بودند. مخاطب هم گاهی علاقه به لوٹ کردن و فاش گویی در این رابطه دارد و به ویژه از سوی رسانه تصویری که جذابیت بصری هم به آن اضافه می شود.

به نظر جریان هدفمندی هست که می خواهد مردم از اصل دین به سمت حاشیه آن حرکت کنند. کما اینکه این اتفاق در حال افتادن است. مثلا توجه به ظواهر و حواشی زندگی فردی و یا برخی اشیا و... درست است که دین آدابی دارد و ظواهری ولی نه اینقدر که از متن دین غافل شویم که شدیم. باید حرف حق بزنیم

و در این میان نگفتید

خواست مخاطب چه می شود؟

خواست مخاطب تا زمانی محترم است که صدمه به اصول حرفه ای یک کار نزنند و نیز تا زمانی که مغل غرض نباشد. به هر حال شما به عنوان یک فعال رسانه ای به نوعی مدیریت افکار عمومی را دارید. به همین میزان که مدیریت افکار عمومی را دارای موظفی اصول حرفه ای را رعایت کنی، برنامه داشته باشی و بعد هم اخلاق داشته باشی. در این میان مشاوره هایی که به سمت می آید را خودت باید بسنجی که تا چه اندازه مد نظر تو است و می توانی راهگشای کارت باشد. اگر نبود باید برود کنار.

اگر بیننده من می گوید حرف میهمان را قطع نکن. باید بروم بررسی کنم و بینم این قطع کلام بیجا بوده یا با جا. اگر با جا بوده که خوب باز هم انجامش می دهم و اگر بی جا بود، نه. تذکری گرفته ام و این باعث مراقبت از من شده است. وقتی فردی دارد در رسانه خارج از موضوع صحبت می کند باید حرفش را قطع کرد.

آن نیست. وقتی می گوید به راست بروید. همه می دانند که باید بروند. هیچ کس هم با آن عنادی ندارد چون می داند اگر به آن گوش ندهد، چوبش را می خورد. حال ما هم وقتی امر و نهی الهی را بدون اعمال نظر شخصی بگوییم مطمئن هستیم که انسان به خودی خود به دنبالش خواهد آمد.

و این نگاه در برنامه سازی دینی امروز در رسانه ها یعنی نوآوری؟

شاید. من خیلی نمی دانم. این دقت و ملاحظه حرفه ای در کار ابلاغ یک پیام است و در مسیر این ابلاغ اگر فرد مراقبت این را بکند که حساب حقیقی و حقوقی اش را از هم جدا کند، موفق خواهد بود.

این مطلب درست اما ظاهر هم

مهم است. یعنی برنامه ای که در

کنار باطن خوب، ظاهر موجهی هم داشته باشد. درست است؟

به نظرم در یک برنامه تلویزیونی همه عناصر پیدا و ناپیدا در به اصطلاح گرفتن آن برنامه موثر هستند. از اینکه کسی مثل سید مرتضی آوینی با وضو پشت دوربین باشد یا نباشد تا اینکه من قبل از برنامه یک گناه هم کرده باشم و بعد به اجرا آمده باشم. اما حتی لباس و ژست مجری و... هم در این موضوع مهم و قابل تامل هستند. خود من البته کارگردانی ویژه تلویزیونی را

هم باید اضافه کنم که برای تجربه ساخت «این شبها» نشان داد که چه اندازه بودنش مهم است و نبودنش یعنی چه.

تلویزیون امروز با نگاه خود به برنامه سازی دینی که در برخی از سریال ها هم رگه هایی از آن وارد شده است حرمت یک سری

مقولات مخفی و ویژه را شکسته است.

کلمه عرفان و عشق حرمتی دارد که به ما اجازه نمی دهد به همین صورت از

تلویزیون امروز
با نگاه خود به
برنامه سازی
دینی که در برخی
از سریال ها هم
رگه هایی از آن
وارد شده است
حرمت یک سری
مقولات مخفی و
ویژه را شکسته
است



چالش‌ها و آسیب‌های نمایش‌های مذهبی در گفتگو با محمود فرهنگ کارگردان و رئیس کانون نمایش‌های دینی کشور

۳۲ سال کوتاهی در تولید آثار فاخر دینی

امین‌خرمی

تولید و اجرای نمایش‌های مذهبی و دینی و در کشور همواره یکی از دغدغه‌های مسئولان فرهنگی کشور بوده است و حمایت از نمایش‌های دینی و مذهبی یکی از مهمترین شعارهای تمامی مسئولان فرهنگی در کشور. اما متأسفانه به دلیل نگاه صرفاً تبلیغی و نه کاربردی به این نمایش‌ها شاهد اجرای محدود و محدود این آثار در برخی از مناسبت‌های خاص مانند ماه محرم، صفر و ماه مبارک رمضان بوده‌ایم و اغلب این اجراها در همان زمان‌های خاص برای مخاطب به روی صحنه می‌روند و همین عدم وجود اجرای مستمر این آثار سبب شده که نمایش‌های مذهبی در جریان سازی فرهنگی در کشور بر خلاف شعار مسئولان از کمترین جایگاهی برخوردار باشند و حتی اقبال هنرمندان به تولید این آثار نیز در کمترین شاخصه خود قرار گیرد. برای بررسی دلایل این آسیب‌ها و چالش‌های پیرامون تولید و اجرای مستمر نمایش‌های مذهبی با محمود فرهنگ، کارگردان شناخته شده عرصه تئاتر مذهبی، کارگردان نمایش‌های «خورشید کاروان»، «هلال ماه»، «اذان صبح» و ... همچنین مدیر کانون نمایش‌های دینی کشور به گفتگو پرداختیم.



با این وجود ما امروزه در منشور تئاتر دینی در دفتر کانون نمایش‌های مذهبی و دینی کشور و نیز در سال گذشته و طی برگزاری جشنواره تئاتر «صاحب‌دلان» (تئاتر حقیقت) سعی کردیم به تعریفی جامع از نمایش مذهبی برسیم.

این راهم فراموش نکنیم که در هر دوره‌ای، هر مدیری به نوبه خود از یک سری نمایش‌های دینی حمایت کرده است که بیشتر این آثار هم به سمت و سوی کارهای عاشورایی تمایل بیشتری داشته‌اند.

خب مشخص است که این نوع نمایش‌ها جز در روزها و ماه‌های خاص در مابقی زمان‌ها قابل اجرا نیستند و این مسأله‌ای طبیعی است که به آن‌ها لفظ نمایش‌های مناسبی اطلاق شود.

جناب فرهنگ نمایش مذهبی از دیدگاه شما چه تعریفی دارد؟ چرا ما به این گونه نمایشی اغلب در کشور مان‌پسوند «مناسبتی»



اطلاق می‌کنیم؟

اگر ما در این ۳۲ سال بخواهیم نمایش مذهبی و دینی را بررسی کنیم شاهدیم که گاهی اوقات برخی آثار با موضوع دفاع مقدس، جزء آثار مذهبی به حساب آمدند و گاهی اوقات اجرای یک کار تاریخی به عنوان یک نمایش مذهبی مطرح شده است و همچنین گاهی اوقات موضوعات تاریخی معاصر که در امروز ما اتفاق افتاده توانسته با محوریت متنی مذهبی به روی صحنه برود.

■ حاشیه ■

نمایش مذهبی تافته جدا بافته نیست

اگر یک کار خوب و قوی دینی در کشور تولید شود برای اجرای عمومی جای خود را پیدا می‌کند و هدف ما هم این نیست که بگوییم نمایش مذهبی یک تافته جدا بافته است. به نظر می‌رسد برای زنده ماندن نمایش ایرانی باید استمرار آن در بستر تئاتر صورت گیرد، نمایش دینی هم باید در جای خودش و در دل تئاتر اتفاق بیافتد. اگر یک نمایش دینی تولید شود و کیفیت خوبی داشته باشد در هر سالن متقاضی باید به اجرای عمومی رود اما اختصاص یک سالن به اجرای آثار مذهبی هم پیشنهاد خوبی است.

نباید فراموش کنیم که خیلی‌ها بر این باورند که نمایش‌های سنتی و ایرانی ما اگر فراموش شوند در حقیقت ما نمایش ملی خود را فراموش کرده‌ایم و به همین جهت است که سالن سنگلج به اجرای نمایش‌های سنتی و ایرانی اختصاص پیدا کرده است. از طرف دیگر خیلی از نمایش‌های مذهبی ما که در جشنواره‌ها اجرا می‌شوند از شهرستان‌ها هستند و باید در استان خود به اجرای عمومی روند. تلاش مسئولان باید حمایت همه جانبه از نمایش‌های شهرستانی باشد، چرا که اغلب آثار شهرستانی به نمایش‌های دو یا سه روزه تبدیل شده‌اند که می‌آیند و در تهران و در فلان جشنواره اجرای خود را برگزار می‌کنند و می‌روند اما اگر همان گروه بدانند که در شهرستان و استان خود می‌تواند با حمایت مالی به اجرای عمومی بپردازد شروع می‌کند به مخاطب‌یابی برای نمایش خود و با این کار شاهد اجرای مستمر آثار مذهبی در سراسر کشور خواهیم بود و چراغ تئاتر در شهرستان‌ها روشن می‌شود، هنرمند شهرستانی برای کار به تهران کوچ نمی‌کند و از تجمع امکانات در پایتخت نیز جلوگیری به عمل می‌آید.



در هر ماه از سال که به اجرای عمومی رفت توانست مخاطب خاص خود را داشته باشد و حتی آثاری که طی سال گذشته در این جشنواره در سالن‌های مختلف تئاتر شهر به اجرا رفتند نیز از این قاعده مستثنی نبودند و به صورت اختصاصی به یک اتفاق مذهبی خاص مربوط نمی‌شدند.

من معتقدم اگر این شکل نگاه که اتفاق افتاده به صورت جدی از سوی مسئولان پیگیری شود و به صورت یک جریان اجرایی پایه گذاری شود دیگر آن نگاه مناسبتی موجود به آثار مذهبی در کشور از بین خواهد رفت؛ البته نباید فراموش کنیم که در این بین استثنائاتی نیز وجود دارد؛ مثلاً وقتی به برخی از شخصیت‌ها مانند حضرت زینب سلام الله علیها می‌پردازید ناگزیرید که آن نمایش را در ایام خاص خودش به روی صحنه ببرید تا بتوانید بیشترین انتقال مفهومی را در قالب زبان نمایش برای مخاطبان خود داشته باشید.

همچنین در کنار این آثار، جشنواره‌هایی مانند «تئاتر رضوی»، «تئاتر عاشورایی» و نظایر آن نیز وجود داشتند که به تولیدات و اجرای آثار مناسبتی در زمان و موعد مشخص می‌پرداختند که با طراحی و تجمیع آن جشنواره‌ها در قالب جشنواره تئاتر «صاحب‌الدان» (حقیقت) از سال گذشته بنا بر این گذاشته شده است که بیشتر شاهد تولید نمایش‌هایی باشیم که فارغ از اجرا در زمان و موعد مقرر قابلیت اجرا در طول سال و هر زمانی را داشته باشند.

اما از جمیع این گفته‌ها می‌شود نتیجه گرفت آنطور که طی این سال‌ها مشخص بوده حرکت جدی برای تولید مستمر نمایش‌های مذهبی تا به امروز در کشور وجود نداشته است؛

■ اما هنوز جواب سوال اولم را نگرفته‌ام، تئاتر دینی از منظر شما چه تعریفی دارد؟

خیلی‌ها اعتقاد دارند که بنیاد تئاتر از ابتدای شروعش از خواستگاهی دینی بوده، مساله بعدی و مهم‌تر اینکه مادر کشوری زندگی می‌کنیم که یک سری از الویت‌ها برای تولیدات فرهنگی خود داریم.

به عنوان مثال قرآن به عنوان کتاب آسمانی ما

■ دلیل این لزوم را درک نمی‌کنیم؟

تا به حال کمتر پیش آمده که کسی درباره جمیع موضوعات مربوط به یکی از چهره‌های بزرگ اسلامی و ائمه معصومین علیه السلام کار کرده باشد و اغلب کارهای تولید شده نیز به بخش سوگ و حزن آن بزرگواران مربوط می‌شده که این بخش برای اجرا در بهترین حالت نتیجه گیری زمانی موفق می‌شود که در همان مناسب‌های سوگ و عزاداری ائمه علیه السلام به روی صحنه برود. تنها در شرایطی می‌توانیم به اجرای نمایش‌های مذهبی بدون توجه به زمان‌های مناسبتی خاص بپردازیم که جمیع آثار تولید شده به تمامی جوانب و مراحل زندگی آن بزرگواران پرداخته باشند و تنها به این شرط است که آن آثار در هر زمانی می‌توانند به اجرای عمومی در آیند.

به عنوان مثال نمایشی را دو سال پیش موسسه فرهنگی و هنری فدک تولید کرد به نام «پنجره فولاد» که این کار با توجه به تم رضوی خود بعد از جشنواره تئاتر رضوی به مدت ۶۰ الی ۷۰ شب برای مخاطبان به اجرای عمومی رفت، چرا که موضوع و محوریت آن با نگاهی جامع به فرهنگ رضوی پرداخته بود و مختص شهادت امام رضا علیه السلام نبود، به همین جهت در هر زمانی می‌توانست به اجرای عمومی رود. خوب ما شاهد تولید اینگونه نمایش‌ها هم در کشور هستیم اما آن نگاه انتخابی باعث شده که اینگونه قلمداد شود که هر کار مذهبی که تولید می‌شود تنها برای اجرا در ایام خاصی است.

■ آیا کاری برای تغییر این نگاه ایجاد شده صورت گرفته است؟

بله! مطمئناً. مهم‌ترین کار طراحی جشنواره «حقیقت» بود که سال گذشته به اجرا درآمد که طی آن ۲۰ اثر مختلف نمایشی با دورنمای مذهبی در سراسر کشور طی فاصله زمانی اواخر آذر ماه تا اسفندماه سال گذشته به اجرای عمومی رفتند.

هیچکدام از این آثار به مناسبت خاص مذهبی به روی صحنه نرفتند و انتخاب‌ها به گونه‌ای صورت گرفت که هیچکدام از این آثار به مناسبت خاصی مربوط نباشند و این نمایش‌ها

در شرایطی می‌توانیم به اجرای نمایش‌های مذهبی بدون توجه به زمان‌های مناسبتی بپردازیم که جمیع آثار تولید شده به تمامی جوانب و مراحل زندگی آن بزرگواران پرداخته باشند

مسلمانان یکی از مهم ترین گنجینه های معارف اسلامی است که می توان با دستمایه قرار دادن موضوعات و مفاهیم آن دست به تولید آثار نمایشی زد که بتوانیم با استفاده از قالب نمایش برای تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی در کشور تلاش کنیم.

بی شک هر اثری که منبعث از خود قرآن، آیه های شریفه آن و داستان پیامبران قرآنی باشد شکل دهنده نوعی نمایش به نام نمایش دینی است.

اینکه ما فکر کنیم که از صدر تا ذیل یک نمایش باید تابع مبانی دینی باشد تا نام آن را اثر دینی بگذاریم اشتباه است. به عنوان نمونه ما می توانیم یک آیه از قرآن را انتخاب کنیم که در آن داستانی نقل نشده باشد اما مفهوم

موجود در آن، مفهومی راهگشا و انسا ساز باشد، وقتی یک نمایش آن مفهوم را دستمایه تولید خود

و قصه اش قرار می دهد بی شک آن اثر یک نمایش دینی است.

با این حساب وقتی کسی بخواهد روی مفاهیم قرآنی کار کند جای بسیاری برای انواع تولیدات پیشاروی او گسترده خواهد شد.

مبحث بعدی پرداختن به پیامبران قرآنی است که حالت جهانی دارد و می تواند دستمایه تولید آثار با محوریت مخاطب جهانی قرار بگیرد و مورد دیگر داستان خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که بیشتر به کار ما به عنوان مسلمانان هنرمند می آید.

همچنین مباحث دیگر مانند موضوعات علوی، رضوی، عاشورایی، مهدوی شخصیت های تاثیر گذار در صدر اسلام تا دوران معاصر، همه و همه از مفاهیم دینی هستند که با

پرداختن به
پیامبران قرآنی
حالت جهانی
دارد و می تواند
دستمایه تولید
آثار برای
مخاطب جهانی
قرار بگیرد
و داستان خود
پیامبر بیشتر به
کار ما می آید

تولید آن ها در قالب اثر نمایشی ما یک نمایش دینی تولید کرده ایم و در تعریف نمایش دینی جای می گیرند. همه این ها منابع بسیار وسیعی در اختیار هنرمندانی قرار می دهند که قصد تولید نمایش های دینی را دارند.

■ به نکته خوبی اشاره کردید! جناب فرهنگ گفتید این ها منابعی است که در اختیار هنرمندانی قرار می گیرند که قصد تولید آثار دینی را دارند.

از طرفی طبق فرمایش شما شاهد اجرای بی سابقه یک نمایش به نام «خورشید کاروان» هستیم که ۲۱ سال است بی وقفه اجرا می شود که موضوع آن عاشورا است و از طرف دیگر موضوعات بسیار وسیعی نیز وجود دارند که فارغ از مساله عاشورا اما در حیطه مبانی دینی ما قرار گرفته اند ولی اقبالی از سوی هنرمندان و قصدی از جانب آن ها برای تولید آن آثار دیده نمی شود.

آیا این میل و استقبال در بین هنرمندان جهت تولید آثار مذهبی با موضوعات متنوع

هیچ کس نمی تواند
بگوید مخاطبی که
به دیدن نمایش های
تئاتر شهر می رود با
مخاطبی که به دیدن
نمایش مذهبی در
سالن اریکه ایرانیان
برای نمایش «خورشید
کاروان» می رود با
یکدیگر تفاوت دارند



اینکه ما فکر
کنیم که از
صدر تا ذیل یک
نمایش باید
تابع مبانی دینی
باشد تا نام
آن را اثر دینی
بگذاریم اشتباه
است



من از کسانی که این گفته ها را مطرح می کنند که نمایشی مانند «خورشید کاروان» مخاطب خود را با خود می آورد و یا مخاطبان این نمایش ها از کارمندان وزار تخانه ای هستند و نه تماشاگران عادی، این است که مگر اصل و اساس اجرای یک تئاتر بر حضور مخاطب استوار نیست؟ حالا که ما داریم مخاطب را به سالن می کشانیم و طی ۲۱ سال تمام اجراهای ما در تمام سالن های سطح

می رود با یکدیگر تفاوت دارند. هر دوی آن ها از مردام و همشهریان همین پایتخت و از انسان هایی هستند که در کشور ایران زندگی می کنند؛ همچنین نباید فراموش کنیم که مخاطبی که به دیدن یک اثر نمایشی می رود حتما دلیلی برای انتخاب آن اثر در ذهن دارد و در آن نمایش یک جاذبه و یک حس زیبایی شناختی وجود دارد که او را به سالن نمایش می کشاند. سوال

در این نکته شکی وجود ندارد که به هر حال وقتی یک اثر نمایشی تولید می شود گروه دوست دارد که سالن نمایش او با حضور مخاطب پر و گرم باشد. به نظر من هیچ کس نمی تواند بگوید که آن مخاطبی که به دیدن نمایش های تئاتر شهر می رود با آن مخاطبی که به دیدن نمایش مذهبی در تالار وحدت، تالار وزارت کشور و یا سالن اریکه ایرانیان برای دیدن نمایش «خورشید کاروان»

خارج از متن

در تبلیغات تمام سعی
خود را به کار می پریم



مادر حال ایجاد بستر حمایتی جهت تولید آثار مذهبی به صورت مستمر در کشور هستیم

بتوانند با اتکال به این نوع حمایت، تلاش و جدیتشان را برای تولید آثار مذهبی در کشور توسعه دهند.

■ با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی آیا به وجود آمدن اقبال جهت تولید آثار مذهبی در سال ۱۳۹۰ در بین جمیع هنرمندان کمی دیر نیست؟ این صحبت شما را هم قبول دارم که ما در طی این ۳۲ سال غفلت کرده ایم! طی این مدت باید سالی چندین نمایش فاخر تولید و اجرا می کردیم.

اما بهتر است شما نظری هم به این نکته داشته باشید که در سال های گذشته آثار فاخری نیز در زمینه تولیدات نمایش های دینی در کشور در مورد حضرت زینب سلام الله علیه، ام البنین علیهما السلام و... صورت گرفته است و طی یکی، دو سال گذشته تمایل برای تولید آثار

و یا اقبال آن ها را به تولید این دست از آثار کم می کند.

وقتی ما شاهد توجه جدی مسئولان در موضوع نمایش های اجتماعی، سنتی، تخته حوضی و... هستیم باید از آن سو هم به همین میزان شاهد توجه مسئولان به تولید آثار مذهبی در کشور نیز باشیم. وقتی از سال ۱۳۶۰ تا به امروز نگاه می کنیم متوجه می شویم که تنها ۱۷۰ اثر نمایشی با محوریت موضوعات مذهبی در کشور تولید شده اما طی سال گذشته و با برگزاری جشنواره تئاتر «حقیقت» شاهد تولید و اجرای ۳۰ اثر نمایش مذهبی در طول یک سال بودیم که افزایش چشمگیری است.

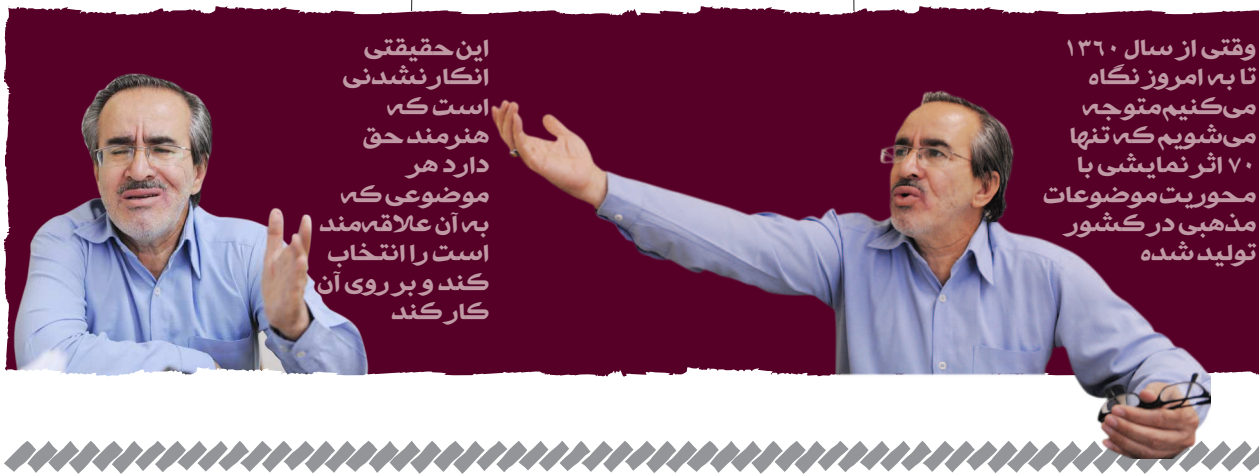
این یعنی اینکه ما در حال ایجاد بستر حمایتی جهت تولید آثار مذهبی به صورت مستمر در کشور هستیم تا هنرمندان

وجود ندارد و یا به دلیل پژوهش فکری موجود در جامعه هنری است که کمتر کارگردانان مایلی به تولید آثار مذهبی از خود نشان می دهند؟

به هر حال این حقیقتی انکار نشدنی است که هنرمند حق دارد هر موضوعی که به آن علاقه مند است را انتخاب کند و بر روی آن کار کند و کسی نمی تواند هنرمند را مجبور کند که روی یک موضوع به خصوص برای تولید یک اثر هنری کار کند! اما وقتی به ۳۲۰ تقاضا برای تولید آثار مذهبی جهت شرکت در جشنواره تئاتر «حقیقت» مواجه می شویم متوجه می شویم که میل به تولید آثار مذهبی در بین هنرمندان ما به خصوص در شهرستان ها کم نیست.

اما چرا اقبال در پایتخت به مراتب کمتر از شهرستان ها است به نکات متفاوتی باز می گردد. برنامه ریزی، استراتژی، آینده نگری و حمایت جدی مسئولان از هنرمندان سراسر کشور مهم ترین نکاتی است که هنرمندان را به تولید آثار مذهبی سوق می دهد

وقتی شاهد توجه جدی مسئولان در موضوع نمایش های اجتماعی، سنتی، تخته حوضی هستیم باید به همین میزان شاهد توجه مسئولان به تولید آثار مذهبی نیز باشیم



این حقیقتی انکار نشدنی است که هنرمند حق دارد هر موضوعی که به آن علاقه مند است را انتخاب کند و بر روی آن کار کند

وقتی از سال ۱۳۶۰ تا به امروز نگاه می کنیم متوجه می شویم که تنها ۱۷۰ اثر نمایشی با محوریت موضوعات مذهبی در کشور تولید شده

اتفاق می افتد. مانند آثار نمایشی که در فرهنگسراها اجرا می شوند؛ سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به آن گروه ها می گوید نحوه کمک من به شما اینگونه است که من مثلاً مبلغ پنج میلیون تومان از بلیت ها شمارا می خرم و آنرا در اختیار پرسنل خود قرار می دهم، با آن کار هم هزینه تولید آن نمایش تامین می شود و هم سالن اجرای آن اثر خالی از مخاطب نیست.

آن نهادها قرار دهد تا آن مراکز جهت ارتقای سطح فرهنگی کارمندان خود آن ها را به دیدن این نمایش ها بیاورند آیا ما کار اشتباهی انجام داده ایم و راه به خطا رفته ایم؟ نکته بعد هم این است که این شکل از بازاریابی تنها در مورد نمایش های مذهبی موسسات غیردولتی شکل نمی گیرد بلکه در مورد نمونه های دیگری از نمایش ها که حتی بن مایه مذهبی نیز ندارند

آن سالن با بلیت های وزارتخانه ای و با تخفیف پر می شود یا با بلیت های گیشه ای چه تفاوتی می کند. وقتی گروهی می خواهد نمایشی را به روی صحنه ببرد اما مرکز هنرهای نمایشی از آن گروه حمایت نمی کند و آن گروه با رایزنی با وزارتخانه ها و تلاش برای جذب حمایت فرهنگی آن ها اقدام به جذب سرمایه با این شرط می کند که تعدادی از بلیت هایش را در اختیار

کشور مملو از مخاطب بوده، پس چرا نگرانید؟ وقتی یک گروه نمایشی برای جذب مخاطب برای خود برنامه ریزی دارد و توفیق او در این مساله مشخص است چرا باید این نکته موجب ناراحتی دیگران را فراهم کند؟ مادر کار روابط عمومی و تبلیغات یک نمایش تمام سعی خود را به بهترین شکل به کار می بریم و خدا را شکر نتیجه تلاشمان را می بینیم. حال اینکه



فاخر مذهبی در کشور رشد چشمگیری نیز داشته است.

هر چند که برخی از این آثار به دلیل تعداد بازیگران، و نیاز برای موسیقی، متن، سالن و اجرای فاخر به پول و سرمایه عظیمی احتیاج داشته‌اند که معمولاً در سال‌های گذشته مسئولان کمتر حاضر به خرج منابع برای تولید اینگونه آثار فاخر با مخارج سنگینشان بوده‌اند! اما امروز این بستر تقریباً در حال آماده شدن است و در آینده شاهد رشد تولیدات مذهبی فاخر در قالب هنرهای نمایشی خواهیم بود.

به عنوان نمونه نمایش «خورشید کاروان» بعد از ۱۷ سال اجرا در داخل کشور هدفش این بود که یک اثر نمایشی با محوریت امام حسین علیه السلام را خارج از مرزها و برای اروپاییان نیز به اجرا در آورد و خوشبختانه طی سه سال گذشته این نمایش به هلند، انگلستان و دبی سفر کرد و توانست داشته‌های نمایش مذهبی کشور را با مخاطبان جهانی خود نیز تقسیم کند.

■ پس به اعتقاد شما روابط عمومی در تئاتر و جذب سرمایه از ارگان‌های دولتی برای اجرای نمایش یک هنر است و منتقدان این شیوه نقدشان از اساس اشتباه است؟

بله! کاملاً! به نظر من کسانی که این حرف را مطرح می‌کنند که فلان نمایش مذهبی تماشاگر خود را با خود می‌آورد، می‌خواهند ضعف خود را در جذب مخاطب بیوشانند و دقیقاً آن‌ها افرادی هستند که برنامه‌ای جهت جذب و تبلیغات نمایش خود ندارند.

من همواره برای نمایش‌های خودم و یا آثاری که در آن‌ها به عنوان مدیر روابط عمومی آن‌ها انجام وظیفه می‌کنم همیشه از دو ماه قبل از اجرای عمومی با یک تیم ویژه و خبره به بازاربایی جهت جذب مخاطب آن اثر می‌پردازم و همواره نیز در این کار به لطف خدا موفق بوده‌ام. اگر شما فاخرترین اثر نمایشی را بر روی صحنه تئاتر اجرا کنید اما آن کار مخاطب نداشته باشد کار شما کاملاً بیهوده بوده است. حالا وقتی

یک گروه با تمام تلاش خود مخاطب به سالن نمایشی می‌آورد ما باید به آن‌ها بگوییم که کار شما اشتباه است و به مخاطبان تان بگویید که نیایند؟

■ مساله بعدی که در زمینه

آثار مذهبی به چشم می‌آید نبود و یا کمبود کار خلاقانه در نگارش و اجرای آن آثار است. ما همواره شاهد اقبال مخاطب به هر نحو از این آثار بوده‌ایم اما کلیت این نمایش‌ها از ضعف خلاقانه در ارائه اثر به مخاطب رنج می‌برند آیا این به قدسی بودن مفاهیم دخیل در اثر نمایشی باز می‌گردد که کارگردان اجازه ورود خلاقیت و نوآوری را در کار نمی‌دهد و یا ضعف در بین سطح دانش کارگردانان ما وجود دارد که به سمت نوآوری و نگاه خلاقانه در تولید آثار مذهبی

کسانی که این حرف را مطرح می‌کنند که فلان نمایش مذهبی تماشاگر خود را با خود می‌آورد، می‌خواهند ضعف خود را در جذب مخاطب بیوشانند

نمی‌روند؟

بینید گاهی اوقات ما روی مفاهیمی مانند مفاهیم قرآنی کار می‌کنیم که پدیده‌هایی عمومی هستند، به عنوان مثال در قرآن آمده است که دروغ نگوئید، تهمت نزنید، به پدر و مادر خود نیکی کنید و... که این دست از مفاهیم می‌تواند در قالب هر اثر نمایشی با این تم روایت شود و در این گونه آثار دست نویسند و کارگردان برای هر نوع خلاقیتی باز است اما زمانی به روایت زندگی یکی از ائمه و یا معصومین علیهم السلام در قالب اثر نمایشی می‌پردازیم که واضح است جز آن منابع و دانسته‌هایی که در اختیار داریم نمی‌توانیم به وارد کردن داستان‌هایی خیالی اقدام کنیم.

اما اینجا هم باز به ظرایف و ذوق هنری نویسند و کارگردان مربوط می‌شود که از چه زاویه‌ای به نگارش و ارائه یک اثر مذهبی اقدام کنند تا خارج از عرف و کلیشه‌های امروز باشد و در عین حال به اصل موضوع نیز وفادار باشد.



محمد علی خبری؛ عضو شورای پژوهش هنر فرهنگستان هنر



هنرمندان ماهیت تئاتر دینی را کمتر درک کرده‌اند

محمد علی خبری



هنر و کلیه شاخه‌های آن مانند تئاتر هدیه‌ای آسمانی از سوی خداوند است و به همین دلیل باید به این هدیه الهی احترام گذاشت و اجازه رشد از ادانه به آن داد چرا که هنر و خلاقیت هم‌زادش هیچگاه با چهار چوبه‌ای از پیش تعیین شده همخوانی ندارد که اگر اینگونه بود دیگر خلاقیت با خلق آنی و ناب از سوی هنرمند متراصف نبود.

هنر، به‌ویژه هنر تئاتر با روح و روان آدمی در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد و می‌تواند انسان را به سوی خالقش هدایت کند. مفهوم و معنی ذاتی هنر تئاتر را در یک جمله می‌توان بیان کرد و آن اینکه تئاتر مولود ماورایی والهی خالق خود است زیرا هنر تئاتر هرگز نمی‌تواند در حکم وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شخصی یک فرد و یا گروه خاصی تعبیر شود. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که کسی باید یک اثر هنری مذهبی به صحنه ببرد که پیش از هر چیز سواد آن کار را دارا باشد و به آن اشراف داشته باشد.

اگر تفاوت میان قرائت قرآن توسط یک قاری با تئاتر قرآنی درک نشود، نتیجه این می‌شود که هیچ کدام به نتیجه درستی نرسیده و همگی مخاطب خود

را فراری می‌دهند و به نتیجه‌ای وارونه دست پیدا می‌کنند. اگر نمایش «در مصر برف نمی‌بارد» که یک اقتباس موفق از روایت داستان حضرت یوسف علیه السلام، قرآن بود و یا فیلم مذهبی «روز واقعه» اثری ماندگار در تاریخ سینما، محسوب می‌شود تنها به این دلیل است که مولفانشان، ماهیت هنر دینی را شناخته و به آن تفاوت‌های عظیم که اشاره کردم واقف بودند. خلاقیت ضامن بقاء و ماندگاری آثار هنری در طول تاریخ خواهد شد و این خلاقیت چیزی است که با هیچ دستور و سفارش اجباری نمی‌توان آن را پیدا آورد.

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که تئاتر دینی مردمی‌ترین گونه تئاتر است که با آن می‌شود مردم را با نمایش هم‌دل و همراه کرد. اگر متولیان و هنرمندان تئاتر، نکته سنج باشند و از نمونه‌هایی مانند جشنواره‌های تئاتر مذهبی به عنوان امکانی برای روبه‌رو شدن با مردم استفاده کنند، قطعاً به نتایج خوبی دست خواهیم یافت. تئاتر دینی، مردمی‌ترین تئاتر است و با بررسی تاریخ تئاتر می‌بینیم این نکته در فرهنگ باستان هم وجود داشته، اگر مانیز به سمت این نکته برویم خواهیم دید هم‌دلی و همراهی مردم بیشتر و بیشتر هم خواهد شد.

تولید آثار بزرگ و فاخر در زمینه تئاتر عاشورایی باعث ماندگاری و فراگیری هنر دینی می‌شود. بنابراین باید در جهت ارتقای کیفی و اعتلای هنر و تئاتر دینی سرمایه‌گذاری‌های مادی و تلاش‌های موثرتری صورت گیرد. همچنین مسئولان باید بکوشند تا هنرمندان صاحب‌نام و تئاتری‌های با سابقه نیز در این حوزه وارد شوند تا شاهد حضور چشمگیرتری از مردم در مواجهه با آثار مذهبی به‌رو و صحنه‌رفته باشیم. پیش‌فرض‌ها باعث می‌شود متخصصان از دیدن نمایش‌های مذهبی سرباز زنند و پیشاپیش درباره آن‌ها قضاوت کنند. همین پیش‌فرض‌ها نیز باعث می‌شود استقبال از نمایش‌های مذهبی کمتر شود. این مسئولان تئاتر هستند که در ایجاد این پیش‌فرض مقصرند، به طوری که این شرایط باعث دلسردی عده‌ای شده است که در این حوزه فعالیت می‌کنند. کسی که ابزار کارش را به خوبی می‌شناسد از آن درست استفاده خواهد کرد. در واقع هنرمند به جای آن که به سراغ یک ماجرای عشقی برود به سراغ یک ماجرای دینی می‌رود اما این که اثر اجرا شده تاجه حد از لحاظ ساختاری در ست و کامل است فقط در صورتی نمایان می‌شود که اثر، به صورت کارشناسی مشاهده و تحلیل شود.

چند دقیقه همنشینی با احد ده بزرگی

تنها شعر بر من غلبه کرد

سمیرا شاه قلی



پیر مرد را همه برو بچه های عاشق شعر می شناسند، همانی که بالهجه شیرین شیرازی به قول خودش برای آقاایش شعر می خواند، همانی که هر ساله در موطنش شیراز کنگره شب های شعر عاشورا را علم می کند و شیفتگان شعر عاشورایی را از سراسر کشور به آن می کشاند. خودش می گفت در سال ۱۳۲۸ در شیراز و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده است، حتی اگر تا به حال ندیده باشی اش از گرما و عطر صدایش نشانی از شیراز را حس می کنی.

«منزل ما زیر گلدسته علی بن حمزه در شیراز بود در سن ۶ سالگی ماه محرم طبق (حجله) کوچکی ساختم و با یکی از دوستانم فانوسی که چراغ



خانه مان بود را در آن گذاشته و در کوچه هادسته عزاداری راه انداختیم، آن زمان تنها کاری که بلد بودیم بخوانیم همان حسین مظلوم بود، پس از طی مسافتی برخی از بچه ها که شیطان تر بودند خواستند من نوحه دیگری بخوانم اما من بلد نبودم و سر همین موضوع درگیری پیش آمد و کتک مفصلی به من زدند، طبق هم شکست و فانوس خاموش شد در آن حال کودکی من به شدت گریه می کردم تا اینکه مجدد با دوستانم طبق شکسته را بردوش گذاشتم و به راه افتادم همان موقع با دیدن طبق شکسته حزنی در من ایجاد شد و من بی اراده خواندم «گهواره خالی، قنداقه خونین، لائی لائی» این نوحه ای شد که من برای اولین بار سرودم و بعد مداحان بسیاری روز عاشورا آن را خواندند به عبارتی در دوران کودکی حضور در هیأت های مذهبی موجب شد موهبت سرایش شعر آیینی به من عطا شود.»

«احد ده بزرگی» پدر کنگره شب های شعر شیراز است. شاعری که بارها سروده هایش را در قالب نوحه و غزل شنیده ایم و گاهی هم با خود زمزمه کرده ایم، ده بزرگی از شاعران پرکاری است که در رباعی و دو بیتی دستی توانا دارد، قصیده را خوب می بسراید، غزلیات توانمندی دارد، در شعر کودک نیز وارد شده، سخنش راحت و از

پیچیدگی شعری به دور است. شاعر «شروه های عاشورا» این روزها ترجیح می دهد در زادگاهش شیراز فعالیت هایی را که به قول خودش دلش را به آن ها خوش کرده است، ادامه دهد. ده بزرگی شعر را که عمرش را با آن گذرانده و جزئی از وجودش است تنها انیس و مونس نام می برد که برایش باقی مانده است: «من بیشتر فرزند دل بوده ام و تلاش کردم از دل خود استفاده کنم، البته مولوی، سعدی حافظ و نظامی را همواره به عنوان استادانم قبول داشته ام اما تلاش نکردم تحت اشعار شاعری خاص شعر عاشورایی بگویم». احد ده بزرگی سال های نوجوانی را در انجمن ادبی حافظ که سال های پیش از انقلاب به صورت مخفیانه فعالیت می کرد، همراه با مرحوم حاجتی سپری کرد، در این انجمن با زبیر بنی شعر و شاعری آشنا شد و استعدادش را رشد داد. ده بزرگی در این رابطه می گوید: یک نگاه کامل و جامع ولی اگر داشته باشیم متوجه می شویم قبل از انقلاب و بعد از انقلاب کارهای متعددی در زمینه ادبیات انجام شد، اما در زمینه اهل بیت علیهم السلام فعالیت شایان توجهی وجود نداشت، ۲۲ سال پیش، من و خسرو آقایی به حاج حسین فرهنگ، رئیس چاپخانه فرهنگ شیراز پیشنهاد دادیم که برای یک گرهمایی سراسری شعر تحت عنوان شب شعر عاشورا بانی شود، آن شادروان نیز پذیرفت و پرچم شب های شعر عاشورا بالا رفت. پس از وفات آن مرحوم که از ارادتمندان حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود و پیش از مرگ نیز ثلث مالش را وقف امام حسین علیه السلام کرد، پسرش

حاج عبدالحسین فرهنگ این سنت را ادامه داد. از همان سال های ابتدایی کار، این حرکت عمیق با اقبال و استقبال عمومی روبه رو شد. پس از انقلاب البته برای مدتی انجمن ادبی حافظ هم تعطیل شد، اما من مجدد این انجمن را راه اندازی کردم که به صورت انجمن ادبی شاعران انقلاب اسلامی و به صورت گسترده تر توسعه یافت.

پیرمرد که این روزها ۶۲ سالگی را سپری می کند هنوز جوان است و خوش ذوق برای کارهای نو، هنوز هم شعر می گوید و دیگران را با دنیایش محسوس می کند، هنوز از تکاپو نیافتاده و با بودن در میان جوانان، این عاشقان اهل بیت علیهم السلام شور و نشاط جوانی را در خود زنده می کند. از این روز هایش که می پرسیم، می گوید: از این کار خسته نمی شوم، اکنون نماینده بنیاد دعبل خزاعی در استان فارس هستم که زیر نظر رهبری اداره می شود، مسئولیت خانه شاعران و مداحان در حرم حضرت شاه چراغ علیه السلام و رسیدگی به فعالیت های کنگره شب های شعر عاشورایی فعالیت های روزانه من را به خود اختصاص می دهند، بخشی را نیز به مطالعه در حوزه ادبیات، تاریخ اسلام و مقاتل می گذارم هم اینک نیز کتاب خصایص الحسین علیه السلام از شیخ جعفر شوشتری در دستم است.

وقتی از او درباره عمل قلب که چندی پیش انجام داد می پرسیم می خندند و می گوید شکر خدا خوبم و هنوز بیماری نتوانسته بر من پیروز شود. تنها شعر بود که در زندگی من توانست بر من غلبه کند.

جوان



آشنایی با کوچه گردان عاشق
گزارشی از جمعیت دانشجویی
امام علی علیه السلام

شب عروسیم رفتم هیئت
معرفی هیئت احباب الحسین
علیه السلام در گفتگو با یکی از
خادمین جوان هیئت

وقتی همه خواب نیستند
پیشنهادهایی برای استفاده
بهتر از مجالسی که در شب‌های
ماه رمضان برگزار می‌شوند

از نیم رخ تاسه دوتگ سه
دوتگ
گفتگو با حسین متولیان، شاعر
و نویسنده جوانی که خیلی از
ترانه‌های او را شنیده‌ایم



آشنایی با جمعیت دانشجویی امام علی علیه السلام

کوچه گردان عاشق

علیرضا بهپور نیا

آسمان و زمین به یاد دارد این فرموده علی علیه السلام را که: «خدا را، خدا را، یتیمان، مبادا گاه سیر و گاه گرسنه بمانند و حقوقشان ضایع گردد...» علی علیه السلام بودن محال است، اما در ماه رمضان و شب‌های ضربت خوردن و شهادت مولا، می‌توان رد پای او را یافت؛ که ره‌دشوار نیست و می‌توان بر سیاهی شب چیره شد. باید چراغ عشق بر گرفت و به زیارت ستاره‌ها رفت، شاید یکی از همین ستاره‌ها در همسایگی تو باشد. شاید در کوچه پس کوچه‌های این شهر کودکی در نبود پدر، باشکم گرسنه سر بر بالین نهاده باشد. صدای قلبت را بشنو، تپش مهر می‌زند، می‌شنوی؟ کوچه‌های این شهر تک‌تک ما را فرامی‌خوانند.

خانوار انجام می‌دهند، این است که به افرادی که از سفر زیارتی مکه بازگشته‌اند رجوع کرده و به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند به جای برگزاری مراسم سنگین و دادن ولیمه، هزینه مورد نظرشان را به زنان سرپرست خانواده بدهند. اسم این طرح را گذاشته‌اند «صفای سعی». به این علت که هاجر، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام برای به دست آوردن آب برای کودک خود آن سعی و تلاش را کرد و هفت بار مسیر بین صفا و مروه را دوید. از طرفی به این گونه زنان کمک فکری و مادی می‌رسانند تا بتوانند خرج زندگی خود را آورند. تکیه اصلی جمعیت روی کارآفرینی این زن‌هاست.

طرح تدریس

دانشجویان عضو جمعیت اولین تجربه‌های کمک‌رسانی خود را با تدریس رقم می‌زنند. چه بسا برخی از جوانان که می‌خواهند در جمعیت حضور فعال داشته باشند، خودشان از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیستند، به همین جهت از وقت و انرژی خود می‌گذارند برای آموزش دادن به بچه‌هایی که به علل مختلف از ادامه تحصیل محروم شده‌اند. جمعیت تا کنون توانسته است برای ۱۳ مورد شناسنامه هم تهیه کند

شناسایی محرومین

بخشی از خانواده‌ها خودشان به جمعیت مراجعه می‌کنند و اعلام نیاز می‌کنند. البته خود گروه هم یک تیم بررسی و تحقیق دارند که به مناطق محروم سر می‌زنند و خانواده‌ها را شناسایی می‌کنند. این کمیته در طول سال با بهره‌گیری از نیروهای آموزش دیده به شناسایی محله‌ها و خانواده‌های فقیر و بررسی نیاز و درجه‌بندی میزان فقر آن‌ها خواهد پرداخت. خانواده‌هایی که در لیست خانواده‌های درجه یک قرار بگیرند خانواده‌هایی هستند که بنا به دلایل مختلف حتی از تامین خوراک و قوت لایموت نیز عاجزند و اغلب کودکان آن‌ها دچار سوء تغذیه شدید هستند. این خانواده‌ها لیست اصلی خانواده‌های تحت پوشش طرح کوچه گردان را تشکیل می‌دهند. اکثر خانواده‌ها بی‌سرپرست و یا بدسرپرست هستند. زنانی که شوهرانشان را از دست داده‌اند و باید خرجی فرزندان‌شان را بدهند و یا مردانشان در زندان هستند یا معتادند و از این دست خانواده‌ها.

صفای سعی

یکی از طرح‌های این جمعیت که برای زنان سرپرست

آنها کیستند؟

جمعیت دانشجویی امام علی علیه السلام اولین جمعیت مستقل غیر سیاسی و اجتماعی دانشجویی ایران است که از سال ۱۳۷۸ آغاز به کار کرده و در سال ۱۳۷۹ اولین دفتر رسمی خود را در دانشگاه صنعتی شریف تأسیس نموده است. این جمعیت از بدو تأسیس، معضلات اجتماعی به ویژه وضعیت کودکان را مد نظر فعالیت خود قرار داده است. این جمعیت یک نهاد کاملاً خودجوش است که عمده فعالیتش در مناطق محروم تهران مثل «خاک سفید»، «دروازه غار»، قزوین، کرج و اطراف ورامین انجام می‌دهد. خانواده‌های مختلف شناسایی شده توسط این گروه، اولین پنجشنبه و جمعه هر ماه، کیسه‌های مواد غذایی دریافت می‌کنند اما حرکت نمادین و بزرگ این جمعیت در شب‌های قدر، یعنی نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان تحت عنوان کوچه گردان عاشق، صورت می‌گیرد. در همان روز هاست که چیزی در حدود چهار هزار کیسه میان خانواده‌های محروم توزیع می‌شود. داخل هر یک از این کیسه‌ها بسته به توانایی مالی جمعیت و میزان مشارکت خیرین و اعضا، گوشت، مرغ، قند و شکر، چای و انواع حبوبات قرار داده می‌شود. تعداد دانشجویان لیست شده به عنوان اعضای اصلی این جمعیت به هشت هزار نفر رسیده است که از سایر دانشگاه‌ها هستند.

این جمعیت یک نهاد کاملاً خودجوش است که عمده فعالیتش در مناطق محروم تهران مثل «خاک سفید»، «دروازه غار»، قزوین، کرج و اطراف ورامین انجام می‌دهد



سوار وانت‌ها می‌کنند و به مناطق مختلف ارسال می‌کنند. کار را تا پیش از سحر به اتمام می‌رسانند چون معتقدند امام علی علیه السلام هم شبانه به خانواده‌های محروم کمک می‌کردند تا آبروی آن‌ها حفظ شود.

عاشق‌ها

کسانی که در این جمعیت فعالیت می‌کنند و به خصوص خیرینی که در فعالیت‌های این گروه هزینه می‌کنند آدم‌های مختلفی هستند. اغلب آن‌ها دانشجو هستند اما آدم‌های ویژه‌ای هم در میان ایشان وجود دارد. مثلاً یک شرکت خانگی را در اختیار آن‌ها قرار داده است تا محلی برای کارآفرینی برای زنان سرپرست خانوار شود. بعضی‌ها به طور عمومی هزینه‌هایی را در اختیار جمعیت امام علی علیه السلام قرار می‌دهند و برخی هم موارد خاصی را برای هزینه کرد پول خود تعیین می‌کنند. یعنی هر کس مبلغی را به حساب آن‌ها واریز می‌کند از طریق پیامک مشخص می‌کند که چه میزان و برای صرف در چه اموری پول واریز کرده است. خیلی‌ها پشت همین پیامک‌ها پنهان شده‌اند و ناشناس مانده‌اند.

کار را تا پیش از سحر به اتمام می‌رسانند چون معتقدند امام علی علیه السلام هم شبانه به خانواده‌های محروم کمک می‌کردند تا آبروی آن‌ها حفظ شود

پس از آزادی دچار روان‌پریشی شده بود که جلسات متعدد روان‌درمانی برای او گذاشتیم تا به حالت نرمال نزدیک شد.

شب‌های قدر

اگرچه فعالیت این جمعیت در طول سال ادامه دارد اما حرکت نمادین و پر سر و صدای آن‌ها مربوط به شب‌های قدر است. در طول سال هر ماه چیزی حدود ۱۱۰ کیسه برای خانواده‌ها ارسال می‌شود به احتساب هر کیسه برای یک خانواده ۴ نفره. اما آمار کیسه‌ها در شب‌های قدر بسیار بالاتر است. برنامه عمومی هم در این ایام برای افرادی که در هزینه‌های جمعیت مشارکت می‌کنند اجرا می‌شود و آن‌ها از نزدیک با فعالیت جمعیت آشنا می‌شوند. یک روز قبل از هر شب قدر، کیسه‌هایی که از قبل مواد غذایی خشک و فاسد نشدنی مثل حبوبات و برنج و... را داخل آن‌ها گذاشته‌اند می‌آورند و سه‌پایه گوشت و مرغ و پنیرشان را هم داخل آن قرار می‌دهند. بعد همه را به فرهنگ‌سرای بهمن می‌برند تا همه اعضا بتوانند بر روند کار نظارت داشته باشند و خیرین ببینند که پولی که می‌دهند چگونه صرف می‌شود. سپس بر اساس لیست‌هایی که از قبل تهیه شده است

تأهویت اجتماعی پیدا کنند. دانشجویان به این بچه‌ها کمک می‌کنند تا به سطح معقولی برسند و بتوانند در کنار هم سن و سال‌های خود به در شان ادامه دهند. هم‌اکنون در منطقه خاک سفید ۳۵ نفر در حال آموزش دیدن هستند. یک خانه علم هم جدیداً در دروازه غار راه‌اندازی کرده‌اند. همین چند هفته پیش هم یک «جشن کارنامه» برگزار کردند و دانشجویانی که کار تدریس انجام می‌دهند با دانش آموزانشان که نمره قبولی گرفتند گرد هم جشن گرفتند.

طرح طفلان مسلم

یکی از شعارهای جمعیت این است که: «ما برای طفلان مسلم دیروز می‌گرییم، اما آیا به طفلان مسلم امروز می‌اندیشیم؟» در این طرح برای آزادی بچه‌هایی که بی‌گناه و ناخواسته به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شده‌اند تلاش می‌کنند. یکی از اعضا درباره آخرین موردی که در قالب این طرح به کانون خانواده‌اش برگردانده‌اند می‌گوید: «اسمش حمید بود. بچه کار بود. با موتور کار می‌کرده که ناگهان با یک زن تصادف می‌کند و زن قطع نخاع می‌شود. برایش ۱۱۲ میلیون تومان دیه تعیین کرده بودند که با تلاش‌های زیاد ما به ۶۲ میلیون تقلیل پیدا کرد. شب قدر سال گذشته هم پول مورد نظر جمع شد و حمید را آزاد کردیم. اگر چه خانواده او آنقدر متحمل مشکلات فراوان شده‌اند که این کار مافقط بخشی از این مشکلات را حل کرده است و هنوز باید به آن‌ها کمک کرد. حمید که از ۱۴ سالگی در زندان بوده



گفتگو با مهدی حیدری از جوانان هیئت احباب الحسین علیه السلام

شب عروسیم رفتم هیئت

محراب محمد زاده

هیئت احباب الحسین علیه السلام از آن دسته هیئت‌های جوانانه‌ای است که همه اتفاقات آن را یک عده جوان پر شور و البته پایبند به اصول شکل می‌دهند. حالا ما آمده‌ایم سراغ یکی از آن جوان‌ها یعنی مهدی حیدری که به قول خودش عشق به هیئت نگذاشت که در شب عروسی‌اش هم در جلسه هفتگی شرکت نکند. مطالب زیر بخشی از همین صحبت‌هاست.

در مورد شکل‌گیری هیئت و خادمین آن توضیح دهید.

هیئت احباب رسماً از سال ۱۴۲۰ قمری که تقریباً مصادف است با ۱۳۷۸ شمسی شکل

گرفت. این که می‌گوییم رسماً علتش این است که بخشی از خادمین اصلی هیئت پیش از آن هم به صورت مستمر هفته‌ای یک جلسه قرائت زیارت

آل یاسین برگزار می‌کردند که خدا را شکر هنوز هم آن جلسات ادامه دارد.

تقریباً تمام افراد هیئت را بر و بچه‌های جوان تشکیل می‌دهند. البته نه تنها در هیئت بلکه در هر مکانی وجود تعدادی بزرگ‌تر لازم است که هم

موجب برکت هستند و هم

این که تجربیات این

عزیزان است که در

اغلب بخش‌ها

راه گشای

ملست.

■ هیئت شما به کدام یک از ائمه بیشتر توسل دارد؟ به عبارت ساده‌تر پرچم هیئت به نام کدام یک از

حضرات معصومین علیهم السلام است؟

در باره این که به کدام یک از ائمه بیشتر توسل داریم باید بگویم که طبیعتاً ما هم مثل تمام بچه هیئت‌ها چشم امیدمان به تمامی اهل بیت علیهم السلام همیشه بوده و هست. اما من و همه بچه‌های هیئت مان ارادت خاص و ویژه‌ای به حضرت زینب سلام‌الله علیها داریم.

■ این ارادت ناشی از چیست؟

به نظر ما حضرت زینب سلام‌الله علیها شخصیت خاصی دارند، خب اگر نگاه کنید ایشان از ابتدای زندگی پریشان، تمام مصیبت‌های وارده به اهل بیت علیهم السلام را به چشم دیده‌اند و حقیقتاً اسطوره صبر هستند. به همین خاطر ما هم در ولادت ایشان و هم در شهادت این بانوی بزرگوار، همیشه برنامه‌های ویژه‌تری داریم. شاید بهترین چیزی که من می‌توانم الان عرض کنم شعری است که بر روی بیرق هیئت هم

نوشتیم:

کر بلا تا شد حرم از خون اصحاب الحسین / کعبه‌ی عشق و محبت شد به احباب الحسین - آستان عاشقی را در ازل چون ساخت حق / نام زینب ثبت شد بر سردر باب الحسین.

■ خیلی از هیئت‌ها با سبک‌های خاصی مراسم خودشان را برگزار می‌کنند. نظر تان در این رابطه چیست؟ شما چطور بوده‌اید؟

راستش برای پاسخ دادن به این پرسش لازم است اول بگویم که هیئت احباب در منطقه ۱۳ است و حوالی میدان خراسان و بلوار قیام. اگر فضای این منطقه را ببینید قطعاً اذان می‌کنید که یکی از مذهبی‌ترین منطقه‌های تهران محسوب می‌شود. حرف شما بر می‌گردد به این که بعضی از هیئت‌ها متأسفانه از وجود بزرگ‌تری بهره‌مند و این یکی از عواملی است که می‌تواند هیئت را به انحراف بکشد. هیئت احباب الحسین جزء معدود هیئت‌هایی است که کمتر دچار نوسانات و فراز و نشیب‌های دیگر هیئت‌ها شده است. اگر بخواهیم ساده‌تر به قضیه نگاه کنیم باید در یک کلام بگویم هیئت ما سبک ندارد. شما کمتر هیئت‌ی





شاید صحبت در مورد این موضوع خیلی خوب نباشد اما دوستان مادر هیئت «احباب الحسین علیه السلام» حقیقتاً عاشق هیئت هستند. در مورد خود هم بهتر می دانم یک خاطره کوچک تعریف کنم. عروسی من روز جمعه بود. طبیعتاً هر کسی ازدواج کرده باشد می داند که دنگ و فنگ های روز مراسم عروسی، راه نفس برایت نمی گذارد. اما علاقه من به مجالس هفتگی زیارت آل یاسین باعث شد قبل از عروسی به هیئت بروم.

■ حرف آخر

لازم می دانم از بزرگ ترهای هیئت تشکر کنم. کسانی هم چون حاج آقا قاسم نوری، حاج آقا بیات، حاج اکبر آقای بزاز که همواره سایه شان روی سر ما بوده

بعضی هیئت ها مشکلاتی دارند، اما این که جوانی وارد هیئتی بشود و بیرون هیئت مثلاً سیگار بکشد و یا به خاطر هیئت دیر به خانه برود، قطعاً مقصر

هیئت نیست. این خود ما هستیم که تصمیم گیرنده ایم. هیچ کس در هیئت کسی را مجبور به کاری نمی کند. متأسفانه بعضی از افراد هدف خاصی برای آمدن به هیئت ندارند. همین مسأله باعث می شود عادات بدی را که ممکن بوده در هر مکان دیگری به سرآغ شان برونند در هیئت پیدا کنند. یعنی آن جوان از اول هم مستعد بوده است و برایش هم فرقی نمی کرده است که کجا باشد. البته ناگفته نماند که اگر هیئتی از فضای مناسب برخوردار باشد نمی گذارد جوان های شرکت کننده انحرافات اخلاقی پیدا کنند.

■ شما و دوستان تان چه قدر پایبند هیئت هستید؟

است.

رامی توانید ببینید که هنوز در نوحه دم بدهند. به اصطلاح بچه هیئتی ها، کسانی که در برنامه های مشترک می کنند اکثراً «گر به ای» و «روضه ای» هستند یعنی بیش تر از آن که بخواهند با سینه زدن یا دسته راه انداختن عزاداری خود و اراتشان به اهل بیت علیهم السلام را نشان بدهند دوست دارند روضه بشنوند و گریه کنند. به همین خاطر است که تأکید ما بیشتر بر روی شعر است تا سبک و نوا.

■ جلسات شما تنها محدود به مناسبتهایست؟

نه، همان طور که قبلاً هم اشاره کردم ما هر هفته غروب جمعه جلسه داریم و زیارت آل یاسین می خوانیم. البته طبیعتاً آن جلسات با تعداد کمتری برگزار می شود و یک جور هایی ویژه خادمین و اعضای اصلی هیئت است و گردشی در خانه خود بچه ها برگزار می شود. به نوعی می شود آن را جلسه تغذیه روحی و معنوی خادمین به حساب آورد.

■ گاهی می شنویم که در بعضی از هیئت ها اتفاقات

ناپسندی هم رخ می دهد؟
بنده این صحبت را قبول ندارم. درست است که

پیشنهادهایی برای استفاده بهتر از شب‌های ماه رمضان

وقتی همه خواب نیستند

نعیم نخعی

هر چه قدر روزهای این ماه عزیز به چشم امثال من که همه چیزم لنگ می‌زند، سخت می‌آید، شب‌هایش دل انگیز و زیباست. انگار درست از زمان اذان مغرب که باب افطار باز می‌شود جشنی باشکوه برپا شده و تاسحر ادامه پیدا می‌کند. شکر خدا کم نیستند کسانی که با من هم عقیده‌اند و فکر شب نشینی امثال ما بوده‌اند و این مجلس ضیافت شبانه را به مدت ۳۰ شب برپا می‌کنند. در این دو صفحه قرار است چند محفل درست و درمان شبانه را معرفی کنیم تا اگر کسی می‌خواهد عیش یک ماهه‌اش کامل شود سری به آن‌ها بزند.

حجت الاسلام هاشمی نژاد

حسینییه بیت الرقیه علیها السلام یک سال که از ماه رمضان می‌گذرد انسان‌ها سرریز می‌شوند از فشارهای روانی، آلودگی‌های قلبی، روزمرگی و هزار و یک بیماری از این قبیل که سراغ دارند. در شب‌های زیبای ماه مبارک، نسخه‌ای وجود دارد به نام حجت الاسلام هاشمی نژاد که می‌تواند با آن تن صدای آرام و دلنشینی که دارد و مواعظ زیبایش آرامش را به شما بازگرداند. این مجلس از ساعت ۱۰ در حسینییه بیت الرقیه واقع در خیابان پنجم نیروی هوایی شروع می‌شود و تا ساعت ۱۱:۳۰ ادامه دارد. البته قبل از شروع سخنرانی به مدت نیم ساعت مناجات خوانده می‌شود که معمولاً حاج علی قربانی این مناجات‌رامی خواند. حجت الاسلام هاشمی نژاد ابتدای سخنرانی‌شان را باغزلی زیباراه امام زمان شروع می‌کنند و یک ربع آخر جلسه هم روضه می‌خوانند.

حاج مهدی سماواتی

مهدیه تهران

جای تعریف و توضیح نیست. مهدیه تهران واقع در خیابان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از میدان منیریه، سال هاست که نفس‌های گرمی را به خود دیده و میزبان اشک‌های زلال بوده. این مجلس اول شب است و ساعت ۸:۴۵ شروع می‌شود. یعنی دقیقاً با نماز مغرب. پس روی یک افطار مختصر هم حساب کنید. ساعت و برنامه ماه مبارک رمضان امسال در مهدیه تهران را برایتان فهرست کردیم:

ادعیه و مناجات: حاج مهدی سماواتی
سخنران دهه اول: حجت الاسلام سید حسین مومنی / سخنران دهه دوم: حجت الاسلام علی ثمری / سخنران دهه سوم: حجت الاسلام سید حمید میرباقری

آیت الله خوشوقت

مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام

مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام زیاد داریم. ولی در حال حاضر صحبت از مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام است که نزدیک سه راه طالقانی قرار دارد و سال هاست که جوانان به دنبال نفس گرم آیت الله خوشوقت به این مسجد می‌روند. مراسم شب نشینی ماه مبارک در این مسجد منحصر می‌شود به شب‌های قدر که خود آیت الله خوشوقت عهده دار مراسم احیا هستند و مداحانی مثل سعید حدادیان و حنیف طاهری نیز ذاکر این شب‌هایند. ولی ظهرها بعد از نماز، مراسم سخنرانی توسط حجج اسلام الهامی نیا، صدیقی و شهاب برقرار است که هر کدام از این بزرگواران به مدت ۱۰ روز منبر دارند.





حاج ماشالله عابدی در مسجد شهدا هر شب ماه رمضان به خصوص شب‌های قدر مراسم دارد. در بخش هیئت در صفحه ۲۲ گزارشی از هیئت حاج ماشالله عابدی منتشر شده است.

حجت الاسلام انصاریان

حسینیه همدانی‌ها

۱- ظهرهای ماه مبارک رمضان بعد از نماز ظهر و عصر در مسجد امیر واقع در خیابان کارگر شمالی

۲- شب‌های ماه رمضان از ساعت ۱۱ شب در حسینیه همدانی‌ها واقع در خیابان ری

۳- مراسم احیاء شب‌های قدر استاد انصاریان در حسینیه همدانی‌های تهران

۴- یکم تا دهم رمضان از ساعت ۳۰:

۲۱ به مدت ۱۰ شب در مسجد امام رضا

علیه السلام واقع در بلوار تعاون تهران

۵- ۱۵ رمضان تا ۲۳ رمضان نیز به

مدت ۱۰ شب از ساعت ۳۰:۲۱ در

حسینیه الزهرا سلام الله علیها واقع در

خیابان وحدت اسلامی روبروی آگاهی

حالا باید به صورت مستند برایتان

تعریف کنم که موضوع صحبت در هیچ

کدام از این منبرهایی که استاد در یک

روز می‌روند تکراری نیست. یعنی اگر

از صبح به تمام مجالس شیخ بروید به

تعداد مجالس، سخن تازه می‌شنوید.

و اما صحبت ما درباره شب نشینان

است و از میان تمام مجالس استاد

شماره از جاع می‌دهیم به حسینیه

همدانی‌ها واقع در خیابان ری که هر

شب از ساعت ۱۰ الی ۱۱ می‌توانید از

مواعظ شیخ استفاده کنید.



آیت الله مجتبی تهرانی

دبیرستان نور

حضرت آیت الله العظمی مجتبی

تهرانی استاد اخلاق تهرانی‌ها از

شاگردان برجسته حضرت امام خمینی

رحمت الله علیها بوده است و سال‌ها

در درس ایشان تلمذ می‌کرده است.

اکنون در حوزه علمیه تهران و مسجد

جامع بازار به تدریس جوزوی مشغول

است و شب‌های پنج شنبه کلاس

اخلاق برای عموم مردم واقع در خیابان

ایران دارند. ابتدای جلسات همراه با

نماز مغرب و عشاء و پذیرایی مختصری

که انجام می‌شود برنامه شروع می‌شود.

بعد از اقامه نماز و دعا تعدادی از افراد

که سوالات دینی یا اخلاقی دارند

از استاد در فاصله ۱۰ الی ۱۵ دقیقه

می‌پرسند. البته در هنگام پاسخگویی

به سوالات، تلاوت قرآن برای شروع

برنامه به مدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه

صورت می‌پذیرد. سپس سخنرانی

استاد با موضوع مشخص اخلاقی که

شاید یکی دو سالی طول کشیده است

شروع می‌شود. مدت سخنرانی حدود

۲۵ الی ۳۰ دقیقه است.

محل مجالس شب‌های احیای در

مسجد جامع است. برنامه از حدود

ساعت ۱۱ شب با قرائت دعای جوشن

کبیر و مداحی میثم مطیعی، آغاز

می‌شود.



حاج رضا بکایی

مسجد امام حسین علیه السلام

سال‌هاست محافل گرم مشتاقان حق

و شب زنده داران و سحر خیزان با نوای

حاج رضا بکایی، که با سوز ناله‌های خود

صفای ویژه‌ای به این مجالس می‌بخشد،

آشناست. در هنگام خواندن مناجات،

حاج آقای بکایی به بیان تفسیر مرتبط

با عبارات ادعیه معصومین پرداخته و

به نکات مهم اخلاقی و اعتقادی نیز

اشاره می‌کند. به همین سبب خواندن

یک دوره دعای ابو حمزه چندین شب

به طول می‌انجامد. در هنگام قرائت

مناجات، فقط صحبت پیرامون خود

دعا و مفاهیم آن است، و عرض ارادت

به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی

فرجه الشریف پیش از دعا و توسل به

معصومین علیهم السلام پس از به اتمام

رسیدن مناجات صورت می‌گیرد. این

مداح اهل بیت علیهم السلام، امسال

شب‌های ماه مبارک رمضان از حدود

ساعت ۳۰:۱۲ با مداد در مسجد امام

حسین علیه السلام واقع در میدان امام

حسین علیه السلام مراسم مناجات

خوانی دارد.





نزدیک ماه رمضان که می‌شویم یادمان می‌افتد که به احتمال زیاد امسال هم قرار است حداقل توی یکی دو کار تلویزیونی اسم‌آور ببینیم

بخشید شما

گفتگو با حسین متولیان: مجری ترانه سرا و نویسنده جوان

از نیم رخ تا سه دونگ سه دونگ

حسین شکیب راد



این که از دوران دبیرستان او را می‌شناسم یا دوستی و همکاری چندین و چند ساله‌مان، هیچ کدام زمینه این مصاحبه را فراهم نکرد. حسین متولیان برای بسیاری از جوان‌ها و نوجوان‌ها نام شناخته شده‌ای است. فقط کافی است اهل ترانه و شعر یا دیدن تیتراژ پایانی سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی خصوصاً آن دسته از برنامه‌ها که برای قشر نوجوان و جوان ساخته می‌شوند باشی. ۲۷ ساله‌است اما بیشتر از هم سن و سال‌هایش کارهای متنوع تجربه کرده است. نزدیک ماه رمضان که می‌شویم یادمان می‌افتد که به احتمال زیاد امسال هم قرار است حداقل توی یکی دو کار تلویزیونی اسم‌آور ببینیم. همین چیزها مقدمه شد تا به سراغ او برویم. آن‌چه می‌خوانید چکیده دو ساعت و بیست و سه دقیقه و هفده ثانیه هم کلامی با اوست.

برنامه‌های ترکیبی



سبک و شیوه‌ی نوشتار هر یک از برنامه‌های تلویزیونی بسته به کار و ویژه‌ای که برای آن تعریف شده است، متفاوت خواهد بود. مثلاً ادبیات یک سریال با یک برنامه ترکیبی برای نوجوانان و یا یک کار برای ماه رمضان متفاوت است. طبیعتاً ماجرا هم این است که یک نویسنده برای تولید هر کدام از این متن‌ها باید داشته‌ها و ملزوماتی را با خود بیاورد. چیزی که من بیش تر تجربه کردم از نوع برنامه‌های ترکیبی بوده است. مدلی که متناسب با خصوصیات مخاطب در روزگار ما است. ویژگی این گونه برنامه‌ها این است که با یک جُنگ طرف هستیم مملو از اطلاعات و بخش‌های متنوع. مثلاً تجربه‌ای که سال‌های گذشته در برنامه‌ی «نیم رخ» داشتیم از همین جنس بود. انگار یک مجله‌داری مثل همین مجله خیمه ولی به صورت صوت و تصویر. به

نظر من بعد از فیلم و سریال، جذاب‌ترین قالب برنامه‌های تلویزیونی برای مخاطب جوان و نوجوان همین برنامه‌های ترکیبی هستند. اولین کار جدی من که در حوزه ماه رمضان هم بود برنامه‌ی «امضاء محفوظ» بود در مجموعه نیم رخ. نوشتن تمام نریشن‌ها و گویندگی آن‌ها با خودم بود. نشانه این هم که می‌گوییم برنامه‌های ترکیبی با استقبال خوبی روبه‌رو می‌شوند نامه‌هایی بود که برای نیم رخ می‌آمد. بیش از بیست هزار نامه داشتیم.

حوزه‌ی معارف و اجتماعی

من بیش تر در حوزه معارف و اجتماعی کار کردم.

به نظر من بعد از فیلم و سریال، جذاب‌ترین قالب برنامه‌های تلویزیونی برای مخاطب جوان و نوجوان همین برنامه‌های ترکیبی هستند

البته کار خبری هم کردم مثل برنامه‌ای که صبح‌ها در شبکه خبر داشتیم و سردبیر آن بودم و یا برنامه «صبح تهران». ولی در اکثر کارهایم نمود حوزه معرفتی و دینی پررنگ بوده. یعنی در این ۱۵۰ هزار دقیقه برنامه تلویزیونی که نوشته‌ام بیش از نود درصد در حوزه معارف دینی و کار مذهبی به حساب می‌آید. نمی‌دانم این خوب است یا بد ولی خوب وقتی یک نفر در کاری شهره شهر می‌شود بقیه هم از او همان جنس کار را توقع می‌کنند و سفارش کارها هم بیش تر به همان سمت و سو گرایش پیدا می‌کند. سایر کارهای من برنامه‌های مناسبی مجموعه «تردبان» بوده. برنامه «عقیق»

سریال پیدا کرده است. موضوع بخشی از ماجرای کربلا و حوادث پس از عاشورا است که حتی در مجموعه بزرگی مثل «مختارنامه» هم مغفول مانده است. سریال تلویزیونی «پشت پرچین ابن عماره» بهانه‌ای است برای پرداختن به حد فاصل زمانی بین عاشورا تا بازگشت اسرا به مدینه. یعنی دوران پیام آوری حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام. البته خود شخصیت این بزرگوار نشان داده نمی‌شود و ماجرا از زبان کسانی که با ایشان ارتباط دارند بیان می‌شود. شخصیت اصلی هم مکتب مسجد شام است. این سریال که کار فیلم برداری آن هم تمام شده قرار است محرم امسال از شبکه‌های استانی پخش شود.

ماهرمضان

رویکرد جدید صدا و سیما که به نظر من بسیار مناسب است، این است که اوقات فراغت روزه داران در شب‌های ماه رمضان سرشار از شور و شادی باشد. همین که ماه رمضان به عید ختم می‌شود پیامش این است که حتی اگر اشکی هم داریم از روی شعف است که قرار است پاک شویم و برای یک سال زندگی الهی آماده شویم. یکی از اتفاق‌هایی که برای خود من جذاب بود، برنامه نان و ریحان بود که مخاطب خوبی داشت. به ما رنگ می‌زدند و در مورد مهمان‌هایمان نظر می‌دادند. اما اتفاق دیگری که احتمالا مخاطبین نشریه ارتباط بیش تری با آن برقرار کردند سریال «نون و ریحون» بود که ماه رمضان سال قبل از شبکه تهران پخش شد. تیتراژ این سریال با شعر من و آهنگ سازی «سعید ذهنی» و خوانندگی «امیر احسان فدایی» اجرا شد. من خودم خیلی تلاش کردم شعر خودش حرفی برای گفتن داشته باشد. طبیعتا وقتی وارد یک برنامه مناسبی می‌شویم ترانه آن هم ویژگی‌های خاص خودش را می‌طلبد. تازه وقتی کار طنز باشد این ویژگی‌ها مضاعف می‌شود. خب خود سریال خیلی با مناسبت رمضان ارتباط موضوعی نداشت بلکه فقط برای پر کردن همان اوقات فراغتی که قبلا در موردش صحبت کردیم تهیه دیده شده بود. بنابراین در ترانه هم رفتیم سراغ همان موضوع اصلی سریال و به نوعی پیوندی بین عشق زمین و عشق آسمانی برقرار کردیم. ترانه این طور شروع می‌شد: ازم تنها یامو

همین که ماه رمضان به عید ختم می‌شود پیامش این است که حتی اگر اشکی هم داریم از روی شعف است که قرار است پاک شویم و برای یک سال زندگی الهی آماده شویم

حسین متولیان از «نیم رخ» تا «سه دونه» سه دونه در انواع و اقسام کارهای تلویزیونی فعالیت داشته است عکس: حسین اینفالو



محسوب می‌شد. یک قسمت تئاتر گونه که نزدیک ۳۰ قسمت اجرا شد. قصه یک مجری تلویزیون بود که معلم هم بود و گفتگوها و ارتباط او با یک پیر مراد که در یک کارگاه نجاری کار می‌کرد. هر بار به اتفاقی می‌رسیدند که برگرفته از آیات قرآن بود. نقش مجری تلویزیونی را «نجم الدین شریعتی» به عهده داشت. کارگردانی آن هم مثل سایر بخش‌های برنامه عقیق بر دوش «نوید محمودی» بود. بعد از این تجربه، همراه با «هادی حاجتمند» طرحی را مورد مطالعه قرار دادیم که منجر به تولید یک تله تئاتر شد. البته شباهت بیش تری به

که از شبکه قرآن پخش می‌شد و حدود ۵۰۰ قسمت نمایش داده شد. برنامه «نار دانه» و یکی از برنامه‌هایی که هم خیلی برای خودم دوست داشتنی بود اجرای زنده از بارگاه ملکوتی امام رضاعلیه السلام بود که چند سال توفیق داشتم از پشت بام صحن در روز میلاد ایشان برنامه «پنجره آسمانی» را به طور زنده اجرا کنم. در مورد ماه رمضان کار دیگری که داشتم دو سال حضور در جمع بچه‌های «نان و ریحان» بود. برنامه‌ای که نزدیک اذان مغرب برای روزه داران که احتمالا خسته و تشنه هستند پخش می‌شد تا هم ساعات پایانی روزه داری را با راحتی بیش تری بگذرانند و هم با حس معنوی بیش تری وارد زمان اذان و موقع افطار شوند.

سریال‌های تلویزیونی

بخشی از برنامه عقیق به نوعی کار نمایشی



ما جامعه جوانی داریم، البته خود من هم جزء همین قشر هستم و احساس شخصی‌ام این است که جوان‌ها دوست دارند اطلاعات را به صورت کیسولی بگیرند

**نیمه‌های شب خبرم کردند
تا ترانه‌ای برای تیتراژ پایانی
سریال «سه دونگ سه
دونگ» بگویم**



**چند سال توفیق داشتم از پشت
بام صحن رضوی در روز میلاد
ایشان برنامه «پنجره آسمانی»
را به طور زنده اجرا کنم**



**خودمون رو خوش عطر
و بو کنیم و آماده شیم
برای نشستن پای سفره
رحمت خدا**



**برای ورود به خانه مردم
باید از چیزهایی بگویم
که علاقه اصلی مردم
است، یعنی از خدا و اهل
بیت و قرآن**



پس گرفتی / منواز بی کسی آغاز کردی / امید
اولم بودی و آخر / تو پای عشق و اینجا باز کردی.
خب البته همین که کار تو در رسانه ملی پخش
می‌شود مجموعه‌ای از ملاحظات را هم پیش
رویت قرار می‌دهد و با خط قرمزهایی که البته
بجا هم هستند مواجه می‌شوی. در عین حال باید
ترانه‌ات موجب لذت بردن مخاطب هم بشود و
خب این کار راحتی نیست. امسال هم ۲۴ ساعت
مانده به ماه رمضان، نیمه‌های شب خبرم کردند
تا ترانه‌ای برای تیتراژ پایانی سریال «سه دونگ
سه دونگ» که ملودی آن را اقبال محمد مهدی
گورنگی ساخته بود بگویم. «شاهد احمدلو»
کارگردان سریال خیلی اصرار داشت از واژه‌های
متن قصه استفاده کنم. کار سختی بود اما فکر
کنم خوب از آب در آمد.

ترانه

ما داریم در دنیایی زندگی
می‌کنیم که به سرعت به سمت
مدرنیسم در حال حرکت است.
و هر چه به این سمت پیش
می‌رویم سرعت بیش‌تری هم
به روند زندگی‌مان داده می‌شود.
چنان‌چه شاعر گفت: «اولین
اختراع انسان چرخ بود، یعنی
باید زود برگردی». از طرفی هم
ما جامعه جوانی داریم، البته خود
من هم جزء همین قشر هستم و
احساس شخصی‌ام این است که
جوان‌ها دوست دارند اطلاعات
را به صورت کیسولی بگیرند.
یعنی در کم‌ترین وقت بیش‌ترین
تأثیر را از محتوا در اختیارشان
بگذارند. من در مورد ترانه‌های خودم به این نکته
توجه جدی دارم.

از طرف دیگر چون مخاطب من ممکن است
از یک کارگر ساده یا کودک و نوجوان باشد تا
آتش‌نشان و کتابدار و استاد دانشگاه، باید
به گونه‌ای حرف بزنم که همه این افراد باشعور و
ترانه‌ام ارتباط برقرار کنند. ترانه در اصل سه ضلع
دارد: موسیقی (یعنی واژه‌هایی که به کار می‌بری
باید قابلیت این که رویشان موسیقی سوار شود
داشته باشند)، ادبیات و ضلع سوم هم مردم، علت
نزدیک شدن ترانه به زبان محاوره همین ضلع
سوم است. یعنی اگر چه اطلاعات کیسولی ارائه
می‌شوند اما باید بتوانند مدت زیادی مخاطب را
تحت تأثیر خود قرار دهند.
من در همه قالب‌های شعری خود سعی می‌کنم

**شاعر باید خودش
را در جایگاه سوم
شخصی قرار دهد
که نوعاً کودک
است، اما کودک‌کی
که از بزرگ‌ترها
هم بیشتر می‌فهمد
یعنی رازها و
حرف‌های بزرگ
را به زبان ساده و
همه‌فهم می‌زند**

حرف آخر

این نکات را مراعات کنم. کارهایی که شاید مردم
عزیز و مخاطبین خیمه جوان از من شنیده
باشند.

حوزه آیینی

شعر آیینی در هر یک از قالب‌ها که باشد همان
خصوصیاتی را که قبلاً در مورد عموم اشعار گفتم باید
داشته باشد به علاوه این که یک ملاحظه بزرگ دارد:
مردم ما روی آن تعصب و ویژه‌ای دارند و شنیده‌ها و
خواننده‌هایشان در این مورد کم نیست. مخاطب از
شاعر انتظار اتفاق ندارد. مثلاً خود من در یکی از
اشعارم می‌گویم: تصویر خورشید در آب، هرگز
شگفتی ندارد / اما شگفتا که آن روز، خورشید بر
خاک افتاد. در این جا حرف از اتفاقی است که شاید
بارها و بارها مخاطب در مورد آن شنیده است یعنی
افتادن امام حسین علیه السلام بر روی خاک. اما
نگاه شاعرانه و نو است که شعر تو را متفاوت می‌کند.

برای درک بیشتر این مطلب ار جاع
می‌دهم به شعر کودک کیصر
امین پور. شاعر باید خودش را در
جایگاه سوم شخصی قرار دهد که
نوعاً کودک است، اما کودک‌کی که
از بزرگ‌ترها هم بیشتر می‌فهمد.
یعنی رازها و حرف‌های بزرگ را به
زبان ساده و همه‌فهم می‌زند. در دو
دهه اخیر بسیاری از خوانندگان
و ترانه سرها در یافتند که برای
ورود به خانه مردم باید از چیزهایی
بگویند و بخوانند که علاقه اصلی
مردم است، یعنی از خدا و اهل بیت
و قرآن. برای همین موجی از ترانه‌ها
و موسیقی‌های آیینی ایجاد شده
است.

حرف آخر من به جوان‌های مثل خودم می‌خوام
خودمونی بگم که اگر کوله‌پشتی هاتون خالی،
اصلاً نگران نباشین. به خاطر این که ماه رمضان
ماه مهمونی خداست و کسی که مهمونی میره
خیلی بده بخواد با خودش غذا ببره. این حرف
من نیست. حرف امام علی علیه السلام است که
روی کفن سلمان فارسی با دو بیت شعر نوشتن
و مضمون کلام اینه که داری می‌ری پیش کریم
و اگر دست خالی بری عیبی نداره بلکه بردن زاد
و توشه، توهین کردن به کریمه. حالا که داریم
به ماه مهمونی خدا نزدیک می‌شیم فقط کافیه
خودمون و خوش عطر و بو کنیم و آماده شیم برای
نشستن پای سفره رحمت خدا.

زینیه



نجوای تاریخ
داستانی از زندگی حضرت زهرا
سلام الله علیها

تربیت زن مسلمان و عالم
گزارشی از مدرسه علمیه
حضرت نرجس سلام الله علیها

مدین استاد طاهایی هستیم
مصاحبه با منور شایسته
خوی مدیریت مکتب نرجس
سلام الله علیها

المثنای حضرت کوثر
شعری درباره حضرت زهرا
سلام الله علیها

نقش زنان در زمینه سازی ظهور
دیدار با خانم دکتر طوبی
کرمانی و حرف هایی درباره زنان
مسلمان



خانم‌های جوان گلایه از کمی وقت می‌کنند؛ اما اعتقاد من بر این است که اگر کسی نظم بین روابطش بین خانه و اجتماع ایجاد کند؛ هم دیرتر خسته می‌شود و هم به هر کاری می‌رسد



بانو

دیدار با خانم دکتر طوبی کرمانی

زنان نقش بیشتری در زمینه سازی ظهور دارند

حریر عادل

دکتر طوبی کرمانی را اولین بار در مراسم اعتکاف مسجد دانشگاه تهران دیدم. آمده بود تا در کنار بچه‌های دانشگاه سه روز معتکف شود و در این سه روز به سوالات و شبهات‌شان پاسخ دهد. انرژی فوق العاده‌ای داشت. در طول این سه روز بدون خستگی و با کلماتی نظیر «عزیزان من...» و لبخند زیبایی بر لب پاسخ بچه‌ها را می‌داد. وقتی فهمیدم رشته‌اش فلسفه و حکمت اسلامی است؛ کنجکاویم برای صحبت و سوال پرسیدن از او دو برابر شد. تا اینکه قرار شد با ایشان مصاحبه کنم و بالاخره در دانشکده الهیات دانشگاه تهران قرار گذاشتیم. دانشگاه عملاً تعطیل بود و در اغلب اطاق‌های اساتید بسته. هوای گرم و خرابی آسانسور باعث شد تا کنجکاو شوم پیرسم که چه چیز باعث شده ایشان با وجود مسافت طولانی خانه تا دانشگاه و با زبان روزه به دانشگاه بیایند که فهمیدم در حال تهیه مقاله‌ای برای یونسکو در مورد وضعیت زنان در اروپا است.

مشکی راه می‌رفتم. و در تابستان‌ها مجبور می‌شدم هر چند ماه یک بار چادرم را عوض کنم؛ چون زیر آفتاب رنگش قرمز می‌شد. اما با وجود مبارزات سیاسی و تحقیقات علمی از بچه‌ها غافل نمی‌شدم. بعضاً می‌بینم خانم‌های جوان گلایه از کمی وقت می‌کنند؛ اما اعتقاد من بر این است که اگر کسی نظم بین روابطش بین خانه و اجتماع ایجاد کند؛ هم دیرتر خسته می‌شود و هم به هر کاری می‌رسد.

■ همسر تان هم باشما موافق بودند؟
و شما را به ادامه تحصیل و فعالیت اجتماعی تشویق می‌کردند؟
بله، انصافاً ایشان در تمام دوران‌های زندگی، عاشقانه مرا حمایت کردند و حتی ۶ ماه تجارت خودشان را رها کردند و با من به خارج از کشور برای ادامه

تحصیل آمدند.

یک نفر از کسانی که با هم در آمریکا تحقیق می‌کردیم؛ مسلمان شد. البته تعداد زیادی نگاهشان به سمت اسلام برگشته بود؛ اما در یونان که بودم ۱۱ نفر شیعه شدند که برای من دنیایی می‌ارزد

مسأله الان بعضاً فراموش شده است، و متأسفانه خانم‌هایی را می‌بینم که حاضرند تمام حقوقشان را بابت هزینه مهد کودک بدهند اما سر کار بروند. من می‌دیدم که مادر همسر من با عشقی حتی فراتر از یک مادر به بچه‌ها محبت می‌کردند، البته این به آن معنا نبود که من از بچه‌ها غافل بشوم؛ بلکه خود را مقید می‌کردم که حتماً حتی دیکته شیشان را خودم بگویم. جالب است که پیمان (فرزند بزرگم) وقتی وارد دبستان شد؛ همزمان با من قرآن حفظ می‌کرد و پیام هم از او یاد گرفت و قبل از ورود به دبستان چند جزء را به کمک برادرش حفظ شده بود.

■ یک خاطره‌ای هم زمان با این دوره و از بچه‌ها برای من بگویند؟
یادم هست پیمان را کلاس شنا گذاشته بودم و همزمان با او در کنار استخر با چادر

خانم دکتر موافق هستید اول از دوران جوانیتان بر ایمان بگویند؟
بله، دوران جوانی من با مبارزه سیاسی گذشت، در آن سال‌ها خانه مامحل رفت و آمد و تربیت جوانانی بود که از نظر اعتقادی و سیاسی با رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کردند. من باشهید دکتر فیاض بخش همکاری می‌کردم و به گروهی از جوانان کمک‌های اولیه آموزش می‌دادیم. چون اوایل انقلاب متأسفانه بعضی بیمارستان‌ها و پرستاران با دستور شاه مجروحین را قبول نمی‌کردند. ما با کمک مردم در خانه بازاری‌ها و ثروتمندان آن دوره بیمارستان کوچکی درست می‌کردیم. یادم هست که حتی این جوانان در ازای مداوای بیماران حقوقی دریافت نمی‌کردند و تنها عشق به میهن انگیزه فعالیت آن‌ها بود.

■ تربیت و نگهداری بچه‌ها در این دوران بر عهده خودتان بود یا مهد کودک می‌رفتند؟
من یک شانس بزرگ در زندگی داشتم و آن این بود که با مادر شوهرم زندگی می‌کردم. این



مواظبت کند و حقوقش را صرف مهد کودک فرزندش بکند، این کاملاً مشخص است که فرد جایگاهش را به عنوان یک زن گم کرده و برایش مشخص نیست که زن مری جامعه است و از طریق خانواده اش و تربیت آن ها جامعه را می سازد. و گاهی این اولویت ها برای بعضی زنان و دختران مآباه جامی شود.

■ برای این اساس چگونه یک زن باید در فعالیت های اجتماعی شرکت کند؟

این به تفکر شخص بر می گردد که شرایطش را تجزیه و تحلیل کند و به جاوار د فعالیت های اجتماعی شود.

■ روند کنونی زندگی شما به چه صورت هست؟ اوقات تان را چگونه می گذرانید؟

اکثریت زنانم را برای مطالعه و تدریس و تحقیقاتم می گذارم و چون ۴ سال از این جادور بودم در پی یک خلوت عالمانه هستم برای نوشتن مقالات و تحقیقات و وقت ملازدم را به کار در خانه اختصاص می دهم؛ چون باعث نشاط در من می شود و باین که خانه بزرگی داریم؛ اما تمام کارهایش را خودم انجام می دهم و یکی دیگر از زیبایی های من نوه هایم

مهیا باشد. چون در نتیجه چنین فرایندی، هویتش را گم می کند. گذشته نه چندان دور خودمان را در نظر بگیریم: زمان جنگ تحمیلی جوانان و نوجوانان ۱۳، ۱۴ ساله ای بودند که مسؤولیت های بزرگی قبول می کردند. و از آن طرف در جوامع اروپایی و غربی وظیفه تربیت فرزندان پس از ۷ سالگی از عهده پدر و مادر ساقط می شود و بچه ها را می شوند. این امر ممکن است او را در اقتصاد سرمایه داری رشد دهد، اما از لحاظ عاطفی ضربه جبران ناپذیری به او خواهد زد. بنابراین وضعیت صحیح این است: نه به آن صورت که فرزندان را داشته باشند و نه آن طور که نتوانند برای خود تصمیم بگیرند.

■ به نظر شما چه چیز باعث می شود زنان و دختران امروزی موفق به برقراری تعادل بین جامعه و خانواده نشوند؟
جواب سؤال شما بر می گردد به سعه وجودی هر کس. آیه ای از قرآن می فرماید: اگر خدا را گم کردید؛ خودتان را گم کردید. من متأسفانه می بینم که خانمی در منزل با کراه کار خانه انجام می دهد و حتی کودک خود را بای میلی بزرگ می کند، اما همان خانم حاضر است بادر آمدنا چیزی در بیمارستان از کودکان دیگر

■ خاطره ای از ایشان بر ایمان نقل می کنید؟
دوران تحصیل من و بچه ها تا حدودی هم زمان بود و گاهی می شد که همه در خانه مشغول درس خواندن و علم آموزی بودیم. ایشان هم از سر کار بر می گشتند و با خستگی کنار من و بچه ها می نشستند. و حتی گاهی سر جای خود چرت می زدند و وقتی من یا پسر ها می گفتیم چرا در اتاق استراحت نمی کنید؟ ایشان می گفتند: نه من خسته نیستم و خوابم هم نمی آید. بعدها از ایشان دلیل این کارشان را پرسیدم و گفتند من اگر آن زمان در کنار تان نبودم و استراحتم را می کردم؛ ممکن بود در شما سستی پدید بیاید و من دلم نمی خواست که اراده شما و بچه ها ضعیف شود.

■ خانم دکتر یک نکته عملی در رابطه با تربیت فرزندان و توصیه ای برای مادران جوان بر ایمان بفرمایید.
در این رابطه باید بگویم که زمانی که پدر و مادری برای فرزندشان تمام شرایط رفاهی را فراهم می کنند؛ اعم از پوشاک و خوراک باید به این هم توجه داشته باشند که او بتواند توانایی خودش را از طریق انجام دادن کارهای کوچک و مسوولیت گرفتن ابراز کند. این طور نباشد که برای او هر چیزی در لحظه

این درست است که زن نیاز به حامی و پشتیبان دارد؛ اما در بینش اسلامی آن کس که شالوده یک زندگی را پی ریزی می کند؛ زن است



حجاب برای من يك پوشش مقدس است



زن مسلمان هویت و بالندگی خاصی دارد



هستند؛ وقتی مرا صدامی زندو با هم بازی می کنیم روحم با آن ها به پرواز در می آید.

■ با توجه به این که شما در کشورهای مختلف زندگی کرده اید؛ آزادی زنان را در ایران و تفاوت آن با اروپا چگونه است؟

برای دادن پاسخ درست به شما، لازمست ابتدا تعریف کنیم که آزادی یعنی چه؟ اگر معنای آزادی آن است که از هر چیزها باشیم و روابط آزاد زنان و مردان و مسائل این چنینی داشته باشیم، نمره اول مخصوص به اروپاست. اما اگر منظور از آزادی، آزادی در علم آموزشیست می توانم به جرأت بگویم در ایران این نوع آزادی وجود دارد و این نه از سر حب و بغض است؛ بلکه باسالات تجربه و زندگی در اروپا به دست آمده است.

جایگاه زن مسلمان را در عصر ظهور چگونه می بینید؟ آیا نقشی هم دارد؟

بله حتماً؛ در عصر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، زن و مرد هر دو نقش مکمل دارند. خواجه نصیر الدین طوسی (منطق دان و فیلسوف بزرگ اسلامی) عبارت جالبی دارد. می گوید: "عدمه منا" یعنی عدم ظهور او از ماست، می دانید که ایشان حضور دارند اما ظهور ندارند، و در حقیقت شرایط ظهور ایشان مانند مثلی است که سه جهت دارد. جهت اول: خداوند و پیدایش و خلق امام، جهت دوم: وجود و حضور امام و جهت سوم: مردم، که باید زمینه سازان ظهور باشند. مثلی عرض کنم: محله ای را در نظر بگیرید که شهر دار محله برای قسمت تاریک آن محله چراغی نصب کرده، اما بچه های باز یگوش محله که با نور ممکن است شیطنت هایشان لو برود این چراغ را می شکنند، اما شهر دار برای بار دوم چراغی نصب می کند و دوباره همان مسأله تکرار می شود. این مسأله تا ۱۱ بار اتفاق می افتد و در آخر شهر دار می گوید من برایتان ۱۱

چراغ آوردم، اما خودتان با شیطنت و غفلت ارزش این چراغ ها را درک نکردید، پس بهتر است مدتی با تاریکی سر کنید تا خودتان طالب نور شوید و خودتان را برای روشن کردن چراغ ۱۲ آماده کنید، مسأله ظهور حضرت هم شباهتی به این مثال دارد و در این راه زن و مرد هر دو نقش دارند. اما در نگاه اسلامی نقش زن سنگین تر است، چرا که او فقط مکلف به تربیت خودش نیست؛ بلکه در نقش های متفاوتی که در زندگی می پذیرد؛ موظف به اصلاح و تربیت نسل و خانواده است. یک مادر ساعات بیشتری با فرزند خود سپری می کند. اما نقش پدر فراهم کردن شرایط زندگیست؛ بنابراین نقاشی لحظه لحظه های زندگی یک بچه را مادرش بر عهده دارد و در اسلام بر این مسأله تأکید شده است که زن "ریحانه من الجنه" است. این مادر است که باغبانی بشر بر او سپرده شده است. از این جهت زنان نقش بیشتری در زمینه سازی ظهور حضرت دارند.

■ اولیت های یک زن مسلمان چیست؟

ابتدا باید خودش را بشناسد و مسؤولیت و تکلیف و حق خودش را بداند. دلیل آن هم بر می گردد به

این که درست است که زن نیاز به حامی و پشتیبان دارد؛ اما در بینش اسلامی آن کس که شالوده یک زندگی را پی ریزی می کند؛ زن است. پس باید با خود به یک توافق و شناختی برسد که آیا هدف من همین چند صباح زندگیست؟ طبعاً اگر خودم را شناختم، همسر و مادر و بقیه برای من معنای جدیدی پیدا می کنند. بنابراین شناخت خود مهمترین اولویت است تا بر این اساس بتوانم به وظایفم عمل کنم و حقم را استیفا کنم.

■ این شناخت خود، برای شما از چه راهی ممکن شده است؟ چگونه توانستید به این شناخت برسید؟

بخشی از این مسأله به تربیت پدر و مادر بر می گردد. زمانی که با پدرم قرآن حفظ می کردم؛ یادم هست که سوره واقعه برایم طولانی بود و روزی که قرار بود برایشان سوره را بخوانم کامل حفظ نشده بودم و قرآن را با خودم برده بودم و جاهایی که مسلط نبودم نیم نگاهی می کردم، اما پدرم این رفتار مرا به روی خودش نیاورد و وانمود کرد که نمی بیند. بعد از آن که تمام شد گفت: مغز انسان مانند یک بالن می ماند و تو هر چقدر که آن را باد کنی بزرگ می شود و

همه را پاک بلدانیم

در بهمن سال ۱۳۲۶ در خانواده ای مذهبی در منطقه بهارستان به دنیا آمد. سال های کودکی را با شوق به علم و کنجکاوی طی کرد و در سال ۱۳۴۵ با رتبه اول از دبیرستان ایران (واقع در خیابان خانی آباد نو) در رشته طبیعی فارغ التحصیل شد. پس از آن با وجود علاقه ای که

به کسب علم داشت؛ به دلیل جوحاکم بردانشگاه هامجبور به صرف نظر از ادامه تحصیل خود در این مرحله شد. در همین دوران کشمکش او میان علاقه شخصی و اوضاع زمانش، با مردی ازدواج کرد که مخالفتی با ادامه تحصیل او نداشت، و بدین ترتیب بود که دست سرنوشت او

را دوباره در مسیر علم قرار داد. پس از گذشت ۵ سال از ازدواجش ۲ فرزند پسر داشت. اما این مسأله مانعی برای فعالیت های سیاسی و اجتماعی او نبود. همزمان با آغاز تغییر جو سیاسی در سال های ۱۳۵۵ وارد مبارزات شد و با همراهی همسرش خانه را به دانشگاه

کوچکی تبدیل کرد. پس از پیروزی انقلاب بلافاصله وارد دانشگاه شد و در رشته الهیات (فلسفه و حکمت اسلامی) از محضر اساتیدی چون آیت الله شهید مطهری و شهید بهشتی بهره برد. بعد از آن در مقطع فوق دکتری فلسفه تطبیقی و کلام از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا به عنوان



در بینش اسلامی هویت يك زن مسلمان يك مؤلفه خاص دارد و آن اختیار اوست



■ شما در یونان، راین فرهنگی بودید. برخورد مردم با حجاب شما چطور بود؟

من در این سال‌ها برخورد بدی از مردم یونان ندیدم؛ چون در آن‌ها روحیه استکبار ستیزی و تمدن هنوز یافت می‌شود و حتی کشتی حامل کمک به غزه هم از طرف مردم یونان هم حمایت شد.

■ یعنی در این سال‌ها کسی از شما سؤالی نپرسید، یا به دلیل تبلیغات رسانه‌ای با شما برخورد بدی نکرد؟

البته من در محیط آکادمیک بودم و تأثیر رسانه بر افراد فرهیخته به مراتب کمتر است. اما خانمی که در آنجا همکارم بود، یک بار به من گفت: من وقتی چادر را در سر تو می‌بینم؛ احساس اجبار و زور به من دست می‌دهد. من به او گفتم: آیا پوشش خواهران روحانی هم در تو این احساس را پدید می‌آورد؟ او گفت نه به دلیل اینکه نشان دهنده تقدس آن‌هاست. و من گفتم: خوب این هم برای من یک پوشش مقدس است و جزء اعتقادات من است.

■ هویت يك زن مسلمان چه فرقی با دیگر زنان دارد؟

سوال قشنگی پرسیدید. ببینید مجموعه خصوصیتی که خداوند در من قرار

"باور توانستن" خیلی مهم است.



می‌گفتند این که برای تو چیزی نیست انسان‌های بسیاری تمام قرآن را حفظ بودند و حتی در ماه رمضان هم یک دور قرآن را ختم می‌کردند و پدر خودشان را برایم مثال می‌زد و می‌گفت: اگر تو بگویی که نمی‌توانم در حق خودت جفا کرده‌ای، در حالی که انسان می‌تواند و اشرف مخلوقات است و من می‌دیدم که با تلاش بیشتر سوره را حفظ می‌شدم.

■ یعنی پدر و مادر تان از طریق ایجاد "باور توانستن" در شما مقدمات شناخت خودتان و توانایی‌هایتان را فراهم کردند؟

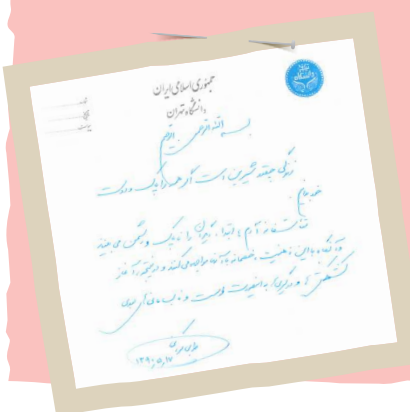
بله، همین‌طور است و اگر از دیدگاه کلان‌تر به این بحث نگاه کنیم؛ حضرت امام هم بامت ایران همین کار را کردند و باور "ما می‌توانیم" را در ما تقویت کردند که نتیجه آن پیروزی انقلاب بود. حتی یک فیلسوف آلمانی (نیچه) به همکارش می‌گفت: هر روز به من بگو تو گرگ هستی و مردم میش، منظورش این بود که هر روز قدرت مرا به من گوشزد کن. حتی روان‌شناسی جدید هم بر این مسئله اذعان دارد، که تأثیر تلقین بر آدمی شگفت‌انگیز است.

داده است؛ به‌طور خلاصه این‌هاست: قدرت صوری، متانت، سازگاری و هویت علم‌پذیری و... این‌ها همه هویت یک زن را می‌سازد؛ اما زن مسلمان هویت و بالندگی خاصی دارد. همه در جوامع غربی و حتی در ایران شاهد فعالیتهای موسسات گالوپ (تبلیغاتی) هستیم؛ متأسفانه کسانی هستند که به این مؤسسات اعتماد می‌کنند و کالای آن‌ها را مصرف می‌کنند و تحت تأثیر آنها هستند. برای من، این افراد قابل ترحمند؛ چون اختیاری از خود ندارند و محو تبلیغات و رنگ و لعاب دنیوی شده‌اند. اما در بینش اسلامی هویت یک زن مسلمان یک مؤلفه خاص دارد و آن اختیار اوست. در دین اسلام، به او گفته می‌شود که برای اصول دینت مجاز به تقلید نیستی و باید تحقیق کنی و تصمیم‌گیری و یا از ابتدا به او گفته می‌شود که تو یک موجود مختاری و اعمال تو محصول اراده توست و هیچ عملی از تو پذیرفته نیست مگر اختیار، این خودش در بالندگی و رشد معرفت و حقیقت در زن تأثیر دارد و مرز زن غربی که غالباً تحت تأثیر تبلیغات است با زن مسلمان در این جاست.

■ به‌عنوان آخرین سوال دو ویژگی یک زن موفق از نظر شما چیست؟

قناعت و رضایت. از آن جهت که هر دو به انسان آرامش می‌دهد.

■ در مورد این دو ویژگی توضیح می‌فرمایید؟
موفق شدن در هر امری با تمرین و تکرار حاصل می‌شود. شما فرض کنید انسان از صبح که امتحانات زندگی برای او شروع می‌شود؛ با رضایت برخورد کند و با گفتن جملاتی نظیر "مصلحت این‌طور است" و "من راضی هستم"، روح خودش را آرام کند و به داشته‌هایش سعی کند قانع باشد تا این خصوصیات برای او ملکه شود.



بسم الله الرحمن الرحيم
زندگی چقدر شیرین است اگر همه را پاک و دوست خود بدانیم.
متأسفانه آدم‌ها ابتدا دیگران را ناپاک و دشمن می‌بینند و آن‌گاه با این ذهنیت، خصمانه با آن‌ها مواجه می‌کنند و در نتیجه، آغاز کشمکش‌ها و درگیری‌ها به این صورت است و نابسامانی‌های بعدی.

طوبی کرمانی
۱۳۹۰/۵/۱۷

اولین زن ایرانی بورسیه شد. در کارنامه فعالیت‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
مدیر کل امور ایرانیان خارج از کشور سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی
عضو شورای مرکزی شورای فرهنگی اجتماعی زنان کشور
عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
رایزن فرهنگی ایران در یونان

مکتب نرجس علیهما السلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی مجدداً شروع به فعالیت کرده و اساسنامه آن تدوین و به ثبت رسید



مکتب خانه

گزارشی از مدرسه علمیه حضرت نرجس سلام الله علیها

تربیت زن مسلمان و عالم

فاطمه سادات جزایری

زنان همواره نقش بسیار مهمی در جایگاه‌های مختلف مادر، همسر، خواهر و... در رشد جامعه دارند و خصوصاً با توجه به این که امروزه آنان در مشاغل مهم اجتماعی و آموزشی نقش آفرین هستند می‌بایست در عرصه‌ی آموزش سهم ویژه‌ای را به آنان اختصاص داد، چرا که مهمترین رکن توسعه معنوی و مادی هر ملت سرمایه‌های انسانی آن است که بنیادی‌ترین اقدامات باید از طریق آموزش برگرفته از آموزه‌های الهی و تربیت متعالی افراد مستعد مصروف این سرمایه شود.



آن تدوین و به ثبت رسید. از ویژگی‌های بارز این مدرسه علمیه که ثمره تلاش‌های مرحومه استاد طاهایی است وجود فضای دوستانه و صمیمی بین اساتید و طلاب است که انگیزه و عشق به آموختن را در بین طلاب روز افزون کرده است.

این مؤسسه آغازگر یک فعالیت فرهنگی نو در حوزه‌های علمیه خاوران بوده و به منظور گسترش معارف دینی و تربیت طلبه، مدارس بسیاری را در سطح کشور پایه‌گذاری کرده است که عبارتند از: الف) سه مدرسه علمیه به نام‌های «فاطمه الزهرا» و «زهرا» و «زهرا اطهر» و «بیت الزهرا» در مشهد مقدس.

ب) مدارس علمیه در شهرستان‌های بیرجند، تربت جام، سبزوار، کاشمر، چمن آباد، فریمان،

واحد مرکزی مشهد با توفیقات الهی و توجهات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و با همت و تلاش استاد فاطمه خاموشی (طاهایی)، در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد و عملکرد خود را با تشکیل کلاس‌های دروس پایه حوزه آغاز کرده و به مرور زمان گسترش داد این مدرسه با توجه به فضای فکری و سیاسی جامعه آن دوران در راستای مبارزه با رژیم ستم شاهی با انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی گسترده نقش مهمی را در روشنگری افکار عمومی به خصوص جامعه بانوان ایفا نمود تا آنجا که فعالیت‌های رسمی مدرسه به مدت سه سال از طرف رژیم منحط پهلوی متوقف شد. مکتب نرجس (س) پس از پیروزی انقلاب اسلامی مجدداً شروع به فعالیت کرده و اساسنامه

حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه از دیرباز مسئول پاسداری از کبان اعتقادی جامعه اسلامی و دفاع از اصول و فروع دین مقدس اسلام بوده‌اند، می‌توان تأسیس حوزه علمیه برای بانوان و در نظر گرفتن مکانی که بتواند زمینه ساز رشد ایمانی، اعتلای فرهنگی و تربیت علمی زنان والا باشد که علاوه بر برخورداری از ویژگی‌های بایسته امروز برای یک زن مؤمن و مسلمان، بتواند به انجام رسالت حوزه علمیه شیعه در پاسخگویی به نیازهای دینی، آموزش و ترویج فرهنگ و معارف اسلامی بپردازد را ابتکاری موثر در راستای تعلیم و تربیت زنان جامعه دانست. در این راستا مدرسه علمیه نرجس علیها سلام





مدرسه علمیه نرجس در
رااندازی واحد رایانه، اینترنت
افتتاح سایت، راهاندازی واحد
پژوهش، شرکت در برنامه‌های
آموزشی تخصصی مانند
کمپیوتری کردن سیستم
کتابخانه پیشگام بوده است



عکس: فرامرز عامل بزرگبار



و تبلیغ و اشاعه فرهنگ اسلام متمرکز شده است. از آنجا که فعالیت کردن در این ابعاد مستلزم آگاهی از فن آوری روز است، مدرسه علمیه نرجس در راهاندازی واحد رایانه، اینترنت افتتاح سایت، راهاندازی واحد پژوهش، شرکت در برنامه‌های آموزشی تخصصی مانند کامپیوتری کردن سیستم کتابخانه پیشگام بوده است. لازم به ذکر است طلاب این مکتب همواره در مسیر پیروی از مقام والای ولایت حرکت کرده‌اند و هم اکنون نیز فعالیت‌های سیاسی مدرسه علمیه نرجس در تداوم خط رهبری و پیروی از ولایت فقیه ادامه دارد و حضور معنوی استاد طاهایی در تمام موقعیت‌های حساس چشمگیر و موجب تشویق و تحرک طلاب در عرصه سیاست روز و پیشرفت علمی و معنوی است.

خواهران حرکتی مثبت به شمار می‌آید به همت آن بانوی بافضیلت در حال حاضر تمام اساتید مکتب نرجس در درس تخصصی و علوم پایه همچون فقه، اصول، فلسفه، منطق، تفسیر علوم قرآنی... از دانش آموختگان مدرسه علمیه نرجس هستند. و در طی سال‌ها فقط در موارد نادر و برای تدریس سطوح عالی از اساتید حوزه آقایان استفاده شده است. یکی از ارکان مهم و عوامل توفیق آموزشی این مدرسه، اساتید برجسته‌ای هستند که هدایت و نظارت علمی و آموزشی طلاب و اداره گروه‌های درسی و آموزشی را بر عهده دارند و در حال حاضر حدود ۴۰ نفر دارای تحصیلات حوزوی، فوق لیسانس و دکترا در رشته‌های مربوط به مشغول به خدمت هستند. فعالیت‌های حوزه علمیه نرجس در سه بعد آموزشی، تحقیق

خواف، زاهدان، زابل، ایرانشهر. دامنه فعالیت‌های این مدرسه تا آنجا است که همواره در جهت جذب و تربیت طلاب جوان خارجی به منظور تبلیغ و نشر اسلام و صدور اسلام به جهان پیشگام بوده است. طلابی که از کشورهای پاکستان، چین، فرانسه، آمریکا، اندونزی، تایلند، حجاز، مالزی، عراق، افغانستان، کنگو، تاجیکستان، روسیه، بوسنی هرزگوین، برمه و آذربایجان و... در سال‌های ابتدایی تأسیس مدرسه علمیه نرجس، مسئولیت آموزش طلاب فقط به عهده مرحومه استاد طاهایی بود اما در دهه اخیر به علت مسئولیت‌ها و مشغله‌های فراوان استاد مسئولیت تدریس بر عهده جمعی از اساتید متعهد قرار گرفت. از آنجا که تلاش برای خودکفا کردن حوزه‌های علمیه

مصاحبه با منور شایسته خوی مدیریت مکتب نرجس علیهما السلام

ملیون استاد طاهایی هستیم

لایا اعتماد سعید

منور شایسته خوی که شاگردان خارجیش او را دکتر منور صدا می زنند، از شاگردان قدیمی استاد طاهایی است که امروز در نبود ایشان وظیفه مدیریت مکتب نرجس را به عهده گرفته است. سابقه فعالیت ایشان در امور تبلیغی به سال ها پیش باز می گردد. تسلط وی به زبان ملایو نکته مثبتی در جذب طلبه های کشورهای از جمله مالزی و اندونزی است. در ادامه متن گفتگوی ما با ایشان در مورد آشنایشان با سرکار خانم طاهایی و مدیریت مکتب نرجس را می خوانید.



نمی دانست بلکه همه را از ناحیه آستان مقدس پروردگار بر می شمرد. رمز موفقیت استاد اخلاص، از خود گذشتگی، ایثار، یقین و باور بود. استاد توحید مدار و توحید محور بود و از همه مهم تر درد دین و دغدغه های هدایت و تربیت انسان ها به ویژه بانوان را که مهم ترین عنصر جامعه سازی هستند، داشت.

استاد تکیه گاهشان خدا، قرآن و عترت بود و با علم ولایت چنان خود را متمسک به صاحبان ولایت کرد که لحظه ای از مسیر ایشان منحرف نگشت و زاویه پیدا نکرد. مهربانی، عطف، رأفت، حرص و ولع بر هدایت انسان ها با پشتوانه الهی او را انسانی خالی از توقع و انتظار نسبت به دیگران قرار داده بود. لذا همیشه صبر و شکر را توأمان داشت که محصول آن رضایت و تسلیم و تفویض بود و به مصداق این آیات حقیقتاً زندگی کرد و به حیات جاودانه نائل آمد.

الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا/ عنکبوت

افتخار شاگردی در مدرسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارم. به حول و قوه الهی و راهنمایی های بزرگوارانه استاد مرحومه تا اتمام سطح ۳ در حوزه توفیق حضور داشتیم و هم اکنون در آستانه ورود به تحصیلات در سطح خارج حوزه هستیم. تاکنون به حدود ۱۵ سفر تبلیغی در موسم حج و عمره و ۳ سفر تبلیغی به کشورهای مالزی و سنگاپور اهتمام داشته ام. و این نبود جز عنایت پروردگار و دعای حضرت ولی عصر علیه السلام و همت عالی استاد در پرورش شاگردانش.

■ به نظر شما چه ویژگی هایی در خانم طاهایی وجود داشت که امروز از ایشان به عنوان یک مبلغ موفق و نمونه یاد می کنند؟ به عبارت دیگر رمز موفقیت ایشان در عرصه تبلیغ را چه می دانید؟
استاد طاهایی همیشه خود را در محضر خدا و مدیون پروردگار می دانست و هیچ چیز را از خود

در ابتدا خواهشمندم برای خوانندگان ما کمی از خودتان بگویید و از این که از چه زمانی وارد فعالیت های تبلیغی شدید و این که سابقه آشنایی



شما با خانم طاهایی به چه زمانی بر می گردد؟

منور شایسته خوی متولد ۱۳۴۷ هستم. به لطف پروردگار و بستر مناسب خانوادگی اولین مرحله ورودم به حوزه و شاگردی استاد طاهایی در سن ۷ سالگی و حضور در مدرسه ابتدایی زیر نظر حوزه بود که با تأسف بسیار پس از گذشت ۳ ماه توسط ایادی ساواک بسته شد و دیدار ما با استاد، فقط منحصر شد به جلسات سخنرانی و روشنفکری در مورد زوایای پنهان انقلاب و تبیین ظلم ظالمان زمان. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی افتخار حضور در حوزه نصیبم شد و پروردگار عالمیان منت نهاد و زندگی پر بار و با ثمر من از سال ۱۳۶۵ آغاز شد و تا به امروز نیز



المثنای حضرت کوثر

شاعر: امیر حسین حیدری
تصویر ساز: منصوره علایی

از همان کودکی صلابت داشت
استوار و صبور و دلبر بود
بی مثل در بیان و در گفتار
در فصاحت علی دیگر بود
حین تفسیر آیه قرآن
هیبتی از خود پیمبر بود
هر کجایی برادرش می رفت
هر کجا، همراه برادر بود
این قرار همیشگیشان بود
تا نفس تا که عمر تا جان بود

تابش بی کرانی از حیدر
المثنای حضرت کوثر
یک نفر در ادامه عصمت
مانده جاز کسای پیغمبر
گوشه‌ای از نجابتش مریم
ذره‌ای از عفاف او هاجر
لحظه‌ای از نگاه او اعجاز
خلقتی ماورای هر باور
معنی آیه‌های قرآن است
قول و تقریر و فعل این دختر

آیه ۶۹

الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم
الملائكة / فصلت آیه ۳۰
ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم
الرحمن ودا / مریم آیه ۹۶
من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن
لنحیینه حیاة طیبه / نحل آیه ۹۷
ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق
عند ملک مقتدر / قمر آیات ۵۴ و ۵۵

■ از این که به عنوان جانشین ایشان و مدیریت مدرسه نرجس برگزیده شد چه احساسی دارید؟
مدیریت حوزه در واقع وظیفه خطیری است که به دوش اینجانب گذاشته شده است و قطعاً معتقدم این نبود مگر از ناحیه پروردگار چرا که او رب العالمین است و ما انسان‌ها تحت تربیت او؛ و خداوند بستر تربیت را این گونه برایم رقم زد. اما به واقع هر چه هم بکوشم نمی‌توانم قطره‌ای از اقیانوس زحماتشان را جبران کنم.

اما بر این باور هستم که حداقل می‌توانم حکم ریسمانی را داشته باشم که مهره‌های موثر تربیت شده استاد را به هم متصل گردانم و افتخار خدمت‌گذاری و کنیزی خانهای را دارم که به نام مادر حضرت ولی عصر (نرجس خاتون) مزین است و تا زمانی که او مقدر فرموده آماده به خدمت هستم.

وقتی خدمت مقام معظم رهبری رسیدم تا به ایشان معرفی شوم، فرمودند که خدا این امانت را به شما محول نموده است و با توکل به خدا شروع کنید و جلو بروید.

و در یک کلمه خدمت شما عرض کنم احساس خاصی ندارم چون تکلیف است و من هم مامور به تکلیف.

■ اگر بخواهید ویژگی‌های مدرسه نرجس را در چند جمله خلاصه کنید چه می‌گویید؟
مدرسه نرجس پایگاهی است برای گسترش و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و این پایگاه اکنون سر منشأ هزاران پایگاه بزرگ و کوچک در کشور و خارج از مرزهای کشور شده است.

■ سفارش جناب‌عالی به کسانی که در عرصه تبلیغات اسلامی فعالیت می‌کنند چیست؟
من چون خود به سفارش نیاز دارم، امیدوارم خودم و شما مصداق این آیه قرار بگیریم:
محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار
رحماء بینهم... / فتح آیه ۲۹



ساخت ضریح بارگاه حضرت مسلم علیه السلام

به گفته اسکندرپور خرمی، ساخت ضریح حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در جوار امامزاده سیدجعفر و سید حمیده خاتون علیهما السلام در روستای باغ فیض صادقیه تهران در حال انجام است.

او با اشاره به اینکه تا ۹ ماه دیگر ساخت ضریح حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام ادامه دارد، می گوید: ساخت این ضریح مطهر با مطابقت تمامی

ضریح بارگاه حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در روستای باغ فیض صادقیه تهران در حال ساخت است و قرار است تا نه ماه دیگر آماده شده و به عراق فرستاده شود.

قلمزن این ضریح، پرویز اسکندرپور خرمی است که چندین اثر در موزه های آستان قدس رضوی، امام خمینی رحمت الله علیه، شهدا و معاصر از او وجود دارد.

به صورت آنلاین، به زودی در پایگاه اطلاع رسانی حجت الاسلام حسین انصاریان (عرفان) ارائه می شود. این نرم افزار با همت همکاران مرکز تخصصی فعالیت های قرآنی دارالمعارف الشیعی و کارشناسان بخش پایگاه های اطلاع رسانی این مرکز به مناسبت ماه مبارک رمضان در فضای اینترنتی قرار گرفته است. به گفته مدیر دارالمعارف الشیعی، این نرم افزار تحت وب و به صورت آنلاین، با قابلیت جستجوی پیشرفته، تمام متن قرآن را با پنج نوع خط، هفت نوع رنگ و پنجاه درجه اندازه دلخواه برای فونت ها و در قالب گرافیکی چشم نواز در اختیار کاربران اینترنتی قرار می دهد.



کمک رهبر معظم انقلاب به زندانیان نیازمند و قحطی زدگان سوماتی

حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، همزمان با بیست و یکمین جشن گلریزان ویژه کمک به آزادی زندانیان نیازمند کشور، هشتصد میلیون ریال به ستاد دیه کمک کردند. جشن گلریزان هر سال به همت ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند برگزار می شود.

مدتی قبل هم مقام معظم رهبری در پی بروز فاجعه انسانی در کشور سوماتی، دویست میلیون ریال به قحطی زدگان این کشور کمک کردند.



با تدوین اساسنامه جدید؛ هیئت های مذهبی کشور حمایت می شوند

طبق آخرین پیگیری های به عمل آمده از طرف شورای هیئت های مذهبی کشور با تعدادی از مسئولان کشوری و با تدوین اساسنامه این شورا، هیئت های مذهبی به زودی تقویت خواهند شد.

حجت الاسلام و المسلمین روح الله دریکوند، رئیس شورای هیئت های مذهبی کشوری می گوید: طبق آخرین پیگیری های به عمل آمده شورا، با تدوین اساسنامه جامع و ملاقات صورت گرفته با وزیر کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان حج و سایر مسئولان کشوری، به زودی هیئت های مذهبی کشور مورد حمایت قرار گرفته و مشکلات آن ها رفع خواهد شد.



ارائه قرآن کریم به پنجاه زبان زنده دنیا در فضای مجازی

به منظور ترویج و توسعه قرآن کریم در فضای سایبری و ایجاد امکان برای مسلمانان کشورهای مختلف جهان، جامع ترین صفحه قرآنی در فضای مجازی در قالب نرم افزار قرآن کریم به پنجاه زبان زنده دنیا با یک صد نوع ترجمه

سخنگوی شورای مرکزی هیئات مذهبی، در عین حال از برگزاری مسابقات قرآنی در سطح مساجد و هیئاتهای مذهبی استان قم در ماه مبارک رمضان خبر می‌دهد. این مسابقات در رشته‌های قرائت، تفسیر، تدبیر در قرآن کریم، روخوانی و روان‌خوانی و حفظ برگزار می‌شود.



افتتاح دانشگاه اختصاصی علوم قرآنی

در حال حاضر حدود ۲۵۰۰ طلبه حافظ قرآن کریم و یک حوزه علمیه قرآنی ویژه خواران و برادران و مدارس ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان ویژه آموزش قرآن در سطح کشور فعال هستند.

بر این اساس قرار است به زودی دانشگاه اختصاصی علوم قرآنی برای قرآن آموزان افتتاح شود. به گفته رییس جامعه القرآن کشور، نزدیک به ۲۰۰ هزار قرآن آموز و قاری به صورت حرفه‌ای و نیمه حرفه‌ای در کشور فعالیت دارند و تاکنون در نقاط مختلف کشور، خیرین بیش از ۶۰ هزار مترمربع زمین برای احداث جامعه القرآن اهدا کرده‌اند.

حجت الاسلام سید محمد مهدی طباطبایی می‌گوید: خیرین ۸۰ درصد هزینه ساخت جامعه القرآن را که ۸۰ میلیارد ریال است، برعهده گرفته‌اند. دولت نیز ۲۰ درصد آن را متقبل شده است.

قابل توجه است که امروز ششصد مرکز جامعه القرآن در کشور فعال است و پنجاه مدرسه قرآنی غیردولتی و خصوصی در سطح کشور فعالیت دارند.



صفین، جوانمرد قصاب و عمر بن عبدود، در ماه مبارک رمضان در محوطه بیرونی خانه هنرمندان ایران و تماشاخانه ایرانشهر برگزار می‌شود.

قرار است گروه‌های فعال هنری تهرانی و شهرستانی در قالب هنرمندان موافق خوان و مخالف خوان به صورت زنده این تعزیه‌ها را اجرا کنند.



جشنواره قرآنی، فرهنگی و ورزشی هیئات مذهبی در قم

ماه مبارک رمضان، بهترین فرصت برای اجرای برنامه‌های فرهنگی، قرآنی و ورزشی است. استان قم هم به لحاظ ویژگی‌های مذهبی و دینی مردم این شهر، در ماه مبارک رمضان جلسات قابل توجهی پیرامون قرائت قرآن کریم برگزار می‌کند.

در همین زمینه شورای مرکزی هیئات مذهبی با آسیب‌شناسی که انجام داده، از تعدادی از جلسات قرآنی در بعضی نقاط قم حمایت می‌کند. این شورا، امسال با شناسایی و حمایت ۱۱۰ هیئت در این استان و به ویژه در مناطق محروم، قصد تقویت هیئات‌ها را دارد.

محمد جواد آل احمد، سخنگوی شورای هیئات مذهبی استان قم، در این مورد می‌گوید: منتخبان یکصد و ده هیئت ثبت شده و رسمی در استان قم، جشنواره قرآنی، فرهنگی و ورزشی هیئاتهای مذهبی را برگزار کرده‌اند.



«دعا، از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» منتشر شد

انتشارات انقلاب اسلامی، مجموعه بیانات رهبر انقلاب را درباره دعا منتشر کرد.

«دعا، از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» در ۱۴۰ صفحه و پنج فصل در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

مراسم رونمایی از این کتاب هم دهم مرداد ماه به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی در کتابخانه پارک شهر برگزار شد.

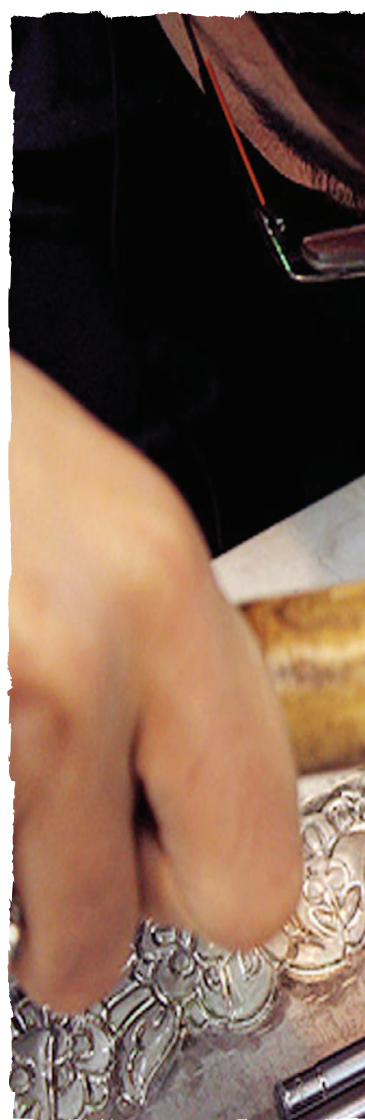
«معانی دعا، اجابت و ذکر»، «اهمیت دعا و ذکر»، «شرایط دعا، شروط اجابت»، «فوائد و دستاوردهای دعا» و «در دعا از خدا چه بخواهیم؟» عناوین پنج فصل این کتاب هستند که به همت علی رضا بزازش تدوین و گردآوری شده است.



برگزاری مراسم تعزیه خوانی

مراسم تعزیه خوانی توسط بهترین گروه‌های تعزیه خوان ایران برگزار می‌شود.

معاون اجرایی مجموعه تماشاخانه ایرانشهر می‌گوید: در این مراسم، مجالس تعزیه حربن یزید ریاحی، فضل و فتاح، جنگ



ضریح‌های دیگر در اماکن مقدسه و با تابعیت اصالت‌های اسلامی انجام می‌شود و تزئین کاری آن با معانی بلند شیعی همنشین شده است.

این قلم‌زن مطرح کشور با داشتن آثاری مثل گل محمدی، یاس، شقایق و نرگس معتقد است: مردم ایران عشق و ارادت خاصی به ائمه اطهار علیهم السلام و بازسازی عتبات عالیات دارند و اینجای بسی تقدیر است.



نخل گردانی شاهرود در فهرست آثار ملی ثبت شد

محرم در شهر شاهرود هم نخل گردانی است که به گفته مدیر کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان سمنان به دلیل قدمت ۱۵۰ ساله این مراسم و بزرگی اندازه و شکل نخل، در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

در شهر شاهرود بنا بر رسم قدیم، هر سال در روز یازدهم محرم سوگواران حسینی، نخل سیاهپوش شده را از مقابل مسجد پای نخل تا قبرستان قدیمی شهر

نخل، نمادی از تابوت پیکر مطهر امام حسین علیه السلام است که به عنوان یکی از روش های عزاداری در ماه محرم با عنوان نخل گردانی استفاده می شود.

هر سال در ایام عزاداری ماه محرم به خصوص در روزهای تاسوعا و عاشورا، در بسیاری از نقاط کشور این نشانه عزاداری توسط شیعیان حمل می شود و به این شکل سوگواری می کنند.

یکی از شیوه های عزاداری ماه

هیئات مذهبی کشور، که اخبار جدیدی از برنامه های این شورا دارد، می گوید: قرار است به زودی نشریه شورای هیئات مذهبی چاپ و در سطح کشور توزیع شود. این نشریه شامل برنامه ها، دستاوردها و اطلاعاتی از هیئت های فعال خواهد بود.

موسوی در عین حال خواستار تشکیل شورای حل اختلاف هیئات مذهبی در استان ها شده است تا از این طریق، مشکلات و اختلافات میان تعدادی از هیئت های مذهبی به حداقل ممکن برسد.



جشنواره ویلاک نویسی قرآنی

مدتی است که فرهنگ سرای قرآن آغاز به ثبت نام از ویلاک های قرآنی به منظور شرکت در جشنواره ویلاک نویسی قرآنی این فرهنگ سرا کرده است.

با توجه به تمایل دانشجویان فرهنگ سرای قرآن و علاقمندان به فعالیت در این حوزه، معاونت برنامه ریزی این فرهنگ سرا قصد برگزاری کارگاه آموزشی ویلاک نویسی قرآنی را دارد.

قرار است در این کارگاه که همراه با نمایش اسلایدهای مربوطه و عملی باشد، علاقمندان به یادگیری نحوه ساخت ویلاک، ویرایش قالب ها و اضافه و حذف نمودن بخش ها و همچنین انتخاب موضوع قرآنی مناسب برای ویلاک خود بپردازند.



تهیه پرده های درب حرم جوادین علیهما السلام در ایران

پرده های درب باب المراد حرم مطهر امامین جوادین علیهما السلام توسط هشت بانوی هنرمند اصفهانی در حال دوخت است و قرار است تا دو ماه آینده برای نصب در ورودی این حرم، به عراق ارسال شود.

این پرده با ابعاد چهار در چهار متر با استفاده از پارچه درجه یک ترمه سبز یزد، ملیله اصل، سنگ های قیمتی و مروارید اصل، به نام های جوادالائمه و موسی بن جعفر علیهما السلام مزین می شود.

قابل توجه است که این پرده با هزینه کمک های مردمی به ستاد بازسازی عتبات عالیات استان اصفهان دوخته می شود.



تشکیل بانک اطلاعاتی شورای هیئات مذهبی

شورای هیئات مذهبی استان ها به دنبال تشکیل بانک اطلاعاتی است تا تمام آمار هیئات مذهبی کشور در سائیتی که به همین منظور طراحی می شود، قرار بگیرد.

سید افضل موسوی، دبیر شورای

■ اخبار کوتاه ■

اعزام طلبه ها به مدارس

یک هزار طلبه حوزه های علمیه به دو هزار مدرسه استان تهران اعزام می شوند تا دانش آموزان را با مفاهیم اسلامی آشنا کنند.

میهمان امامزاده

آستان امام زادیه حبی علیه السلام از ششم مرداد ماه میزبان هیئت انصار الزهر اسلام الله علیها است و برنامه های خود را در طول ماه رمضان در این امامزاده برگزار می کند.

طرح تلاوت قرآن

تشکیل های دینی اداره کل تبلیغات اسلامی استان اصفهان، امسال طرح تلاوت و قرائت قرآن کریم را همزمان با ماه رمضان، در ۲۰۰ هیئت مذهبی این استان آغاز کرده است.

فرشته های کوچک

جشنواره فرشته های کوچک در ۳ بخش کارگاه آموزشی، قرآن بخوانید جایزه بگیرید و بخش روزهداران کله گنجشکی برگزار می شود.

مسابقات قرآن امارات

هفتمین دوره مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم با نام «مزامیر آل داود» در منطقه شارجه امارات برگزار می شود. شرکت کنندگان در این مسابقات در رشته حفظ جزء ۳۰ قرآن کریم و قرائت سوره «قی» بایکدیگر رقابت می کنند.

است. مخالفان، ساخت این مسجد را اهانتی به خانواده های قربانیان یازدهم سپتامبر دانسته می خواهند پروژه ساخت این مسجد به محل دیگری منتقل شود. در مقابل، مسلمانان هم بارها تصریح کرده اند که آن ها نیز خانواده، اقوام و نزدیکان خود را در این حملات تروریستی از دست داده اند و این حملات ارتباطی به جامعه مسلمان ندارد.



اقدامات ویژه عربستان برای زائران عمره

هر سال در ماه مبارک رمضان، تعداد زائران عمره برای زیارت خانه خدا افزایش می یابد. عربستان برای رمضان امسال حدود چهار و نیم میلیون ویزا صادر کرده و مسئولان این کشور طرح های ویژه ماه رمضان را به منظور اطمینان از رفاه و آسایش نمازگزاران و زائران عمره اجرایی کنند. خدمات ضروری برای تسهیل ورود و خروج نمازگزاران به مسجد الحرام یکی از طرح هایی است که برای ماه رمضان در پیش گرفته شده. بر اساس این طرح، ضمن تأمین آرامش نمازگزاران هنگام انجام آداب ماه رمضان و نیایش، خدماتی در زمینه امور دینی، مطالعات فقهی، توزیع قرآن و کتاب های راهنما ارائه می شود. تمام درهای مسجد الحرام به شدت برای ممانعت از بردن مواد خوراکی به داخل کنترل می شود و علائم راهنمایی در داخل مسجد الحرام و محوطه های اطراف نصب شده است. ۱۶۰ شیر آب زمزم در محوطه طواف و بخش قدیمی حرم قرار داده شده است.



ساخت مسجد بر خرابه های ۱۱ سپتامبر

مدتی است که قرار شده در نزدیکی محل انفجارهای یازدهم سپتامبر، مرکز اسلامی و مسجد بزرگ نیویورک بنا شود. اما تا به حال بر سر این پروژه، مناقشات و کشمکش های زیادی به وجود آمده و با اعتراض ساکنان نیویورک و حتی برگزاری تظاهرات در سراسر ایالات متحده مواجه شده است. مسئله اصلی که علت این مخالفت هاست، نسبت کاذب اسلام با رویدادهای یازدهم سپتامبر عنوان می شود. در چنین شرایطی، مدیرعامل شرکت ساختمانی که مسئول پروژه است، اعلام کرده که قصد دارد با پیگیری و تلاش های جدی این پروژه را به اجرا درآورد.

این پیگیری تا آنجا است که شریف الجمال، مدیرعامل شرکت ساختمانی و املاک سوهو، ستادی را برای جمع کردن هزینه ساخت مسجد راه اندازی کرده تا بتواند از پروژه حمایت کند. او مهلت ارائه کمک توسط مسلمانان را روز ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور ماه)، یعنی یک روز پیش از دهمین سالگرد حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ اعلام کرده است. در این میان برخی مدعی ارتباط این تاریخ با سالگرد انفجارهای یازدهم سپتامبر شده و الجمال را متهم کرده اند.

الجمال هم با تکذیب هر گونه ارتباطی، می گوید: تاریخ تعیین شده به عنوان یک محرک و انگیزه برای مسلمانان در نظر گرفته شده



حمل می کنند.

بعد از گذاشتن نخل بر روی زمین و قرار گرفتن طوق و دیگر نشانه های در اطراف آن، دسته ها و هیئت های مذهبی هر یک برای دقایقی به ترتیب در مقابل نخل مشغول عزاداری می شوند.

پس از خواندن نوحه و سخنرانی توسط یکی از وعاظ، نخل در میان فریاد یا حسین علیه السلام عزاداران حرکت داده شده و به محل اولیه برگردانده می شود.



...راه باز است

چشم‌هایم، تو را می‌بینند

زهرانوری لطیف

بوده و خواسته بوده که خدا این چشم‌ها را تا جمعه آمدن آقا از این مردم نگیرد.

مادر بزرگم خیلی پیش ما نماند و من روحانی‌ترین خاطره شفافی که از او دارم، همین محبت آمیخته به احترام است، وقت دیدن یک سید ناشناس... بعدتر و حتی تا حالا، ما هنوز هم وقتی سید معمم می‌بینیم، صلوات می‌فرستیم و تسوی شلوغی خیابان با چشم دنبالش می‌کنیم. بعد وقتی گمش می‌کنیم، می‌شویم مثل وقت‌هایی که چیز مهمی را گم کرده‌ایم و کلافه می‌شویم.

وقت‌هایی که بد می‌شوم و همه چیز خسته ام می‌کند و حتی نفس کشیدن هم برایم سخت می‌شود و دلم لک می‌زند برای معنویت دم دستی و ساده، می‌روم کمی دور تر از کوچه و توی خیابان می‌ایستم، شاید لباسی یک سید ناشناس را پوشیده باشی، بیایی، رد شوی از حوالی خانه ما، من بینم، به احترام صلوات بفرستم و این دل مکرر، روشن شود و این چشم‌ها، سو بگیرد...

می‌رود، به امید اینکه شاید این سید ناشناس که دارد از خیابان می‌گذرد یا توی پیاده رو قدم می‌زند، یا جلوی دکه گل‌فروشی دست می‌کشد به نرمی محبوب گلها، به قول خودش صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

برایم همان جا گفت که وقتی دختر بچه کوچکی بوده، قدم‌هایش را تند می‌کرده و پشت سر آقا سید می‌رفته تا ببیند توی کدام کوچه می‌پیچد و از کدام گذر می‌گذرد. بعدتر وقتی سر گذاشته بودم روی پایش و دست کشیده بود به سرم شنیدم که گفت ما صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌بینیم. گفت که آقا روضه خوان مسجد سید ولی، یکی از شب‌های احوای بچگی‌های مادر بزرگم گفته بوده که چشم‌های ما به خاطر دیدن صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سو دارد که نور دارد که نمی‌شود روزها یکی یکی ببینند و بروند و ما آقا را نبینیم. وقت قرآن سر گرفتن و سر بالحجه گفتن مردم، گفته بوده که چشم‌هایی که آقا را نمی‌بینند کور می‌شوند. که گریه کرده بود بالای منبر و گفته

چند ساله بودم، نمی‌دانم، اما هنوز مدرسه نمی‌رفتم. شاید هم می‌رفتم و هنوز درس و مشق‌ها شروع نشده بود. نمی‌دانم. چون در خاطره من اثری از کتاب و کیف و دفتر نیست.

اما این را خوب یاد می‌آید که مادر بزرگم، دست مرا محکم توی دستش گرفته بود و آرام، باهم از کنار پیاده رو می‌رفتیم به طرف نانوايي دم‌خانه‌شان - که بعدها خرابش کردند و افتاد سر خیابان - داشتیم باهم حرف می‌زدیم و می‌رفتیم که نگاهش افتاد به سیدی روحانی که داشت از عرض خیابان رد می‌شد. زیر لب تند تند صلوات فرستاد و مرد را با چشم دنبال کرد. وقتی دلیل کارش را پرسیدم، شنیدم که مادر مادرش سپرده بوده به بچه‌ها و نوه‌هایش که هر وقت آقا سیدی را دیدند صلوات بفرستند. از آن به بعد هم او هر بار سیدی که شال سبز به کمر بسته بوده یا عرقچین سبز به سر داشته و شال سبز دور گردنش می‌انداخته یا روحانی با عمامه مشکی می‌دیده، صلوات می‌فرستاده و رد قدم‌های سید ناشناس را می‌گرفته تا ببیند کجا